

بسم الله الرحمن الرحيم



دانشکده اصول الدین - قم

گروه فقه مقارن و حقوق عمومی اسلامی

پایان نامه کارشناسی ارشد

عنوان

بررسی تطبیقی حق انتقال تابعیت مادر به فرزند در فقه امامیه و نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران

استاد راهنما:

جناب آقای دکتر احمد رضا توحیدی

نگارش

مأنده جاہد

زمستان ۱۳۹۷



كلية اصول الدين- قم
قسم الفقه المقارن والحقوق العمومي الاسلامي
رسالة ماجستير

عنوانها
دراسة مقارنة للحق في نقل الجنسية من الأم إلى الطفل في فقه
الإمامية والنظام القانوني لجمهورية إيران الإسلامية

الاستاذ المشرف
د. توحيدى

إعداد
مأئده جاهد

شتا 1439

تقدیم

به حضرت ولی العصر علیه السلام که هر آنچه دارم از وجود مهربانی ایشان است .

و پدر زحمت کش، مشوق، بردبار و حامی ام

و مادر مهربانم که زندگیم را مدیون مهر و عطوفت آن می دانم

و همسرم که نشانه لطف الهی در زندگی من است.

و برادرم همراه همیشگی و پشتوانه زندگیم

سپاس

سپاس بیکران پروردگار یکتا را که هستی مان بخشید و به طریق علم و دانش رهنمونمان شد و به همنشینی رهروان علم و دانش مفتخرمان نمود و خوشه‌چینی از علم و معرفت را روزیمان ساخت.

بسیار ارزشمند بود فرصت‌هایی که توانستم از محضر استاد بزرگوارم جناب آقای دکتر توحیدی که همواره دلسوزانه و با جدیت، راهنما و راهگشای من در اکمال و اتمام پایان‌نامه بوده است و از رهنمودهای جناب آقای دکتر رصافی که مدیریت گروه رشته‌ی تحصیلی بنده را برعهده داشتند، بهره‌گیرم و از آنان صمیمانه تشکر می‌نمایم.

چکیده

در طول سالیان اخیر تعداد زیادی از اتباع بیگانه به علت شرایط نامساعد سیاسی، امنیتی و اجتماعی در کشور خودشان به خاک ایران مهاجرت کرده و در این مرز و بوم اقدام به ازدواج با زنان ایرانی نموده‌اند. به علت ضعف و ابهام در قواعد تابعیت اطفال مولود این ازدواج‌ها علیرغم تولد از مادر ایرانی و تولد در خاک ایران، ایرانی محسوب نمی‌شوند و از این منظر این کودکان دچار مشکلات عدیده‌ای می‌باشند. اما در رویکردی دیگر قانون‌گذار در سال ۸۵ اقدام به اصلاح قوانین تابعیت به منظور مصائب این قشر نمود لیکن با وجود تصویب ماده واحده‌ای به همراه ۲ تبصره در این خصوص هنوز مشکلات زیادی در مسیر زندگی این افراد وجود دارد. اقدام نافرجام مجلس شورای اسلامی در سال ۱۳۹۱ جهت اصلاح ماده واحده‌ی مصوب ۱۳۸۵ با نواقصی از سوی شورای نگهبان روبه رو شد که در هر دو بار به علت نقص و یا عدم پیش بینی منابع مالی طرح با ایراد قانون اساسی شورای محترم نگهبان مواجه و رد شد و البته در اصلاح و اقدام بعدی یعنی تیرماه ۱۳۹۶ یک فوریت طرح اصلاح موادی از قانون تابعیت که یکی از بندهای آن مربوط به فرزندان حاصل از مادر ایرانی و پدر غیر ایرانی است تصویب شد که به موجب این لایحه فرزندان حاصل از این ازدواج، تا قبل ۱۸ سالگی به درخواست مادر و پس از ۱۸ سالگی به درخواست خودشان می‌توانند تقاضای تابعیت ایرانی کرده و شناسنامه ایرانی بگیرند اما هنوز کمیسیون مشترک برای بررسی این طرح مشخص نشده است. به نظر می‌رسد که اصلاح این ماده واحده ضرورتی انکارناپذیر جهت همگام شدن با نیازهای امروز جامعه ایرانی و بین المللی می‌باشد. با این توصیف در این پایان نامه با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی و بهره گیری از روش کتابخانه‌ای در مطالعه منابع اسلامی و حقوقی ایران، سعی شده است به موضوع تابعیت فرزندان، زنان ایرانی با مردان خارجی مورد توجه و تحلیل قرار بگیرد.

واژگان کلیدی: تابعیت، مادر، پدر بیگانه، فرزند، نظام حقوقی ایران

عنوان	صفحه
مقدمه	۱
فصل اول: کلیات و مفاهیم	۳
۱-۱. بیان مسأله تحقیق	۵
۳-۱. پیشینه تحقیق	۶
۴-۱. سوالات تحقیق	۷
۱-۴-۱. سؤال اصلی تحقیق	۷
۲-۴-۱. سوالات فرعی تحقیق	۷
۵-۱. فرضیه‌های تحقیق	۷
۶-۱. روش تحقیق	۷
۷-۱. سازماندهی تحقیق	۷
مفهوم شناسی و بایسته‌های موضوع	۸
۸-۱. مفهوم شناسی	۸
۱-۸-۱. مفهوم تابعیت	۸
۱-۱-۸-۱. تعریف لغوی واصطلاحی تابعیت	۸
۲-۸-۱. تعریف مادر حکمی و مادر جانشینی	۱۲
۳-۸-۱. نظام حقوقی	۱۲
۴-۸-۱. اتباع و بیگانگان	۱۳
۵-۸-۱. مصلحت حقوق کودک	۱۴
۹-۱. بایسته‌های موضوع	۱۶
۱-۹-۱. تاریخچه تابعیت و اعطای تابعیت به فرزندان از طریق مادر در ایران	۱۶
۲-۹-۱. اقسام تابعیت و آثار ناشی از آن	۱۹
۱-۲-۹-۱. تابعیت اصلی	۲۰
۲-۲-۹-۱. تابعیت اکتسابی	۲۲
۱-۲-۲-۹-۱. تابعیت ایران به واسطه‌ی ایرانی بودن پدر	۲۳

ب/ بررسی تطبیقی حق انتقال تابعیت مادر به فرزند در فقه امامیه و ...

- ۱-۹-۲-۲-۲. شروط تابعیت ایران ۲۴
- ۱-۹-۲-۲-۳. تابعیت ایران بواسطه تولد در ایران ۲۵
- ۱-۹-۳. تابعیت کودکان در سایر کشورها ۲۸
- ۱-۹-۳-۱. تابعیت در برخی کشورهای آسیا و اقیانوسیه ۲۹
- ۱-۹-۳-۱-۱. تابعیت در افغانستان ۲۹
- ۱-۹-۳-۱-۲. تابعیت در ارمنستان ۲۹
- ۱-۹-۳-۱-۳. تابعیت امارات متحده عربی ۳۰
- ۱-۹-۳-۱-۴. تابعیت در بحرین ۳۰
- ۱-۹-۳-۱-۵. تابعیت در پاکستان ۳۰
- ۱-۹-۳-۱-۶. تابعیت در چین ۳۰
- ۱-۹-۳-۱-۷. تابعیت در مالزی ۳۱
- ۱-۹-۳-۱-۸. تابعیت در ژاپن ۳۱
- ۱-۹-۳-۱-۹. تابعیت در کره شمالی ۳۱
- ۱-۹-۳-۱-۱۰. تابعیت در کره جنوبی ۳۲
- ۱-۹-۳-۱-۱۱. تابعیت در استرالیا ۳۲
- ۱-۹-۳-۲. تابعیت در برخی کشورهای آمریکا و اروپا ۳۲
- ۱-۹-۳-۲-۱. تابعیت در آمریکا ۳۲
- ۱-۹-۳-۲-۲. تابعیت در کانادا ۳۲
- ۱-۹-۳-۲-۳. تابعیت در آلمان ۳۳
- ۱-۹-۳-۲-۴. تابعیت در انگلستان ۳۳
- ۱-۹-۳-۲-۵. تابعیت در ایتالیا ۳۴
- ۱-۹-۳-۲-۶. تابعیت در سوئیس ۳۴
- ۱-۹-۳-۲-۷. تابعیت در فرانسه ۳۴
- ۱-۹-۳-۲-۹. تابعیت در هلند ۳۴
- ۱-۹-۴. آثار حقوقی تحصیل تابعیت ۳۵
- ۱-۹-۴-۱. آثار حقوقی عام تابعیت ۳۵
- ۱-۹-۴-۲. آثار حقوقی خاص تابعیت ۳۶

فهرست مطالب/ج

فصل دوم: نگاه فقه در اعطای تابعیت مادر به فرزند	۴۳
۱-۲. بررسی مبانی فقهی اندیشه انتقال تابعیت از مادر به فرزند	۴۵
۱-۱-۲. طفل مشروع	۴۵
۱-۱-۱-۲. مشروع واقعی	۵۰
۱-۱-۱-۲. تلقیح مصنوعی	۵۱
۱-۱-۱-۲. مشروع حکمی	۵۲
۱-۲. طفل نامشروع	۵۳
۱-۲-۱. طبعی (زنا)	۵۳
۱-۲-۲. تلقیح مصنوعی	۵۴
۱-۲. مفهوم تابعیت در دین مبین اسلام	۵۸
۱-۲. ازدواج با بیگانگان از منظر دین اسلام	۶۳
خلاصه فصل دوم	۶۸
فصل سوم: تابعیت در قوانین داخلی، معاهدات و کنوانسیونهای بین المللی	۶۹
۱-۳. نظام حقوقی ایران و مساله تابعیت	۷۱
۱-۱-۳. اماره تابعیت در حقوق ایران	۷۱
۱-۳. موارد تابعیت براساس سیستم خاک و خون	۷۲
۲-۳. سیر تحول انتقال تابعیت از مادر به فرزند در مقرره های نظام حقوقی ایران	۷۴
۱-۲-۳. اصول حاکم بر تابعیت زنان شوهردار	۷۵
۳-۳. رویه حقوقی و قضایی انتقال تابعیت از مادر به فرزند در نظام حقوقی ایران	۷۶
۱-۳-۳. بررسی نوع روابط فی ما بین زوجین	۷۷
۱-۱-۳-۳. خارجی بودن زن از دیدگاه قانون ایران	۷۷
۲-۱-۳-۳. ایرانی بودن زن از دیدگاه قانون ایران	۷۸
۲-۳-۳. شرایط اعطای تابعیت به کودکان	۷۹
۳-۳-۳. تابعیت اطفال متولد در ایران از مادران ایرانی	۸۰
۴-۳-۳. ماده ی ۱۰۶۰ قانون مدنی (اخذ مجوز از دولت)	۸۲
۵-۳-۳. مشکلات ماده واحده و ضرورت اصلاح آن	۸۳
۶-۳-۳. رویه قضایی	۸۶
۴-۳. انتقال تابعیت از مادر به فرزند و مبانی حقوق بشری نظام حقوقی ایران	۹۰

۳-۴-۱. تعریف کودکان	۹۱
۳-۴-۲. ایران و کنوانسیون حقوق کودک	۹۱
۳-۴-۳. اسناد حقوق بشر و تابعیت کودکان	۹۴
۳-۴-۳-۱. کنوانسیون جهانی حمایت از کودکان و زنان	۹۴
۳-۴-۳-۱-۱. کنوانسیون حقوق کودک	۹۵
۳-۴-۳-۲. میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی	۹۷
۳-۴-۳-۳. کنوانسیون رفع هر گونه تبعیض علیه زنان در تابعیت	۹۸
۳-۴-۴. زن و حق تابعیت	۱۰۱
۳-۵. بایسته های تقنین در زمینه انتقال تابعیت از مادر به فرزند	۱۰۳
۳-۵-۱. سوابق بحث هدف نمایندگان از طرح موضوع	۱۰۴
۳-۵-۱-۱. سوابق طرح ماده واحده	۱۰۴
۳-۵-۱-۲. هدف نمایندگان از طرح ماده واحده	۱۰۵
۳-۵-۲. دلایل مخالفین طرح	۱۰۶
۳-۵-۲-۱. دلایل موافقان طرح	۱۰۷
۳-۵-۲. طرح اصلاح برخی از قوانین مربوط به تابعیت در سال ۱۳۹۷	۱۰۸
۳-۵-۲-۱. عدم توجه به نقش مادر در هر دو سیستم خاک و خون	۱۰۹
۳-۵-۳. دلایل مخالفت شورای نگهبان با اصلاحیه ماده واحده	۱۱۰
۳-۵-۴. دکرترین حقوق بین الملل خصوصی در زمینه اعطای تابعیت مادر به فرزند	۱۱۱
۳-۵-۵. تبعیض بین زن ایرانی و زن خارجی	۱۱۳
خلاصه ی فصل سوم	۱۱۷
نتیجه گیری	۱۲۱
پیشنهادهات	۱۲۴
ضمائم	۱۲۵
فهرست منابع	۱۵۱

مقدمه

«تابعیت» و مسائل پیرامون آن از جمله مفاهیم و موضوعاتی است که امکان بررسی در دانش‌های مختلفی از جمله علوم سیاسی، جامعه‌شناسی و حقوق را دارند. امروزه به طور مشخص از تابعیت و مقررات مربوط به آن در «حقوق بین الملل خصوصی» بحث می‌شود. تابعیت و به طور کلی مسائل و موضوعات حقوق بین الملل خصوصی در اثر شکل‌گیری فهم نوینی از پدیده «مرز» و «حاکمیت» به وجود آمده است تا به آنجا که برخی حقوق بین الملل خصوصی را به شعبه‌ای از حقوق موضوعه، که روابط افراد را در زندگی خصوصی، به موجب پدیده مرز تنظیم می‌کند، تعریف کرده‌اند. براین اساس اگر مساله‌ی مرزها و تفاوت حاکمیت‌ها وجود نداشت، تابعیت مفهوم امروزی خود را پیدا نمی‌کرد و دلیلی برای طرح مباحث پیرامون آن وجود نداشت.

در کنار حقوق موضوعه بین الملل خصوصی، فقه اسلامی که عهده دار تبیین و کشف حکم شرعی و یا تعیین وظیفه مکلفین در زندگی فردی و اجتماعی می‌باشد، نیز باید با روش و فرایند پژوهشی خاص خود به برخی از این مسائل بپردازد؛ توضیح آنکه برخی از مسائلی که در زمینه تابعیت وجود دارد در منظومه فقه اسلامی و اصول و سنجه‌های حاکم بر آن با چالش و بازخوردهایی متفاوت از آنچه معهود بحث‌های حقوق بین الملل خصوصی است، روبرو است. برای مثال اگرچه بحث و بررسی از «اصل تغییر تابعیت» و «تابعیت اکتسابی» در حقوق بین الملل خصوصی تنها با دغدغه حقوقی روبرو است ولی در فقه اسلامی و «فقه بین الملل خصوصی» بحث از این مسائل با توجه به اصول و سنجه‌های حاکم بر منظومه فقه اسلامی در ساحت‌های چون روایی تغییر تابعیت دولت اسلامی یا اکتساب تابعیت دولت‌های غیر اسلامی نیز پی گرفته می‌شود.

تابعیت که واژه‌ای است عربی در لغت به معنی پیروی، فرمانبرداری و اطاعت استدر اصطلاح عبارت است از رابطه و تعلق حقوقی، سیاسی و معنوی یک شخص حقیقی و یا یک شخص حقوقی و یا یک شیئی به دولتی معین. چنانکه برخی نیز با توجه به اینکه رابطه تابعیت میان فرد و دولت سبب می‌گردد فرد در شمار اعضای جمعیت تشکیل دهنده دولت در یک سرزمین محسوب شود، تابعیت را به «تعلق حقوق شخصی به جمعیت تشکیل دهنده دولت»، تعریف کرده‌اند. برخی از اندیشمندان حقوق براین باورند که لفظ «تعلق» در تعریف پیش نقل به معنای آن است که دارنده

تابعیت مطیع صلاحیت‌های دولت متبوع خود، در برابر دولت‌های دیگر، می‌باشد. چنانکه حتی در احوال شخصیه در هر کجا که باشند بر حسب قوانین برخی کشورها از جمله ایران تابع قانون دولت متبوع خود می‌باشند. رابطه تابعیت با این مفهوم دارای دو طرف است. یک طرف آن شخصی است که دارای تابعیت دولت و حاکمیت خاصی است و طرف دیگر آن دولتی است که به این شخص تابعیت داده است و هر دو طرف به دلیل وجود این رابطه دارای حقوق و تکالیفی نسبت به یکدیگر هستند.

«تابعیت مبدا» و یا اصلی و «تابعیت اکتسابی» دو قسم از اقسام تابعیت هستند. تابعیت اصلی، تابعیتی است که در زمان تولد به شخص تحمیل می‌شود. در این نوع از تابعیت دو سیستم و نظام حقوقی وجود دارد؛ سیستم خون و سیستم خاک. سیستم خون سیستمی است که در آن تابعیت از راه نسب و وابستگی خانوادگی منتقل می‌شود ولی در سیستم خاک تابعیت بر اساس محل تولد شخص مشخص می‌شود. «تابعیت اکتسابی» یا «تابعیت اشتقاقی» تابعیتی است که پس از تولد تا وقتی شخص زنده است بر اثر اعمال حقوقی او یا نماینده قانونی وی ممکن است تحصیل شود، مانند تحصیل تابعیت به جهت سکونت مدت معینی در یک کشور خارجی و یا کسب تابعیت بر اثر ازدواج.

گذشته از سیستم خاک و خون بودن در این مهم که تابعیت فرزندان تابعی از وضعیت تابعیتی کدام یک از پدر یا مادر است، موضوعی قابل بررسی است. در این میان « بررسی تطبیقی حق انتقال تابعیت مادر به فرزند در فقه امامیه و نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران »، مساله این پایان نامه است.

فصل اول:

کلیات و مفاهیم

۱-۱. بیان مسأله تحقیق

قوانین کشور ما در رابطه با تابعیت اینگونه تبیین شده است که در نگاه اول این طور به نظر می‌رسد که هر دو سیستم خون و خاک در ایران اعمال می‌شود اما با کمی دقت نظر معلوم می‌شود که قانون‌گذار ایران به طور مطلق و شاید بشود گفت بدون قید و شرط سیستم خون از طرف پدر را پذیرفته است (بند ۲ ماده ۹۷۶ قانون مدنی) و هیچ نقشی برای مادر در نظر گرفته نشده است و در کل ۱۶ ماده مربوط به تابعیت فقد یک بار به مادر اشاره شده است و با کمال تعجب و تاسف در بند ۴ ماده ۹۷۶ به نقش مادر در اجرای سیستم خاک اشاره شده است و نسب یک مادر خارجی را برای طفل متولد در ایران در صورتی که خود او هم در ایران بدنیا آمده باشد پذیرفته است و قانونگذار ما به چنین طفلی به واسطه‌ی این که مادر و طفل متولد ایران هستند تابعیت ایران را می‌دهد در حالی که هزاران کودک بی‌تابعیت در ایران وجود دارند که از مادران ایرانی که با شوهر خارجی ازدواج کرده‌اند بدنیا آمده‌اند ولی به این اطفال تابعیت ایران داده نمی‌شود. البته در سال‌های اخیر تا به امروز، تلاش‌هایی در این زمینه انجام شده است که بارزترین آن تصویب ماده واحده‌ی «تعیین تکلیف تابعیت کودکان متولد از مادران ایرانی و پدران خارجی» در سال ۱۳۸۵ می‌باشد البته این واحده هم مشکل این کودکان را حل نکرد و حتی ازدواج زن ایرانی با اتباع خارجی منوط به رعایت ماده‌ی ۱۰۶۰ قانون مدنی دانست. پنج سال بعد از تصویب این ماده واحده طرح اصلاح آن در سال ۱۳۹۰ به مجلس رفت و در سال ۱۳۹۱ تصویب شد. ولی با ایراد قانون اساسی شورای نگهبان مواجه شد و مورد تایید قرار نگرفت.

و در سال جاری نیز این مسئله در مجلس مطرح گردیده است که به طفل زیر ۱۸ سال توسط مادر ایرانی الاصل تابعیت ایرانی داده شود که موضوع در حال بررسی در کمیسیون‌های مربوطه مجلس می‌باشد.

لذا مسئله اساسی در اینجا تبعیض بین زن ایرانی الاصل و زن خارجی می‌باشد که چرا به فرزند زن بیگانه به صرف تولد فرزند در ایران تابعیت ایرانی تا قبل از ۱۸ سالگی داده نمی‌شود. و این موضوع سبب شده که این زنان که اکثراً از قشر ضعیف جامعه هستند با تکلیف در بسیاری از مسائل خود مانده‌اند.

۱-۲. اهمیت و ضرورت انجام تحقیق

حمایت از کودکان یکی از دغدغه‌های اجتماعی می‌باشد؛ سازمان‌های بین‌المللی در این زمینه تلاش‌های زیادی کرده‌اند و کنوانسیون‌ها و میثاق‌های جهانی حمایت از زنان و کودکان را به تصویب رسانده‌اند. همگی این تلاش‌ها در جهت حمایت از زنان و کودکان می‌باشد؛ دادن تابعیت مادر ایرانی به فرزندش یک بحث کاملاً حقوقی است اما امروزه این فقط یک بحث حقوقی صرف نیست بلکه یک ضرورت اجتماعی است، چراکه نبود پژوهشی جامع در خصوص موضوع رساله با محور قرار دادن مبانی فقهی و حقوقی انتقال تابعیت از مادر به فرزند، در کنار شرایط جامعه به ویژه وضعیت فرزندان متولد از ازدواج مادران ایرانی با مردان غیر ایرانی، از جمله موجبات پرداختن به این موضوع در سطح یک پایان‌نامه علمی - پژوهشی است.

۱-۳. پیشینه تحقیق

تأجایی که بررسی گردید کتاب یا مقاله یا نوشتاری که مستقلاً و به صورت مفصل به موضوع مورد بحث در ابعاد گوناگون آن پرداخته باشد یافت نشد. لکن برخی از استاتید من جمله خانوم دکتر ارفع نیا در زمینه‌ی حقوق زن و کودک و قواعد تابعیت که صاحب مقالاتی هستند، مورد استفاده قرار گرفت.

- سلجوقی، محمد؛ حقوق بین‌الملل خصوصی جلد اول، انتشارات دادگستر، چاپ دوم سال

۱۳۷۷

- معرفی پایان‌نامه‌هایی که با این عنوان یا عناوین مشابه در این موضوع نوشته شده است.
ذاکری حدادان، عادل، تابعیت طفل متولد مادر ایرانی و پدر خارجی و آثار آن با مطالعه‌ی تطبیقی در حقوق افغانستان، پایان‌نامه برای دریافت کارشناسی ارشد (M.A)، رشته حقوق خصوصی، دانشکده‌ی حقوق علوم و تحقیقات تهران، تابستان ۱۳۹۲.

- معرفی مقاله‌هایی که با موضوع ارتباط دارد.

ارفع نیا، بهشید، تابعیت اطفال متولد در ایران از مادران ایرانی، مجله کانون وکلا، شماره ۱۹۲ و

۱۳۸۵، بهار و تابستان

- تدین، عباس؛ یوسفی، مجید، تاثیر ازدواج مرد خارجی و زن ایرانی در تابعیت فرزندان، مجله

مطالعات راهبردی زنان، شماره ۱۰، تابستان ۱۳۸۷

۴-۱. سوالات تحقیق

۱-۴-۱. سؤال اصلی تحقیق

رویکرد انتقال تابعیت مادر به فرزند در فقه امامیه و نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران کدام اند؟

۱-۴-۲. سؤالات فرعی تحقیق

- ۱- دیدگاه فقه راجع به مفهوم واژه تابعیت و سیر تحول اندیشه‌های فقهی در این زمینه به چه صورت بوده است؟
- ۲- مشروعیت سیستم‌های کسب و انتقال تابعیت از جمله سیستم خاک و خون در آئینه سنج‌های فقهی به چه میزان است؟
- ۳- اندیشه‌های فقهی در زمینه تابعیت به چه صورت در قالب نظام واره‌های تقنینی حاکمیت جمهوری اسلامی ایران ظهور و بروز کرده است؟

۵-۱. فرضیه‌های تحقیق

- ۱- تابعیت یکی از مفهوم واژه‌های نوپدید است که فقه امامیه ظرفیت رصد و تبیین حکم فقهی آن را دارد.
- ۲- فقه امامیه با توجه به اصالت دادن به مفهوم امت اسلامی همه مسلمانان را شهروند جهان شهر اسلامی و تابع آن می‌داند.
- ۳- اصولاً تابعیت فرزندان تابعی از وضعیت تابعیتی پدر خانواده است.

۶-۱. روش تحقیق

در گردآوری مطالب در این نوشتار از روش کتابخانه‌ای استفاده گردیده، ضمن اینکه روش کلی بحث در موضوع انتقال تابعیت مادر به فرزند، تحلیلی و توصیفی است. در ضمن از مطالب موجود در شبکه‌های مجازی و همین‌طور مقالات و مجلات نیز بسیار استفاده کردم همچنین از راهنمایی‌های استاد راهنمای خویش نیز استفاده نموده‌ام.

۷-۱. سازماندهی تحقیق

این تحقیق برای وصول به اهداف خود در سه فصل تنظیم شده است، و در نوشتن این تحقیق، بسیار سعی کرده‌ام که از نوشتن مطالب زائد، خودداری نمایم.

فصل اول که شامل مفاهیم و کلیات است که در آن در بادی امر به ذکر مفاهیم کلی تبعه و بیگانه و تاریخچه تابعیت در ایران و همین‌طور اقسام تابعیت می‌پردازیم. در فصل دوم پس از آشنایی با

مفاهیم مذکور به بررسی دقیق موضوع اصلی تحقیق یعنی «نگاه فقهی به تابعیت در فقه امامیه» پرداخته و جوانب مختلف امر را مورد مطالعه قرار داده‌ایم. سپس در فصل سوم مبانی حقوقی اندیشه انتقال تابعیت از مادر به فرزند پرداخته‌ایم. یکی از مهمترین مسائلی که اطفال متولد از مادران ایرانی و پدران خارجی با آن مواجه می‌شوند تعارض قوانین تابعیت است. نهایتاً در قسمت پایانی به بیان نتیجه گیری و پیشنهادهای متصوره جهت حل معزل مورد بحث پرداخته‌ایم.

۱- مفهوم شناسی و بایسته‌های موضوع

در هر تحقیقی چنان که مرسوم است ابتدا در قالب کلیات به برخی از مطالب، اصلی و مبنایی پرداخته می‌شود. بر این اساس مانیز در آغاز به تعریف تابعیت می‌پردازیم. در مبحث اول به مفهوم شناسی لغات "تابعیت"، "ام"، "اتباع و بیگانگان" پرداخته شده است. پس از آن به بایسته‌های موضوع پرداخته شده است. در فصل‌های بعدی در مورد اصل موضوع یعنی انتقال حق تابعیت فرزند به مادر در فقه امامیه و نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران بحث خواهد شد.

۱-۸. مفهوم شناسی

۱-۸-۱. مفهوم تابعیت

در سده‌های گذشته قبل از اینکه بشر واژه‌ای بنام مرز را بشناسد چیزی بنام تابعیت هم وجود نداشت، اما با پیشرفت بشر و گسترش شهرها، دولت شهرها بوجود آمدند از همان زمان‌ها نه واژه تابعیت بلکه مفهوم تابعیت به وجود آمد. که اشخاص را به دولت‌ها مرتبط می‌کند و باعث می‌شود که شخص جزء یکی از عناصر دائمی دولت یعنی جمعیت باشد، تابعیت یکی از موارد حقوقی تمام افراد است یعنی اعم از زن و مرد حق دارند تبعه کشوری باشند.

تاریخچه بوجود آمدن تابعیت و مباحث مرتبط به آن خارج از بحث ما است. ولی به اختصار در این فصل به تاریخچه تابعیت و بررسی مفاهیم مرتبط با آن و شرایط اعطای تابعیت ایران خواهیم پرداخت.

۱-۸-۱-۱. تعریف لغوی و اصطلاحی تابعیت

تابعیت: عبارت است از «رابطه حقوقی و سیاسی که شخص را به دولت مربوط می‌کند»^۱
تابعیت رابطه‌ای است سیاسی، حقوقی و معنوی که شخص را به دولتی پیوند داده و او را از عناصر

۱- علی اکبر، دهخدا، لغت نامه دهخدا، ج ۲۸، ص ۳۶.

دائمی دولت (جمعیت) قرار می‌دهد.^۱

تابعیت: وضعیت حقوقی شخص از جهت تعلق او به کشوری معین با توجه به حقوق و وظایفی که این تعلق ایجاد می‌کند هر واجد شرایطی بدون از دست دادن تابعیت اصلی، می‌تواند آن را تحصیل کند.^۲

تابعیت: تابع بودن، پیروی کردن.^۳

«تابعیت عبارت از رابطه‌ی سیاسی و معنوی است که شخص را به دولت معینی مرتبط می‌سازد.»^۴

«تابعیت عبارت است از رابطه‌ی سیاسی، حقوقی و معنوی یک شخص حقیقی یا حقوقی و یا یک

شی با یک دولت معین، بطوری که حقوق و تکالیف وی را از همین رابطه ناشی شود.»

«تابعیت عبارت است از یک رابطه‌ی سیاسی، حقوقی و معنوی که هم شخص را به دولتی مرتبط

می‌سازد.»^۵

در بحث کنونی برای شناسائی کلی و اجمالی تابعیت آنچه مورد نظر است تابعیت افراد و اشخاص حقیقی است نه تابعیت اشیائی مثل کشتی و هواپیما و نه تابعیت حقوقی در قوانین ما تعریفی از تابعیت نشده است. مفهوم تابعیت را در حقوق بین الملل خصوصی می‌توان وصف یک شخص از نظر بستگی سیاسی، معنوی و حقوقی به یک «دولت»، که او یکی از عناصر تشکیل دهنده آن است، دانست.^۶

به عبارتی ساده تر، تابعیت، بستگی فرد به یک دولت است که نسبت به آن وظایف و مسئولیت‌هایی دارد و در برابر، هر جا باشد از حمایت آن دولت برخوردار است. این بستگی و ارتباط قانونی و سیاسی است و اصولاً، جز در مورد تغییر تابعیت اختیاری، خود به خود بر اساس قواعد قانونی کشورها حاصل می‌گردد چنانکه بنا بر بند ۱ ماده ۹۷۶ قانون مدنی ایران همه کسانی که در ایران سکونت دارند به استثنای اتباع مسلم خارجی تبعه ایران محسوب می‌شوند.^۷

به طور کلی در تابعیت همواره سه عنصر موجود است: ۱- عنصر دولت با مشخصات حقوقی و

۱- مکرمی، علی محمد، *جزوه درسی حقوق بین الملل خصوصی*، دانشکده حقوق دانشگاه تهران، ص ۲۶

۲- حسن، انوری، *فرهنگ بزرگ سخن*، ج ۱، ص ۵۵۲

۳- عمید، حسن، *فرهنگ فارسی عمید*، ج ۱، ص ۵۲۱

۴- نصیری، محمد، *حقوق بین الملل خصوصی*، ج ۱-۲، ص ۲۶

۵- ارفع نیا، بهشید، *حقوق بین الملل خصوصی*، ج ۱، ص ۴۴

۶- ناصری، فرج الله، *بررسی ماده پنجم اعلامیه جهانی رفع تبعیض از زن و مقایسه آن با مقررات قانونی ایران (تاثیر زناشویی*

در تابعیت زنان و آثار آن در حقوق ایران)، ص ۱۱

۷- همان، ص ۱۲

سیاسی آن براساس حقوق بین الملل عمومی ۲- عنصر فرد که جزء دولت است ۳- عنصر رابطه قانونی (نه قرار دادی) بین فرد و دولت. تابعیت در کشورهای مختلف قائم بر دو اصل یا دو سیستم است: یکی اصل خاک و یکی اصل خون. با اصل خون یا سیستم تابعیت نسبی، تابعیت از طریق نسب به شخص تعلق می‌گردد.

قوانین کشورهای دیگر گوناگون، ولو اینکه گرایش بیشتری به یکی از دو اصل و دو سیستم مزبور نشان دهند بطور کلی هر دو سیستم را در هم می‌آمیزند و تواما اجرا می‌کنند (و چنانچه قانون ایران همین روش را با گرایش بیشتر به اصل خون برگزیده است).

در تابعیت و بقا و تغییر آن در قوانین داخلی و قراردادهای بین المللی ملاحظات گوناگون بکار می‌رود که مهمترین آنها بدین قرارند:

- مصالح «دولت» و نیاز آن به «جمعیت» و حفظ «اتباع».

- تمایل و نیاز افراد به بستگی به یک دولت و برخورداری از حمایت آن

- نیاز بین المللی از لحاظ شناسایی اتباع دولت‌های مختلف و قوانین حاکم بر آنها و حل تعارض آن قوانین و پیشگیری از پیدائی اشخاص بی تابعیت یا چند تابعیتی، چون فرد ممکن است به سبب مهاجرت یا مجازات و یا به علت دیگر تابعیت خود را از دست بدهد بدون اینکه تابعیت دیگری بدست آورد چنین شخصی بی تابعیت می‌شود و یا به عکس ممکن است کسی به سبب تولد در کشوری غیر از کشور پدر و مادر دارای دو تابعیت شود (بنا بر دو اصل خاک و خون) و یا با حفظ تابعیت خود تابعیت کشور دیگری را بدست آورد و یا، اگر زن است، در اثر ازدواج با یک مرد خارجی علاوه بر تابعیت خود دارای تابعیت کشور شوهر نیز بشود چنانکه طبق بند ۶ ماده ۹۷۶ قانون مدنی «هر زن تبعه خارجی که شوهر ایرانی اختیار کند تابع ایران شناخته می‌شود در صورتیکه ممکن است تابعیت اصلی او سلب نگردد». در همه موارد یاد شده و امثال آن، بی تابعیتی یا تابعیت مضاعف وضع حقوقی شخص را مبهم می‌سازد و در موارد لازم معلوم نیست قانون ملی حاکم بر او و حمایت کننده او کدام است عضویت فرد در تشکیل دهنده دولت. اصلی یک دولت باشد و به کسی که عضو این جمعیت نباشد، اگر چه مقیم سرزمین آن دولت باشد، بیگانه یا غیر خودی می‌گویند.^۱ تابعیت نشان دهنده رابطه سیاسی، حقوقی و معنوی هر شخص حقیقی یا حقوقی با دولتی معین است و منشا حقوق و تکالیف شخص قلمداد می‌شود. مقصود از دولت، شخصیت حقوقی مستقلی است که از چهار عنصر جمعیت و سرزمین و حکومت و حاکمیت مستقل تشکیل شده است و از لحاظ بین

۱- سلجوقی، محمود، *بایسته های حقوق بین الملل خصوصی*، ج ۱، صص- ۱۴۸- ۱۴۹

المللی دولت‌های دیگر آن را به رسمیت شناخته‌اند.^۱

تابعیت رابطه‌ای سیاسی است، زیرا از حاکمیت دولت ناشی می‌شود و وضع سیاسی فرد را با التزام به وفاداری و اطاعت از قوانین دولت معین می‌کند و این التزام به ازای حمایت دولت از فرد است؛ رابطه‌ای حقوقی است، زیرا در نظام بین‌المللی و داخلی آثار حقوقی دارد؛ رابطه‌ای معنوی است، زیرا اتباع کشور را از نظر هدف‌های مشترک به یک دولت پیوند می‌دهد و ارتباطی به مکان و زمان مشخص ندارد.

به همین منوال میتوان تعریف تابعیت از نقطه نظر دیوان عالی کشور پیگیری کرد که «تابعیت وصف و در عین حال رابطه‌ای حقوقی خاصی است که شخص را با دولت با مفهوم سیاسی مرتبط می‌سازد و جز عناصر و اوصاف ایجادکننده حالت و یا به تعبیر دیگر موقعیت حقوقی فرد در اجتماع قرار می‌گیرد.»

در اینجا سوالی مطرح می‌شود که چرا این رابطه سیاسی است؟

در پاسخ به این سوال باید بیان کرد، که چون تابعیت و قوانین آن را قدرت حاکمیت دولت تعیین می‌کند و هیچ دولتی مکلف نیست که شخص را با تابعیت خود بپذیرد بلکه، با در نظر گرفتن شرایطی از جمله شرایط سیاسی، اقتصادی و اجتماعی تشخیص می‌دهد چه شخصی می‌تواند نتیجه او باشد و در این رابطه شخص هیچ نقش را ایفا نمی‌کند.^۲ به همین دلیل مسائل بنیادی تابعیت در قوانین اسامی ذکر گردیده است.^۳

همچنین تابعیت وضع سیاسی فرد را با التزام وفاداری وی به داشتن اعتماد خالصانه و اطاعت از قوانین دولت برقرار می‌کند و این وفاداری و اطاعت در مقابل حمایتی است که دولت از فرد می‌کند. دلایل حقوقی بودن این رابطه چیست؟ باید گفت که تابعیت رابطه‌ای است حقوقی، زیرا دارای آثار حقوقی در نظام بین‌المللی و نظام داخلی مثل حمایت سیاسی دولت از اتباع خود در کشورهای دیگر ما حق رای و تمتع از کلیه حقوق مدنی، تجاری و غیر در نظام داخلی است.^۴

منظور از واژه‌ی معنوی این رابطه این است که در تابعیت اتباع، نقاط مشترک فرهنگی از جمله عادت، رسوم، آیین و سنین خاصی هم نیستند. به طور مثال در ماده ۶ قانون مدنی ایران آمده است که اموال شخصی ایرانیان در مورد کلیه اتباع و لو اینکه مقیم در خارجه باشند مجری خواهد بود. در

۱- نصیری، محمد، *حقوق بین‌الملل خصوصی*، ج ۱، صص ۱۲۴ و ۱۷۸

۲- ابراهیمی، نصرالله، *حقوق بین‌الملل خصوصی*، ص ۸۵

۳- اصل ۴۱ و اصل ۴۲ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

۴- ابراهیمی، نصرالله، *حقوق بین‌الملل خصوصی*، ص ۸۵

حالی که امکان دارد شخصی مدت زمان بیشتری را در خارج اقامت داشته باشد و یا اینکه برای همیشه در خارج از ایران اقامت گزینند و این نشان دهنده‌ی همین رابطه‌ی معنوی می‌باشد که حقوق دانان به آن پرداخته‌اند. فی‌المجموع و به طور اختصار و با دقت بیشتر می‌توان گفت که تابعیت عبارت است از رابطه‌ی حقوقی بین شخص و دولت، و در این رابطه نژاد، خون، خاک و رنگ و قومیتها جای ندارند.

۱-۸-۲. تعریف مادر جانشین و مادر حکمی

مقصود از "ام" بنا به آن چه در فقه اسلام است، هر زنی است که انسانی را زانیده یا نسب وی به او منتهی شده است. از بابت صعودی و از طریق ولادت، خواه ابی باشد خواه امی. به عبارت دیگر: هر زنی که انسانی را زانیده یا کسی را زانیده که آن کس او را زانیده باشد خواه این کس مرد باشد خواه زن و زانیدن در این بحث به معنی تولید است. به تعبیر دیگر: ام هر زنی است که نسب تو از طریق ولادت (با واسطه یا بی واسطه) به او منتهی می‌شود.^۱

مادر جانشین (با واسطه)

زنی است که بر اساس توافق به عمل آورده به وسیله تکنیک‌های کمکی تولید مثل و با استفاده از جنین حاصل از اسپرم و تخمک زن و شوهر (زوج نابارور)، تخمک خودش و اسپرم شوهر زوج نابارور، گامت یا گامت‌های اهدائی باردار می‌شود.

مادر حکمی (بی واسطه)

زنی که خواستار فرزند است و بارور می‌شود سپس فرزند متولد شده با مادر رابطه ژنتیکی داشته باشد، به زن مادر حکمی گفته می‌شود.

۱-۸-۳. نظام حقوقی

مقصود از نظام حقوقی مجموع نهادها، سازمانها و قواعدی است که براساس آن مبانی و برای تحقق آن اهداف، به صورت منظومه‌ای هماهنگ و منسجم به وجود می‌آیند.

حال به نظام حقوقی ایران می‌پردازیم

حقوق در ایران برگرفته از حقوق اسلامی و حقوق رومی - ژرمنی (به طور خاص حقوق فرانسه و بلژیک) است. حقوق اسلام حقوق مذهبی است، یعنی قواعد آن از منبع وحی سرچشمه گرفته شده است و از نظر روش استنباط حکم و وسایل فنی آن، با سیستم رومی - ژرمنی شباهت بیشتری دارد تا

۱- جعفری لنگرودی، محمد جعفر، *حقوق خانواده*، ج ۲، ص ۳۱

با سیستم کامن لا.^۱

برخلاف عقیده بسیاری از پژوهشگران همچون خانوم دکتر بهشید ارفع نیا که معتقدند نظام حقوقی ایران یک نظام فقهی محض است، نظام حقوقی ایران ترکیبی از نظام حقوقی کامن لا و رومی - ژرمن می باشد. زیرا اهمیت رویه قضایی و دکتربین را در نظام حقوقی ایران نمی توان انکار نمود. آرای وحدت رویه در حکم قانون است، بنابراین در موارد خاصی می توان به آنها استناد نمود. در موارد بسیاری به دلیل سکوت قانون رویه قضایی به ناچار دست به کار شده و به صدور آرای وحدت رویه اقدام می کند که در نتیجه آن احکام دادگاه ها منتشر شده و در موارد مشابه بعدی مورد استناد قرار خواهد گرفت.^۲

۱-۸-۴. اتباع و بیگانگان

"اتباع" کسانی هستند که می توانند از تمام حقوق یک کشور بهرمنند شوند و در مقابل قانون، با یکدیگر برابرند مگر در مواردی که وضعیت شخصی آنها مانند صغر، سن، محکومیت یا اکتسابی بودن تابعیت آنها محدودیتی در حقوقشان ایجاد کرده باشد، مانند موردی که زن خارجی بر اثر ازدواج با مرد ایرانی تابعیت ایران را کسب نموده است.^۳ در تعریف دیگری از اتباع آمده "به مجموع افرادی گفته می شود که به عنوان اعضای یک ملت از نظام و قوانین آن تبعیت می کنند".^۴

بیگانگان

بیگانگان، به لحاظ بیگانه بودن، حقوقشان نسبت به اتباع محدودتر بوده و حتی ممکن است از بعضی حقوق محروم باشند. از نظر حقوق بین الملل خصوصی، اشخاص دارنده حق، هر دو گروه فوق می باشند.^۵

بین مفهوم کلمه تبعه و بیگانه از نظر حقوقی تفاوت هایی وجود دارد؛ اما از جهت رعایت قوانین مقررات داخلی و تکالیف محوله، تفاوتی نیست و افراد یک کشور اعم از اتباع و بیگانگان باید مطیع قوانین آن کشور باشند.^۶

۱- نوربها، رضا، زمینه حقوق جزای عمومی، ج ۱، ص ۱۰۵.

۲- کاتوزیان، ناصر، مقدمه علم حقوق، ص ۷۸

۳- بالازاده، زهره، حقوق بین الملل خصوصی ومقررات ایران در زمینه تابعیت، اقامتگاه و وضعیت بیگانگان، ص ۴۳

۴- طباطبائی، منوچهر، حقوق اساسی، ص ۳۰

۵- بالازاده، زهره، حقوق بین الملل خصوصی ومقررات ایران در زمینه تابعیت، اقامتگاه و وضعیت بیگانگان، ص ۴۳.

۶- همان، ص ۴۲.

۱-۸-۵. مصلحت حقوق کودک

مصلحت در لغت به معنای نقیض و مخالف مفسده معنا شده است، چنان که به خیر نیز تفسیر گردیده است.^۱ عنصر محوری واژه مصلحت از دیدگاه واژه دانان صرف به معنای مفسده و تحقق خیر است؛ بدون اینکه مقدار یا قوت و ضعف آن مشخص شده باشد.^۲ مصلحت به واقع همان خیر و صلاحی است که هماهنگ با حکمت و در راستای اهداف والای انسان است.

مصلحت به دلیل همین ابهام احیاناً با واژه گانی هم افق نزدیک می شود که عدم تفکیک مفهومی آن ها می تواند موجب تدلیس شود:

الف) منفعت : به فایده ی زود گذر و شخصی که دربردارنده ی خیر و مصلحت هم نباشد اطلاق می گردد^۳

به بیانی دیگر مصلحت دایر مدار حقیقت، و منفعت مبتنی بر طلب سود شخصی است.^۴ بر این اساس روشن می شود مصلحت در فقه، به حیطه ی امور مادی، منافع، سعادت و دور اندیشی مادی اطلاق نمی گردد، بلکه یا فقط به جنبه های معنوی و اخروی عنایت دارد یا علاوه بر امور مادی، آن جنبه ها را نیز در برمی گیرد. در واقع مصلحت در تلقی دینی، صبغه ی الهی دارد و در راستای حفظ دین و آموزه های آن و تامین هدف شارع قرار دارد.^۵

اما تعریف و محتوای مصلحت در اندیشه ی غربی با آنچه در حقوق اسلامی مصلحت شناخته می شود کاملاً متفاوت است تفکر غربی بر مبنای اصالت انسان و آثار آن، مصلحت را به عنوان نتیجه ی حکم در نگاه پراگماتیستی، معیار حق و باطل می داند و در نگاه ایشان مصلحت چیزی جز سود در زندگی انسان نیست.^۶

ب) ضرورت: ضرورت از واژه ی ضرر به معنای ناچاری و درماندگی است و اصطلاحاً رسیدن نیاز انسان به بالاترین و سخت ترین وضعیت را گویند، به گونه ای که جان، مال یا چیزهایی همانند آن به خطر افتد. در حالی که مصلحت اعم از جلب منفعت و دفع مفسده است. بر این اساس نسبت مصلحت و ضرورت، عام و خاص مطلق است؛ یعنی ضرورت مصلحت حداقلی و حداکثری و قسم مهم تر آن است، بنابراین هر ضرورتی مصلحت است ولی هر مصلحتی ضرورت نیست. مصلحت

۱- ابن فارس، احمد، معجم مقاییس اللغة، تحقیق عبدالسلام محمد هارون، ج ۳، ص ۳۰۳.

۲- علی دوست، ابوالقاسم، دین شریعت و مصلحت، قیسات، ش ۶۱، ۱۳۹۰ش، ص ۸۴-۸۵.

۳- خوبی، ابوالقاسم، محاضرات فی اصول الفقه، تقریر محمد اسحاق فیاض، ج ۴، ص ۴۰۴ و ۴۰۵.

۴- مطهری، مرتضی، فلسفه اخلاق، در مجموعه آثار، ج ۲۲، ص ۳۵۳.

۵- خمینی، سید روح الله، کتاب البیع، ج ۲، ص ۷۱۰.

۶- فتحی، یوسف، مناسبات مصلحت و تکلیف در اندیشه سیاسی امام خمینی (ره)، انقلاب اسلامی، ش ۱۳، ۱۳۸۷ش، ص ۱۳.

مشمول بر ضروریات، حاجیات و تحسینات است اما ضرورت تنها بخش نخست آن است.^۱ به تعبیر دیگر، مصلحت گاهی اولویت تعیینی و گاهی اولویت تفضیلی دارد. در موردی که اولویت تعیینی دارد ضرورت، و جایی که اولویت تفضیلی دارد مصلحت است.^۲ در قانون مدنی ما به طور صریح در خصوص حضانت و مصلحت کودک هیچ ماده‌ای بیان نشده است ولی تا جایی مصلحت کودک آورده شده است که در مسیر صحیح قرار گیرد. رویه‌ی قضایی مصلحت کودک را در صورتی جدی قرار می‌دهد که به کودک از نظر جسمی و روحی آسیب وارد نشود و برای رشد و تکامل وی ضروری باشد. به موجب کنوانسیون حقوق کودک و اعلامیه‌ی جهانی حقوق کودک والدین و یا قیم قانونی، والدین مسئولیت عمده را در مورد رشد و پیشرفت کودک به عهده دارند و اساسی‌ترین مسیله آنها حفظ منافع عالی‌ه کودک است. در مورد مسئولیت مدنی صغیر غیر ممیز باید اذعان نمود که با توجه به ماده ۱۲۱۶ قانون مدنی، چنانچه صغیر اعم از ممیز و غیرممیز، زیانی به دیگری وارد کند، مسؤول است. بنابراین زیان وارده از اموال او توسط ولی یا قیم او جبران خواهد شد. این در صورتی است که اولاً زیان‌دیده خود مالش را به تصرف صغیر غیرممیز نداده باشد، ثانیاً سرپرست قهری یا قراردادی او تقصیری در نگهداری و مواظبت از او مرتکب نشده باشد. حقوق ایران به عنوان ضابطه‌ی مصداقی شکلی، قطعی بودن و ضروری و نایاب نبودن را به منظور همانگی با شریعت اسلامی مهم می‌داند و در مقام تقدیم اهم بر مهم الگوهای کارآمد ارایه می‌دهد که سزاوار است در تطبیق کنوانسیون به این ضابطه نیز توجه شود. از سوی دیگر سن، جنس، نیازهای روانی، سلامت جسمانی، حفظ جمع خانوادگی و دیدگاه و علایق کودک از جمله ضوابط مصداقی ماهوی هستند که در تفسیر کنوانسیون تبیین شده‌اند. نظام حقوقی ایران در این زمینه دچار ضعف است. اهمیت ملاحظه‌ای این معیار در سنجش صحیح مصلحت کودک و عدم مغایرت آن با مواد قانونی و موازین شرعی اقتضا دارد خلا این ضوابط در مقررات ایران پر شده و این معیارهای حمایتی به صورت نظام‌مند، ملهم از کنوانسیون و مبتنی بر مبانی فقه امامیه، وارد نظام حقوقی ایران شوند.^۳

۱- زحیلی، وهبه، *استصلاح و پویایی فقه، مطالعات اسلامی*، شماره ۴۹-۵۰، ۱۳۷۹، ص ۸۱

۲- جواد آملی، عبدالله، *ولایت فقیه: ولایت فقهات و عدالت*، ص ۴۶۵.

۳- پارسا پور، نور بخش، محمدباقر، سوسن، *مقاله معیارهای ارزیابی مصلحت کودک در فقه امامیه حقوق ایران و کنوانسیون*

حقوق کودک، فصلنامه حقوقی دانشگاه قم، پژوهش تطبیقی اسلام و غرب، دوره ۲، شماره ۳- شماره پیاپی ۵، پاییز ۱۳۹۴،

صفحه ۲۷-۱

۱-۹. بایسته‌های موضوع

۱-۹-۱. تاریخچه تابعیت و اعطای تابعیت به فرزندان از طریق مادر در ایران

تابعیت یک اصطلاح حقوقی است که گرچه در دوران قدیم نیز، به نوعی وجود داشته‌است، اما می‌توان گفت که منشاء پیدایش تابعیت، همان منشاء حقوق بین الملل است. زمانی بحث تابعیت، مطرح خواهد شد که دولت‌های مستقل و متعددی وجود داشته باشد. چنانچه فقط یک دولت به جای دولت‌های دیگر وجود داشته باشد. چنانچه فقط یک دولت به جای دولت‌های دیگر وجود داشته باشد، دیگر بحثی از تعلق و رابطه افراد با دولت‌ها مطرح نمی‌گردد و فقط بحث ابعاد داخلی یک کشور از جمله، روابط بین حکام و فرمانبران مطرح می‌باشد. لذا با توجه به مراتب فوق می‌توان گفت که:

اولاً: قاعده تابعیت از حیث آن که تعیین کننده رابطه فرد با دولت می‌باشد، از قواعد حقوق عمومی به شمار می‌آید. ولی برخی دیگر معتقدند که قاعده تابعیت به دلیل خاستگاه خود که تعدد دولت‌هاست از مباحث مربوط به حقوق بین الملل است و نه از مباحث حقوق داخلی.

ثانیاً: گرچه قاعده تابعیت، مسأله‌ی نسبتاً جدید است که در قرون اخیر مطرح شده‌است، اما اصل وجود قاعده تابعیت از زمانی آغاز شد که دولت‌های متعدد و مستقل وجود داشته‌اند.

باتیفل معتقد است که، دولت از قدیم الایام به صورت‌های گوناگون وجود داشته ولی ساخت آن به صورت فعلی از قرن شانزدهم به بعد ایجاد گردید.^۱

تابعیت در جامعه‌های ایرانی از گذشته‌های دور وجود داشته است به نحوی که نمی‌توان تاریخ دقیقی را برای آن مشخص کرد. آنچه مبرهن است در زمان سلسله حکومت هخامنشیان که مشکل جدید حکومت داری بوجود آمد، مرزهای معین کشور ایران را از کشورها و اقوام همسایه خویش جدا کرد و اشخاصی که ایرانی بودند از دیگر اقوام متمایز گشتند. این افراد در کشور ایران (ایران بزرگ زمان یعنی امپراتوری بزرگ ایران) از حقوقی و تکالیفی جدا از بیگانگان برخوردار بودند. در حقیقت در آن دوران نیز برای افرادی که ایرانی محسوب می‌شوند حقوق و تکالیف بیشتری در نظر گرفته می‌شد و بیگانگان از یک سلسله منابع و عایدات محروم می‌ماندند. هر چند نمی‌توان لغت که معیار تمیز یک فرد ایرانی از غیر ایرانی در آن زمان چه بوده است، اما آنچه روشن است که به خوبی می‌توان دید که با تعیین حدود و ثغور کشور و معین کردن مرزها، نتیجه‌ای که پی‌آمد آن می‌باشد. جدا کردن اقوام ایرانی از دیگر اقوام است که این خود به نحوی بیانگر وجود بحث تابعیت، وجود

۱- سلجوقی، محمود، *بایسته‌های حقوق بین الملل خصوصی*، ج ۱، ص ۶۸.

تبعه در آن اعصار می‌باشد. همان طور که اشاره شد چون ایرانیان از جمله اقوام و گروه‌های کهنی می‌باشند که از فرهنگ و زبان بهره‌مند بوده‌اند و تعاملات اقتصادی و اجتماعی با همسایگان خود می‌پرداختند تعیین تاریخ مشخص که این مردم از چه زمانی میان اتباع خود و دیگران تفاوت قائل می‌شدند میسر نمی‌باشد.^۱

در خصوص اینکه مجموعه مقررات راجع به تابعیت از چه زمانی در ایران بوجود آمد. تحقیقات و مطالعات اندیشمندان حقوقی بیانگر این مطلب است که تا سال ۱۳۲۴ هجری قمری هیچ متنی راجع به این بحث وجود ندارد و آنچه در اسناد تاریخی آمده است این است که قاعده‌های تابعیت یا به صورت عرضی بوده و یا به صورت عهدنامه‌ها و بطور انفرادی و متفرق دیده می‌شود.^۲

با توجه به مطالب فوق زمان مشخصی بیانگر این نیست که برحسب چه قاعده‌ای اتباع دولت‌های دیگر جدا می‌شده‌اند. به هر حال ملاک‌های عرضی که در آن زمان وجود داشته، و برپایه آن ملاک‌های دولت ایرانی می‌توانسته، داشتن رابطه‌ی تابعیت کسی را، خود مدلل سازد به طور مثال: تولد در خانواده ایرانی، تولد در خاک ایران، اقامت به همراه خانواده در ایران.

در مورد تابعیت دانشمندان حقوق بین الملل بحث‌های متعدد و مفصلی انجام داده‌اند، ولی نظر واحدی ارائه نکرده‌اند موضوع مهم در مورد تابعیت خصلت سیاسی و داخلی بودن تابعیت است، زیرا تابعیت حالت یا صفتی است، ناشی از این حقیقت که شخصی به یک دولت تعلق دارد. ساده‌ترین و در عین حال کامل‌ترین تعریفی که در مورد تابعیت می‌توان داد این است که، تابعیت یک رابطه سیاسی، حقوقی و معنوی است که فردی را به دولتی معین مرتبط می‌سازد.

اگر تابعیت از نظر تاریخی بررسی شود، گاهی بومی بودن فرد در یک شهر خاص، تابعیت به شمار می‌رفت، گاهی نیز مبنای تابعیت به عواملی از قبیل دین و اقامتگاه بستگی دارد پس از تشکیل حکومت‌های استبدادی، ملاک تعیین تابعیت فرمان برداری از پادشاه محسوب می‌شد با ظهور عصر رنسانس و تشکیل دولت‌های مختلف با تفکرات ملی گرایانه، ملاک تابعیت بر اساس "ملیت و قومیت" شکل تازه‌ای به خود گرفت.

کشور ما دو معیار سیستم خون یا سیستم خاک را برای تعیین اتباع خود در نظر گرفته‌اند، بر همین اساس ابتدا به تاریخچه پرداخته سپس به بررسی سیستم خون و خاک می‌پردازیم.

منشا تابعیت، تعدد دولت هاست. همراه تحویل دولت و مفهوم آن در طول تاریخ و به تناسب نوع حاکمیت و جایگاه مردم در دولت ها، تابعیت نیز تغییر یافته است. دولت‌ها نیز ممکن است معیارهای

۱- همان، ص ۸۵-۶۵.

۲- نصیری، محمد، *حقوق بین الملل خصوصی*، ج ۱-۲، ص ۶۶-۵۸.

متفاوتی برای تعیین اتباع خود داشته باشند. از معیارهای تابعیت در زمان‌ها و مکان‌های مختلف این بوده است: بومی بودن، پیروی از آیین رسمی، اقامتگاه، قومیت و اطاعت از حاکم.

در قرون جدید و به طور خاص در قرن سیزدهم الی نوزدهم، با تحول مفهوم دولت و تبیین رابطه دولت و مردم در اروپا، معیار عضویت در جمعیت تشکیل دهنده دولت جانشین معیارهای سابق شد.^۱ به این ترتیب، تابعیت هر چند نهادی دیرپاست، تبیین مفهوم آن و وضع اصطلاحات ملیت یا شهروندی معادل آن، در قرون جدید و در غرب صورت گرفته است.

در بعضی عهدنامه‌هایی که دولت ایران با دولت خارجی تا قبل از سال ۱۳۲۴ هجری قمری، منعقد کرده است می‌توان راجع به تابعیت اصلی یافت از جمله در عهدنامه بین ایران و عثمانی منعقد در شعبان سال ۱۱۵۹ ق بین نادر شاه افشار پادشاه ایران و سلطان محمود خان اول سلطان عثمانی در رابطه با تابعیت ایران بود که در تاریخ ۲۴ جمادی الثانی ۱۳۲۴ ه ق در ۱۵ ماده تنظیم شد. در این قانون به طور کلی روش خاک پذیرفته شده بود، مگر در صورتی که معلوم می‌شد والدین طفل خارجی هستند.^۲

یکی از قدیمی ترین اسنادی که نشانگر وجود قاعده تابعیت در ایران است، "دست خطی به تاریخ ۱۳۰۸ هجری قمری از ناصرالدین شاه است که به موجب آن تمامی زن‌های ایرانی که شوهر خارجی اختیار کرده باشند بعد از فوت شوهر باید به تابعیت دولت ایران شناخته شوند. در تارکریخ ۱۳۱۷ هجری قمری فرمانی تحت عنوان قانون تابعیت صادر شد و اصل خون و اصل خاک در آن مورد توجه واقع شد. در اصل ۲۴ متمم قانون اساسی مشروطیت، قاعده تابعیت مطرح شد و در ادامه آن در سال‌های ۱۳۰۴، ۱۳۰۸، ۱۳۱۳ هجری شمسی قوانین مختلف در مورد قاعده تابعیت به تصویب و به مورد اجرا گذاشته شد.^۳

پس از پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷، قانون گذار در قانون اساسی جمهوری اسلامی در اصول ۴۱ و ۴۲ تابعیت ایران را که حق مسلم هر شهروند ایرانی است، مورد توجه قرار داد. و قانون تعیین تکلیف تابعیت فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی به مصوب ۱۳۸۵ جزو آخرین مصوبات مجلس در این باب است که باز هم با کم و کاستی‌های روبه رو است که امید است با تصویب قانون کامل در این باب مشکلات این قشر از جامعه نیز کاهش یابد.

۱- نصیری، محمد، نصیری، حقوق بین الملل خصوصی، ج ۱-۲، صص ۹۶ و ۹۷.

۲- سلجوقی، محمود، بایسته های حقوق بین الملل خصوصی، ج ۱، ص ۵۸.

۳- دانش پژوه، مصطفی، اسلام و حقوق بین الملل خصوصی، ج ۱، ص ۳۸.

۱-۹-۲. اقسام تابعیت و آثار ناشی از آن

اندیشمندان حقوق عرفی برای تابعیت انواع و اقسامی ذکر کرده‌اند که در این تقسیم بندی منشا تابعیت است

در اینجا به بیان انواع تابعیت‌ها پرداخته تا اطلاع روشن و دقیقی از انواع تابعیت و چگونگی اعطای تابعیت بدست آوریم.

تابعیت به دو دسته بر حسب اینکه از ابتدای تولد به شخص تحمیل شود یا آن‌که خود شخص تقاضای تابعیت را بنماید تقسیم شده است:

تابعیت اصلی (مبدأ) و تابعیت اکتسابی

حقوق بین الملل خصوصی دارای مبانی و اصولی است. طبق اصل اول «هر فردی بایستی تابعیتی داشته باشد».^۱ در اصل ۴۱ قانون اساسی «تابعیت ایران حق مسلم هر فرد ایرانی شناخته شده است». اصل دوم «هیچ فردی نباید بیش از یک تابعیت داشته باشد».^۲ این موضوع نیز در اسناد گوناگون داخلی و بین المللی، مورد توجه قرار گرفته است. طبق بند ب ماده ۴ کنوانسیون اورپایی تابعیت «باید از بی تابعیتی اجتناب کرد». با این تعریف «آپاترید»^۳ از اصل اول تابعیت که به موجب آن هر فرد بایستی تابعیتی داشته باشد، دور افتاده است. همچنین کسانی که به هر دلیل دارای دو یا چند تابعیت می‌باشند، وضعیتی بر خلاف اصل تابعیت واحد پیدا کرده اند. اصل سوم بر این پایه استوار است «تابعیت یک امر همیشگی و زوال ناپذیر نیست و قابل تغییر می‌باشد».^۴

از اصل اول دو قاعده بدست می‌آید. قاعده اول هر فردی به محض تولد باید تبعه دولت معینی باشد.^۵ قاعده دوم؛ هیچ کس نمی‌تواند تابعیت خود را از دست بدهد، بدون اینکه تابعیت دولت دیگری را تحصیل کرده باشد.^۶ در نظام‌های مختلف حقوقی جهان، تابعیت اشخاص یا به سبب تولد و به مجرد آن است یا پس از تولد و بدون ارتباط به تولد حاصل می‌گردد. تابعیتی که به سبب تولد و به مجرد آن بدست می‌آید «تابعیت اصلی» و تابعیتی که پس از تولد و بدون ارتباط به آن حاصل می‌شود «تابعیت اکتسابی» نامیده می‌شود.

۱- نصیری، محمد، حقوق بین الملل خصوصی، ص ۲۸.

۲- سلجوقی، محمود، بایسته های حقوق بین الملل خصوصی، ج ۱، ص ۲۸.

۳- شخصی که تابعیت هیچ دولتی را ندارد.

۴- نصیری، محمد، حقوق بین الملل خصوصی، ج ۱-۲، ص ۲۸.

۵- همان، ص ۳۰.

۶- همان، ص ۳۷.

۱-۹-۲-۱. تابعیت اصلی

طبق یک اصل کلی و بین المللی که وجود دارد هر طفلی هنگام تولد به تابعیت یک کشور در می آید. به واضح و روشن تابعیت اصلی تابعیتی است که به هنگام تولد به طفل تحمیل می شود.^۱ این نوع تابعیت قوی ترین و با استحکام ترین نوع ارتباط میان فرد و دولت می باشد، چرا که بر مبنای عضویت طبیعی فرد در جمعیت تشکیل دهنده دولت استوار است و به همین خاطر دارندگان این نوع تابعیت از عالی ترین و بیشترین حقوق و مزایا در داخل یک دولت را برخوردار بوده و جز اتباع و شهروند درجه یک آن کشور قرار می گیرند. همان طور که مبرهن می باشد که نباید هیچ گاه اصل خون را اصل نژاد اشتباه گرفت، زیرا این موضوع کاملاً متفاوت از یکدیگرند.

اما برخی کشورها قوم گرایی همانند آلمان بیشتر بر جنبه های قومی و نژادی بودن این اصل یا سیستم توجه دارند که این موضوع خود خطرات خاص و جدی به همراه دارد.

این نوع تابعیت از طریق دو سیستم انتقال می یابد:

الف - «سیستم خون»^۲

ب - «سیستم خاک»^۳

برخی از دولت ها با بهره گیری از هر دو سیستم به تعیین اتباع خود می پردازند.

البته در بعضی موارد اقامتگاه^۴ نقش تعیین کننده ای در این خصوص بازی می کند که عده ای از حقوقدانها معتقدند سیستم اقامتگاه نیز وجود دارد.^۵

۱. سیستم خون

در سیستم خون که پیشینه ی تاریخی بیشتری نسبت به معیار خاک برخوردار می باشد، اغلب به یک الگوی قومی یا محلی از دولت، مرتبط است.^۶

به موجب سیستم خون تابعیت از طریق نسب به طفل منتقل می شود، و به تعبیری طفل به محض تولد، تابعیت والدین خود را خواهد داشت که به آن «تابعیت اصلی نسبی» اطلاق می شود. چنانچه تابعیت پدر و مادر یکسان نباشد، تابعیت هر دو یا یکی از آنها به طفل تحمیل خواهد شد مثل

۱- همان، ص ۹.

2-Jus Bang uinis – Ruie of descent or blood.

3-Jus soli- country of Birth

4-Pomicile

۵- ابراهیمی، نصرالله، *حقوق بین الملل خصوصی*، ج ۱-۲، ص ۹۲.

۶- تاراسی، زینب، *اعطای تابعیت مادر به فرزند*، پایان نامه برای اخذ درجه کارشناسی ارشد (M.A)، رشته حقوق خصوصی،

دانشگاه آزاد اسلامی علوم و تحقیقات زنجان (۱۳۹۲)

کشورهایی همچون استرالیا و هلند؛ البته در اکثر کشورها مثل ایران، تابعیت پدر به طفل تحمیل می‌گردد. در برخی از کشورها تفاوتی بین اعتبار تابعیت پدر و مادر نیست و هر دو تابعیت به طفل تحمیل می‌گردد که به آن تابعیت مضاعف اطلاق می‌شود.

کشورهایی که از سیستم خون پیروی می‌کنند، استدلال می‌کنند کثرت تبعه برای دولت در زمان صلح، باعث قدرت سیاسی - اقتصادی و در زمان جنگ موجب قدرت نظامی می‌شود، بنابراین مصلحت کشورهایی که تبعه زیادی دارند و وسعت خاک آنها متناسب با سکنه نمی‌باشد و اتباع آن کشور برای یافتن کار به کشورهای دیگر مهاجرت می‌کنند، این است که سیستم خون پیروی می‌کنند.^۱ همچنین تابعیت مطابق سیستم خون ملازم با نژاد از نظر زیست‌شناسی نیست؛ یعنی اگر یک فرد چینی تابعیت ایران را تحصیل نماید، فرزند وی طبق قانون خون، ایرانی است و حال آنکه نژادش چینی است.^۲

۲. سیستم خاک

سیستم خاک یا سیستم سرزمین، سیستمی است که تابعیت را بر اساس محل تولد به طفل منتقل می‌کند و طفل در هر کشوری متولد شود تابعیت همان کشور را خواهد داشت. سیستم خاک بطور عمومی به الگویی از دولت مربوط می‌شود که با ادغام گروه‌های مختلف در یک قلمرو سرزمینی واحد ساخته می‌شود. (همانند انگلستان) باید گفت که در صورت اعمال این سیستم در همه کشورها دیگر هیچ آپاتریدی (بی‌تابعیتی) مشاهده نخواهد شد.^۳

در سیستم خاک تابعیت بر اساس محل تولد شخص می‌باشد. به تعبیری هر فردی تابعیت کشوری را دارد که در آن دنیا آمده، هر چند پدر و مادرش تابعیت آن کشور را نداشته باشند. در بهره‌گیری از سیستم خاک چون هر فردی الزاما در محلی متولد می‌شود و آن محل نیز جز قلمرو کشوری محسوب می‌گردد، بنابراین چنانچه همه این کشورها این سیستم را بپذیرند، هیچ فردی بدون تابعیت باقی نمی‌ماند. تولد در کشتی یا هواپیمای در حال حرکت در دریای آزاد از این قاعده دولت صاحب پرچم تبعیت می‌نماید.^۴

کشورهای بزرگ مهاجرپذیر همانند آمریکا و کانادا و اکثر کشورهای آمریکای مرکزی و جنوبی از این سیستم پیروی می‌کنند. در ایران قبل از ۲۴ جمادی الثانی سال ۱۳۲۴ که قانون نامه تابعیت

۱- نصیری، محمد، *حقوق بین الملل خصوصی*، ج ۱-۲، ص ۳۴.

۲- همان، ص ۳۱.

۳- همان، ص ۱۳۳.

۴- همان، ص ۳۲.

تصویب شد. هیچ قانونی راجع به تابعیت وجود نداشت و بصورت مشخص و دقیق معلوم نبود که ایران در خصوص اتباع خود از کدامیک از اصول خاک یا خون پیروی می‌کند. اما با تصویب قانون نامه تابعیت در پانزده ماده مشخص شد که در این قانون بطور کلی روش خاک پذیرفته شده بود مگر در صورتی که معلوم می‌شد والدین طفل خارجی هستند.^۱

این روش تا سال ۱۳۱۳ ادامه پیدا کرد تا اینکه با تصویب قانون مدنی و موادی از این قانون که با تابعیت اشاره دارد. روش خاک دیگر به عنوان تنها راه و شیوه اتباع ایران به حساب نمی‌آمد در ماده ۹۷۶ قانون مدنی نسبت به هر روش خاک و خون احکامی بیان شده است.^۲ یکی از اساتید در حوزه حقوق بین الملل خصوصی ایران جناب دکتر لنگرودی در این راستا چنین بیان می‌دارد. «برای اینکه از یک طرف موارد آپاتریدی زیاد نشود و از طرف دیگر تمامیت ملی در مقابل اختلاط نژاد حفظ گردد، کشورها عموماً سیستم خاک و خون را پذیرفته‌اند و این طریقه‌ای است که قانون ایران هم آن را اتخاذ کرده است»^۳

سیستم خون و خاک را نمی‌توان در مقابل یکدیگر قرار داد، بلکه باید یکی را مکمل دیگری دانست؛ زیرا هریک از این دو روش مزایا و معایبی دارد و هر کشوری بنابر اوضاع و احوال جغرافیایی، اقتصادی و سیاسی خود مقرراتی را در این رابطه با تابعیت وضع می‌کند که انتخاب نوع سیستم، به عهده کشورهاست.^۴

از جمله دلایل پیروی از سیستم خاک این است که انتساب هر فرد به دولت، بیشتر مربوط به خاک است و عملاً قدرت دولت‌ها نسبت به اشخاصی اعمال می‌شود که در قلمرو آنها سکونت دارند و اگر فردی از قلمرو دولتی خارج شود، دیگر نفوذ و سلطه واقعی برای آن دولت نسبت به آن فرد وجود ندارد. همچنین وقتی فردی در سرزمینی متولد می‌شود، اجباراً تحت حاکمیت آن دولت قرار می‌گیرد، بنابراین تبعه آن دولت محسوب شود.^۵

۱-۹-۲-۲. تابعیت اکتسابی

در مقابل تابعیت ذاتی تابعیت اکتسابی قرار دارد و مقصود از آن تابعیتی است که فرد در هنگام تولد کسب نکرده است ولی بعداً به جهتی از جهات یا به دلیل پدید آمدن شرایطی آن را کسب کرده است.

۱- ارفع نیا، بهشید، حقوق بین الملل خصوصی، جلد اول، ص ۷۵.

۲- نصیری، محمد، حقوق بین الملل خصوصی، ج ۱-۲، ص ۴۷.

۳- جعفری لنگرودی، محمد جعفر، ترمینولوژی حقوقی، ص ۱۳۸.

۴- بالازاده، زهره، حقوق بین الملل خصوصی و مقررات ایران در زمینه تابعیت، اقامتگاه و وضعیت بیگانگان، ص ۶۹.

۵- همان، ص ۳۱.

تابعیت اکتسابی: «تابعیت است که از طریق ازدواج و یا پذیرش تابعیت کشور دیگر بدست می‌آید. تابعیت اکتسابی را تابعیت مشتق هم گویند.» همچنین در دایره المعارف حقوق در خصوص تابعیت اشتقاقی آمده است: «تابعیت اشتقاقی تابعیتی است که بعد از تاریخ تولد تا وقتی که شخص زنده است در اثر اعمال حقوقی شخص و یا نماینده قانونی او ممکن است تحصیل شود» «تابعیت اشتقاقی طریقی از تابعیت اکتسابی است و در حقیقت یکی از انواع کسب تابعیت به طریق تحصیل تابعیت است اما در تابعیت اکتسابی گاهی هم اراده شخص بطور مستقیم نقش ندارد.»^۱ تابعیت اکتسابی مربوط به قاعده دوم از اصل اول تابعیت است که هیچ کس نمی‌تواند تابعیت خود را از دست بدهد. این تابعیت از چند راه تحصیل می‌شود. الف) ازدواج؛ ازدواج زن خارجی با مردی از اتباع یک کشور ب) تحصیل تابعیت توسط بیگانگان ج) تغییر تابعیت یعنی فردی تابعیت خود را تغییر می‌دهد و بر اثر آن تغییر، تابعیت جدید برای همسر و فرزندان خود تحصیل نماید.

تحصیل این تابعیت گرچه در نوشته‌های بعضی از حقوقدانان همچون سرکار خانم دکتر بهشید ارفع نیا در کتاب حقوق بین الملل خصوصی؛ در ردیف آثار تابعیت‌های اکتسابی قرار گرفته است؛ لکن چون نوعی تحصیل تابعیت هر چند غیر ارادی و تحمیلی می‌باشد، می‌توان آن را «تابعیت تحمیلی» یا «تحمیل تابعیت» نامگذاری نمود.

بنابراین انواع تابعیت را می‌توان به دو دسته تقسیم نمود. اول «تابعیت اصلی» که گاهی ناشی از سیستم خون می‌باشد و به آن تابعیت نسبی اطلاق می‌شود.^۲ این تابعیت را نیز می‌توان به «تابعیت اصلی نسبی» نامید و گاهی ناشی از خاک می‌باشد که آن را «تابعیت ارضی» نیز نامیده‌اند.^۳ این تابعیت را نیز می‌توان «تابعیت اصلی ارضی» نامید. دوم «تابعیت اکتسابی» که از راه ازدواج، تغییر تابعیت و تحصیل تابعیت بدست می‌آید.

۱-۲-۹-۲-۱. تابعیت ایران به واسطه‌ی ایرانی بودن پدر

بند ۲ ماده ۹۷۶ قانون مدنی این طور بیان می‌دارد: «کسانی که پدر آن‌ها ایرانی است اعم از اینکه در ایران یا خارج متولد شده باشند»

نتیجه این حکم این است که با مشخص بودن هویت و تابعیت ایرانی پدر، تابعیت فرزند او نیز، هرچند تولد فرزند در کشوری دیگر رخ داده و تابعیت آن کشور نیز به او تعلق گرفته باشد، ایرانی است. تابعیت پدر اعم از اینکه تابعیت او اصلی باشد یا تابعیت اکتسابی. منظور از تابعیت، تابعیت

۱- جعفری لنگرودی، محمد جعفر، *ترمینولوژی حقوقی*، شماره ۱۱۰۱، ص ۱۳۵.

۲- نصیری، محمد، *حقوق بین الملل خصوصی*، ج ۱-۲، ص ۳۰.

۳- همان، ص ۳۳.

پدر در زمان تولد فرزند است. انتساب طفل به پدر نیز مشروع باشد.^۱

نتیجه دیگر که بسیار حائز اهمیت است آن است که در این بند ماده از "مادر" نامی به بیان نیامده. علت عدم اشاره به نام مادر در این عبارت، برحسب ظاهر آن است که قانون‌گذار ایرانی در تنظیم قاعده‌های تابعیت ایران درباره‌ی خانواده‌های ایران قائل به وحدت تابعیت بوده و ذکر نام مادر را زائد می‌دانسته است. در نتیجه اگر کسی از مادر ایرانی و پدر بیگانه تولد یابد تابعیت او از دایره‌ی مشمول این بند خارج می‌ماند مگر آنکه وی در سرزمین ایران تولد یافته باشد که در این حالت تابعیت ایرانی او به اقتضای مورد، می‌تواند مشمول یکی از بندهای ۳ و ۴ و ۵ و ماده ۹۷۶ قانون مدنی تلقی گردد.^۲ از این جهت می‌توان نتیجه گرفت در ساختار تابعیت ایران در تعیین تابعیت اصلی به لحاظ انتساب به خانواده‌های ایرانی تنها انتساب به پدر منظور گردیده و برای مادر در آن جایگاه و سهمی قائل و مشخص نشده است. در مواردی همچون ازدواج زن ایرانی با مرد بیگانه که تابعیت زن به شرط آن‌که قانون کشور متبوع مرد مبتنی بر تحمیل تابعیت شوهر به زن نباشد تغییر نمی‌کند، یا در ترک تابعیت ایران از سوی شوهر که با ترک تابعیت زن موافقت نمی‌شود مادر دارای تابعیت ایران و پدر دارای تابعیت خارجی است. در این موارد در نظر گرفتن تابعیت ایران برای فرزندان آن‌ها تنها هنگامی میسر می‌گردد که وی در ایران تولد یافته باشد.

۱-۹-۲-۲-۲. شروط تابعیت ایران

شرط داشتن تابعیت اصلی ایران برای مصنف بودن به وصف ایرانی الاصل اصطلاح ایرانی الاصل در متمم قانون اساسی مشروطیت (اصل ۳۷ قانون) و در قانون اساسی جمهوری اسلامی (اصل ۱۱۵ آن قانون) به کار رفته و مراد از آن در هر دو قانون تعیین تابعیت شخص مورد نظر (در متمم قانون اساسی تعیین تابعیت مادر ولیعهد و در قانون اساسی جمهوری تعیین تابعیت رئیس جمهور) به گونه‌ای خاص و در یک مفهوم بوده است. در این مفهوم تابعیت اصلی ناشی از تولد از پدر ایرانی مستتر است، بنابراین شرط اصلی برای آنکه بتوان به کسی ایرانی الاصل گفت آن است که پدر او ایرانی باشد. درباره‌ی تابعیت ایرانی پدر چون دو احتمال وجود دارد: نخست آنکه تابعیت خود پدر هم تابعیت اصلی و دیگر آن‌که تابعیت او اکتسابی یا تابعیت پدر او یا پدر پدر او اکتسابی باشد. آیا می‌توان کسی را که پدر او یا پدر پدر او دارای تابعیت اکتسابی، ایرانی الاصل دانست؟ در پاسخ می‌توان گفت، با در نظر گرفتن اینکه در دو قانون یاد شده در تعیین تابعیت شخص معین به جای ترکیب وصفی تابعیت اصلی صفت ایرانی الاصل به کار برده شده به نظر می‌رسد منظور قانونگذار از

۱- ماده ۱۱۶۷ قانون مدنی «طفل متولد از زنا ملحق به زان نمی‌شود»

۲- سلجوقی، محمود، *حقوق بین الملل خصوصی*، ج ۱، ص ۷۹.

فصل اول: کلیات و مفاهیم/۲۵

به کار بردن این صفت فراتر از تابعیت اصلی بوده است به گونه ای که افزودن بر خود شخص باید درباره ی پدر او هم بتوان چنین تابعیتی را یافت.^۱

بند ۲ ماده ی ۹۷۶ قانون مدنی می باشد «به لسان قانونی ایرانی الاصل» می خوانند.^۲

ممکن است کسی که خود یا پدر او تابعیت اصلی ایران را ترک گفته است پس از آن به تابعیت ایرانی خود برگشته باشد.

(ماده ی ۹۹۰ قانون) در این حالت هم چنانچه تابعیت پدران او به ترتیب یاد شده باشد او را می توان ایرانی الاصل شمرد.

۱-۹-۲-۳. تابعیت ایران بواسطه تولد در ایران

همان طور که در قبل اشاره شد ایران هم مثل اکثر کشورهای جهان هم تابعیت خاک و هم تابعیت خون را پذیرفته است هر چند که کفه ی تابعیت خون بسیار بیشتر سنگینی می کند حال در این قسمت انواع تابعیت ناشی از تولد در ایران (سیستم خاک) را مورد بحث و بررسی قرار می دهیم.

الف : انواع تابعیت ناشی از تولد در ایران

کسانی که تابعیت ایرانی آنها بر مبنای تولد آنها در قلمرو حاکمیت دولت ایران می باشد بر سه دسته تقسیم می گردند:

اول) کسانی که از پدر و مادر نامعلوم یا از پدر و مادر بدون تابعیت در ایران متولد شده اند. دوم) کسانی که از پدر و مادر بیگانه که یکی از آنها به نوبه خود در ایران تولد یافته است، متولد شده اند.

سوم) کسانی که از پدر بیگانه در ایران تولد یافته و پس از ۱۸ سالگی تمام لااقل یک سال در ایران مقیم بوده اند. یا آن که تابعیت اصلی ایران بر مبنای معیار خاک تا این اندازه متبوع است، معیار غالب را در تعیین تابعیت ایرانی ها، معیار خون یا خویشاوندی تشکیل می دهد.

ب: تابعیت ناشی از تولد در ایران از پدر و مادر نامعلوم

«تابعیت ناشی از تولد در ایران از پدر و مادر نامعلوم یا بدون تابعیت در بند ۳ ماده ۹۷۶ قانون مدنی تصریح شده است: در کسانی که در ایران متولد شده پدر و مادر آنان غیر معلوم باشند، تبعه ایران محسوب می شوند. بنابراین با معلوم بودن تولد شخص در ایران و معلوم نبودن هویت پدر و مادر تابعیت وی ایرانی خواهد بود. این تابعیت از زمره تابعیت های اصلی ایران می باشد، و در آن معیار خاک به طور مطلق و کامل رعایت گردیده است، و از هنگام تولد مستقر می شود. ادامه ی این

۱- سلجوقی، محمود، حقوق بین الملل خصوصی، ج ۱، ص ۸۰

۲- نصیری، محمد، حقوق بین الملل خصوصی، ج ۱-۲، ص ۵۲.

تابعیت بسته به آن است که هویت پدر و مادر در زمان‌های بعد نیز معلوم نگردد اگر هویت آنها معلوم شد و نیز معلوم گردید که آنها دارای تابعیت ایران یا خارجه می‌باشند به اقتضای تابعیت آنها در وضعیت تابعیت او تغییراتی حاصل می‌شود مگر اینکه معلوم گردد آنان بدون تابعیت می‌باشند که در این صورت تغییری در تابعیت او پیش نمی‌آید. درباره‌ی تابعیت ایرانی کسی که از پدر و مادر بدون تابعیت در ایران متولد می‌گردد حکمی خاص در قانون تابعیت دیده نمی‌شود. با این حال می‌توان وضعیت تابعیت این گونه اشخاص را با کسانی که از پدر و مادر نامعلوم در ایران متولد می‌گردند مقایسه کرد و با در نظر گرفتن این که قانون‌گذار در اسلوب تابعیت ایرانی برای معیار خاک، در تعیین تابعیت، ارزش قائل شد. و اینکه پذیرش این معیار در اصل در طریق تحقق فکر هر کسی باید دارای تابعیت باشد.» و برای جلوگیری از گسترش بی‌تابعتی بوده است آنها را دارای تابعیت ایران دانست.

ج : تابعیت ناشی از تولد در ایران از پدر و مادر بیگانه

تابعیت ناشی از تولد در ایران از پدر و مادر بیگانه که یکی از آن دو نیز در ایران تولد یافته: درباره‌ی این تابعیت در بند ۴ ماده ۹۷۶ قانون مدنی به این عبارت تصریح گردیده است: «کسانی که در ایران از پدر و مادر خارجی که یکی از آنها در ایران متولد شده به وجود آمده‌اند.» تبعه ایران محسوب می‌شوند. به طوری که این عبارت نشان می‌دهد ایجاد این نوع تابعیت بسته به فراهم آمدن دو شرط می‌باشد: ۱) تولد شخص در ایران ۲) تولد پدر یا مادر او (که هر دو بیگانه‌اند) در ایرانیان تابعیت از تابعیت‌های اصلی ایران به شمار می‌آید و با تولد شخص آغاز می‌گردد زیرا با این تولد هر دو شرط لازم برای تحقق آن فراهم می‌آیند. در این نوع تابعیت افزون بر معیار خاک می‌توان اثر خویشاوندی را هم دید چه آن که تاثیر تولد پدر یا مادر در ایران در تابعیت ایرانی فرزند آنان از قرابت میان آنان و فرزندانشان ناشی می‌گردد.

با آن که در اسلوب تابعیت ایران تابعیت مادر در تابعیت فرزند موثر شناخته شده است. این ارزش به لحاظ نقش مادر در تربیت فرزند است.^۱

چون تولد مادر، مانند تولد پدر، در ایران به طور طبیعی سبب گرایش فرزند به تمدن و فرهنگ این سرزمین و آشنایی و علاقه‌ی وی نسبت به این فرهنگ می‌گردد قانون‌گذار آن را به انضمام شرط دیگر، یعنی تولد خود شخص در ایران، برای تابعیت ایرانی او کافی در اعطای تابعیت به او موثر بوده تولد پدر یا مادر او هم در ایران در اعطای آن تاثیر داشته و سبب گردیده این تابعیت درباره‌ی او از هنگام تولد تحقق یابد. خاصه آن که تولد پدر یا مادر در ایران مقیم بوده‌اند که فرزند آنها در این

۱- سلجوقی، محمود، حقوق بین الملل خصوصی، ج ۱، ص ۸۲

کشور زاییده شده است. این مقدمات برای آن که دارنده این نوع تابعیت بتوان از ابتدا دارای شرایط لازم برای بهره‌مند شدن از تابعیت ایران تلقی کرد به نظر قانون‌گذار کافی است.^۱

ممکن است مادر چنین کسی ایرانی و متولد ایران باشد در این حالت نیز تابعیت ایرانی او را می‌توان از نوع تابعیت‌های پیش‌بینی شده در این بند دانست. البته همان طور که می‌دانیم اگر مادر ایرانی باشد شامل این بند نمی‌شود و نمی‌توان به استفاده در بند ماده‌ی ۹۷۶ قانون مدنی فرزند او را ایرانی دانست لذا این مطلب موضوع اصلی بحث می‌شود و یکی از ایرادهای اساسی قانون ما و سیاست اعطای تابعیت در ایران همان انجام تبعیض بین زن ایرانی با زن خارجی است. لذا مناقشه در اینجا شروع می‌شود که چطور فرزند یک زن بیگانه اگر در ایران متولد شده باشد تابعیت ایرانی را با تولد فرزند در ایران کسب می‌کند ولی فرزند یک مادر ایرانی که نه تنها هر دو در ایران متولد شده‌اند بلکه مادر جداند در جد ایرانی است بواسطه بیگانه بودن پدرش تا سن ۱۸ سالگی از داشتن تابعیت در ایران محروم می‌باشد.

د: تابعیت ناشی از تولد در ایران به شرط اقامت

تابعیت ناشی از تولد به شرط اقامت در باره‌ی این تابعیت در بند ۵ ماده ۹۷۶ به این عبارت تصریح شده است: «کسانی که در ایران از پدری که تبعه خارجه است به وجود آمده و بلافاصله پس از رسیدن به هجده سال تمام یک سال در ایران اقامت کرده باشد» تبعه ایران محسوب می‌گردند. « والا قبول شدن آن‌ها به تابعیت ایران طبق مقرراتی خواهد بود که مطابق قانون برای تحصیل تابعیت ایران مقرر است.»

بنابراین تحقق این نوع تابعیت نیز مانند تابعیت پیش‌بینی شده در بند آن ماده منوط به احراز دو شرط است: ۱) تولد شخص در ایران ۲) لااقل یک سال اقامت دیگر پس از رسیدن به سن ۱۸ سالگی تمام در ایران

تفاوت این نوع تابعیت با تابعیت موضوع بند ۴ در این است که در مورد این نوع تابعیت بجای شرط تولد پدر و یا مادر در ایران شرط اقامت در ایران منظور گردیده است. این تفاوت خودبه‌خود موجب پدید آمدن تفاوت دیگر میان دو نوع تابعیت می‌گردد و آن زمان تحقیق آن‌ها است که در تابعیت بند ۴ زمان آن لحظه‌ی تولد و در تابعیت بند ۵ زمان احراز شرط اقامت یعنی ۱۹ سالگی تمام می‌باشد.

در این بند هم از مادر نامی نیست، این سکوت می‌تواند به لحاظ آن باشد که قانون‌گذار ایرانی تابعیت مادر را در تابعیت فرزند موثر نشناخته و اگر بند ۴ از مادر نامی برده شده برای آن است که

خواسته برای تولد او در ایران از حیث ایرانی فرزندش اثری مرتب سازد. تابعیت کسانی که در شمول این بند می‌باشند از یک سو به لحاظ تولد در ایران تابعیت اصلی و از سوی دیگر به علت شرط اقامت و عدم اعمال حق انتخاب تابعیت، تابعیت اکتسابی خواهد بود. بدون آن‌که آثار تابعیت‌های اکتسابی بر آن بار شود.

ی: تابعیت ایرانی ساکنان ایران

تابعیت ایرانی ساکنان ایران مگر در صورت وجود دلیل مخالف در بند ۱ ماده ۹۷۶ قانون مدنی حکمی به این عبارت دیده می‌شود.

« کلیه ساکنان ایران به استثنای اشخاصی که تابعیت خارجی آن‌ها مسلم باشد» اتباع ایران محسوب می‌گردند و پس از آن افزوده است: «تابعیت خارجی کسانی مسلم است که مدارک تابعیت آن‌ها مورد اعتراض دولت ایران نباشد»

این بند را می‌توان جانشین ماده‌ی ۱۳ قانون نامه تابعیت دانست؛ و مراد از آن تنظیم آن نمی‌توانسته این باشد که بر معیارهای خاک و خون در تعیین تابعیت اصلی ایران معیار دیگری، یعنی معیار سکونت در ایران افزوده گردد. منظور از آن، همان گونه که قانون تصریح شده، آن بوده است که اگر در تابعیت ایرانی یا خارجی کسی ساکن ایران گردید رخ دهد مادام که تابعیت مدلل نشده باید او را تبعه ایران به شمار آورد، بنابراین می‌توان گفت این بند مشتمل بر اصل ایرانی بودن ساکن ایران است مگر در صورت اثبات خلاف آن غرض از سکونت در این بند نیز سکونت دائم در ایران است؛ افزون بر این در آن این نکته نیز روشن شده است که در چنین حالت‌هایی تهیه بر اثبات تابعیت خارجی بر عهده خود تبعه است و نه دولت.

۱-۹-۳. تابعیت کودکان در سایر کشورها

کشورها در مورد ازدواج زن با تبعه خارجی رویه‌ای متفاوت اتخاذ نمودند، در برخی کشورها مانند ایتوبی، اسپانیا، سوئیس و افغانستان تابعیت زوج بر زوجه تحمیل می‌شود. برخی دیگر از کشورها مانند ایتالیا معتقدند زن در اثر ازدواج با تبعه خارجی تابعیت اصلی خود را از دست می‌دهد، لکن این تغییر تابعیت مطیع شرایط خاصی است.^۱ قانونگذار این ممالک معتقدند به نظر غیر منطقی است زنی که با مرد خارجی ازدواج کرده و در مملکت خود زندگی می‌کند به صرف ازدواج با خارجی او را خارجی بدانیم در فرانسه در سال ۱۹۷۳ وحدت تابعیت به میل زوجین منوط گردید به طوری که انجام این امر از طریق ارائه اظهار نامه امکان پذیر شد. در آلمان با ازدواج زن آلمانی با مرد

۱- ارفع تیا، بهشید، ازدواج و تابعیت، حقوق زنان، ش ۲، ۱۳۷۷، ص ۵۹.

خارجی حتی اگر تابعیت شوهر بر زن تحمیل شود، به تابعیت آلمانی خود باقی می ماند و این تابعیت را به اطفال حاصل از ازدواج نیز می تواند منتقل کند.^۱

اگر چه شیوه ایتالیا که قائل به تغییر تابعیت به صرف ازدواج با اتباع بیگانه نیست منطقی به نظر می رسد به شیوه کشورهایمانند فرانسه که اختیار انتخاب تابعیت را به خودشان واگذار نموده اما این عدم تغییر تابعیت در نهایت تاثیری بر فرض مورد نظر و وضعیت نابه سامان فرزندان این گونه ازدواج ها نخواهد داشت^۲ بنابراین راهکاری که در مورد پذیرش قرار گرفته و برای زنان ایرانی شایسته تر و مناسب تر می باشد.

در این گفتار می خواهیم تابعیت اطفال در دو بخش مورد بررسی قرار دهیم.

بخش اول، تابعیت در برخی کشورهای آسیایی و اقیانوسیه و بخش دوم، تابعیت در برخی کشورها در قاره آمریکا و اروپا مورد بررسی قرار می دهیم.

۱-۳-۹-۱. تابعیت در برخی کشورهای آسیا و اقیانوسیه

در این بند ما به بررسی قانون تابعیت در چند کشور آسیایی و استرالیا می پردازیم.

بند اول-تابعیت در افغانستان

قواعد تابعیت در افغانستان مبتنی بر آیین نامه وزارت دادگستری که در سال ۱۹۲۲ به تصویب رسیده است.^۳ تولد در خاک افغانستان به خودی خود موجب اعطای تابعیت نمی گردد مگر اینکه والدین طفل مشخص نباشند و یا اینکه تابعیت کشوری را نداشته باشند. اطفالی که از پدر و مادر افغانی ولو اینکه در غیر از قلمرو افغانستان متولد گردد تبعه افغانستان محسوب می شوند.

اتباع خارجی اعم از اینکه مرد یا زن که با اتباع افغانستان ازدواج نمایند تابعیت افغانستان را تحصیل خواهند کرد مشروط به اینکه خود شخص نیز تقاضای تحصیل تابعیت را از دولت افغانستان بنماید.

بند دوم-تابعیت در ارمنستان

مقررات تابعیت در ارمنستان مبتنی بر قانون اساسی مصوب ۱۹۹۵ و قانون تابعیت مصوب ۱۹۹۵ این کشور می باشد.^۴ طفلی که یکی از والدین وی تبعه ارمنستان بوده و یکی دیگر از والدین وی

۱- بداغی، فاطمه: *ازدواج و تابعیت زن ایرانی*، سایت موسسه عدل فردوسی.

۲- همان.

3-united states office of personnel management investigations service, citizenship laws of the world, 2008,p;12
4-jbid,pp;20-21

نامعلوم و یا بدون تابعیت باشد می‌تواند برای تابعیت این کشور اقدام کند. طفلی که یکی از والدین او تبعه ارمنستان باشد و یکی دیگر خارجی در صورتی می‌تواند تبعه ارمنستان بشود که والدین وی «هم پدر و هم مادر» اعلام رضایت کتبی برای تحصیل تابعیت ارمنستان را نموده باشند. و در صورتی که رضایتنامه وجود نداشته باشد، نمیتواند این طفل به‌تابعیت ارمنستان درآید.

بند سوم- تابعیت امارات متحده عربی

قوانین و مقررات تابعیت امارات متحده عربی بر اساس قوانینی است که در سال ۱۹۷۲ تصویب شده است و در سال ۱۹۷۵ نیز اصلاح گردیده است.^۱

تولد در سرزمین امارات متحده عربی باعث تحصیل تابعیت این کشور نمی‌گردد مگر اینکه پدر و مادر این طفل نامعلوم باشند.

طفلی که از مادر اماراتی و پدر نامعلوم بوده و در هر کجای دنیا که متولد گردد اماراتی محسوب می‌گردد. لازم به ذکر است که مرد خارجی که با زن اماراتی ازدواج نماید نمی‌تواند از طریق ازدواج تابعیت امارات را تحصیل کند.

بند چهارم- تابعیت در بحرین

قانون تابعیت بحرین در ۱۶ سپتامبر ۱۹۳۶ به تصویب رسیده است.^۲ هر طفلی که بعد از سپتامبر ۱۹۶۳ در قلمرو حاکمیت بحرین متولد گردد و پدرش شهروند و تبعه بحرین باشد تابعیت بحرین را خواهد داشت چنانچه طفل تابعیت کشور دیگری را نداشته باشد تابعیت بحرینی به وی داده می‌شود. طفل در قلمرو حاکمیت بحرین از والدین نامعلوم متولد شده باشد نیز تابعیت بحرینی به وی اعطا می‌گردد.

بند پنجم- تابعیت در پاکستان

قانون تابعیت در پاکستان بر اساس مجموعه قوانین تابعیت مصوب ۱۳ آوریل ۱۹۵۱ استوار گردیده است.^۳ هر طفلی که در قلمرو حاکمیت پاکستان بعد از سال ۱۹۵۱ متولد گردد تبعه پاکستان محسوب می‌گردد. فرزندان ماموران دیپلماتیک از این قانون مستثنی هستند.

بند ششم- تابعیت در چین

قانون تابعیت در جمهوری خلق چین بر مبنای قانونی که در دهم دسامبر ۱۹۸۵ تصویب شده استوار است.^۴ تولد در خاک چین به خودی خود موجب کسب تابعیت نمی‌گردد ولی چنانچه طفلی

1-http://en.wikipedia.org/wiki/E_mirates.

2-<http://www.upr.bh/hrbc/nationality.pdf>.online

3-<http://en.wikipedia.org/wiki/Pakistani-nationality-law>.

4-united states office of personnel management investigations service , citizenship laws of the world , 2008, pp:50-51

فصل اول: کلیات و مفاهیم/۳۱

از والدین نامعلوم و یا بدون تابعیت در قلمرو حاکمیت چین بدنیا آمده باشد تابعیت چین را تحصیل خواهد نمود. می‌توان گفت که اساس مقررات تابعیت چین مبتنی بر اصل خاک نمی‌باشد. اگر یکی از والدین طفل تبعه چین باشد، صرف نظر از محل تولد وی، تبعه چین محسوب می‌گردد.

بند هفتم- تابعیت در مالزی

برای اینکه شخصی به عنوان شهروند مالزی محسوب گردد باید بر اساس مقررات تابعیت سال ۱۹۶۴ به شهروندی مالزی در آمده باشد. اشخاص ذیل شهروند مالزی محسوب خواهند شد:

هر شخصی که قبل از روز استقلال مالزی در این کشور متولد شده باشد.

هر شخصی که در مالزی بعد از اکتبر ۱۹۶۲ در زمان تولدش از پدر و یا مادری که به عنوان شهروند و یا مقیم دائم مالزی متولد شده باشد بعنوان شهروند مالزی محسوب می‌گردد.

بند هشتم- تابعیت در ژاپن

اولین قانون تابعیت در ژاپن، قانونی است که در سال ۱۸۷۳ به تصویب رسید که تاکنون چندین بار مورد تغییر قرار گرفته است. در حال حاضر اساس قانون تابعیت ژاپن قانونی است که در سال ۲۰۰۸ به تصویب رسیده است.^۱ در ماده ۲ قانون تابعیت آمده است که: طفل در موارد زیر دارای تابعیت ژاپن خواهد بود: هرگاه پدر طفل قبل از تولد وی فوت نماید و تابعیت ژاپن را داشته باشد طفل نیز تابعیت ژاپن را تحصیل خواهد نمود. هرگاه در زمان تولد طفل، پدر یا مادر وی تبعه ژاپن باشد.

بند نهم- تابعیت در کره شمالی

تابعیت در کره شمالی بر اساس قانون تابعیت که در نهم اکتبر ۱۹۶۳ تصویب شده پایه ریزی گردیده است. افرادی که در سال ۱۹۴۸ زمانی که کره شمالی تاسیس گردید و در قلمرو خاک و حاکمیت این کشور اقامت داشته اند بعنوان تبعه کره شمالی محسوب می‌گردند.^۲ تولد در خاک کره شمالی موجب تحصیل تابعیت نمی‌شود مگر اینکه طفلی از والدین نامعلوم و یا بدون تابعیت در کشور کره شمالی بدنیا آمده باشد. مطابق این قانون: طفلی که از پدر و یا مادر کره‌ای در هر جای دنیا متولد شود کره‌ای است. همچنین است هر طفلی که در خاک کره شمالی بدنیا آمده باشد چه والدین وی کره‌ای باشد یا خارجی. در مورد اطفال متولد شده در خارج از قلمرو کره شمالی هر طفلی که در خارج از کره شمالی متولد شود و یکی از والدین وی کره‌ای باشد و دیگری خارجی آن طفل کره‌ای محسوب خواهد شد.

1-Richard W. Flourony , Manley Ottmer Hudson, A Collection of nationality laws of various countries ,New York: Oxford University Press , 1989 ,p:384

2-Ibid , p:109

بند دهم - تابعیت در کره جنوبی

تابعیت کره‌ای در قانون تابعیت مصوب سال ۱۹۹۷ پیش‌بینی شده است.^۱ تولد در قلمرو کره جنوبی خود بخود باعث انتقال تابعیت کره جنوبی نمی‌گردد. مگر اینکه: شخص در کره جنوبی از والدین نامعلوم متولد شده باشد. همچنین طفلی که در خاک کره جنوبی رها شده و پدر و مادرش معلوم نباشند. با توجه به اصل خون در تابعیت در کره جنوبی شخصی که در هنگام تولد پدر یا مادرش تبعه کره جنوبی باشد، کره‌ای شناخته می‌شود.

بند یازدهم - تابعیت در استرالیا

مقررات تابعیت در استرالیا مبتنی بر قانون مصوب ۱۹۴۸ میلادی است. از سال ۱۹۴۸ به بعد قانون تابعیت بارها دستخوش تغییرات و اصلاحات شده است اما نکته مهم آن است که وضعیت تابعیت افراد بستگی به زمان تولد و قانون لازم‌الاجرا در آن زمان دارد. طفلی که در خاک استرالیا متولد شده و در زمان تقاضای تابعیت استرالیا یکی از والدین وی تابعیت استرالیا را داشته باشد. وی می‌تواند برای کسب تابعیت این کشور اقدام نموده مشروط بر آنکه تقاضای وی قبل از سن ۱۸ سالگی باشد. چنانچه در زمان طفولیت شخص، والدین این طفل فوت نماید شخصی که قانوناً قیم آن طفل است می‌تواند با نیابت از طفل تقاضای تابعیت نماید.

۱-۹-۳-۲. تابعیت در برخی کشورهای آمریکا و اروپا

در این بند ما به بررسی قانون تابعیت در برخی از کشورهای اروپا و آمریکا می‌پردازیم.

بند اول - تابعیت در آمریکا

قانون تابعیت در آمریکا مبتنی بر مقرراتی است که در سال ۱۹۸۶ به تصویب رسیده است. صدور گواهی تولد از طرف مقامات صلاحیت‌دار برای اطفالی که در آمریکا متولد شده باشند دلیلی بر تابعیت آمریکا می‌باشد و معمولاً این گواهی به عنوان مدرک مثبت تابعیت آمریکا محسوب می‌گردد. با توجه به آنچه گفت ایالات متحده آمریکا تابعیت ناشی از خاک را پذیرفته است اما در مورد اطفال متولد در خارج از این قلمرو این کشور اینچنین است:

در صورتی که هر دو والدین طفل در زمان تولد وی تبعه آمریکا باشند و یا حداقل یکی از والدین طفل قبل از تولد در آمریکا اقامت داشته و یکی دیگر نیز در حال اقامت باشد در این موارد طفل متولد شده در خارج دارای تابعیت آمریکا خواهد بود.

بند دوم - تابعیت در کانادا

قانون تابعیت در کانادا در اصل بر اساس قانون مصوب ۱۹۱۰ بوجود آمد. بر طبق این قانون،

1-Ibid , p:110

تابعیت کانادا به آن دسته از اتباع انگلیس که مقیم کانادا بودند تخصیص داده شده و دیگر اتباع انگلیس برای ورود به خاک کانادا موظف به اجازه بودند. بعد از انقضای قانون مصوب وست مینسر در سال ۱۹۳۱ که بموجب آن هریک از ایالت‌های خودگردان بریتانیای کبیر اجازه تصویب و وضع قوانین برای ایالت‌های خود را داشته هر یک از ایالت‌های خودگردان قوانین مختص به خود را تصویب کردند و در قلمرو خود به اجرا در می‌آوردند و قانون تابعیت کانادا نیز در سال ۱۹۴۷ به تصویب رسید. ولادت در کانادا بجز فرزندان که از دیپلمات‌های غیر انگلیسی بدنیآ آمده باشند. طبق این بند فرقی ندارد که پدر یا مادر یا هیچ یک کانادایی نباشد آنچه مهم است اصل خاک یا تولد در قلمرو کانادا است.

بند سوم – تابعیت در آلمان

مقررات تابعیت در آلمان تا قبل از اول ژانویه ۲۰۰۰ بر سیستم خون استوار بود اما بعد از این تاریخ طبق قانون اصل خاک اعمال می‌گردد.^۱ بر اساس قانون سابق تابعیت در آلمان، تولد در خاک این کشور موجب اعطای تابعیت نمی‌گردید، اما بعد از اول ژانویه ۲۰۰۰ تابعیت از طریق تولد در خاک آلمان، چنانچه یکی از والدین طفل در خاک این کشور به مدت هشت سال اقامت داشته باشد به طفل اعطا خواهد شد.

بند چهارم – تابعیت در انگلستان

قانون تابعیت اولیه بریتانیا^۲ ریشه در قرون وسطی دارد. همواره در قلمرو حقوقی کشور انگلستان بین اتباع پادشاهی و بیگانگان تمایزاتی وجود داشته است. در حقوق کامن لا استثنائاتی در خصوص وضعیت و موقعیت اطفالی که پدر و مادر انگلیسی الاصل دارند و در خارج از خاک انگلستان متولد نشده باشند به عنوان شهروند و تبعه انگلستان محسوب می‌گردیدند و استثنای بعدی اینکه اطفالی که در خارج از خاک انگلستان از پدر و مادر انگلیسی الاصل به دنیا آمده‌اند، تبعه کشور انگلستان محسوب می‌شوند. بطور خلاصه می‌توان گفت در حال حاضر، مقررات تابعیت انگلستان مبتنی بر قانونی است که در سال ۱۹۸۴ به تصویب رسیده است. که شامل کلیه اتباع مستعمره سابق بریتانیا نیز می‌گردد. مطابق این قانون شامل هر طفلی که در انگلستان از والدینی که یکی از آنها تبعه انگلیس بوده یا محل زندگی خود را این کشور قرار داده باشد متولد گردیده باشد. قانون ویژه‌ای که در سال ۲۰۰۰ به تصویب رسید و در سال ۲۰۰۶ نیز اصلاح گردید مقرر نمود: هرگاه یکی از والدین طفل، تبعه جامعه اروپا یا منطقه اقتصادی اروپا یا شهروند سوئیس باشد و چنانچه طفل قبل از آوریل ۲۰۰۶

1- <http://www.ces.fas.harvard.edu/publications/docs/pdfs/Boes.pdf>.online

2- Andrew sharp, Defining British Citizenship: Empire, Commonwealth and Modern Britain, Good win Gil, 2002, pp:84-89.

در قلمرو انگلستان متولد گردد می‌تواند تابعیت انگلستان را تحصیل نماید.

بند پنجم- تابعیت در ایتالیا

مقررات تابعیت در ایتالیا مانند خیلی از کشورها اروپایی مبتنی بر اصل خاک بوده گرچه در بعضی موارد اصل خون نیز اعمال می‌گردد. اساس تابعیت ایتالیا قانونی است که در سال ۱۹۹۲ توسط پارلمان این کشور و همچنین آیین نامه‌هایی است که در هیات دولت این کشور به تصویب رسیده باشد.^۱ هرگاه طفلی از پدر و مادر ایتالیایی در هر کجای دنیا متولد گردد تابعیت ایتالیا را تحصیل خواهد نمود.

بند ششم - تابعیت در سوئیس

کسب تابعیت سوئیس از طریق تولد، ازدواج یا تقاضا بدست می‌آید.^۲ طفلی که از پدر یا مادر سوئیسی متولد شود ولو اینکه در خاک سوئیس متولد نشده باشد و یا اینکه پدر و مادر وی رسماً ازدواج نکرده باشند، این طفل سوئیسی محسوب خواهد شد. اصل خاک در قانون تابعیت سوئیس مورد پذیرش واقع نشده است و تولد در خاک سوئیس به تنهایی موجب تحصیل تابعیت نمی‌گردد.

بند هفتم- تابعیت در فرانسه

شرایط و مقررات تابعیت در فرانسه مبتنی بر قانون تابعیت این کشور است. قانون تابعیت فرانسه هم بر اصل خاک و هم بر اصل خون استوار است.^۳ به اطفالی که در خاک فرانسه و کشورهای تحت حمایت آن، از پدر و مادری که وی نیز در فرانسه متولد شده باشد. تابعیت فرانسه اعطا می‌گردد. لازم به توضیح است که بر اساس قانون تابعیت فرانسه چنانچه طفلی از پدر یا مادر فرانسوی در خارج از فرانسه متولد گردد وی می‌تواند در شش ماه تا یکسال قبل از رسیدن به سن هجده سالگی برای تحصیل تابعیت فرانسه اقدام نماید.

بند هشتم - تابعیت در هلند

تابعیت در هلند مبتنی بر اصل خون است صرف نظر از محل تولد آن طفل والدین وی باید تبعه هلند باشند. هرگاه طفلی بعد از اول ژانویه ۱۹۸۵ از پدر و مادر هلندی و یا از مادری که هنوز ازدواج نکرده باشد متولد گردد، تبعه هلند محسوب خواهد شد. اما اگر از پدر هلندی و مادر غیر هلندی که هنوز ازدواج نکرده‌اند به دنیا آمده باشد در صورتی تابعیت هلند را تحصیل خواهد نمود که تحت سرپرستی پدر باشد. در دسامبر ۲۰۰۸ برای حمایت از کودکانی که از مادر هلندی متولد

1-United States Office of Personnel Management Investigations Service, Citizenship Laws of the World, 2008, p:101.

2-http://www.worldhngo.com/ma/enwiki/en/Swiss_Nationality_law.online

3-David Cesarani and Mary Fulbrook, citizenship, Nationality and Migratinon in Europe, London: Routledge, 2003, pp:146-153.

شده بودند به مجلس عوام ارسال که در ژانویه ۲۰۱۰ با اکثریت آرا مورد تصویب نمایندگان مجلس سنا قرار گرفت.^۱ بعد از تصویب این قانون مشکل خیلی افرادی که از پدر خارجی و مادر هلندی به دنیا آمده بودند حل شد. همان طور که مشخص شد که نداشتن حق تابعیت برای مادر امری خلاف قاعده است زیرا به نژاد بین المللی بین کشورها لطمه وارد می سازد و لذا برخی از کشورها مثل مالزی و هلند برای حق تابعیت مادر به فرزند تسهیل کرده اند.

اما در قانون مدنی ایران هیچ ماده ای که پذیرش تابعیت مادر ایرانی الاصل باشد موجود نیست که این موضوع خالی از اشکال نیست. البته ایران به هیچ وجه به طور صریح به این موضوع نپرداخته ولی از مقایسه ی بین قوانین ایران و سایر کشورها می توان گفت که ۹۷۶ ق. مدنی ایران که سیستم خاک و خون به نوعی اعمال می شود ولی در رابطه با مادر ایرانی الاصل باید تجدید نظرهایی در قوانین مربوط به تابعیت صورت گیرد

۱-۹-۴. آثار حقوقی تحصیل تابعیت

به مجرد تحصیل تابعیت از نوع اصلی یا اکتسابی، آثاری بر آن مترتب می گردد، این آثار که دارای وصف حقوقی می باشند، به دو دسته آثار حقوقی عام تابعیت و آثار حقوقی خاص تابعیت تقسیم می شوند.

۱-۹-۴-۱. آثار حقوقی عام تابعیت

وقتی تابعیت اصلی شکل می گیرد آثار حقوقی را مترتب می شود که تحت عنوان آثار حقوقی عام تابعیت نامیده می شود. رابطه تابعیت پس از به هم پیوستن اجزا آن بین فرد و دولت برقرار می گردد. با برقراری این رابطه و تحقیق شرایط آن، تابعیت در معنای کامل خود تحقق یافته و بر روابط حقوقی اشخاص چه در قلمرو داخلی و چه در قلمرو بین المللی تاثیر گذار خواهد بود.

تفکیک سکنه اعم از اتباع، بیگانگان و بی تابعیت ها از یک دیگر، تمایز بین حقوق آنان شامل می شود. علاوه بر آن از آثار عام تابعیت ایجاد شخصیت حقوقی برای اتباع، بیگانگان و بی تابعیت ها می باشند، زیرا «هرکس حق دارد که شخصیت حقوقی او در همه جا به عنوان یک انسان در مقابل قانون شناخته شود».^۲ همچنین در ماده ۱۶ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی ۱۹۶۶ م. آمده «هر کس حق دارد شخصیت حقوقی او همه جا شناخته شود».

با تفکیک اتباع از بیگانگان روابط دوستانه بین المللی افزایش می یابد. توسعه این گونه روابط همواره مورد تایید و تشویق اسناد و مجامع بین المللی می باشد. در مقدمه اعلامیه جهانی حقوق بشر

1-http://en.Wikipedia.org/wiki/Dutch_nationality_law.

۲- ماده ۶ اعلامیه جهانی حقوق بشر

آمده «... لازم است توسعه روابط دوستانه بین المللی را مورد تشویق قرار داد». همچنین با تفکیک اتباع از بیگانگان، وضعیت پناهندگان روشن خواهد شد.

دولت‌ها پس از جداسازی پناهندگان می‌توانند حقوقی را برای آنان در نظر گرفته یا تابعیت خود را به آنها اعطاء کنند. در ماده ۲۲ کنوانسیون مربوط به وضع پناهندگان آمده «دول متعاقد تا آنجا که ممکن است در پذیرش و اعطای تابعیت به پناهندگان تسهیلاتی فراهم خواهند کرد و مخصوصاً کوشش خواهند نمود تا امر تحصیل تابعیت را تسریع کنند». لذا امکان حمایت از بی تابعیت‌ها و رعایت حقوق آنان تسریع می‌شود.

حقوق اتباع داخلی معمولاً معین بوده فقط در موارد خاص از قبیل صغر سن و محکومیت، دارای محدودیت است، در حالی که حقوق بیگانگان نسبت به حقوق اتباع محدودتر و در برخی موارد ممنوعیت در بهره‌مندی از برخی حقوق را به همراه دارد. این محدودیت یا ممنوعیت‌ها گاه از حقوق کشور محل اقامت بیگانه نشأت گرفته و گاه به دلیل میزان حقوقی است که مورد شناسائی کشور متبوع شخص بیگانه قرار گرفته است.

به عبارت دیگر در صورتی که بیگانه در کشور متبوع خود از حقوقی کمتر از آن چه قوانین دولت محل اقامت تعیین کرده، برخوردار باشد، نمی‌تواند معادل حقوق تعیین شده در کشور محل اقامت، از آن حقوق بهره‌مند گردد. در ایران بیگانگان از کلیه حقوق مدنی برخوردار هستند، جز در برخی موارد که در قسمت دوم بیان می‌شود.

بنابراین برخورداری از حقوق بشر ارتباطی به تابعیت کشورها ندارد، مطابق ماده ۲ اعلامیه جهانی حقوق بشر «هرکس می‌تواند بدون هیچ گونه تمایز، مخصوصاً از حیث نژاد و ملیت از تمام حقوق و کلیه آزادی‌ها بهره‌مند گردد». به عبارت دیگر تفاوت ملیت‌ها تاثیری در برخورداری از حقوق، از جمله حق تابعیت ندارد. مثلاً به موجب ماده ۱۶ اعلامیه جهانی حقوق بشر «هر زن و مرد بالغی حق دارند بدون هیچ گونه محدودیت از نظر تابعیت با همدیگر زناشوئی کرده و تشکیل خانواده دهند». در عین حال تابعیت در شغل‌گیری برخی از حقوق تاثیرگذار باشد.

۱-۹-۴. آثار حقوقی خاص تابعیت

اصول و مبانی آثار تابعیت پایه‌های یک تابعیت هستند که از جمع آن‌ها شاهد یک آثار حقوقی تابعیت بدون تعارض خواهیم بود. بر اساس ماده‌ی ۹۷۶ قانون مدنی آثار حقوقی بر تابعیت حاکم است که تمامی اصول از ماده قانون اکتساب می‌شود که موجب آثار حقوقی خاص نسبت به دارندگان تابعیت‌های اکتسابی می‌شود.^۱

۱- علی بابایی، غلام رضا، فرهنگ روابط بین الملل، ص ۷۳

الف - پذیرش درخواست فرد

مطابق ماده ۹۸۲ ق.م. شخصی که به تابعیت ایران پذیرفته می‌شود، از کلیه حقوق ایرانیان بهرمنند می‌شود. البته در برخی از کشورهای جهان محدودیت‌هایی حقوقی برای تابعیت‌های اکتسابی قرار می‌دهند؛ اکثر این محدودیت‌ها نسبت به حقوق سیاسی می‌باشد. این محدودیت‌ها در ایران مطابق ماده ۹۸۴ ق.م. شامل کلیه اشخاصی است که تابعیت ایران را تحصیل کرده‌اند و به همسر و فرزندان آنان تسری پیدا می‌کند؛ همچنین شامل زنان خارجی که از طریق ازدواج با مردان ایرانی، دارای تابعیت ایرانی شده‌اند نیز می‌گردد. ماده ۹۸۲ ق.م. محدودیت‌های مذکور به شرح ذیل است؛ «ریاست جمهوری و معاونین او؛ عضویت در شورای نگهبان و ریاست قوه قضائیه؛ وزرات و کفالت وزارت و استانداری و فرمان داری؛ عضو در مجلس شورای اسلامی؛ عضویت در شوراهای استان، شهرستان و شهر؛ استخدام در وزارت امور خارجه و نیز احراز هر گونه پست یا مأموریت سیاسی؛ قضاوت؛ عالی‌ترین رده فرماندهی در ارتش، سپاه و نیروی انتظامی؛ تصدی پست‌های مهم اطلاعاتی و امنیتی».

اگر چه برابر صدر ماده فوق این محدودیت‌ها شامل اشخاصی است که قبلاً تابعیت ایرانی را تحصیل نموده و هم کسانی که بعداً تابعیت ایران را بدست آورده‌اند، می‌شود؛ اما طبق ماده واحده قانون استفساریه ماده ۹۸۲ ق.م. مصوب ۱۳۷۲ مجلس شورای اسلامی، این محدودیت‌ها نسبت به بند ۷ ماده ۹۸۲ ق.م. شامل افرادی که قبل از تصویب قانون، تحصیل تابعیت ننموده‌اند و به امر قضاوت اشتغال یافته‌اند، نمی‌شود. راجع به بند ۱ ماده ۹۸۲ ق.م. احراز این مقام طبق اصل ۱۱۵ ق.ا. منوط به ایرانی الاصل بودن داوطلب است. از دیگر آثار کسب تابعیت ایران برقراری تکالیفی است که بر عهده سایر اتباع نیز می‌باشد. از جهت تکالیف تفاوتی بین دارندگان تابعیت اصلی و اکتسابی وجود ندارد، از جمله این تکالیف می‌توان انجام خدمت نظام وظیفه، اطاعت و حق شناسی نسبت به دولت و به عبارتی اطاعت نسبت به قوانین و رعایت مقررات کشور، احترام نسبت به حیثیت و شئون ملی ایران و پرداخت مالیات را نام برد.^۱

ب- همسر تبعه

برابر ماده ۹۸۴ ق.م. زمانی که فردی به تابعیت ایران پذیرفته می‌شود، همسر وی هم تبعه دولت ایران شناخته می‌شود، ولی زن حق دارد، ظرف یکسال از تاریخ صدور سند تابعیت شوهر، اظهاریه کتبی به وزارت امور خارجه داده و تابعیت مملکت سابق شوهر خود را قبول کند. به لحاظ اهمیت خانواده در تشکیل بقای خانواده و تاثیر همبستگی اعضای خانواده در وحدت جامعه، قانون‌گذار

۱- دانش پژوه، مصطفی، *اسلام و حقوق بین الملل خصوصی*، ص ۷۴

ایرانی، اصل وحدت تابعیت در خانواده ایرانی را پذیرفته است.^۱

ج- فرزندان تبعه

اولاد صغیر شخصی که به تابعیت ایرانی پذیرفته شده، ایرانی محسوب می‌گردد، لکن آنها حق دارند، ظرف یک سال از زمان رسیدن به سن ۱۸ سال تمام، اظهاریه کتبی به وزارت امور خارجه داده و تابعیت مملکت سابق پدر را قبول کنند. لیکن به این اظهاریه، باید تصدیق دولت متبوع پدر، دایر بر اینکه آنها را تبعه خود خواهد شناخت، ضمیمه شود. اصل وحدت تابعیت نسبت به اولاد صغیر شخص پذیرفته شده نیز لحاظ گردیده است. این تحصیل تابعیت ایرانی پدر، به هیچ وجه درباره اولادی که در تاریخ تقاضانامه به سن ۱۸ سال تمام رسیده‌اند، موثر نمی‌باشد. این موضوع در فصل بعدی بیشتر مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

د- کسب تابعیت زن به واسطه ازدواج

قانون کشورها نسبت به زن‌هایی که با مردان خارجی و زن‌های خارجی که با مردان تبعه همان کشور ازدواج می‌کنند، متفاوت است و از یک شیوه تبعیت نمی‌کند. قانونگذار ایران نیز در مواد ۹۸۷-۹۸۶ قانون مدنی از دو رویه متفاوت تبعیت کرده است. طبق ماده ۹۷۶ قانون مدنی زن غیر ایرانی که شوهر ایرانی اختیار کند به تابعیت ایران نائل می‌گردد و همانند تابعیت اکتسابی از حقوق و تکالیف مربوط به اتباع برخوردار می‌شوند.

بند ۶ این ماده تصریح می‌کند، هر زن تبعه خارج که شوهر ایرانی اختیار کند ایرانی محسوب می‌شود؛ به این معنی که اگر شوهر در مدت زناشویی از تابعیت ایران خارج شود زن مزبور به تابعیت ایرانی باقی خواهد ماند؛ مگر اینکه طبق ماده ۹۸۸ قانون مدنی اجازه دولت برای ترک تابعیت شامل زن مزبور نیز بشود. همچنین با پایان یافتن ازدواج (فوت یا طلاق) این تابعیت از بین نمی‌رود.

در ماده ۹۸۷ قانون مدنی آمده «زن ایرانی که با تبعه خارجه مزاجت می‌نماید به تابعیت ایرانی خود باقی خواهد ماند مگر آنکه مطابق قانون مملکت زوج، تابعیت شوهر به واسطه وقوع عقد ازدواج به زوجه تحمیل شود». به عنوان نمونه به رای در این باره می‌پردازیم؛

برابر دادنامه شماره ۱۱/۳۹۰ مورخ ۱۳۸۳/۱۰/۷ شعبه ۲ دادگاه عمومی حقوقی مشهد، شخصی را به نام خانوم «ف» مقیم مشهد به طرفیت اداره ثبت احوال شهرستان..... به خواسته الزام خواننده به صدور شناسنامه، دعوای را مطرح می‌نماید، دادگاه پس از بررسی بدین نحو تصمیم‌گیری می‌نماید که با توجه به اینکه خواهان اقرار دارد که افغانی است لیکن مدعی است که با شوهر ایرانی ازدواج کرده است که شوهرش دار فانی را وداع گفته و در زمان حیات، شوهر طبق قوانین موضوعه مبادرت

۱- سلجوقی، محمود، *حقوق بین الملل خصوصی*، ج ۱، ص ۹۰.

به تحصیل تابعیت ایرانی نکرده است.

فلذا اکنون که علقه زوجیت با فرد ایرانی به خاطر فوت شوهر از بین رفته، نمی‌تواند به خاطر ازدواج سابق تحصیل تابعیت ایرانی بنماید و اداره خوانده نیز نمی‌تواند برای افرادی که تابعیت ایرانی ندارند، یا تابعیت ایرانی تحصیل نکرده‌اند، شناسنامه ایرانی صادر کند، فلذا استدلال خواهان کافی برای اثبات ادعای وی نیست و به استناد ماده‌ی ۱۹۷ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی حکم به بطلان دعوی خواهان صادر و اعلام می‌گردد که پس از اعتراض به رای توسط خواهان پرونده برابر دادنامه شماره ۱۰۶/۷۴۰-۱۳۸۳/۱۲/۲۴ اصدار رای می‌نماید که:

«در خصوص تجدید نظر خواهی خانوم «ف»، با وکالت آقای «ص» از دادنامه شماره ۱۱/۳۹۰ مورخ ۱۳۸۳/۱۰/۷ صادره از شعبه ۲ دادگاه عمومی حقوقی مشهد به طرفیت اداره ثبت احوال شهرستان که موجب آن دعوی تجدید نظر خواه مبنی بر الزام به صدور شناسنامه، باطل گردیده است با التفات به اینکه ماده ۹۸۶ قانون مدنی و شق ۶ ماده ۹۷۶ قانون مزبور، زن تبعه خارجی را که شوهر ایرانی اختیار کرده، ایرانی می‌شناسد و حصول تابعیت ضرورتی ندارد لذا دادنامه صادره از محکمه بدوی در خور نقض است، با اجازه حاصل از ماده ۳۵۸ قانون آیین دادرسی مدنی با نقض رای تجدید نظر خوانده ملزم به صدور شناسنامه به نام تجدیدنظرخواه می‌گردد.

نکته حائز اهمیت در این پرونده، این مطلب می‌باشد که برابر ماده ۹۷۶ قانون مدنی «هر زن تبعه خارجی که تابعیت ایران را تحصیل نماید» و در صدر این ماده بیان گردیده که اشخاص ذیل ایرانی محسوب می‌شوند، حال فروضی چند در ذهن تداعی می‌گردد مثلاً آیا کلمه ازدواج اعم از دائم و یا موقت می‌باشد؟ و یا آیا مرد ایرانی شامل مردانی که تابعیت اصلی داشته باشند می‌شوند یا شامل افرادی که تابعیت اکتسابی نیز باشند، مشمول می‌گردد؟ آیا بعد از فوت یا طلاق، هنوز این حق برای آن زن وجود دارد؟

در فرض اینکه، آیا این شامل ازدواج غیر دائم نیز می‌گردد؟ باید اظهار داشت که هر چند به نظر، این ازدواج به معنای دائم آن متبادر ذهن می‌گردد^۱. ثانیاً به خاطر پرهیز از تبعات منفی ایی که ممکن است به وجود بیاید، باید قائل به شامل شدن ازدواج موقت نیز گردید زیرا امکان دارد که در صورت وجود فرزندان آن زن به تبعیت از پدر ایرانی باشند ولی آن زن از این حق محروم می‌گردد که شایسته است که با کمی دقت در فحوای ماده مذکور، به این نتیجه خواهد رسید که یکی از اهداف اصلی، قانونگذار از تصویب این بند، جلوگیری از تزلزل و آسیب‌های در نهاد خانواده و بالطبع اجتماع می‌گردد.

۱- طاهری، محمدرضا، *پایان نامه تابعیت فرزندان متولد از زن ایرانی و مرد خارجی*، دانشگاه آزاد واحد مشهد.

به نظر می‌رسد که با عنایت به مطلق بودن کلمه «ایرانی»، این موضوع هم شامل مردان ایرانی دارای تابعیت اصلی و نیز اکتسابی می‌گردد و بعلاوه به خاطر جلوگیری از تبعات منفی که احتمال دارد بین زن و شوهر دارای دو تابعیت مختلف به وجود آید و این موضوع می‌تواند به فرزندان تسری یابد و این یا هدف قانون‌گذار از این ماده معنونه، در تعارض می‌باشد، به نظر باید این را شامل مردان دارای تابعیت اکتسابی دانست.

در ضمن، لازم به ذکر می‌باشد که با کمی جستجو در اوضاع و احوال و فرهنگ زمان تصویب این ماده مذکور، متوجه می‌گردیم که تابعیت شوهر عرفاً نیز بر زن تحمیل می‌گردد و نوعاً افراد آن زمان بر این تفکر، سواد بوده‌اند. و با توجه به مطالب عنوان شده به نظر، فوت یا طلاق، موجب از بین رفتن این حق برای زن نمی‌گردد و دیگری جایی برای تمسک به اصل استصحاب و یا دیگر قواعد و استدلال‌های حقوقی نمی‌ماند.

خلاصه فصل اول

با شکل گیری کشورها، واژه تابعیت هم به وجود آمد. در تاریخ ایران کهن، از زمان هخامنشیان وجه تمایز شهروند ایرانی با شهروند بیگانه را می‌بینیم.

در تعریف اصطلاحی تابعیت دیدیم که «تابعیت» رابطه سیاسی و معنوی تعبیر شده است که شخص را به دولت معینی مرتبط می‌سازد^۱

متوجه شدیم که تابعیت دو دسته‌ی اصلی و اکتسابی تقسیم بندی می‌شود، سپس به دو سیستم خاک و خون اشاره کردیم، مزایا و معایب آن را بیان نمودیم و گفتیم که قانون‌گذار ایران سیستم خون را تقریباً به طور مطلق و بدون قید و شرط البته از طرف نسب پدری اعمال می‌کند.

اما حال در رابطه با تابعیت از طریق سیستم خاک باید بگوییم که این سیستم در ایران با شرایط و ضوابط خاصی پذیرفته شده است و تحصیل تابعیت ایران را از این راه بسیار دشوار کرده‌است؛ و منوط به احراز شرایط خاص کرده است که در ماده ۹۷۶ قانون مدنی به آن‌ها اشاره شده‌است. در بندهای ۱ و ۳ و ۴ و ۵ به سیستم خاک توجه شده است. اما با سیستم خاک سایر کشورها متفاوت می‌باشد و انتقاداتی فراوان از آن‌ها به ویژه بند ۱ و ۴ انجام شده است.

در بند ۱ این ماده کلیه ساکنین ایران به استثنای افرادی که تبعیت خارجی آن‌ها مسلم باشد، تبعه ایران محسوب می‌شوند، البته به نظر می‌رسد که این بند از ماده ۹۷۶ با استناد به این بند بتوان سو برداشت‌هایی بس خطرناک کرد و هر ساکن ایران با استناد به این بند خود را ایرانی بداند لذا این بند نیاز به بازنگری دارد.

در بند ۳ هم متولدین ایران به شرطی که پدر و مادر آن‌ها نامعلوم باشند، تبعه ایران محسوب می‌شوند. اما بحث جنجالی در بند ۴ این ماده است که طفل متولد در ایران از پدر و یا مادر خارجی که یکی از آن‌ها هم متولد ایران باشد را ایرانی می‌داند که این موضوع سالهاست محل مناقشه و بحث حقوقدانان و مسئولان مربوطه بوده است. البته تک تک بندهای ماده‌ی ۹۷۶ جای بحث فراوان دارد که مجدداً در مباحث آتی در فصول بعد به آن‌ها خواهیم پرداخت.

۱- نصیری، محمد، *حقوق بین الملل خصوصی*، ج ۱-۲، ص ۲۶

فصل دوم:

نگاه فقه به تابعیت

تابعیت اصطلاحی در حقوق بین الملل خصوصی، به معنای عضویت فرد در جمعیت تشکیل دهنده دولت می باشد و از این عنوان در فقه اسلامی در بخش مسائل مستحدثه و نیز باب های جهاد، لقطه و ارث سخن رفته است.

با وجود نو بودن مفهوم تابعیت و عدم طرح صریح این عنوان در آثار فقهی، این مفهوم در نظام حقوقی و سیاسی اسلام پیش بینی شده^۱ و در این راستا، اصطلاح «دارالسلام حکمی» در نوشتگان فقهی تا اندازه زیادی به مثابه ملاکی برای معنای اصطلاحی تابعیت به کار رفته است.^۲

در اسلام «ایمان» و عقیده شاخص ملت و عنصر واقعی تکوین آن محسوب می شود و ملت اسلامی را افراد و توده هایی تشکیل می دهند که به آئین اسلام گرویده و به عقیده و قانون اسلام ایمان آورده باشند و بر همین اساس همین پایه اسلام به جای «ملت» اصطلاح «امت» را به کار برده و امت معتقد به اسلام «امت واحدی» دانسته است.

قانون اسلام به تفرقه های نژادی، خونی، خاکی و... توجهی مبذول نمی دارد و از نظر قانون و حق همه افراد مسلمان را یکسان و برابر می داند لذا در این فصل نگاه فقه امامیه را در خصوص تابعیت که جز مسائل مستحدثه می باشد را تبیین نماییم.

۲-۱. بررسی مبانی فقهی اندیشه انتقال تابعیت از مادر به فرزند

در این مبحث زیر بنای تابعیت را از نگاه فقه مورد تحلیل و بررسی قرار خواهیم داد به طوری در ابتدا راجع به تابعیت مشروع و تابعیت نامشروع و همچنین اقسام تابعیت در اسلام و ریشه این تابعیت در اسلام از کجا تشکیل گرفته به بحث و بررسی می پردازیم.

۲-۱-۱. گفتار اول مشروع

در فقه اسلامی، هم مانند حقوق و قوانین حقوقی، بحث از مشروعیت و عدم مشروعیت نسب، در مفهوم عام و نیز مفهوم خاص آن، و آثار هریک از آنها، بیشتر در حوزه حقوق خصوصی و خانوادگی انجام گرفته، هر چند به آن اختصاص نیافته است. در کل این طور می توان بیان نمود که نسب - به طور عام - وقتی مشروع است که در چارچوب ضوابط و مقررات شرعی تحقق یافته باشد - مشروع واقعی - و یا آنکه حداقل، شرع آن را به گونه ای به رسمیت شناخته باشد - مشروع حکمی

۱- ضیایی بیگدلی، محمد رضا، اسلام و حقوق بین الملل، ص ۷۱.

۲- زیدان، عبدالکریم، الحکام المذمیین و المستامنین فی دارالاسلام، ج ۱، ص ۵۳۱.

و الحاقی - و هر گاه خویشاوندی و نسب آگاهانه و عامدانه، خلاف مقررات شریعت پدید آید، نسب نامشروع است و به لحاظ روابط حقوق خصوصی مورد شناسایی قرار نمی‌گیرد.

ماده‌ی ۹۷۶ قانون مدنی ایران، به طور کامل پاسخ‌گو مناسبی برای تابعیت نیست. یکی از این موارد که ابهام آور است؛ تابعیت طفل طبیعی - فرزند نامشروع - است که برخی او را مشمول بند ۲ این ماده دانسته و در نتیجه تبعه‌ی دولت ایران به شمار می‌آورند؛ ولی اکثر شارحین، به دلیل نامشروع بودن نسب، او را از قرار دادن در این بند خارج می‌دانند.

که در این جا به تفسیر بند ۳ این ماده قانونی می‌پردازیم:

که در آن به وضعیت اطفال متولدشده در خاک ایران اشاره می‌شود که والدین آنها نامعلوم است. با در نظر گرفتن مفاد صدر ماده ۹۷۶ ق.م. و بند سوم آن، کسانی که در ایران از پدر و مادر غیرمعلوم متولد شده باشند تبعه ایران محسوب می‌گردند.

این بند از مقررات تابعیت ایران، ناظر بر پذیرش تابعیت مبدأ براساس سیستم فرضی خاک است. برای اعمال این بند، جمع توأمان دو شرط زیر لازم و ضروری است:

۱ - تولد طفل در ایران و

۲ - غیرمعلوم بودن پدر و مادر طفل

در ابتدای امر، شاید این گونه به نظر برسد که قانونگذار ایران صرفاً قصد داشته تا اطفال سرراهی یا به عبارت بهتر، اطفالی را که هویت والدین آنان نامعلوم است، تبعه ایران فرض نماید و حتی شاید بتوان نحوه ذکر شرط دوم (غیرمعلوم بودن پدر و مادر طفل) را نیز تا حدودی مؤید این مطلب دانست لیکن با کمی دقت در لفظ نامعلوم بودن والدین طفل، می‌توان فروض دیگری را نیز در این خصوص تصور نمود.

از لفظ «غیرمعلوم» در این بند، علاوه بر نامعلوم بودن هویت حقیقی والدین طفل، می‌توان اولاً: نامعلوم بودن تابعیت والدین طفل و ثانیاً: نامعلوم بودن رابطه زوجیتی را که طفل از آن حاصل شده، نیز استدراک نمود. *

به بیان دیگر، به‌رغم اینکه قدر متیقن بند ۳ ماده ۹۷۶ ق.م. فرزندان سرراهی، اطفالی هستند که والدین آنها از لحاظ هویتی نامعلوم می‌باشند لیکن با توجه به مذموم بودن توالد و گسترش اطفال بی‌تابعیت در جامعه جهانی، تعدادی از حقوق‌دانان ایرانی به درستی و با درایت منطقی که لازمه تدریس حقوق بین‌الملل خصوصی در ایران است (حداقل تا قبل از صدور رأی وحدت رویه شماره ۶۱۷ هیئت عمومی دیوان عالی کشور صادره به سال ۱۳۷۶)^۱، بر این نکته پافشاری نموده‌اند که

۱- مفاد رأی وحدت رویه شماره ۶۱۷ هیئت عمومی دیوان عالی کشور به شرح زیر است:

فصل دوم: نگاه فقه به تابعیت/۴۷

می‌توان با تعمیم محدوده عملکرد بند ۳ ماده ۹۷۶ ق.م. به انضمام تلفیق آن با بند یک همان ماده، فرزندان حاصل از والدین بدون تابعیت را در صورتی که فرزندان یادشده در ایران متولد شده باشند، ایرانی تلقی نمود.^۱

به‌رغم اینکه از نحوه تفکر حقوق‌دانان ایرانی بعد از صدور رأی وحدت رویه مذکور اطلاع دقیقی در دست نیست لیکن رویه عملی دولت ایران، کماکان نیز مبتنی بر عدم اعطای تابعیت تولدی به چنین افرادی است.

به دیگر سخن، اداره ثبت احوال محل تولد طفل، برای فرزندان متولد شده در ایران حاصل از نکاح اتباع بی‌تابعیت، به لحاظ عدم شمول ماده ۹۷۶ ق.م. شناسنامه ایرانی صادر نمی‌نماید. در خصوص تابعیت تولدی ایران برای اطفالی که از رابطه زوجیت غیرقانونی یا نامشروع در ایران به دنیا آمده‌اند، پذیرش موضوع تا حدودی غامض خواهد بود.

شاید بتوان این‌گونه عنوان کرد که ضمن بهره‌جویی از عموم بند ۳ ماده ۹۷۶ ق.م. برای نامبردگان نیز امکان قائل شدن به تابعیت تولدی ایرانی وجود دارد. پر واضح است که پذیرش چنین تحلیلی، حداقل تا قبل از صدور رأی وحدت رویه هیئت عمومی دیوان عالی کشور (شماره ۶۱۷) محل مناقشه فراوان بوده است.

به بیان دیگر، تا قبل از صدور رأی وحدت رویه مذکور، هرگاه طفلی بر اثر یک رابطه غیرقانونی، در ایران یا خارج از ایران به دنیا می‌آمد ولو اینکه پدر عرفی یا طبیعی طفل مذکور ایرانی می‌بود، نه تنها هیئت حاکمه قبلی و فعلی، طفل مذکور را ایرانی محسوب نمی‌نمودند بلکه حتی تعدادی از حقوق‌دانان نیز در خصوص طفل یادشده، تمایلی به اعمال بند ۲ ماده ۹۷۶ ق.م. از خود بروز نمی‌دادند.^۲ ولی صدور رأی وحدت رویه مذکور، وضعیت را به گونه دیگری تغییر داده است.

به موجب بند (الف) ماده یک قانون ثبت احوال مصوب ۱۳۵۵، یکی از وظایف سازمان ثبت احوال، ثبت ولادت و صدور شناسنامه است و مقنن در این مورد بین اطفال متولد از رابطه مشروع و نامشروع تفاوتی قائل نشده است و تبصره ماده ۱۶ و ماده ۱۷ قانون مذکور نسبت به مواردی که ازدواج پدر و مادر به ثبت نرسیده باشد و اتفاق در اعلام ولادت و صدور شناسنامه نباشد یا اینکه ابوبن طفل نامعلوم باشد، تعیین تکلیف کرده است لیکن در مواردی که طفل از زنا باشد و زانی اقدام به اخذ شناسنامه ننماید، با استفاده از عمومات و اطلاق مواد یادشده و مساله ۳ و مساله ۴۷ از موازین قضایی از دیدگاه امام خمینی (ره) زانی پدر عرفی طفل تلقی و نتیجتاً کلیه تکالیف مربوط به پدر از جمله اخذ شناسنامه بر عهده وی می‌باشد و حسب ماده ۸۸۴ قانون مدنی، صرفاً موضوع توارث بین آنها منتفی است: برای مطالعه بیشتر نسبت به سابقه رأی وحدت رویه رجوع شود به:

قربانی، فرج اله، *مجموعه آراء وحدت رویه دیوانعالی کشور*، حقوقی، صص. ۶۴۴ - ۶۴۵.

۱- ارفع نیا، بهشید، *حقوق بین‌الملل خصوص*، ج ۱، ص ۷۲؛ شیخ الاسلامی، سید حسن، *حقوق بین‌الملل خصوصی*، ص ۵۲.

۲- ارفع نیا، بهشید، *حقوق بین‌الملل خصوص*، ج ۱، ص ۷۲؛ شیخ الاسلامی، سید حسن، *حقوق بین‌الملل خصوصی*، ص ۷۵.

در رأی وحدت رویه مذکور، اخذ شناسنامه برای طفل حاصل از رابطه نامشروع، یکی از وظایف پدر عرفی یا طبیعی قلمداد شده و نامبرده (پدر طبیعی یا عرفی) مکلف است برای فرزند عرفی خود شناسنامه ایرانی اخذ نماید و چون وفق ماده ۴۶ اصلاحی ق.ث.ا. مصوب ۱۳۶۲/۱۰/۱۸، شناسنامه دلیل احراز هویت و تابعیت افراد ایرانی محسوب می‌شود، بنابراین پدر عرفی، هم‌پای اخذ شناسنامه، موظف به اثبات تابعیت ایرانی طفل ناشی از رابطه غیرقانونی نیز خواهد بود.

با توجه به مقدمه فوق، نمودار زیر مبین امکان وجود کلیه صورت‌های روابط غیرقانونی تأثیر پذیرش رأی وحدت رویه دیوان عالی کشور می‌باشد.



با دقت در نمودار (الف)، مشخص می‌شود که هرگاه پدر طبیعی طفل، ایرانی باشد (اعم از اینکه مادر طبیعی طفل ایرانی یا خارجی باشد) طفل در هر نقطه‌ای از جهان که به دنیا آید، چون برابر رأی وحدت رویه یادشده وظایف پدر قانونی بر پدر عرفی یا پدر طبیعی طفل (مانند اخذ شناسنامه) نیز بر وی تحمیل می‌شود لذا پدر طبیعی طفل که در مانحن فیه دارای تابعیت ایرانی است، براساس بند ۲ ماده ۹۷۶ ق.م. موظف است برای طفل خود شناسنامه ایرانی تهیه نماید (باید دقت فراوان نمود که بعد از صدور رأی وحدت رویه فوق‌الذکر، مستند ایرانی بودن طفل نامشروع یادشده، اعمال بند ۲ ماده ۹۷۶ ق.م. می‌باشد و نمی‌توان در این خصوص به بند ۳ ماده مرقوم استناد نمود).

بنابراین مشاهده می‌شود، موضوعی که تا قبل از صدور رأی وحدت رویه دیوان عالی کشور، با توجه به دیدگاه حقوق‌دانان نسبت به بند ۲ ماده ۹۷۶ ق.م. موضوعی لاینحل یا حداقل موضوعی

فصل دوم: نگاه فقه به تابعیت/۴۹

بغرنج در بحث تابعیت ایران تلقی می‌شد و صرفاً تعداد قلیلی از حقوق‌دانان با استناد به بند ۳ ماده ۹۷۶ ق.م. فقط آن دسته از اطفال منسوب به پدر طبیعی ایرانی را که در ایران به دنیا آمده بودند، تبعه ایران می‌شناختند، امروزه شکل دیگری به خود گرفته است.^۱

صدور رأی وحدت رویه دیوان عالی کشور، باعث تحولی در حقوق تابعیت ایران گردیده است، به نحوی که با توجه به رأی وحدت رویه مذکور، محدوده ایرانی بودن این دسته از اطفال توسعه یافته است. بنابراین امروزه هر طفلی که از رابطه نامشروع پدر طبیعی ایرانی (با هر زنی اعم از زن ایرانی یا زن خارجی یا زن بی‌تابعیت) در ایران یا در خارج از کشور به دنیا آید، نه براساس بند ۳ ماده ۹۷۶ ق.م. که مبتنی بر سیستم خاک است بلکه بر طبق بند ۲ ماده ۹۶۷ ق.م. و لحاظ رأی وحدت رویه دیوان عالی کشور که منطبق با سیستم خون است دارای تابعیت اصلی ایرانی در لحظه تولد خواهد بود و با اندک اغماض حتی می‌توان چنین طفلی را ایرانی‌الاصل تلقی نمود.

باید توجه داشت که بعد از صدور رأی وحدت رویه دیوان عالی کشور، هرگاه در اثبات نسب، معین گردد که تابعیت پدر طفل متولد شده در ایران (تعدادی از مصادیق نمودار ب)، در لحظه تولد طفلش، غیر ایرانی است (اعم از اینکه طفل به دنیا آمده در ایران ناشی از رابطه قانونی یا غیرقانونی باشد)، به جای اعمال بند ۳ ماده ۹۷۶ ق.م.، می‌توان طفل مذکور را، حسب مورد، مشمول بندهای ۴ یا ۵ ماده ۹۷۶ ق.م. دانست.

بدیهی است در این فرض (تعدادی از مصادیق نمودار ب)، هرگاه طفل مذکور در خارج از ایران به دنیا آید، حتی با در نظر گرفتن رأی وحدت رویه مذکور، نمی‌توان طفل مزبور را ایرانی محسوب نمود و پدر طبیعی طفل نمی‌تواند در این حالت برای طفل عرفی خود از مقامات ایرانی تقاضای صدور شناسنامه ایرانی بنماید.

بنابراین، ریشه اصلی اختلاف، به تفاوت دیدگاه‌ها درباره آثار مترتب بر نسب و الحاق یا عدم الحاق طفل طبیعی به پدرش باز می‌گردد. اما اطفال سر راهی که پدر و مادر آنها مجهول و در نتیجه، نسب آنان نامعلوم است و نمی‌توان با استفاده از این معیار آنان را تبعه‌ی ایران محسوب کرد، قانون‌گذار برای پیشگیری از بی‌تابعیتی این افراد - که موقعیتی مشکل‌آفرین را هم برای فرد و هم برای دولت ایجاد می‌کند - معیار زادگاه را مکمل معیار خون قرار داده و بند ۳ این ماده تصریح می‌کند که: «کسانی که در ایران متولد شده و پدر و مادر آنان غیر معلوم باشند.»

ایرانی محسوب می‌شوند. حال طفلی که از رابطه‌ی نامشروع والدین متولد گردیده است، مشمول موضوع بند ۳ نخواهد بود و بنابراین، با فرض معلوم بودن والدین، نوبت به اجرای سیستم خاک و

۱- ارفع نیا، بهشید، حقوق بین‌الملل خصوصی، ج ۱، ص ۷۳

زادگاه نمی‌رسد؛ به عبارت دیگر، موضوع بند ۳ آن است که نسب طبیعی - چه مشروع و چه نامشروع - نامعلوم است، در حالی که در موضوع بحث، نسب طبیعی، معلوم اما نامشروع است. به طور کلی به همین نسب مشروع که در حال بحث هستیم و نسب نامشروع که در ادامه به شرح آن می‌پردازیم.

با اینکه باب اول از کتاب هشتم قانون مدنی ایران به احکام مربوط به نسب اختصاص داده شده است ولی تعریف به صراحت تمام نتوانسته از ماهیت نسب در این قانون پرده به عمل آورد از این رو حقوقدانان برای شناسایی ماهیت حقوقی نسب تعاریف مختلفی را عنوان نموده اند.

در تعریف نسب درباره همین واژه توسط حقوقدانان بدین شکل آمده است «نسب مصدر است و به معنی قرابت و خویشاوندی می‌باشد، نسب امری است که بواسطه انعقاد نطفه از نزدیکی زن و مرد بوجود می‌آید از این امر، رابطه خونی بین طفل و آن دو نفر که یکی پدر و دیگری مادر باشد موجود می‌گردد».^۱

و در تعریف دیگری این طور بیان شده «نسب علاقه‌ای است بین دو نفر که به سبب تولد یکی از آنها از دیگری یا تولدشان از شخص ثالث حادث می‌شود».^۲

اشکالی که در تعاریف ذکر شده به ذکر خطور می‌کند این است که نسب را به امر حاصل از نطفه زن و مرد تعریف کرده‌اند ولی حقیقت این «امر» را تبیین نکرده اند که آیا این امر، یک رابطه اعتباری و قراردادی است یا این که این امر یک رابطه و ارتباط تکوینی و واقعی است و چون در مقام تعریف باید از الفاظ مبهم پرهیز شود از این رو تعاریف فوق به نظر نمی‌آید.

با توجه به عدم تعریف ماهیت نسب از سمت شارع یا قانونگذار شاید بتوان ادعا کرد که مقنن در رابطه با حقیقت نسب از عرف پیروی نموده و همان معنایی که عرف از نسب بدست می‌دهد را شناسایی نموده است؛ زیرا اگر مقنن، اصطلاح دیگری غیر از معنای عرفی نسب، در نظر داشت، منطق تقنین اقتضا می‌نمود که معنی مورد نظر خویش را بیان نماید تا تاخیر بیان از زمان احتیاج، لازم نیاید. و به اصطلاح اصولی در مورد عنوان نسب حقیقت شرعیه یا قانونی وجود ندارد با توجه به همین مطلب مشخص می‌شود که تعاریف ذکر شده به دنبال تبیین حدود معنای عرفی نسب برآمده‌اند، اگر چه بعضی از این تعاریف خالی از ایراد هم نیستند.

۲-۱-۱-۱-۱. مشروع واقعی

منظور از مشروع واقعی این است که نسب طفلی در نتیجه‌ی نکاح صحیح شرعی و قانونی - به

۱- امامی، سید حسن، حقوق مدنی، ج ۵، ص ۱۵۱.

۲- عبده بروجردی، محمد، کلیات حقوق اسلامی، ص ۲۸۰.

فصل دوم: نگاه فقه به تابعیت/ ۵۱

صورت طبیعی - و یا در نتیجه تلقیح نطفه‌ی مرد در رحم زن خویش - به صورت مصنوعی - به وجود آمده است. همان طور که بطور ضمنی ذکر شد به دو گونه طبیعی و تلقیح مصنوعی است.

۱- طبیعی

در مورد تابعیت طفل مشروع طبیعی که والدین شان مجهول هستند بند ۳ ماده ۹۷۶ قانون مدنی چنین مقرر می‌دارد: «کسانی که در ایران و پدر و مادر آنان غیر معلوم باشند ایرانی محسوب می‌شوند».

در این بند قانونی منظور از غیر معلوم می‌تواند نامعلوم بودن تابعیت پدر و مادر یا مشخص نبودن والدین فرزند را نیز شامل شود. شرط اصلی این بند تنها تولد در ایران است. لذا این بند از «سیستم خاک» پیروی کرده است. مشمولین این بند نیز مانند مشمولین بند ۲ از دارندگان تابعیت‌های اصلی ایرانی محسوب می‌گردند، بنابراین چون از طریق خاک دارنده تابعیت اصلی ایرانی شده‌اند؛ می‌توان آنها را دارندگان «تابعیت اصلی ارضی» نامید.

البته باید متذکر شد که ادامه این تابعیت تا زمانی است که هویت پدر و مادر معلوم نگردد. اما اگر به هر طریقی هویت آنها معلوم و ثابت شود به اقتضای تابعیت پدر و مادر در تابعیت شخص هم تغییراتی حاصل می‌گردد. مگر آنکه معلوم گردد آنان بدون تابعیت می‌باشند که در این صورت با توجه به اینکه حکم خاصی در قانون تابعیت ایران دیده نمی‌شود، می‌توان آنان را نیز مشمول همین بند دانسته و اطفال دنیا آمده از آنان را براساس نوع مورد ایرانی یا غیر ایرانی محسوب نمود.^۱

۲-۱-۱-۱-۱-۱-۱. تلقیح مصنوعی

مساله تلقیح مصنوعی انسان، یکی از پدیده‌های نوینی است که با گسترش علم پزشکی پا به عرصه ظهور نهاده و بالتبع پیدایش آن سبب به وجود آمدن مسائل مختلف حقوقی شده است و بدلیل آنکه این موضوع یکی از موضوعات نوظهور می‌باشد، متأسفانه در حقوق مدون و قوانین موضوعه ایران سخنی از این قبیل مسائل به میان نیامده است، اگر تلقیح مصنوعی بوسیله تزریق نطفه شوهر به همسر قانونی او صورت گیرد این عمل کاملاً مشروع و جایز است؛ و در این خصوص هیچ گونه ابهامی وجود ندارد. علاوه براینکه اصاله الاباحه نیز در این مورد جاری می‌شود؛ بنابراین طفل مولود نیز مشروع و قانونی بوده و کلیه آثار طفل حاصل از نزدیکی طبیعی زن و شوهر بر چنین طفلی نیز مترتب می‌گردد. در این زمینه برخی از فقها امامیه فتوا به مشروعیت تلقیح نطفه زوج به همسر قانونی خود، داده‌اند. برای مثال آیت الله خوئی در این مورد چنین اظهار عقیده کرده‌اند: تلقیح زن به نطفه شوهرش جایز است ولی اگر این عمل توسط غیر شوهر انجام شود و در اثر آن مس یا نظر به آلت

۱- سلجوقی، محمود، *بایسته های حقوق بین الملل خصوصی*، ج ۱، ص ۸۱

تناسلی زن لازم آید، جایز نخواهد بود.^۱ حال سوال این است که دارای چه تابعیتی است که به نظر می‌رسد با توجه به اینکه پدر و مادر معلوم هستند باینکه بصورت مصنوعی صورت گیرد باز هم تابع تابعیت پدر می‌باشد.

۲-۱-۱-۱-۲. مشروع حکمی

به نسبی طفلی گفته می‌شود که به یکی از دو صورت فوق، به گمان وجود رابطه‌ی زوجیت، از ترکیب نطفه‌یازن و مردی پدید آمده که واقعا رابطه زوجیت بین آنان وجود نداشته است. به عبارت دیگر نسب طفلی که فارغ از قلمرو قانون، به صورت طبیعی یا مصنوعی به وجود آمده است؛ مثل طفل ناشی از آمیزش با غیرهمسر در حالت خواب، یا جذب ناخودآگاه منی مردی بیگانه در حمام و یا تلقیح نطفه‌ی مرد بیگانه بدون اطلاع فرد. نسب طبیعی محض نیز علی‌رغم آن‌که غیر از نسب مشروع است، به لحاظ حکمی و آثار مترتب بر آن، همانند نسب مشروع است. هرگاه مردی با زن خود جماع کرده و زن در همان حالت با دختر باکره‌ای مساحقه نموده است و در نتیجه این عمل، نطفه از رحم زن وارد رحم دختر گردیده و دختر حامله شده‌است. تکلیف چیست، با توجه به قانون مجازات اسلامی به نظر می‌رسد که مهر دختر باکره را باید از زن گرفت و به دختر داد. زیرا طفل حاصل از این مساحقه از رحم دختر خارج نخواهد شد مگر با ازاله بکارت وی؛ و پس از آنکه طفل متولد گردید، این طفل به صاحب نطفه تحویل می‌گردد و دختر مزبور را باید به علت مساحقه صد ضربه تازیانه زد. در زمینه طفل ناشی از تفخیذ که بدون واقعه در رحم زن در اثر مالیدن ران به ران حاصل می‌شود یا با مالش ران مرد یا ران زن و حدوث انزال و ورود اسپرم در رحم زن به وجود می‌آید نیز به نظر می‌رسد که در این صورت فرزند حاصل از تفخیذ متعلق به مرد است. بعضی گفته‌اند این عمل نیز شباهت زیادی به تلقیح مصنوعی دارد و عمل زن و مرد زنا محسوب نمی‌شود و برای تفخیذ مجازاتی غیر از عمل زنا در نظر گرفته شده است و مجازات آن همان حد سحق (صد تازیانه) است.^۲ با توجه به نکات عنوان شده ملاحظه می‌شود که باروری زن از راه غیر طبیعی و بدون واقعه جنسی عملاً در اسلام تحقق یافته و فرزند ناشی از آن به صاحب اسپرم ملحق گردیده است. با توجه به پیشرفت علوم و فنون و پیدا شدن مسائل جدید نظیر تلقیح مصنوعی در بین فقهای امامیه و سایر فرق اسلامی این گونه مسائل خصوصاً مساله تلقیح مصنوعی به شکل علمی مطرح گردیده و

۱- خوئی، سید ابوالقاسم: *مستحذات المسائل*، صص ۴۲-۴۳ «يجوز تلقيح الزوجه بنطفه زوجها: نعم لايحوز ان يكون المباشر غير الزوج اذا كان ذلك موجبا للنظر الى العوره او مسها و حكم الولد منه حكم سائر اولادها بلا فرق».

۲- صمدی اهری، محمد هاشم، *نسب ناشی از لقاح مصنوعی در حقوق ایران و اسلام*، ص ۱۷.

منجر به نظریات متفاوتی شده است.^۱

۲-۱-۲. نامشروع

نسب طفلی است که با علم به فقدان رابطه زوجیت، به یکی از صور فوق به وجود آمده است؛ مثل طفل متولد از زنا یا فرزند ناشی از تلقیح نطفه‌ی مرد اجنبی در رحم زنی بیگانه، با علم به بیگانه بودن آنها. در قانون ایران راجع به اطفالی که نسب آنها نامشروع است بحثی نشده، چون برابر مقررات فقهی اطفالی که نامشروع هستند را نمی‌توان ملحق به پدر دانست؛ لذا امکان تعیین تابعیت آنها از طریق بند ۲ ماده ۹۷۶ قانون مدنی وجود ندارد. ولی چنانچه این اطفال در ایران متولد شوند یا ساکن ایران باشند، در این صورت می‌توان با استفاده از بندهای ۹۷۶ قانون مدنی و با استفاده از سیستم خاک یا قاعده محل سکونت، به آنان تابعیت ایرانی داد. در صورتی که این اطفال در خارج دنیا آمده باشند و محل سکونت، یا اقامت آنها ایران نباشد، ولی محرز شود که پدر طبیعی آنها ایرانی است، می‌توان با توجه به رای وحدت رویه شماره ۶۱۷ مورخه ۷۶/۴/۳ هیات عمومی دیوان عالی کشور آنان را ایرانی دانست.^۲ متن رای بدین شرح است «به موجب بند الف ماده ۱ قانون ثبت احوال مصوب ۱۳۵۵ یکی از وظایف سازمان ثبت احوال، ثبت ولادت و صدور شناسنامه است و مقنن در این مورد بین اطفال متولد از رابطه مشروع و نامشروع تفاوتی قائل نشده است و تبصره ماده ۱۶ و ۱۷ قانون مذکور نسبت به مواردی که ازدواج پدر و مادر به ثبت نرسیده باشد و اتفاق در اعلام ولادت و صدور شناسنامه نباشد یا این که والدین طفل نامعلوم باشد، تعیین تکلیف کرده است.

لیکن در مواردی که طفل ناشی از زنا باشد و زانی اقدام به اخذ شناسنامه نماید با استفاده از عمومات و اطلاق مواد یاد شده و مساله ۳ و ۴۷ از موازین قضائی از دیدگاه حضرت امام خمینی رحمته الله علیه زانی پدر عرفی طفل تلقی و نتیجه اینکه کلیه تکالیف مربوط به پدر از جمله اخذ شناسنامه بر عهده وی می‌باشد و حسب ماده ۸۸۴ ق.م. صرفاً موضوع توارث بین آنها منتفی است».

لذا مجوز اخذ شناسنامه برای طفل ناشی از روابط نامشروع، به معنی پذیرش تابعیت ایرانی طفل است، چرا که شناسنامه ایرانی برای ایرانیان صادر می‌گردد. اما آنچه روشن است این که تابعیت این اطفال اکتسابی نبوده و تابعیت اصلی تلقی می‌گردد؛ اگر چه نمی‌توان آن را تابعیت اصلی نسبی دانست.

۲-۱-۲-۱. طبیعی (زنا)

زنا داخل کردن آلت تناسلی مرد بالغ و عاقل در فرج زن است؛ بلکه مطلق جنس زن مراد است، خواه

۱- امامی، اسدالله، *مطالعه تطبیقی نسب در حقوق ایران و فرانسه*، ص ۳۸۳.

۲- جهانگیر، منصور، *مجموعه تنقیح شده قوانین و مقررات حقوقی*، ج ۱، ص ۹۲۲.

از جلو باشد یا از عقب، به طوری که آن زن بر وی حرام باشد و بین آنان عقد نکاح یا شبه‌ای که موجب اعتقاد به حلال بودن عمل است نباشد و نیز به اندازه ختنه گاه فرو رفته باشد در حالی که علم به تحریم این عمل داشته و در انجام آن مختار بوده است.^۱ زنا آن است که مرد بالغ از روی علم و اختیار به اندازه سر آلت خود را در فرج زنی که بر او حرام است، داخل کند، بدون آنکه عقد نکاح یا ملکیت یا شبهه در کنار باشد.^۲ و زنا آن است که مردی ذکر خود را در فرج زنی از پیش یا پس فرو برد به قدری که ختنه گاه پنهان شود و آن زن بر او حرام بوده و عقد یا شبه عقد و یا ملکیتی در بین نباشد.^۳

جماع غیر مشروع خواه در جهت آلت تناسلی باشد خواه نه. برای تحقق زنا علاوه بر عنصر عدم مشروعیت واقعه و عمد شرط است که زانی بالغ باشد اگر چه طرف او نابالغ باشد و شرط است که زانیه بالغه باشد اگرچه طرف عاقل نباشد و شرط است که دخول لااقل به قدر حشفه باشد. همچنین گفته شده است که علم به جرم بودن زنا شرط تحقق این جرم است.^۴ عمل جنسی با کسانی که از نظر قیود اخلاقی و مبانی مذهبی و قوانین اجتماعی ممنوع شناخته شده است انجام می‌گیرد. شایعترین این انحراف، روابط جنسی بین برادر و خواهر، پدر و دختر می‌باشد.

۲-۲-۱-۲. تلقیح مصنوعی

نسب طفلی است که با علم به فقدان رابطه‌ی زوجیت، به یکی از صور فوق به وجود آمده است؛ مثل طفل متولد از زنا یا فرزند ناشی از تلقیح نطفه‌ی مرد اجنبی در رحم زنی بیگانه، با علم به بیگانه بودن آنها. ولی آنچه که به نظر می‌رسد و از اصول و قواعد حقوقی نیز به خوبی قابل استنباط است، این است که طفل متولد از لقاح مصنوعی بوسیله اسپرم بیگانه به رحم زن اجنبی، ملحق به صاحب نطفه است. زیرا عرف تکنون طفل از انسان دیگری را منشا اعتبار و انتزاع رابطه نسبی می‌داند و قانونگذار نیز نظریه عرف را در این خصوص پذیرفته است و تنها در مورد زنا نسب را متغی دانسته است.

نظر به اینکه تلقیح در ما نحن فیه عرفا و شرعا زنا محسوب نمی‌شود و همچنین اطلاق (ولد) عرفا بر این طفل صحیح است و منع صریح قانونی نیز در این مورد وجود ندارد باید بر این عقیده بود که طفل ملحق به صاحب نطفه است. ممکن است ایراد شود که مفهوم مخالف، اماره فراش چنین اقتضاء می‌کند که الحاق ولد فقط در مورد وجود فراش امکان پذیر است و در غیر مورد فراش، خواه زنا و

۱- دادمرزی، سیدمهدی، ترجمه تحریرالروضه فی شرح المعه، ص ۵۹۵.

۲- مکی عاملی، محمد: لمعه دمشقیه، ترجمه دکتر علی شیروانی، ج ۲، ص ۲۱۹.

۳- مجلسی، محمدباقر، تنظیم و تصحیح جواد ذهنی تهرانی، رساله حقوق حدود، قصاص، دیات، ص ۴.

۴- جعفری لنگرودی، محمدجعفر، ترمینولوژی حقوق، ص ۳۴۴.

خواه لقاح مصنوعی، اصولاً طفل ملحق به کسی نیست. پس با توجه با توجه به حساسیت و اهمیت موضوع نسب و احکام و آثاری که بر آن بار می‌شود، انتخاب و ترجیح یک قول، کار آسانی نیست. مخصوصاً در جایی که صاحب تخمک و صاحب رحم مقلد مراجع متفاوت باشند و در میان آنها اختلاف نظر نیز وجود داشته باشد. با این وجود بدیهی است، هم از لحاظ طبیعی و ژنتیکی و هم از لحاظ اخلاقی و عرفی، طفل به زن صاحب تخمک ملحق است و رشد بعدی جنین در محیطی غیر از رحم او، وی را از این وصف خارج نخواهد ساخت؛ اما از سوی دیگر، نمی‌توان از تعلق و وابستگی طفل به کسی که ماه‌ها در درون او و همچون جزیی از پیکر او رشد کرده و شکل گرفته است صرف نظر کرد، به خصوص اگر به تعبیرات موجود در قرآن کریم در رابطه با مراحل مختلفی که نطفه پس از قرار گرفتن در رحم زن طی می‌کند تا شکل کامل انسانی به خود بگیرد توجه کنیم، به عنوان نمونه: خداوند در آیات ۱۲ تا ۱۴ سوره مؤمنون که مراحل رشد را بیان کرده، می‌فرماید ﴿...ثم أنشأناه خلقاً آخر...﴾، علامه طباطبایی در تفسیر المیزان در بیان معنای این عبارت می‌نویسد: منظور این است که موجود استخوانی پوشیده از گوشت، آفرینش دیگری به خود می‌گیرد؛ بدین معنا که مادهٔ مرده، جاهل و عاجز، به موجودی دارای حیات و علم و قدرت تبدیل می‌شود.^۱

بنابراین، پس از در نظر گرفتن تمامی آیات و روایات به این نتیجه می‌رسیم که طفل با هر دو زن بستگی دارد و نمی‌شود یکی را کنار نهاد و دیگری را به عنوان «أم» اخذ کرد؛ پس، هم بر صاحب رحم و هم بر صاحب تخمک می‌توان مادر اطلاق کرد.^۲

مبدا تابعیت طفل از نگاه فقهی

از دیدگاه اسلام تابعیت برای یکی از دو پایه ایمان (اسلام) و پیمان (قرار داد) استوار است، از این رو، بر پایه‌ی موازین فقهی، فردی تابع دولت اسلامی به شمار می‌رود و از حقوق شهروندی جامعه‌ی اسلامی برخوردار می‌شود که یا مسلمان باشد و یا اهل کتابی که با دولت اسلامی پیمان دمه بسته است. بنابراین از دیدگاه اسلام مرز خودی یا بیگانه بودن فرد تنها با یکی از دو معیار یاد شده تعیین می‌شود.^۳

در نظام حقوقی کنونی، مبداء تابعیت طفل، زمان تولد است و در صورت اختلاف تابعیت پدر و

۱- طباطبایی، سیدمحمدحسین، *المیزان فی تفسیر القرآن*، ج ۱۵، ص ۲۰ و ۲۱.

۲- مجله دانش پژوهان، بهار و تابستان ۱۳۸۵، تلقیح مصنوعی از منظر فقه و حقوق، شماره ۵، ص ۴۸، برگرفته از سایت پایگاه اطلاع رسانی حوزه

۳- دانش پژوه، مصطفی، *اسلام و حقوق بین الملل خصوصی*، ج ۱، ص ۲۵.

مادر، اغلب تابعیت به دولت متبوع پدر طفل اعطا می‌شود. ولی در نظام حقوقی اسلام، مبداء تابعیت دینی طفل، زمان انعقاد نطفه، و معیار تابعیت او، انتسابش به طرف مسلمان است؛ خواه پدر باشد، خواه مادر. بنابراین طفلی که مادرش مسلمان و پدرش کافر باشد، مسلمان و شهروند دولت اسلامی شمرده می‌شود^۱ این طفل اگر مسلمان بودن خود را تا هنگام بلوغ حفظ کند و در آن زمان نیز اسلام را بپذیرد، از شهروندی دولت اسلامی بهره‌مند می‌شود.^۲

در خصوص تابعیت قراردادی نیز طفل متولد از والدین غیر مسلمان که یکی از والدین او را در هنگام انعقاد نطفه‌اش اهل ذمه باشد، ذمی به شمار می‌آید و از تابعیت قرار دادی دولت اسلامی برخوردار می‌شود و برای بهرمندی از تابعیت حقیقی آن، باید تابعیت حکمی خود را حفظ و در هنگام بلوغ، صریحا یا ضمنا تجدید قرارداد یا استمرار آن را اعلام کند.^۳ در نظام حقوقی اسلام، استناد به زادگاه اصالتی ندارد و فقط به عنوان نشانی از نسب، هنگامی که اصل نسب قابل اعمال نباشد، به آن استناد می‌شود. بر این اساس، طفل سرراهی که در مناطق مسلمان نشین سرزمین اسلامی یافت شود، مسلمان محسوب و از تابعیت دینی دولت اسلامی برخوردار می‌شود و طفلی که در مناطق ذمی نشین پیدا شود، ذمی به‌شمار آمده، از تابعیت قراردادی بهره‌مند می‌گردد.^۴

تابعیت قرار دادی بر مبانی اصل توحید به عنوان وجه مشترک تمام ادیان الهی، اقلیت‌های دینی و زرتشتی، یهودی و مسیحی را تحت پوشش قرار می‌دهد. قرآن از این اقلیت‌ها با عنوان «اهل کتاب» یاد می‌کند و در سنت نبوی نیز آن‌ها را با عنوان «اهل ذمه» نام برده می‌شود و بر این مبنا به انقاد قرار داد ذمه با اقلیت‌های دینی مبادرت می‌گردد. اهل کتاب یا اهل ذمه مردم غیر مسلمانی هستند که نام کتاب مذهبی آنان در قرآن آمده باشد. اینان در صورتی که خراج و مالیات مقرر در قرارداد ذمه ربه بیت المال مسلمین بپردازند، می‌توانند در ممالک اسلامی سکنا گزیده، در حمایت قانون اسلام به سر برند. به دیگر سخن، در برابر پرداخت مالیاتی به عنوان جزیه، دولت اسلامی موظف است که جان و مال اهل کتاب را صیانت نماید. شایان ذکر می‌باشد که به باور فقیهان عالی قدر اسلامی، اقلیت ذمی یا تابعان قراردادی از برخی معافیت‌های سیاسی و امتیازات ویژه، مانند معافیت از دفاع از سرزمین

۱- طوسی، محمدحسن، *المیزان فی التفسیر القرآن*، ج ۴، ص ۲۶؛ نجفی، محمدحسن بن باقر، *جواهرالکلام فی شرح شرایع الاسلام*، ج ۵، ص ۵۳.

۲- نجفی، محمدحسن بن باقر، *جواهرالکلام فی شرح شرایع الاسلام*، ج ۵، ص ۶۳.

۳- ابن قیم جوزیه، *احکام الذمه*، ج ۱، ص ۴۵.

۴- نجفی، محمدحسن بن باقر، *جواهرالکلام فی شرح شرایع الاسلام*، ج ۳۸، ص ۱۸۱ و ۱۸۵.

اسلامی در برابر دشمن برخور دارند.^۱

پیدایش تابعیت در اسلام

در واقع به هنگام ظهور اسلام، هیچ گونه حکومت و نظام مقتدر سیاسی، در شبه جزیره عربستان وجود نداشته است و بزرگترین واحدهای اجتماعی همان قبایل می‌باشد که در شهرهای و بیابان‌های این سرزمین سکوت می‌کردند. هجرت پیامبر اسلام از مکه به مدینه را می‌توان سرآغاز پیدایش تمدن اسلامی دانست که نخستین دولت اسلامی با هجرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به مدینه شکل گرفت، زیرا علاوه بر مسلمانان مدینه (انصار)، تعداد قابل ملاحظه‌ای از مسلمانان مکه نیز از بیم ظلم و ستم مشرکان به آن شهر مهاجرت کردند (مهاجرین) و شاید برای نخستین بار ساختاری غیر از ساختار قبیله‌ای، وظیفه حمایت از افراد و شهروندان را عهده‌دار شد و پس از مدتی با انعقاد پیمان‌های متعدد و از جمله پیمان مدینه، پیروان ادیان دیگر نیز تحت حمایت دولت اسلامی درآمدند و «جمعیت» تشکیل دهنده حکومت را به وجود آورند. مسیر شکا گیری «جمعیت» با فتح مکه و برخی سرزمین‌های دیگر و مسلمان شدن مردم آن سرزمین‌ها کامل‌تر شد و جمعیت مسلمان دولت اسلامی افزایش چشم‌گیری یافت. به یقین می‌توان گفت نخستین دولت اسلامی در مدینه شکل گرفت و نهاد تابعیت - چیزی شبیه به آنچه در حقوق عرفی از آن بحث می‌شود به وجود آمد و از آنجا که این «جمعیت» را مسلمان و غیر مسلمان تشکیل می‌دادند، که بر اساس نزول سوره توبه و تشریع پیمان دمه «تابعیت» بر یکی ازدو معیار «ایمان» و «پیمان» استوار گردید. که پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله معیار تابعیت هم چنان بر دو اصل استوار ماند، به گونه‌ای که هم مسلمانان و هم ذمبانی که با مسلمان عهد و پیمان داشتند خودی محسوب می‌شدند. و سبب شد که این دو معیار در منابع فقهی ریشه دواند و جزء اعتقادات مسلمانان گردید؛ ولی این که گفتیم «پیمان» یکی از معیارهای تابعیت است، باید روشن کنیم مقصود از پیمان، مشخصاً پیمان دمه است و شامل عقد امان و دیگر عقود نمی‌شود، پس معیار تابعیت در اسلام دو چیز است:

- ۱- ایمان : در اندیشه سیاسی اسلام، هرکس به ذات احدیت و پیامبر صلی الله علیه و آله ایمان آورده باشد از اعضای امت واحده و اتباع دولت اسلامی محسوب می‌گردد: «ان هذه امه واحده و انا ربکم فاعبدون»^۲ که به پیروی از آن دولت اسلامی باید خود را به دفاع از حقوق آنان مکلف بداند.
- ۲- پیمان دمه: همان گونه که در فقه اسلامی مقرر می‌باشد، اهل کتاب طبق عقد دمه می‌توانند در

۱- فضائلی، کرمی، مصطفی، موسی، مقاله سلب تابعیت از منظر حقوق اسلام و نظام بین المللی حقوق، مطالعات حقوق

تطبیقی، دوره ۸، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۳۹۶، ص ۲۷۷ تا ۲۹۵

۲- سوره انبیاء، آیه ۷۵.

جامعه‌ی اسلامی و در میان مسلمانان زندگی کنند و آداب و رسوم مذهبی خود را به جای آورند؛ مشروط بر آنکه فعالیت‌های آن‌ها تبلیغ دین شان نباشد و مناهی و مناکیر را به طور علنی مرتکب نشوند. این گروه می‌توانند با این شرایط و شرایط دیگری که در کتب فقهی بیان شده‌است، در حکومت اسلامی زندگی کنند و ضمن بخورداری از امنیت لازم، مورد حمایت دولت اسلامی باشند و به تعبیر حقوق دانان عرفی، از اتباع دولت اسلامی محسوب گردند.^۱

به این ترتیب با پیدایش دولت اسلامی در مدینه، نهاد تابعیت به وجود آمد^۲

۲-۱-۳. مفهوم تابعیت در دین مبین اسلام

تابعیت در اسلام بطور اجمالی می‌توان اظهار داشت از نظر قانون اسلام عناصر "خون" و "خاک" به عنوان عامل تابعیت پذیرفته نشده چون اسلام جز "عقیده" هیچ عاملی را شاخص تابعیت افراد معرفی نمی‌کند^۳

معیار تابعیت از نظر اسلام از دو دیدگاه مختلف قابل بررسی است:

۱- دیدگاه اصیل اسلامی (امت)

خداوند همه بشریت را یک امت واحد تلقی کرده: «ان هذه امتکم امه واحده و انا ربکم فاعبدون»^۴

گویا بدین اعتبار که هدف همه یکی، آن هم خوشبختی و زندگی سعادت‌مندانه است. البته در میان این خانواده هدف بشری، افراد بسیاری پیدا شده‌اند که هدف اصیل خود را گم و یا فراموش کرده‌اند و با چنین انحرافی تفرقه در امت واحد انسانی در افکنده‌اند: «و ما کان الناس الا امه واحده فاختلّفوا...»^۵ آنگاه خداوند برای اصلاح این انحراف پیامبرانی برای هدایت مردم گماشت، و در این میان امتی چنان موزون و بر اعتدال برافراشت تا الگو و نمونه برای بشریت باشد تا هرکه مایل بود برای یافتن هدف گمشده خود چنین دیدگاهی چون تابعیت مطرح می‌شود منظور از آن پیوندی است که فرد را به چنین امتی ربط می‌دهد. پس معیار چنین تابعیتی عبارت است از: هم‌کشی و هم‌عقیدتی که البته بر اثر گرایش به اسلام حاصل می‌آید. بدیهی است که در چنین صورتی تابعیت کشور

۱- عامری، پارسا منش، احمد، محمد رضا، مقاله *تابعیت در اسلام، منتشره در پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی*، دوره یازدهم، شماره ۴۱، تابستان ۹۳، ص ۱۳۰-۱۰۷.

۲- ابن هشام، *السیره النبویه*، ج ۱.

۳- عمید زنجانی، عباس علی، *بنیادهای ملیت*، ص ۲۸.

۴- سوره انبیا، آیه ۹۲.

۵- سوره یونس، آیه ۱۹.

فصل دوم: نگاه فقه به تابعیت/ ۵۹

مطرح نمی‌باشد چه کشور اسلامی در صورت تحقق این ایده‌آل پهنه زمین خواهد بود پس بدین لحاظ، «امت» را جامعه معتقدان پدید می‌آورد و نه مجمع شهروندان.

۲- اقتضای ضرورت‌ها (ملت‌ها) با توجه به حقایق موجود و اقتضای ضرورت‌هایی که جامعه کنونی بشری را فراگرفته است.

الف- قرآن درباره امت موسی می‌فرماید: ﴿و قطعنا هم اثنتی عشر اسباطا امما﴾

یعنی: ما آن‌ها را به دوازده تیره تقسیم کردیم و هر تیره‌ای برای خود امتی به شمار می‌آمد که راهبری هم برای خود داشت. در این باره مجمع البیان می‌نویسد که این کار برای کاهش بار وظایف موسی صورت گرفت تا هر تیره‌ای به رئیس و رهبر خود رجوع کند. پس تعداد امت‌ها به منظور رفع یک نیاز اجتماعی درباره پیروان موسی اعمال می‌شود.

ب- در تاریخ سیاسی پیامبر اسلام می‌بینیم که وی در برخی از نامه‌های خود که به پادشاهان و سران قبایل می‌فرستاد به آنان چنین وعده می‌فرمود: اگر اسلام بیاورید ملک شما یعنی سازمان حکومتیان ابقا می‌گردد. و بعد هم عملاً دیدیم که وقتی قبایل و واحدهای سیاسی آن رو به اسلام می‌گرویدند هویت قبیله‌ای یا ملی خود را از دست نمی‌دادند. یعنی در عین ورودشان به امت اسلامی پیوند خود را از جامعه پیشین خود نمی‌گستند.

ج- قرآن در آیه و جعلناکم شعوبا و قبائل که اشاره به گروه بندی‌های بشری دارد نه تنها آن را محکوم نمی‌کند بلکه با تعبیر «...و شما را به صورت ملت‌ها و قبیله‌ها در آوردیم» این نکته را می‌رساند که مقتضای آفرینش خاص بشری پدید آمدن همین گروه بندی‌هاست. البته در پایان می‌گوید که تشکیل این گروه‌ها و دسته بندی‌ها هدفی جز بازشناسی همدیگر یعنی پدید آوردن سهولت در امر زندگی شما نباید داشته باشد اما در زندگی معنوی فقط تقوا و پاکدامنی است که کارساز می‌آید.

د- در قانون اساسی جمهوری اسلامی در اصل ۴۱ چنین آمده: «تابعیت کشور ایران حق مسلم هر فرد ایرانی است».

با توجه به این حقایق و رویدادهاست که مسئله تابعیت بعد تازه و دیگری می‌یابد. یعنی این را بگوییم که خصوصیت طبع بشری و لازمه زندگی انسانی نخست پیدایش همین گروه بندی‌ها متمایز از هم است تا به تدریج مسیر کمال را بییماید و چندان با معنویات خود بگیرد بتواند تا سرانجام از هرگونه اختلاف و گروه‌گرایی چشم فرو بندد.

البته هیچ‌گاه همه‌ی آرمان‌ها و کمال‌ها برای بشر یک شبه حاصل نمی‌آید پیمودن هر راهی زمانی مناسب خود را می‌طلبد. حال تا وقتی که به آن مرحله کمال نرسیده‌ایم بی‌شک درگیر یک سلسله

ضرورت‌ها خواهیم بود. در شرایط کنونی جهان، آیا جمهوری اسلامی ایران می‌توانست برای تابعیت آن معیار ایده‌آل اسلامی را تعیین کند و بگوید رابطه اسلام و ایمان برای تحقق تابعیت ایرانی کافی است؟ یا پیامبر اسلام با توجه به نامه‌هایی که برای برخی از زمامداران آن روزگار می‌فرستاد و ابقای حاکمیتشان را وعده می‌فرمود در این کار چه اشکال بنیادی وجود می‌داشت؟ در واقع او این نکته را بازگو می‌کرد که شما ای سران دولت‌ها و قبیله‌ها و بیائید و از صمیم دل مطیع اوامر خدا باشید اما به لحاظ سیاسی و اداری خود مختاری و خودکفایی خود را همچنان حفظ کنید پس آنچه که بیشتر مورد توجه پیامبر بود ایمجاد یک تمرکز عاطفی و معنوی در میان مسلمانان بود و لزوماً یک تمرکز سیاسی - اداری و ظاهری، در حالی که تابعیت به معنایی که امروز مورد توجه همگان است یک رابطه سیاسی است نه عاطفی. همچنین آیهی «انا جعلناکم شعوبا و قبائل»^۱ که ما هرگز در این آیه لحن تخطئه نسبت به گروه بندی‌های بشری نمی‌یابیم، نمی‌گوید که بیایید و ملیت‌ها و قومیت‌ها بر هم بزنید بلکه برعکس خداوند آن‌ها را همچون دیگر پدیده‌های طبیعی به خود نسبت می‌دهد و گویی چنین اشعار می‌دارد، که نظام زندگی که من آفریده‌ام چنین چیزهای را ایجاب می‌کند. اما در ضمن هشدار می‌دهد که این اختلاف‌ها فقط تا حدی معقول است که ملاک تمایز شما از هم باشد و برای تسهیل جریان امورتان به کار می‌آید، مانند نام که فقط کاربردش همان مشخص کردن افراد است نه وسیله فخر و مباهات و برتری‌جویی.

در پایان آیه مزبور ملاک برتری را - آن هم فقط در نزد خدا نه دست آویز فخر فروشی پیش بندگان خدا - تقوا معرفی می‌کند ضمناً در آیه دیگری در همان سوره حجرات رابطه معنوی و عاطفی اهل تقوی و ایمان را با جمله انما المومنون اخوه نیز بیان داشته است.

نتیجه: ناز بررسی‌های فوق بدین نکته پی‌می‌بریم که قرآن اولاً تابعیت‌های مختلف را به طور در بست نفی و تخطئه نمی‌کند بلکه آن‌ها را به عنوان یک پدیده بشری مورد اذعان قرار داده است. ثانیاً می‌کوشد تا انسان‌ها را با دعوت به ایمان و تقوی از این اختلاف‌های مادی و ظاهری عبور می‌دهد تا همگی بتوانند رابطه اخوت اسلامی را ملاک ملیت خویش قرار دهند.

حال اگر روزی یک حکومت واقعی اسلامی برپا شود و جوابگوی نیازها و مسائل و مشکلات مسلمانان هم بتواند باشد، البته که شهروندان او همه افراد مسلمان در جهان خواهد بود و هیچ مرز و حائلی میان مسلمانان وجود نخواهد داشت و این همان تابعیت امی است که تابعیت واقعی و اصیل از نظر اسلام تلقی می‌شود. اما ملیت‌های گوناگون و متعدد، آن‌ها نیز به نوبه خود پدیده‌های طبیعی و اجتماعیند. در برخی موارد می‌توانند مفید باشند مانند مواردی که سیاست عدم تمرکز اداری یا تسهیل

در وظایف رهبری احساس نیاز شود.^۱

در نظامهای حقوقی عرفی مبدا تابعیت طفل هنگام تولد است و در صورت اختلاف تابعیت پدر و مادر غالباً تابعیت پدر به تبع الولی در ارجحیت می‌باشد و تابعیت دولت متبوع پدر به طفل اعطا می‌شود اما در نظام حقوقی اسلام مبدا تابعیت دینی طفل هنگام انعقاد نطفه است و معیار تابعیت طفل انتسابش به طرف مسلمان است خواه پدر باشد خواه مادر بنابراین طفلی که مادرش مسلمان و پدرش کافر باشد مسلمان و شهروند دولت اسلامی محسوب می‌گردد.^۲

در حقوق‌های مذهبی ملاک تابعیت مذهب است و فاقد مذهب معین نسبت به اهل آن مذهب، اجنبی (یا کافر) محسوب می‌شود.^۳

بخش ۱- انواع تابعیت در اسلام

بر اساس مطالب پیش گفته تابعیت از دیدگاه اسلام به دو دسته بزرگ تقسیم بندی می‌شود:

۱- تابعیت ایمانی: بر اساس این نوع تابعیت، همه مسلمانان در هرجای این دنیا که باشند، تبعه دولت اسلامی محسوب می‌شوند و دولت اسلامی به دفاع از حقوق آنها مکلف است.

۲- تابعیت پیمانی: این تابعیت شامل آن دسته از کفار اهل کتابی می‌شود که بر اساس عقد ذمه در حکومت اسلامی زندگی می‌کنند. این تابعیت برای اهل کفار ذمه‌ای که با دولت اسلامی قرار داد ذمه را امضا می‌کنند، به تابعیت اکتسابی شبیه‌تر است.

با برداشتی از حقوق عرفی و با توجه به برخورداری فرد از تعهدات او نسبت به وظایفی که مبتنی بر تابعیت است، می‌توان به دین شکل نیز تقسیم بندی کرد.

انواع تابعیت در نظام حقوقی و دیدگاه اسلام اینهاست:

۱- تابعیت تاسیسی و تابعیت استمراری. تابعیت تاسیسی دولت اسلامی برخلاف سایر نظامهای حقوقی که عمدتاً بر عوامل غیر اختیاری و احیاناً اجباری استوار است بر پایه یکی از دو عامل اختیاری ایمان یا پیمان است. تابعیت استمراری در اسلام مثل نظامهای حقوقی عرفی است.

۲- تابعیت دینی و تابعیت سیاسی. از آنجا که بهره‌مندی مسلمان از تابعیت دولت اسلامی بر اساس اعتقاد آنان به اسلام است می‌توان این تابعیت را دینی خواند. چون بهره‌مندی غیرمسلمانان از تابعیت دولت اسلامی بر مبنای قرارداد سیاسی ذمه استوار است می‌توان آن را تابعیت سیاسی و

۱- سلجوقی، محمود، *بایسته های حقوق بین الملل خصوصی*، ج ۱، ص ۱۳۵.

۲- دانش پژوه، مصطفی، *بنیاد دایره المعارف اسلامی* برگرفته از سایت:

<http://www.encyclopaediaislamica.com/madkhal2.php?sid=2999>

۳- جعفری لنگرودی، محمد جعفر، *ترمنولوژی حقوق*، ص ۷۹.

قراردادی خوانند.

۳- تابعیت عالی و تابعیت عادی. اتباع مسلمان دولت اسلامی شهروندان به اتباع عالی آن و اتباع عادی به شمار می‌آیند. اما تفاوت عمده حقوقی بین این دو دسته منحصر به محرومیت آنان از بعضی حقوق عالی‌ه سیاسی یا بعضی امور مانند قضا و شهادت علیه مسلمان است که مسلمان بودن در آن شرط است. اتباع عادی از بعضی معافیت‌های سیاسی و امتیازات ویژه برخوردارند مانند معافیت از دفاع از سرزمین اسلامی در برابر دشمن.^۱

در نظام حقوقی اسلام، برخلاف نظام‌های عرفی، تقسیم حقوقی و سیاسی اتباع به عوامل غیر اختیاری، مانند قومیت و نژاد و زبانی عضویت فرد در گروه اکثریت یا اقلیت جامعه یا اصلی و اکتسابی بودن تابعیت فرد، مربوط نمی‌شود. مبنای تقسیم تابعیت به عادی و عالی، عضویت فرد در امت مسلمان یا امت غیر مسلمان که امری اختیاری است.^۲

به مفهوم شهروندی عمیق بنگریم، ستون فقرات این نهاد را حقوق عمومی معاصر امکان شرکت در زندگی سیاسی جامعه خواهیم یافت.

به مفهوم شهروندی عمیق بنگریم، ستون فقرات این نهاد را در حقوق عمومی معاصر امکان شرکت در زندگی سیاسی جامعه خواهیم یافت.

در شرح مفهوم شهروندی چهار مرتب است:

۱- حق آزادی عمل برای شهروند

۲- حق حمایت از جان و مال

۳- مسولیت شهروند در برابر گروه شهروندان

۴- عضویت در گروه اجتماعی - سیاسی، به معنای حق شرکت فعال در زندگی سیاسی جامعه که این امر بارزترین خاصیت و بهره شهروندی به شما می‌آید.

حق برخورداری از این چهار بهره شهروندی در جامعه راستین اسلام

بهره نخست: آزادی عمل در این جا (اصل اباحه) جلب توجه می‌کند که موجب آن فرد فرد

مسلمانان برای خود حق آزادی عمل را در میدانی فراخ قایلند

بهره دوم: حمایت از جان و مال: اساساً قوام حکومت اسلامی به خاصیت دفاع و استادگی‌اش در

برابر تعدی و تجاوز است پیغمبر فرمود:

۱- دانش پژوه، مصطفی، *بنیاد دایره المعارف اسلامی* برگرفته از سایت:

<http://www.encyclopaediaislamica.com/madkhal2.php?sid=2999> (نجفی، ۱۳۹۴، ص ۲۶۵).

۲- (دانش پژوه، ۱۳۸۰، ص ۹۵)

إذا راوا الظالم فلم يأخذوا على يديه أوشك أن يعمهم الله بعقابه

هرگاه ستمگر را ببینند و او را از ستمش باز ندارند به زودی خدا کیفر خود را بر همگان فرو خواهد فرستاد.

و در آخرین سفر حج خود نیز پیامبر در خطبه بسیار مهم و تاریخی، این نکته را نیز فرمود که:

ان دماءکم و اموالکم حرام علیکم الی یوم القیمه.

حتما خون‌ها و اموال یکدیگر را حرمت بدارید تا روز قیامت.

سومین بهره‌ای که بر شهروندی مترتب است، مسولیت در برابر جمع شهروندان است. هر

مسلمانی نیز در برابر جامعه مسلمانان باید همین گونه احساس مسولیت بنماید. پیامبر فرمود:

کلکم راع و کلکم مسول عن رعیتہ.

همه‌تان باید احساس کنید که رهبرید رهبری مسول از پیروان خویش.

بهره چهارم: شرکت همگانی در زندگی سیاسی جامعه: ملاک برتری در جامعه اسلامی تقوی و

شایستگی است. بنابراین حتی فردی از پست‌ترین طبقات اجتماعی، توان نیل به عالی‌ترین مقامات

سیاسی را در جامعه خواهد داشت.

پس می‌بینیم که در اسلام همه افراد مسلمان از حقوق و مزایای شهروندی برخوردارند و این

حقوق را بینانگذار حکومت اسلامی، خود بر ایشان به رسمیت شناخته است. مزیتی که اسلام در این

زمینه دارد این است که او مبتکر حقوق شهروندی در چهارده قرن پیش از این بوده بنابراین ادعای

غرب در این باره که نهاد شهروندی پدیده قرن هفده و هجده است از واقعیت کاملاً به دور است.^۱

۲-۱-۴. ازدواج با بیگانگان از منظر دین اسلام

در دین مبین اسلام بیگانگان در سه گروه قرار می‌گیرند اول کسانی که کتاب آسمانی ندارند معمولاً

بت پرست یا چیزی شبیه با آن هستند، اشخاص مرتد نیز از جمله آن‌ها هستند. دوم افرادی که در اهل

کتاب بودنشان اختلاف است مثل زرتشتیان و سوم پیران پیامبرانی که دارای کتاب آسمانی هستند مثل

یهودیان و مسیحیان البته با این توضیح که: "از این همه پیام آوران، که بنا بر روایتی تعدادشان صد و

بیست و چهار هزار بوده است، تنها چند تن کتاب یا صحیحه آسمانی داشته اند، داود زبور داشته است،

موسی تورات و عیسی انجیل و حضرت محمد ﷺ قرآن کریم. در باب زرتشت (پیامبر ایرانیان)

سخن به اختلاف گفته اند برخی او را همان ابراهیم خوانده‌اند و جمعی او را پیامبر ندانسته‌اند و به

قولی هم کتاب او "اوستا" آسمانی است و پیروانش اهل کتاب اند.^۲

۱- خلیلیان، خلیل، حقوق بین الملل اسلامی، ج ۱، ص ۱۴۱

۲- امین، سید حسن، ازدواج با غیر مسلم، کانون، دوره اول، شماره ۱۱، ص ۷۲.

الف) ازدواج با مسلمانان

در باب ازدواج با مسلمانان جدایی از اینکه از قوانین و مقررات موجود که ازدواج با اتباع خارجی را در شرایط صحت و مشروع نیز منوط به اخذ مجوز از دولت می‌کند بحثی در میان نیست و هر چه می‌باشد در رابطه با ازدواج با غیر مسلمان است که در مباحث پیش‌تر به بیان آن خواهیم پرداخت.

ب) ازدواج با کفار

بعضی از ادیان دارای مبانی فکری ملی و افکار نژاد پرستانه بوده مثل یهودیت و هیچ‌گاه سعی در تبلیغ دین خود و یهودی کردن بیگانگان نداشته‌اند ولی دین مبین اسلام توسط نبی اکرم ﷺ جهانی مطرح شده و به عنوان رحمتی برای جهانیان است.^۱ در نتیجه در اسلام به موضوع ازدواج با کفار پرداخته شده است.

در اسلام ازدواج با پیروان ادیان غیر توحیدی حرام و با اهل کتاب محل بحث است و تحت شرایطی مجاز شمرده شده، این حکم مبتنی بر مسائل نژادی در اسلام نیست و صرفاً مسئله اصلی و اساسی اعتقادات است و از نظر دین مبین اسلام فقط دو موحد می‌توانند با هم ازدواج کنند. بنابراین کفار از جهتی به دو دسته موحد و مشرک تقسیم می‌شوند.

"در خصوص حرمت ازدواج زن مسلمان با مرد غیر مسلمان بین فقهای شیعه و اهل سنت اتفاق نظر وجود دارد چنانکه آیه شریفه ۲۲۱ از سوره مبارکه بقره می‌فرماید: "و لاتنکحوا المشرکین حتی یؤمنوا و لعبد مومن خیر من مشرک"^۲. اما در باب تزویج زن اهل کتاب بر مرد مسلمان به فتوای سید مرتضی و شیخ طوسی (در کتاب خلاف) مطلقاً حرام است و به فتوای شیخ علی بن الحسین بن بابویه و پسرش و ابن ابی عقیل مطلقاً جایز است. شیخ طوسی در نهاییه قائل به تفکیک شده است در متعه مطلقاً جایز دانسته است در عقد دائم نیز در حال اضطرار قائل به جواز شده است ابن حمزه و ابن براج نیز همین طور فتوی داده‌اند به فتوی دیگر شیخ و به قول شیخ مفید - به نقل علامه در مختلف - در ملک یمین جایز و در عقد حرام است. به قول ابی الصلاح و سلار متعه ملک یمین جایز و عقد دائم حرام است و بیشتر متأخران را نظر همین است به فتوای ابن جنید - به نقل از شیخ یوسف در حدائق بیان داشته در حال اختیار حرام و در حال اضطرار جایز است فقیهان متأخر عموماً متعه را جایز و عقد دائم را حرام دانسته‌اند مانند صاحب جواهر مرحوم آقا سید ابوالحسن اصفهانی در رساله‌ی علمیه‌ی وسیله النجات فتوی داده است که زن «مسلمه نمی‌تواند به نکاح مرد کافر (چه دائم

۱- اسماعیلی، روح الله، *ازدواج با بیگانگان*، پایان نامه کارشناسی ارشد رشته حقوق-منتشر شده در وب سایت پروژه دات کام-

فصل دوم: نگاه فقه به تابعیت/۶۵

و چه بصورت انقطاع و چه به کافر اصلی و یا حربی باشد چه کتابی و چه بصورت ارتداد ملی (یافطری) دریاید و همچنین برای مرد مسلمان ازدواج با زن کافره و با زن مرتده بهر دو قسم جایز نیست اما ازدواج مرد مسلمان با زن یهودیه و نصرانیه در جواز و منعش اقوالی است مشهورترین قول منع نکاح دائم و جواز در صورت انقطاع می باشد، مجوسیه در حکم یهودیه و نصرانیه بوده^۱

با توجه به اتفاق فقهای عامه و خاصه بر بطلان نکاح مرد مسلمان با زن کافر غیر کتابیه، تفسیر قانون مدنی بر جواز نکاح مرد مسلمان با زن غیر مسلمان بطور مطلق به دلیل سکوت قانونگذار در مقام بیان موانع نکاح، خالی از اشکال نخواهد بود. لذا برای بیان حکم موضوع، با توجه به اصل یکصد و شصت و هفتم قانون اساسی باید به منابع معتبر اسلامی و فتاوی معتبر مراجعه نمود و چون قانون مدنی، بویژه در باب نکاح، مقتبس از نظر مشهور فقهای امامیه و در مواقع سکوت محمول بر آن است. بنابراین بر اساس نظریه مشهور، باید بر این بود که اولاً، ازدواج مرد مسلمان با زن کافر غیر کتابیه به نحو مطلق باطل است و ثانیاً، ازدواج دائم مرد مسلمان با زن اهل کتاب باطل، ازدواج منقطع با آن جایز و صحیح است. نظر حضرت امام علیه السلام در خصوص ازدواج مرد مسلمان با زن اهل کتاب این است: "به نحو منقطع اقوی جواز و بنحو دائم احوط ترک است".^۲

تابعیت فرزند، حق تابعیت از حقوق طبیعی و اجتماعی کودکان است هر کودک جز موارد کمیاب از نظر دیانت و ملیت تابع والدین خود است البته کودکان بعد از رسیدن به سن رشد و بلوغ می توانند با آگاهی و بصیرت دیانت و ملیت والدین را قبول نمایند یا وضعیت دیگری را برگزینند. پس از رسیدن به سن رشد و کمال والدین و هیچ کس دیگری نمی توانند حق تابعیت را از آنها سلب نمایند یا مجبور به برگردن تابعیت دینی و وطنی نمایند

انسان عاقل و مکلف خود در انتخاب راه درست مختار است.

در کتاب و سنت و دیگر منابع فقهی و در آرای فقهای اسلامی، لفظی معادل به معنایی که در حقوق عرفی رایج است وجود ندارد، زیرا اندیشه سیاسی اسلام، حکومت به خدا تعلق دارد و حاکمیت واقعی به وسیله انبیا و اولیا اعمال می شود. خداوند در قرآن می فرماید:

«یاایها الذین امنوا اطیعوا الله و اطیعوا الرسول و اولی الامر منکم فان تنازعتم فی شئ فردوه الی

الرسول و...»^۳

فرمان خدا و رسول و فرمان روایانی که از خود شما هستند را اطاعت کنید. پس اگر در چیزی کار

۱- امین، سیدحسن، *ازدواج باغیرمسلم*، کانون، دوره اول، شماره ۱۱، ص ۶۹ تا ۷۷.

۲- عابدین، میرحسین، *ابعاد حقوقی ازدواج با خارجی*، نشریه مجلس و پژوهش، شماره ۲۸، ص ۳۴۰.

۳- سوره نساء، آیه ۵۹.

به نزاع کشید، آن را به حکم خدا و رسول باز گردانید. اگر به خدا و روز قیامت ایمان دارید، این کار برای شما بهتر و خوش عاقبت تر خواهد بود.

در جای دیگر، آشکارا می‌گوید: «ان الحكم الا الله»^۱ حکومت را تنها از آن خدای تبارک و تعالی می‌داند.

در اندیشه اسلامی، مرز میان انسان‌ها، خاک، دریا و جنگل و کوه نیست، بلکه این مرز بر اساس ایمان و کفر شکل می‌گیرد. عده‌ای به خدا و روز جزا ایمان آورده‌اند و انبیا و اولیا تایید کرده‌اند که این‌ها اهل نجات و بهشت اند و عده‌ای نیز راه ضلالت را در پیش گرفته اند و اهل دوزخ شدند که در آیه ۲۵۷ سوره‌ی بقره دقیقاً بر همین اساس می‌باشد، که در این آیه شریفه خداوند به طور مشخص انسان‌ها را به دو دسته تقسیم می‌کند، آن‌هایی که ایمان آورده‌اند و آن‌هایی که کافر شدند و این گونه مرز ایمان و کفر که مرز واقعی انسان‌ها و سرزمین‌های آن‌هاست، شکل می‌گیرد و تابعیت در معنای شرعی آن نیز از همین معانی انتزاع می‌یابد.

در مباحث پیشین اشاره شد که «فرد» و «دولت» از ارکان اصلی تابعیت اند به نوعی رابطه‌ی فرد با دولت دو عنصر مهم در این مبحث می‌باشد در فرهنگ اسلامی، الفاظی چون «امت» و «ملت» در مقابل جمعیت و دولت در معنای «حاکمیت» تا اندازه‌ای قابل توجه است و تاسیس حقوقی «تابعیت» از رابطه میان «ملت» و «دولت» انتزاع می‌یابد؛ هرچند «تابعیت» در معنای عرفی خود به معنای ملت و امت در معنای مصطلح شریعت نیست و همان گونه که بیان شد، نوعی رابطه است. لفظ «ملت» در زبان فارسی در چند معنای نزدیک به یکدیگر به کار رفته است. رواج نخستین آن در معنای مذهب و مترادف آن بوده است آن‌گاه در معنای جامعه، پیرو مذهبی معین استعمال شده است و در معنای اخیر، مترادف «امت» یا در سطحی محدودتر از آن به کار می‌رفته است؛ چنان که در مواردی همراه دولت و به قرینه آن استعمال می‌شده است.^۲

در قرآن کریم نیز دو لفظ «امت» و «ملت» به کار رفته است که به نظر می‌رسد در معنای واحدی نباشند، راغب اصفهانی می‌گوید:

ملت اسمی است برای آیینی که خداوند برای بندگان مقرر داشته و بر زبان انبیا جاری شده تا با عمل کردن به آن قرب و جوار حق برسند.^۳

۱-سوره یوسف، آیه ۴۰.

۲-سلجوقی، محمود، *حقوق بین الملل خصوصی*، ج ۱، ص ۲۸.

۳-راغب اصفهانی، ابوالقاسم حسین بن محمد بن فضل، *المفردات القرآن*، ترجمه غلام رضا خسروی حسینی، ج ۲، ص ۱۳۳.

همچنین در معنای امت می‌گوید:

امت به گروه‌ها و جماعتی اطلاق می‌شود که برای کار و هدفی گرد هم می‌آیند؛ خواه این هدف و کار، دین واحد باشد یا زمان و مکان واحد، اجباری باشد یا اختیاری، که جمع آن امم است.^۱

۱- سلجوقی، محمود، *حقوق بین الملل خصوصی*، ج ۱، ص ۲۸.

خلاصه فصل دوم

باتوجه به مطالب بیان شده، چنین به نظر می‌رسد که از میان دو واژه قرآنی «امت» و «ملت»، معنای امت به تابعیت عرفی نزدیک‌تر باشد و عبارت «امت اسلامی»، جایگزین مناسبی برای تابعیت اسلامی است.

آیات قرآنی بر «تابعیت» به معنای عرفی آن دلالت ندارند؛ زیرا تابعیت به معنای عرفی، به مرزهای اعتباری میان کشورها اختصاص دارد و اعتقادات دینی در آن بی‌تاثیر یا کم‌تاثیر است، در حالی که اساس تابعیت در اسلام، بر اعتقادات دینی استوار می‌باشد. بر این اساس روشن می‌شود که آنچه در معنای «اتباع» مورد نظر حقوق دانان است، در فرهنگ سیاسی اسلام در قالب «امت» و «ملت» تجلی یافته است؛ زیرا در حقوق عرفی، ماهیت تابعیت تعریف شده ملت و دولت؛ بدون آنکه اعتقادات دینی در آن نقشی داشته باشند؛ ولی در اندیشه سیاسی اسلام، اعتقادات دینی، نقش مهمی در تابعیت دارد و اتباع را به دو دسته ایمانی و پیمانی تقسیم می‌کند. به عبارت دیگر، رابطه ملت و دولت علاوه بر آن- که سیاسی باشد؛ حقوقی و معنوی است و وابستگی و پیوستگی دینی نیز دارد.

فصل سوم:

تابعیت در قوانین

داخلی. معاهدات و کنوانسیون‌های بین‌المللی

در این فصل به تابعیت کودکان و سیر تحول رویه تابعیت در ایران و به طور اختصاصی انتقال تابعیت از مادر به فرزند خواهیم پرداخت. موضوع پایان نامه انتقال حق تابعیت مادر به فرزند در نظام حقوقی ایران و فقه امامیه می باشد. لذا در چند مبحث ابتدا با اماره های تابعیت و نظام حقوقی تابعیت در ایران و سپس به بررسی کنوانسیون بین المللی و مبانی و اسناد حقوق بشر و اسناد بین المللی حقوق کودک خواهیم پرداخت. این فصل از پنج مبحث و هر مبحث از چند گفتار تشکیل گشته است.

۳-۱. نظام حقوقی ایران و مساله تابعیت

۳-۱-۱. اماره تابعیت در حقوق ایران

بند ۱ ماده ۹۷۶ قانون مدنی به عنوان اماره ای برای پذیرش سیستم خاک مقرر کرده است که کلیه سکنه ایران به استثناء اشخاصی که تابعیت خارجی آن ها معلوم و مسلم است، ایرانی محسوب می شوند.^۱

بر اساس این ماده می توان گفت:

الف) تمایل به سیستم خاک یا به نحوی سیستم خاک در ایران وجود دارد.

ب) به نظر می رسد که هر شخصی که بی تابعیت بوده و یا تابعیت خارجی وی قطعی نباشد، خواه به سن رشد رسیده یا نرسیده باشد، به مجرد سکونت در ایران دارای تابعیت ایرانی است، یعنی تابعیت ایرانی برای او فرض می شود.

ج) در مورد تعیین تابعیت اطفالی که در کشتی . هواپیمای متعلق به ایران متولد می شوند باید گفت چون کشتی و هواپیما جزئی از خاک مملکت فرض می شوند باید ایران را به آن ها متسب دانست. البته ذکر این نکته ضروری است که با وجود بند ۱ ماده ۹۷۶ فرزندان حاصل از ازدواج مادران ایرانی با پدر خارجی ایرانی محسوب نمی شود و تقریباً می شود گفت که سیستم اعطای تابعیت ایران بطور بسیار محدود و نسبی سیستم خاک را پذیرفته است. که بند ۱ ماده ۹۷۶ هم جزء این موارد است.

۱- ابراهیمی، نصرالله، *حقوق بین الملل خصوصی*، ص ۱۱۰

۳-۱-۲. موارد تابعیت براساس سیستم خاک و خون

قسمت اول: بند ۲ ماده ۹۷۶ قانون مدنی نیز در پذیرش سیستم خون (نسبی) مقرر می‌دارد «کسانی که پدر آن‌ها ایرانی است اعم از اینکه در ایران یا در خارجه متولد شده باشند ایرانی محسوب می‌شوند.» براساس این بند ۴ گروه ایرانی محسوب می‌شوند:

اولاً: نظر به اینکه سیستم خون فقط از طریق نسب پدری پذیرفته شده است، اشاره به تابعیت مادر نشده است، زیرا گاهی اتفاق می‌افتد که زن تابعیتی غیر از شوهر دارد، همچنان که به موجب بند ۶ همین ماده، مادر نیز زمانی که به ازدواج مرد ایرانی درمی‌آید تابعیت ایرانی می‌یابد. ثانیاً: اعمال سیستم خون از راه نسب پدری و عدم اعمال نسب والدین این امتیاز را دارد که از حدوث تابعیت مضاعف در فرضی که تابعیت پدر و مادر در زمان تولد طفل متفاوت باشد جلوگیری می‌شود.

ثالثاً: به نظر می‌رسد که تابعیت پدر به طفلی که متولد شده است، نه نطفه یا جنین منتقل می‌شود.^۱ به دلیل این که انعقاد نطفه تاریخ مشخصی نداشته باشد و یا مشکوک الحدوث باشد، و تابعیت بر امر عدمی و یا مشکوک الحدوث تعلق نمی‌یابد. از طرفی هم برای نطفه یا جنین روابط سه‌گانه معنوی، حقوقی، سیاسی با دولت متبوع متصور نیست تا دولت تابعیت را بدان واگذار کند. رابعاً: شرط انتقال تابعیت پدر به طفل، حیات پدر نیست، بلکه در صورت فوت پدر هم تابعیت به طفل منتقل می‌شود.

قسمت دوم: کودکان متولد از پدر و مادر نامعلوم

بند ۳ ماده ۹۷۶ قانون مدنی مقرر می‌دارد «کسانی که در ایران متولد شده و پدر و مادر آنها غیر معلوم باشد ایرانی هستند». هدف قانون گذار از ایرانی دانستن چنین اطفالی و اعمال سیستم خاک نسبت به تعیین تابعیت آنان، جلوگیری از بی‌تابعیتی آنان است. براین اساس که:

اولاً) اگرچه قانون در این خصوص ساکت است، به نظر می‌رسد اطفالی که نامشروع هستند و پدر آن‌ها به جهت عدم امکان انتساب طفل نامشروع به زانی نامعلوم است، نیز مشمول این بند از قانون باشند. از سوی دیگر همچنان که گفته شد هرکس در ایران زندگی می‌کند ایرانی محسوب می‌شود، مگر آن‌که تابعیت خارجی اش مسلم و قطعی باشد.

ثانیاً) اگرچه حسب ماده ۱۱۶۷ قانون مدنی مقرر می‌دارد «طفل متولد از زنا ملحق به زانی نمی‌شود»، تابعیت طفل در صورتی پذیرفته می‌شود که نسب او در رابطه با پدر مشروع باشد، اما قانون‌گذار در بند ۱ و ۳ و ۴ ماده ۹۷۶ قانون مدنی به منظور جلوگیری از تابعیتی چنین اطفالی، سیستم

۱- ابراهیمی، نصرالله، حقوق بین الملل خصوصی، ص ۱۱۱.

خاک را بر آن‌ها اعمال نموده و آن‌ها را ایرانی محسوب می‌نماید.

ثالثاً) هرگاه طفلی در ایران متولد شود و پدر و مادر یا یکی از آن دو معلوم باشد، قواعد اعطای تابعیت ایرانی به وی تابع عمومی تحصیل تابعیت ایرانی برای بیگانگان است.

رابعاً) این بند شامل طفل نامشروعی نمی‌شود که در بیمارستان متولد شده است. زیرا در این صورت مادر طفل معلوم است، و در این بند به غیر معلوم بودن پدر و مادر اشاره شده است و نه غیرمعلوم بودن پدر و مادر و یا هر دو

بند سوم: به موجب ماده ۹۷۶ قانون مدنی: «کسانی که در ایران از پدر و مادر خارجی که یکی از آن‌ها در ایران متولد شده به وجود آمده‌اند» نیز ایرانی محسوب می‌شوند این در حالی است که ممکن هس تابعیت کشور پدر نیز به وی تحمیل شود قانون ایران اجازه داده‌است که چنین شخصی پس از رسیدن به ۱۸ سالگی تابعیت پدر را انتخاب نماید بر این اساس که:

اولاً) سیستم خاک به طور نسبی در مورد طفل متولد در ایران که از پدر و مادر خارجی است پذیرفته است، مشروط بر آن‌که یکی از والدین نیز در ایران متولد شده باشند.

ثانیاً) چنانچه طفل در ایران متولد شود و والدین خارجی او هیچ یک در ایران متولد نشده باشند، آن طفل به صرف تولد در ایران، ایرانی نمی‌شود.

ثالثاً) در حالی که طفلی که از پدر و مادر خارجی (متولد ایران) در ایران به دنیا بیاید، ایرانی محسوب می‌شود، طفلی که از یک پدر خارجی و مادر وی ایرانی (متولد در خارج) در ایران به دنیا بیاید ایرانی محسوب نمی‌شود، با آن‌که این طفل ایرانی‌تر از طفلی است که از پدر و مادر خارجی متولد شده‌است

رابعاً) حسب تبصره ماده ۹۷۶ قانون مدنی اطفال نمایندگان سیاسی و کنسولی خارجی مشمول این بند و بند ۵ نمی‌شوند، و به نظر می‌رسد فرزندان ماموران نظامی خارجی نیز در حکم فرزندان نمایندگان سیاسی و کنسولی باشند.

خامساً) بر اساس بند الف ماده ۹۷۷ قانون مدنی «هرگاه اشخاص مذکور در بند ۹۷۶ قانون مدنی پس از رسیدن به هجده سال تمام بخواهند تابعیت پدر خود را قبول کنند باید ظرف یک سال درخواست کتبی به ضمیمه تصدیق دولت پدرشان دایر بر آن‌که آن‌ها را تبعه خود خواهند شناخت به وزارت امور خارجه تسلیم نمایند^۱

بند چهارم: براساس بند ۵ ماده ۹۷۶ قانون مدنی «کسانی که در ایران از پدری که تبعه خارجه است به وجود آمده‌اند و بلافاصله پس از رسیدن به ۱۸ سال تمام لااقل یک سال دیگر در ایران

۱- اصلاحی مصوب ۴۸/۱۲/۲۸ منتشر در روزنامه رسمی شماه ۷۳۱۷ مورخ ۴۸/۱۲/۲۸، ص ۶۴۳ و ۶۴۴، قوانین ۴۸

اقامت کرده باشند...» ایرانی محسوب می‌شوند: بنابراین

اولاً) به مادر به عنوان تبعه یک کشور بیگانه اشاره می‌شده و تنها به تابعیت پدر اکتفا شده است.

ثانیاً) در این ماده فرض بر این است که پدر طفل، ایرانی نبوده و برای این که تابعیت ایرانی به وی تحمیل شود باید یک سال پس از ۱۸ سالگی در ایران بماند.

ثالثاً) به نظر می‌رسد لزومی ندارد برای این که طفل ایرانی محسوب شود پس از تولد تا قبل از ۱۸ سالگی در ایران زندگی کند، بلکه ممکن است که بلافاصله پس از تولد، در یک کشور دیگر اقامت نماید، و آنگاه قبل از اتمام ۱۸ سالگی به ایران مراجعت نموده، مدت یک سال تمام در ایران بماند.

رابعاً) براساس بند ب ماده ۹۷۷ قانون مدنی هر گاه اشخاص مذکور در بند ۵ ماده ۹۷۶ قانون مدنی پس از رسیدن به ۱۸ سالگی تمام بخواهند به تابعیت پدر خود باقی بمانند. باید ظرف یک سال درخواست کتبی به ضمیمه تصدیق دولت متبوع پدرشان دایر براینکه آن‌ها را تبعه خود خواهد شناخت به وزارت امور خارجه تسلیم نمایند، زیرا اگر این تصدیق خواسته نشود ممکن است دولت متبوع پدرش او را به تابعیت خود قبول نکند و در این صورت چون تابعیت ایرانی خود را از دست داده بدون تابعیت شود.

خامساً) همچنان که قبلاً نیز گفته شد بر اساس تبصره ماده ۹۷۶ قانون مدنی اطفال نمایندگان سیاسی و کنسول خارجی مشمول این بند نخواهند شد.

۲-۳. سیر تحول انتقال تابعیت از مادر به فرزند در مقرره‌های نظام حقوقی ایران

ایراد و انتقاد قابل توجهی که در تنظیم و نگارش ماده ۹۷۶ قانون مدنی به نویسندگان آن وارد شده است به این نکته‌ی مهم مربوط می‌شود که قانونگذار هیچ گونه نقش و جایگاه مستقل برای مادر ایرانی در انتقال تابعیت دولت متبوع خود به فرزندش قائل نشده است و حتی به صراحت فرزندان که در ایران از پدر خارجی و مادر ایرانی که او نیز در ایران متولد شده باشد را ایرانی محسوب نکرده است.

این نقص در قانونگذاری با تفسیری از حقوقدانان ایرانی رفع گردیده است که اگر تابعیت ایران به فرزندان والدین خارجی که یکی از آن‌ها در ایران متولد شده و طفل نیز در ایران متولد شده باشد قابل انتساب است به طریق اولی باید تابعیت ایران به فرزندان مادران ایرانی منتقل شود که خود و مادر ایرانی‌اش در سرزمین ایران متولد شده‌اند. حتی در یکی از آرای مشورتی اداره حقوقی وزارت دادگستری به شماره ۵۶۸۷ گفته شده است: «چنانچه مادر ایرانی بوده ولی در ایران متولد نشده باشد در این صورت نیز باتوجه به وحدت ملاک و تلفیق اصل خاک و خون که مورد نظر قانون مدنی

می‌باشد طفل مزبور ایرانی شناخته می‌شود».^۱ به نظر می‌رسد که نظریه بند مذکور با بیان عبارات ذیل انتقاد کرده بودند:

«قانون مدنی اصل خاک را در مورد نوزاد متولد در ایران که از پدر و مادر خارجی است پذیرفته است مشروط بر اینکه یکی از آنها نیز در ایران متولد شده باشند. بنابراین در موردی که طفل در ایران متولد شود و دارای پدر و مادر خارجی باشد که هیچ یک از آنها در ایران متولد نشده‌اند، آن طفل بصرف تولد در ایران، ایرانی نمی‌شود و حال اینکه کشورهایی که مانند آمریکا اصل خاک را پذیرفته‌اند در چنین موارد به طفل تابعیت خود را تحمیل می‌نمایند. و ایراد دیگر بر بند چهارم ماده بالا نسبت به موردی است که «طفلی در ایران متولد شده و دارای پدر خارجی و مادر ایرانی باشد که هیچ‌یک در ایران متولد باشند. قانون به چنین تابعیت ایرانی نمی‌دهد زیرا عبارت ماده مزبور شامل آن نمی‌گردد و این یکی از اشتباهات قانون مدنی ایران است، زیرا طفل متولد در ایران که دارای پدر خارجی و مادر ایرانی که در خارجه متولد شده است، ایرانی‌تر از طفلی است که از پدر و مادر خارجی که یکی از آنان در ایران متولد شده باشند، به وجود آید».

همان گونه که پیداست، به نظر می‌رسد که استاد امامی انتساب تابعیت ایرانی به طفل متولد شده در ایران از پدر خارجی و مادر ایرانی را که او نیز در ایران متولد شده باشند امری قطعی و مسلم تلقی می‌کند

پس از انقلاب نیز نظریه شماره ۷/۵۰۲۵ مورخ ۱۳۶۱/۱۰/۱۳ نیز بار دیگر نظرات قبلی خود تاکید می‌کند: «طفل متولد در ایران از پدر خارجی و مادر ایرانی متولد در خارج تابع ایران محسوب نمی‌شود».^۲

۳-۲-۱. اصول حاکم بر تابعیت زنان شوهردار

در ابتدای بحث مختصری در خصوص تاریخچه تقنین و تصویب قوانین و مقررات تابعیت در ایران ارائه می‌شود.

تدوین و تصویب قوانین و مقررات در خصوص تابعیت سیر تحول و تطور خاص خود را داشته است. "تا سال ۱۳۱۷ هجری قمری در ایران مقرراتی راجع به تابعیت موجود نبود و در اثر نبودن نظاماتی در این باره دولت ایران موفق نمی‌گشت که اتباع خود را در خارجه کاملاً تضمین کند یا از ترک تابعیت اتباع خود جلوگیری نماید. در ماه شوال سال مزبور فرمانی در تحت عنوان قانون نامه تابعیت دولت علیه ایران به امضا مظفر الدین شاه رسید. این قانون نامه که مشتمل بر ۱۵ ماده بود از

۱- ارفع نیا، بهشید، *حقوق بین‌الملل خصوصی*، ج ۱، ص ۷۳ ص ۷۶

۲- نظریه شماره ۳۸۰۷ مورخ ۱۳۵۳/۶/۶ ص ۷۷

جمله قوانین تابعیتی است که بعضی از مقررات آن مبتنی بر اصل خون و بعضی دیگر بر اصل خاک می‌باشد. در جلسه یکشنبه مورخ ششم اردیبهشت سال یک هزار و سیصد و چهار هجری شمسی لایحه‌ای تحت عنوان تابعیت و مشتمل بر ۱۰ ماده تقدیم پنجمین دوره مجلس شورای ملی گردیده است.^۱

این لایحه در مجلس عقیم ماند و متهی تصویب نگردید تا آنکه در سال ۱۳۰۸ شمسی لایحه جدیدی پیشنهاد و مورد تصویب قرار گرفت قانون تابعیت و متمم آن در سال‌های ۱۳۰۸ و ۱۳۰۹ به تصویب مجلس شورای ملی رسید.

مواد ۹۷۶ تا ۹۹۱ قانون مدنی مصوب سال ۱۳۱۳ که مربوط به تابعیت است، تفاوت چندانی با مصوبات سالهای ۱۳۰۸ و ۱۳۰۹ ندارد. به این موضوع در مشروح مذاکرات کمیسیون قوانین عدلیه و مجلس شورای ملی نیز اشاره شده است.

۳-۳. رویه حقوقی و قضایی انتقال تابعیت از مادر به فرزند در نظام حقوقی ایران

به علت مشکلاتی که بعد از ورود اتباع خارجی به ایران به ویژه اتباع عراقی و اتباع افغانستان در مناطقی از ایران به ویژه شمال شرق و غرب کشور بوجود آمد. و زنان ایرانی به دلایلی از جمله شرایط اقتصادی خانواده و در بعضی مواقع نیز از روی اجبار و بدون داشتن میل باطنی با اتباع بیگانه تن دادند. و این ازدواج‌ها تبعاتی داشت از جمله اینکه این مادران ایرانی صاحب فرزندان شده‌اند. و از آنجایی که اکثر این زنان از نظر فرهنگی و اقتصادی در سطح بسیار پایین جامعه قرار دارند. بنابراین این وظیفه‌ی مهمی بر دوش دولت است که از شهروندان خود حمایت لازم را به عمل آورد. زیرا که در بسیاری از موارد همسر خارجی آن‌ها بعد از سال‌ها زندگی مشترک آن‌ها را ترک گفته و به وطن اصلی خود بازگشتند و این زنان را با کوله باری از مشکلات تنها به حال خود رها کرده‌اند. و از جمله بزرگ‌ترین مشکلات این زنان بی‌هویتی فرزندان آن‌ها می‌باشد. آن کودکان در عین نزدیکی به مادر خود با او بیگانه هستند. چرا که این کودکان ایرانی محسوب نمی‌شوند و دولت آن‌ها را به رسمیت نمی‌شناسد. ابتدا وزارت امور خارجه پیشنهاد اصلاح ماده‌ی ۹۷۶ قانون مدنی را مطرح کرد و سپس طرحی از طرف دولت به مجلس تحت عنوان ماده واحده تعیین تکلیف تابعیت فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی به مجلس شورای اسلامی فرستاده شد. که پس از مدتی که کش و قوس در آخر در تاریخ ۱۳۸۵/۷/۲ از تصویب مجلس گذشت و پس از ده روز شورای نگهبان هم عدم مغایرت آن را با قوانین شرع و قانون اساسی تایید کرد. کنون می‌خواهیم در

۱- نائینی، احمد رضا، *فلسفه تابعیت*، مجله ماه و تاریخ و جغرافیا، دوره جدید، شماره ۱۴۷، ص ۱۰۵ و ۱۰۶

این مبحث شرایط اعطای تابعیت به این گونه کودکان که از مادر ایرانی الاصل متولد شده و مشکلات ماده واحده و طرح اصلاحیه آن را مورد بررسی قرار دهیم.

۳-۳-۱. بررسی نوع روابط فی ما بین زوجین

امروز اکثر قوانین پذیرفته‌اند که به خاطر حفظ وحدت خانواده، زن و شوهر باید دارای یک تابعیت باشند. بنابراین اگر زن و مردی که می‌خواهند با یک دیگر ازدواج نمایند دارای دو تابعیت مختلف باشند، معمولاً تابعیت مملکت متبوع شوهر بر زن تحمیل می‌شود. زیرا در غیر این صورت زن از حقوق و مزایای که شوهر و فرزندانش در مملکتی بهره‌مند هستند، به علت اختلاف تابعیت محروم خواهد بود و در نتیجه مشکلاتی ایجاد خواهد شد.^۱

پذیرش سیستم خاک (تابعیت ارضی) در بحث تابعیت تولدی، توسط قانونگذار ایران در بندهای ۴ و ۵ ماده‌ی ۹۷۶ قانون مدنی به طور استثنایی پیش‌بینی شده‌است که بندهای مذکور ناظر بر بحث مورد نظر می‌باشد.

باتوجه به اینکه مطابق بند ۴ ماده‌ی ۹۷۶ ق.م. برای تحقق تابعیت تولدی در ایران برای طفل حاصل از والدین خارجی، علاوه بر شرط تولد در ایران، خارجی بودن والدین و تولد یکی از والدین در ایران ضروری است لذا اگر بخواهیم فرزندان حاصل از پدرخارجی را دقیقاً مورد بحث و بررسی قرار دهیم باید با توجه به تابعیت همسر وی و همچنین با توجه به محل تولد طفل مشترک موضوع را بررسی کنیم: بنابراین تابعیت زوجه در این فرض از دو حالت و فرض زیر خارج نخواهد بود.

۳-۳-۱-۱. خارجی بودن زن از دیدگاه قانون ایران

در این حالت هرگاه طفلی از پدر و مادر خارجی در ایران بدنیا بیاید دو شرط از شروط بند ۴ ماده‌ی ۹۷۶ تحقق یافته (پدر و مادر خارجی، تولد طفل در ایران) و کافی است که یکی از والدین خارجی در ایران متولد شود. در این صورت طبق این بند طفل مذکور از لحظه‌ی تولد تابعیت تولدی در ایران را داشته و تبعه‌ی ایران محسوب می‌شود بدیهی است در صورت فقدان هریک از شروط بند ۴ یقیناً قبول تابعیت قطعی تولدی برای طفل محل تردید خواهد بود.

باید متوجه این نکته بود که ماهیت تابعیت اطفال مشمول بند ۴ ماده‌ی ۹۷۶ همانند تابعیت فرزندان حاصل از پدر ایرانی (بند ۲ ماده‌ی ۹۷۶ ق.م.) به دست آوردن قطعی تولدی ایران در لحظه‌ی تولد می‌باشد. ذکر این نکته از آن جهت است که کسانی که تابعیت قطعی تولدی ایران را دارا می‌گردند، مزیت‌ها و تسهیلات بیشتری نسبت به افرادی دارند که تابعیت ایران را تحصیل می‌نمایند.

۱- ارفع نیا، بهشید، مقاله *تابعیت اطفال حقوق در ایران از مادران ایرانی*، چاپ شده در مجله کانون وکلا، شماره ۲۳ و ۲۴

بعضی از حقوقدانان بر این نکته اصرار می‌ورزند که چطور قانونگذار ایرانی برای مادر خارجی که صاحب فرزندی در ایران می‌شود در حالی که همسر او هم خارجی است به صرف تولد یکی از والدین در ایران، قابل به اعطای تابعیت تولدی برای طفل است، در صورتی که برای طفل حاصل از مادر ایرانی که علقه و رابطه‌ی بسیار بیشتری غیر از تولد در ایران دارد اعتقادی به اعمال بند ۴ ماده‌ی ۹۷۶ ق.م. ندارد.^۱

احتمالا صرفا این رهگذر و با توجه به همین تحلیل اداره حقوقی وزارت دادگستری^۲ خود قایل به تسری مفاد بند ۴ ماده‌ی ۹۷۶ به فرزندان حاصل از نکاح زنان ایرانی با مردان خارجی گردیده است. حتی کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی^۳ در همین رابطه با ارائه‌ی نظریه‌ی خود ضمن توجه به قیاس الویت به این گونه عنوان داشت که در مستند از مفاد ۴ ماده ۹۷۶ ق.م. به طریق اولی طفل متولد از پدر خارجی و مادر ایرانی در ایران، ایرانی محسوب می‌گردد.

در حقیقت به نظر اکثر حقوقدانان اصل در ایران اعمال سیستم خون در اعطای تابعیت تولدی را اصل و قبول سیستم خاک را مشروط و استثناء می‌دانند. و طبق قواعد حقوقی در تفسیر موارد استثنایی باید به قدر متقین اکتفا کرد لذا در این مقام به عنوان استثنا مقدار یقین آور، خارجی بودن هر دو والدین طفل است و نمی‌توان با این طرز تفکر، مفهوم آن را به مادر ایرانی نیز تسری داد زیرا باید توجه داشت که قیاس اولویت از ابزارهای موسع می‌باشد حال آنکه در این جا نیز می‌بایست نوع تفسیر مضیق باشد به همین دلیل نمی‌توان از قیاس اولویت استفاده کرد.^۴

۳-۱-۲. ایرانی بودن زن از دیدگاه قانون ایران

همان طور که قبلا نیز اشاره شد، ازدواج زن ایرانی صرفا با رعایت ماده‌ی ۱۰۶۰ ق.م. قانونی است و با رعایت ماده‌ی ۱۰۵۹ ق.م. واجد آثار حقوقی می‌شود و همچنین عدم رعایت ماده‌ی ۱۰۵۹ طبق نظر تمامی حقوقدانان ایرانی موجب بطلان نکاح خواهد بود. با عنایت به این موضوع که بقا و عدم بقای تابعیت ایرانی زن ایرانی در اثر ازدواج با مرد خارجی، بستگی تام به تحمیل تابعیت یا عدم تحمیل تابعیت شوهر خارجی در اثر ازدواج دارد.

لذا با توجه به ماده‌ی ۹۸۷ و تبصره ۱ آن می‌توان بیان نمود که قانونگذار ایرانی سه حالت را در

۱- ارفع نیا، بهشید، مقاله *تابعیت اطفال حقوق در ایران از مادران ایرانی*، چاپ شده در مجله کانون وکلا، شماره ۲۳ و ۲۴

تابستان ۱۳۸۵، ص ۹۰ به بعد

۲- نظریه شماره ۳۸۰۷ مورخ ۱۳۵۳/۶/۶

۳- نظریه مورخ ۱۳۸۶/۴/۱۴

۴- فدری، سلیمان، *نقدی بر قانون واحد تعیین تکلیف فرزندان حاصل از ازدواج زنان و مردان خارجی*، نشریه کانون وکلا،

زمستان ۱۳۸۵، شماره ۱۹۵ ص ۱۶۷ و ۱۶۸

مورد تابعیت زن ایرانی در صورت ازدواج با مرد خارجی در نظر گرفته است.

الف- حفظ تابعیت ایرانی: منظور این است که قانونگذار به صرف ازدواج زن ایرانی با مرد خارجی تابعیت ایرانی را از زن سلب نمی‌کند.

ب- تحمیل تابعیت شوهر: هرگاه کشور متبوع شوهر از کشورهایی باشد که تابعیت خود را در صورت ازدواج یکی از اتباع آن با زن خارجی بر آن زن تحمیل کند، زن به تابعیت شوهر در می‌آید و جهت جلوگیری از تابعیت مضاعف، تابعیت ایرانی او سلب می‌شود.

ج- اختیار تابعیت شوهر: هرگاه کشور متبوع شوهر تابعیت خود را در اثر ازدواج به زن تحمیل نکند ولی به وی اختیار دهد که در صورت تمایل می‌تواند از این اختیار استفاده کند و از یک طرف تقاضای تحصیل تابعیت شوهر خود و از کشور متبوع وی بکند و از طرف دیگر از وزارت امور خارجه تقاضا کند که از تابعیت ایران خارج شود وزارت امور خارجه با بررسی علل این تقاضا، اثر علل مزبور را موجه تشخیص دهد ممکن است با این تقاضا موافقت کند. بدیهی است در صورتی که زن ایرانی از کشور متبوع شوهر تقاضای اعطای تابعیت کند ولی از وزارت امور خارجه ایران تقاضای خروج از تابعیت ایران نکند دارای تابعیت مضاعف خواهد شد.^۱

گرچه زن می‌تواند از اختیار داده شده طبق قانون از کشور متبوع شوهر استفاده نکند و در تابعیت ایرانی خود باقی بماند که در این صورت از این پس این زن و شوهر دارای دو تابعیت مختلف خواهند بود و طبق قانون ایران روابط شخصی و ملی فی‌مابین طبق ماده ۶۹۳ ق.م.تابع قانون کشور متبوع شوهر خواهد بود. لذا همان‌طور که مشخص شد وضعیت تابعیت زن ایرانی در صورت ازدواج با مرد خارجی بستگی به قانون متبوع شوهر وی دارد که برای سهولت در انجام روند وزارت خارجه طی دو لیست کشورهایی که تابعیت خود را در اثر ازدواج یکی از تبعاشان با زنی خارجی به وی تحمیل می‌کنند تحت عنوان «تحمیلی» و کشورهایی را که به زن اختیار انتخاب آن تابعیت را می‌دهند تحت عنوان «اختیاری» تهیه کرده است که در هر مورد کافی است به این دو لیست مراجعه شود تا مشخص گردد. قانون کشور متبوع شوهر تابعیت خود را بر زن تحمیل می‌کند یا به وی اختیار می‌دهد.

۳-۲. شرایط اعطای تابعیت به کودکان

یکی از مباحث بسیار مهم در تابعیت و اعطای تابعیت به کودکانی است که در ایران از مادر ایرانی و پدر خارجی متولد می‌شوند می‌باشد. تا قبل از وضع ماده واحده تعیین تکلیف فرزندان حاصل از نکاح

۱- ارفع نیا، بهشید، مقاله *تابعیت اطفال حقوق در ایران از مادران ایرانی*، چاپ شده در مجله کانون وکلا، شماره ۲۳ و ۲۴

زنان ایرانی با مردان خارجی به لحاظ عدم رعایت ماده ۱۰۶۰ قانون مدنی ایران از جانب زنان ایرانی در ابهام به سر می‌برد، چون با توجه به اینکه در ایران سیستم خون (تابعیت نسبی) به طور مطلق پذیرفته شده است و بند ۲ ماده‌ی ۹۷۶ قانون مدنی ایران تنها فرزندان حاصل از پدران ایرانی (بدون در نظر گرفتن از اینکه در کجا به دنیا آمده باشند) را تبعه‌ی ایران می‌داند و قانونگذار از اعطاء تابعیت مبدا (تولد) براساس سیستم خون از طریق مادر سخنی به میان نیاورده است.

متأسفانه تنهایی اسمی که از مادر در بند ۴ ماده‌ی ۹۷۶ است آن هم از مادر خارجی سخن به میان آمده است و روشن است که مادر بیگانه به شرط تولد در ایران و در ضمن فرزند وی نیز در ایران متولد شده باشد و همسر وی هم خارجی باشد در این صورت قانونگذار ایران به فرزند او طبق ماده ۹۷۶ بند ۴ تابعیت ایران را می‌دهد. در نتیجه حال می‌خواهیم چگونگی اعطای تابعیت مادر به فرزند و شرایط ثبت ازدواج مادر ایرانی با فرد بیگانه را مورد بحث و بررسی قرار دهیم.

۳-۳-۳. تابعیت اطفال متولد در ایران از مادران ایرانی

موضوع اعطای تابعیت مادر ایرانی به فرزند متولد از پدر خارجی از سال ۱۳۸۳ آغاز شد و در سال ۱۳۸۵ طی یک طرح در مجلس مورد بررسی قرار گرفت. این طرح که طی یک ماده واحده تحت عنوان قانون تعیین تکلیف تابعیت فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی» در مجلس مورد بحث و بررسی قرار گرفت که نهایتاً در ۱۳۸۵/۷/۲ در مجلس شورای اسلامی به تصویب رسید.

البته این ماده واحده به دلیل وجود تفاسیر گوناگون در مورد مورد بندهای (۴ و ۵) ماده‌ی ۹۷۶ قانون مدنی در مورد تعیین تکلیف فرزندان که از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی در ایران متولد شده‌اند به تصویب رسیده بود.

ماده‌ی ۹۷۶ که در ۷ بند اشخاصی را که تبعه ایران محسوب می‌شوند را ذکر می‌کند و حال سوال این جاست که در بند ۴ این ماده که زن بیگانه چطور می‌تواند برای فرزند خویش که متولد ایران که از پدر خارجی تابعیت ایرانی (تولد) را بدست آورد ولی مادر ایرانی که ایرانی الاصل می‌باشد نمی‌تواند برای فرزند خویش که از پدر خارجی متولد شده است تابعیت ایران را داشته باشد؟ و آیا زن تبعه خارجی متولد در ایران به زن ایرانی اولویت دارد؟ به هر جهت ماده واحده فوق‌الذکر که جهت رفع اختلاف در تفاسیر و آراء محاکم تصویب گردید از یک سوء درصندن خود تنها فرزندان که در ایران متولد شده یا حداکثر تا یک سال پس از تصویب این قانون در ایران متولد می‌شوند را مجاز به تقاضای تابعیت می‌داند و از سوی دیگر در تبصره (۱) فرصت قانونی برای تقاضای تابعیت کسانی که در زمان تصویب قانون سن بالای هجده سال تمام دارند را تنها یک سال مقرر داشته

بنابراین قانون تعیین تکلیف تابعیت، با مقرر نمودن این گونه شرایط مشکلات زیادی را در مقام اجراء ایجاد نموده است چرا که اکثر این ازدواج‌ها یا بدون مجوز قانونی صورت گرفته‌اند و یک سال برای طی مراحل قانونی ثبت، کافی نبوده‌است و یا غالباً فرصت یک سال برای اطلاع رسانی برای بسیاری از این افراد از وجود چنین قانونی کافی نمی‌باشد و در نتیجه جهت رفع این مشکل نمایندگان مجلس پیشنهاد اصلاح در قانون تعیین تکلیف تابعیت فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی مصوب ۸۵/۷/۲ را در سال ۱۳۹۰ را به مجلس ارائه نمودند.

بند اول ماده واحده مصوب ۸۵/۷/۲

ماده واحده- فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی که در ایران متولد شده یا حداکثر تا یک سال پس از تصویب این قانون در ایران متولد می‌شوند می‌توانند بعد از رسیدن به سن ۱۸ سال تمام تقاضای تابعیت ایرانی نمایند. این افراد در صورت نداشتن سوء پیشینه کیفری یا امنیتی و اعلام رد تابعیت غیر ایرانی به تابعیت ایران پذیرفته می‌شوند. وزارت کشور نسبت به احراز ولادت طفل در ایران^۱ و صدور پروانه ازدواج موضوع ماده‌ی (۱۰۶۰) قانون مدنی اقدام می‌نماید و نیروی انتظامی نیز با اعلام وزارت کشور پروانه اقامت برای پدر خارجی مذکور در این ماده صادر می‌کند. فرزندان موضوع این ماده قبل از تحصیل تابعیت نیز مجاز به اقامت در ایران می‌باشند.

تبصره‌ی ۱- چنانچه سن مشمولین این ماده در زمان تصویب بیش از هجده سال تمام باشد باید حداکثر ظرف یک سال اقدام به تقاضای تابعیت ایرانی نمایند.^۲

تبصره‌ی ۲- از تاریخ تصویب این قانون کسانی که در اثر ازدواج زن ایرانی و مرد خارجی در ایران متولد شوند و ازدواج والدین آنان از ابتدا با رعایت ماده‌ی (۱۰۶۰) قانون مدنی به بت رسیده باشد پس از رسیدن به سن هجده سال تمام و حداکثر ظرف مدت یکسال، بدون رعایت شرط سکونت مندرج در ماده‌ی (۹۷۹) قانون مدنی به تابعیت ایران پذیرفته می‌شوند. این قانون پس از تصویب مجلس در تاریخ ۸۵/۷/۱۲ به تایید شورای نگهبان رسید.

شروط متعدد و دشوار مقرر در ماده واحده قانون یاد شده موجب شد تا قانون مذکور به درستی انجام نشود و فرزندان مادران ایرانی به سهولت نتوانند به تابعیت ایرانی در آیند براساس برآورده‌های اولیه تا سال ۱۳۹۴، حدود ۱۵۰ هزار زن ایرانی با اتباع خارجی ساکن ایران ازدواج کرده و حاصل این

۱- البته امروزه احراز ولادت با توجه به اینکه اکثریت قریب اتفاق کودکان در بیمارستان متولد می‌شوند و گواهی ولادت رسمی از طرف بیمارستان صادر می‌شوند بسیار آسان و دقیق می‌باشد.

۲- آن تبصره در عمل موجب بروز مشکلاتی شد. چون خیلی از این افراد قبل از پایان مهلت یکساله اصلاً از تصویب چنین قانونی با خبر نشدند تا اقدام نمایند.

ازدواج‌ها حدود بیش از ۵۰۰ هزار کودک فاقد هویت رسمی می‌باشد و اغلب این افراد از کلیه حقوق اجتماعی، آموزش، بیمه، یارایانه محروم اند بدین سبب، وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی پیشنهاد نموده تا لایحه اصلاح قانون تعیین تکلیف تابعیت فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی در فرآیند رسیدگی قرار گیرد تا بر مبنای آن زمینه برخورداری این افراد از حقوق شهروندی فراهم شود.

بر این اساس هیئت وزیران در جلسه ۱۳ آبان ۱۳۹۷ لایحه زیر را به تصویب رسانید و تشریفات قانونی به مجلس شورای اسلامی به تصویب رسانید

بند دوم: لایحه اصلاح قانون مصوب ۱۳۸۵

ماده واحده- فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی می‌توانند به درخواست مادر ایرانی خود به تابعیت ایرانی درآیند فرزندان مزبور در صورت عدم تقاضای مادر می‌توانند پس از رسیدن به سن ۱۸ سالگی تقاضای تابعیت نمایند که در صورت فقدان مشکل امنیتی (به تشخیص و اعلام وزارت اطلاعات) به تابعیت ایرانی پذیرفته می‌شوند

تبصره ۱- فرزندانی که پیش از تصویب این قانون از مادر ایرانی و پدر خارجی متولد شده به تابعیت ایران پذیرفته می‌شوند.

در این مورد وزارت کشور پس از اخذ مدارک مثبت و وقوع عقد شرعی نسبت به صدور پروانه ازدواج موضوع ماده‌ی (۱۰۶۰) اقدام می‌نماید.

تبصره ۲- نحوه اشتغال به مشاغل حاکمیتی و دولتی اشخاصی که طبق این قانون به تابعیت جمهوری اسلامی ایران پذیرفته می‌شوند طی آیین نامه‌ای ظرف شش ماه از تاریخ تصویب این قانون توسط وزارت کشور به همکاری وزارت امور خارجه وزارت اطلاعات و قوه قضاییه تدوین می‌شود و به تصویب هیات وزیران می‌رسد.

۳-۳-۴. ماده‌ی ۱۰۶۰ قانون مدنی (اخذ مجوز از دولت)

ماده‌ی ۱۰۶۰ قانون مدنی جمهوری اسلامی ایران مقرر داشته است که: در ازدواج زن ایرانی با تبعه‌ی خارجه در مواردی هم که نکاح مانع قانونی ندارد. موکول به اجازه مخصوص از طرف دولت است. لذا طبق قانون مدنی هر زن ایرانی که می‌خواهد با مرد بیگانه ازدواج کند هر چند از نظر مذهبی و قانونی منعی نداشته باید با اجازه دولت و با اخذ موضوع ماده‌ی ۱۰۶۰ می‌تواند ازدواج کند.

باید این نکته را متذکر شویم که بیشتر حقوق دانان بزرگ کشور عدم رعایت این ماده را در حکم

عدم نفوذ نکاح^۱ و برخی از حقوق‌دانان بعنوان بطلان^۲ نکاح بیان کرده‌اند البته نظر حقوق‌دانان گروه اول منطقی‌تر بوده و با موازین شرعی و قانونی سازگاری بیشتری دارد. شاید به همین دلیل باشد که اداره حقوقی وزارت دادگستری هم نظر گروه اول را پذیرفته و در تاریخ ۱۳۴۳/۱۲/۵ چنین اظهار نظر کرده است «بدیهی است که عدم تحصیل پروانه‌ی زناشویی موجب بطلان عقد نکاح نیست»^۳ البته این ماده ضمانت اجرا هم دارد و آن ماده ۱۷ قانون ازدواج مصوب ۱۳۱۰ است که دفاتر ازدواج و طلاق را از ثبت ازدواج‌هایی که بدون رعایت حکم مندرج در ماده‌ی ۱۰۶۰ قانون مدنی منعقد شده منع می‌کند و در صورت تخلف آن‌ها را مستوجب کیفر می‌داند.

البته ذکر این نکته شایان توجه است که در ماده‌ی ۱۰۶۰ منحنی از بطلان یا عدم نفوذ نکاح در صورت اخذ مجوز به میان نیامده و قانون ازدواج ۱۳۱۰ تعهد عدم ثبت چنین ازدواج‌هایی را بر عهده‌ی دفاتر ازدواج و طلاق گذاشته و برای نقض آن تعهد کیفر منظور کرده‌است البته مواد قانونی دیگر نیز وجود دارد که می‌توان از آن‌ها بطلان ازدواج در صورتی که برخی شرایط رعایت نشده‌باشد را استنباط کرد مثلاً ماده‌ی ۱۰۵۹ قانون مدنی مقرر داشته است: «نکاح مسلم با غیر مسلم جایز نیست» دللذا مفهوم مخالف آن ماده این است که مرد مسلمان می‌تواند با زن غیر مسلمان ازدواج کند ولی زن مسلمان نمی‌تواند با مرد غیر مسلمان ازدواج کند. لذا اگر ازدواج از لحاظ شرعی صحیح باشد و شرایط ماهوی نکاح موجود باشد به راحتی نمی‌توان چنین ازدواج‌هایی را باطل یا غیر نافذ تلقی کرد. چرا که آثار نامطلوبی خواهد داشت به ویژه اگر ثمره چنین ازدواجی وجود چند فرزند باشد. لذا شایسته است که قانونگذار با صراحت تکلیف چنین ازدواج‌ها را مشخص کند.

ذکر این نکته خالی از فایده نخواهد بود که در مورد ثبت این ازدواج‌ها و ضمانت اجرای کافی منع دفاتر ثبت، از ثبت چنین ازدواج‌هایی وجود دارد اداره حقوقی قوه قضاییه در نظریه مشورتی با این استدلال که ثبت واقعه ازدواج در ایران جنبه‌ی نظم عمومی دارد تاکید کرد که هر چند اجازه‌ی دولت جهت وقوع نکاح اخذ شده باشد باید به طور رسمی به ثبت برسد. به هر حال ازدواج‌هایی که بدون کسب مجوز دولتی صورت می‌گیرد و در ایران و طبق قوانین ایران قانونی نیست و ازدواج رسمی محسوب نمی‌شود.

۳-۳-۵. مشکلات ماده واحده و ضرورت اصلاح آن

همان طور که قبلاً اشاره شد. پس از سال‌ها تلاش حقوق‌دانان و مسئولین وزارت خارجه و

۱- کاتوزیان، ناصر، دوره مقدماتی حقوق مدنی (حقوق خانواده)، ص ۱۰۶؛ الماس با نماد علی، حقوق بین الملل خصوصی

۲- امامی، سیدحسن، حقوق مدنی، ج ۴، ص ۳۵

۳- مجموعه نظرهای مشورتی قبل از انقلاب، ص ۹۸

نمایندگان مجلس و تصویب ماده واحد در سال ۱۳۸۵ این تصور بوجود آمده بود که مشکلات کودکانی که از مادر ایرانی و پدر بیگانه در ایران متولد شده‌اند حل شده‌است. و این ماده واحده می‌تواند به اطفال متولد در ایران از مادر ایرانی و پدر خارجی تابعیت ایران را بدهد. اما با شروع به اجرای این ماده واحد مشکلات و نواقص آن آشکار شد و روشن شد که نه تنها این واحده بار را از دوش این کودکان برنداشت بلکه بر مشکلات آنها افزود.

با وجود اینکه دولت ازدوچه‌های غیر قانونی و بدون اخذ مجوز از سوی دولت را قبل از وضع ماده واحده تنفیذ کرده‌است اما برای ازدواج‌های غیر قانونی پس از ۱۳۸۵ شرطی تعیین نکرده‌است. از دیگر مسائل این ماده واحده این است که این اطفال فقط می‌توانند ماده واحده تقاضای تحصیل تابعیت ایرانی را بنمایند. این در حالی است که طبق بند ۵ ماده‌ی ۹۷۶ ق.م این اطفال می‌توانستند پس از رسیدن به سن ۱۸ سال تمام با یک سال اقامت در ایران تابعیت تولدی ایران را بدست آورند.

البته بنا به گفته یکی از تصویب کنندگان اصلی این ماده واحده^۱ اساس طرح ماده همین است که تصویب کنندگان نمی‌خواهند این اطفال ایرانی باشند و می‌خواهند به ایت اطفال تابعیت ایران را بدهند بدین گونه که آنها پس از رسیدن به سن ۱۸ سال که اهلیت و رشد کافی داشتند با آگاهی تابعیت ایرانی را تقاضا نمایند یا اینکه به تابعیت پدر را بقاء گردند. البته به گفته‌ی ایشان این امر به خاطر این است که کسانی که تابعیت ایران را تحصیل می‌کنند نمی‌توانند به برخی از مقامات نایل شوند و هدف آنها هم این بوده است.

از جمله موارد دیگر در این ماده واحده این است که این افراد نباید دارای سوء پیشینه‌ی کیفری و امنیتی باشند. همچنین در ماده واحده رعایت دوباره‌ی ماده‌ی ۱۰۶۰ قانون مدنی به لحاظ اخذ مجوز دولتی پیش‌بینی شده است که این وظیفه بر عهده‌ی وزارت کشور گذاشته شده‌است تا نسبت به احراز تولد طفل در ایران و صدور پروانه‌ی اقامت برای پدر خارجی صادره می‌کند» بدین مفهوم که پدر خارجی طفل نیز بتواند در ایران سکنی گزیند. حق دیگری که مقنن برای این کودک در نظر گرفته است اجازه‌ی اقامت در ایران قبل از تحصیل تابعیت ایران است به هر حال معافیت از شرط اقامت مندرج در ماده‌ی ۹۷۹ ق.م (قسمت اخیر تبصره ۲ ماده واحده) نیز در صورتی امکان پذیر است که ازدواج قبلاً با رعایت ماده‌ی ۱۰۶۰ ق.م صورت گرفته باشد. بدین ترتیب این اطفال از حق اقامت در ایران تا سن ۱۸ سالگی برخوردارند و پس از رسیدن به سن ۱۸ سالگی می‌توانند در خواست تابعیت ایرانی بدهند و دولت در چهارچوب شرایط مقرر در ماده واحده می‌تواند به این اطفال تابعیت ایرانی بدهد.

۱- سلیمانی حسن، مخبر کمیسیون قضایی و حقوق مجلس شورای اسلامی در زمان تصویب ماده واحده

در مورد رد تابعیت غیر ایرانی و ترک تابعیت خارجی که در این ماده پیش‌بینی شده است طفل متولد از مادر ایرانی و پدر خارجی باید تابعیت غیر ایرانی را رد نماید اما اینکه ارائه درخواست ترک تابعیت کافی است را احراز نماید اما در عمل مشاهده می‌شود که ارائه سند ترک تابعیت لازم است و متأسفانه در این مورد دولت متبوع پدر طفل نسبت به صدور سند ترک تابعیت متبوع پدر پاسخی را به متقاضی نمی‌دهد که افراد زیادی را با مشکل روبه‌رو ساخته است.^۱

سوال اصلی اینجاست که طبق بند ۴ اگر از مادر خارجی متولد در ایران و شوهر خارجی فرزندی در ایران به دنیا بیاید تابعیت تولدی ایران را دارا می‌شود، اما طفل متولد از پدر خارجی و مادر ایرانی در ایران نمی‌تواند تابعیت ایران را داشته باشد؟ لذا به نظر می‌رسد که زن تبعه‌ی خارجی متولد در ایران بر زن ایرانی اولویت دارد.

چنانچه همان‌طور که در قبل اشاره گردید فرزند متولد از زن ایرانی و مرد خارجی طبق ماده واحده باید بعد از رسیدن به ۱۸ سالگی برای کسب تابعیت تقاضا بدهد اما بر اساس «طرح اصلاحی قانون تکلیف تابعیت فرزندان حاصل از ازدواج زن ایرانی با مرد خارجی مصوب ۱۳۸۵»^۲ که یک فوریت آن در تاریخ ۱۳۹۰/۵/۱۱ به تصویب رسیده است، فرزندان متولد از مادر ایرانی و پدر خارجی که مطابق ماده‌ی ۱۰۶۰ ق.م با اخذ مجوز ازدواج کرده‌اند از ابتدای تولد دارای تابعیت ایرانی هستند و می‌توانند از حق تحصیل و دیگر حقوق شهروندی اتباع ایرانی بهره‌مند شوند اما با رسیدن به سن ۱۸ سالگی می‌توانند در خصوص تابعیت خود تصمیم‌گیری کنند. براساس تبصره ۱ این طرح فرزندان که از مادر ایرانی و پدر خارجی پیش از این طرح بدنیا آمده باشند نیز به تابعیت ایران پذیرفته می‌شوند هم چنین تبصره ۲ این طرح به وضعیت اشتغال این اطفال می‌پردازد.

این طرح پس از ۹ ماه بررسی در کمیسیون حقوقی و قضایی مجلس و صحن علنی مجلس شورای اسلامی در تاریخ ۱۳۹۱/۲/۲۷ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید اما با کمال تأسف و تعجب با ایراد قانون اساسی شورای نگهبان مواجه و رد شد و جهت اصلاح به کمیسیون حقوقی و قضایی مجلس ارجاع داده شده است. شورای نگهبان ایراد را متوجه تبصره‌ی ۳ الحاقی دانسته است. که دلایل رد شورای نگهبان در مباحث بعدی بررسی خواهیم کرد.

۱- ذاکری حدادان، عادل، تابعیت طفل متولد از مادر ایرانی و پدر خارجی و آثار آن با مطالعه‌ی تطبیقی در حقوق افغانستان،

پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علوم و تحقیقات تهران، تابستان ۱۳۹۲

۲- متن کامل ماده واحد و طرح اصلاح آن جهت مطالعه در ضمیمه آورده شده است.

۳-۷. رویه قضایی

پرونده شماره ۱

طبق دادنامه ش ۳۲۸۰-۲۶/۱۰/۸۳ صادره در پرونده کلاسه ۱۱۸۶/۸۲ شعبه ۲۵۰ دادگاه خانواده تهران: «خانم «فاطمه» تبعه و مقیم ایران، دادخواستی بطرفیت همسر خود آقای «میتسورو» تبعه کشور ژاپن و مجهول المکان بخواسته صدور حکم بر حضانت فرزند مشترک (به نام شیرین) تقدیم دادگاه نمود. خواهان در دادخواست تقدیمی اعلام کرد به موجب رونوشت شناسنامه و عقدنامه همسر شرعی و قانونی، خوانده به علت اختلافات و شقاق حاصله از یکدیگر مفارقت نموده و خوانده مجهول المکان می باشد، فرزند مشترک آنها متولد ژاپن است، ولی با مادر در ایران زندگی می نماید. دادگاه در بررسی پرونده چنین استدلال و رأی صادر نمود: با توجه به اینکه خوانده با وجود انتشار آگهی در جلسه دادرسی حاضر نشده و دفاعی ننموده است و از آنجائی که فرزند مشترک زوجین به سن بلوغ شرعی رسیده و حضانت مخصوص اطفال است، بنابراین دعوی حضانت منتفی بوده و قابلیت استماع را نداشته و حکم به بطلان دعوی صادر نمود» (پرونده کلاسه ۱۱۸۶/۸۲، شعبه ۲۵۰ دادگاه خانواده تهران).

۱-۱-۷) نقد رأی

در دادنامه صادره، حکم دادگاه بدون استناد به مواد قانونی صادر گردیده است. مشخص نیست قانون حاکم بر دعوی زوجه ایرانی به طرفیت زوج تبعه خارجی، کدام قانون می باشد. یعنی مشخص نیست محکمه از قانون دولت متبوع زوج تبعیت نموده یا قانون دولت متبوع زوجه را اعمال کرده است.

برابر ماده ۹۶۴ ق.م. «روابط بین ابوین و اولاد تابع قانون دولت متبوع پدر است ...». لذا تکلیف محکمه در خصوص پرونده مطروحه، تبعیت از قانون دولت متبوع پدر بوده است، چرا که حضانت و نگهداری طفل از مصادیق «روابط بین ابوین و اولاد» بوده و در صورت اختلاف در تابعیت پدر و مادر، این روابط تابع قانون دولت متبوع پدر خواهد بود.

چنانچه حضانت طفل از مصادیق ولایت قانونی باشد، در این صورت چون طفل متولد از پدر خارجی بوده و دلیلی بر تابعیت ایرانی طفل در دست نیست، باید او را تبعه خارجی دانست و معتقد به حاکمیت قانون خارجی دولت متبوع طفل و پدر بود.

در دادنامه صادره اشاره ای به مذهب زوجین نشده و معلوم نیست اختلاف در مذهب زوجین بوده یا نه و در صورت وحدت مذهب، تابع چه مذهبی هستند، لکن با توجه به اماره های موجود در دادنامه از قبیل «نام زوجه» و «بلوغ شرعی» می توان استنباط نمود زوجه مسلمان بوده و چون طبق

ماده ۱۰۵۹ ق.م. نکاح مسلم با غیر مسلم جائز نیست، زوج را نیز مسلمان دانست. لذا محکمه، قانون ایران را با توجه به اینکه هر دو مسلمان بوده‌اند بر دعوی مطروحه حاکم نموده و توجهی به قانون ژاپن که قاعدتاً طبق مواد ۹۶۴ یا ۹۹۵ ق.م. می‌باید بر دعوی، حاکم باشد، ننموده است. از ملاحظه مقررات مربوطه به حضانت در قانون مدنی ژاپن نیز می‌توان به این مسأله پی برد.

- به موجب بند ۱ ماده ۸۱۸ ق.م. ژاپن: «طفلی که هنوز به سن بلوغ نرسیده است، تابع اختیارات والدینی پدر و مادر خود است». یعنی پدر و مادر اختیار سرپرستی طفل، مادامی که به سن بلوغ نرسیده است را دارند. برابر بند ۳ همین ماده: «هنگامی که پدر و مادر دارای رابطه زوجیت هستند، آنها مشترکاً اختیارات والدینی را اعمال می‌کنند. به هر حال چنانچه هر یک از پدر و مادر قادر به اعمال اختیارات والدینی نباشد، یکی از آنان آن را اعمال می‌کنند.

در بند ۱ همین ماده که مربوط به طلاق زوجین است، آمده: «چنانچه مادر و پدر طلاق توافقی گرفته باشند آنها باید با موافقت فیما بین تعیین نمایند که یکی از آنها دارای اختیارات والدینی باشند». در بند ۲ ماده فوق به وضعیت عدم توافق زوجین در اعمال اختیارات والدینی اشاره نموده و مقرر داشته است: «در مورد صدور طلاق قانونی (نه توافقی)، دادگاه تعیین می‌کند، کدامیک از پدر و مادر دارای اختیارات والدینی باشند». بند ۵ همان ماده اشاره نموده: «چنانچه موافقت و توافق مندرج در بند ۳ و ۱ یا بند قبلی حاصل یا ممکن نشود، دادگاه حمایت خانواده به جای توافق، در مورد اجراء و کاربرد اختیارات توسط پدر و مادر حکم صادر خواهد کرد». نهایتاً در بند ۶ ماده ۸۱۹ ق.م. مقرر می‌نماید: «دادگاه خانواده، در صورتی که به صلاح و نفع طفل باشد، می‌تواند اختیارات والدینی را در مورد هریک از امور طفل از یکی از آنان به دیگری تفویض نماید».

ماده ۸۲۰ ق.م. ژاپن از جمله اختیارات والدینی نسبت به طفل را حضانت اطفال دانسته است. طبق این ماده: «شخصی که اختیار والدینی را اعمال می‌کند، حق و تکلیف فراهم سازی امر حضانت و تربیت طفل را هم برعهده دارد». مواد ۸۲۲ و ۸۲۱ ق.م. ژاپن نیز، به اختیارات والدینی نسبت به طفل و مواد ۸۳۴ و ۸۳۵ همان قانون به سلب اختیارات والدینی، اشاره نموده است.

- تنها دلیل عدم پیروی دادگاه ایران از قانون ژاپن، این است که دادگاه با توجه به این که زوجین را مسلمان می‌دانسته، اعمال مقررات قانون مدنی ژاپن در دعوی مطروحه را بر خلاف نظم عمومی کشور تلقی کرده و طبق ماده ۹۷۵ ق.م. از اعمال آن خودداری کرده است، زیرا به موجب این ماده محکمه نمی‌تواند قوانین جاری که مخالف با نظم عمومی محسوب می‌شوند را اجراء نماید، اگرچه اجراء قوانین مزبور اصولاً مجاز باشد. اعمال مقررات غیر شرعی نسبت به فرزند این پدر و مادر مسلمان، خلاف نظم عمومی تلقی می‌گردد. البته دادگاه باید مستندات خود را با استدلال لازم بیان

می نمود.

- زوجه با توجه به رد خواسته‌اش در مرحله بدوی به رای دادگاه اعتراض نمود اما شعبه ۲۴ دادگاه تجدیدنظر استان تهران تقاضای وی را نسبت به حضانت فرزند مشترک وارد ندانست و ضمن رد اعتراض به عمل آمده رأی بدوی را تأیید نمود». لذا دادگاه تجدیدنظر نیز به انطباق رأی با «مستندات شرعی» اعتماد کرده است.

- اگر دلایل فوق برای حاکمیت قانون ایران بر قضیه وجود نداشت، می‌بایست قانون ژاپن بر موضوع فوق حاکم می‌گردید. تولد طفل از مادر ایرانی هیچگونه تاثیری بر قضیه نداشته و طفل کماکان تبعه ژاپن محسوب می‌شد و از آنجایی که طفل نیز متولد کشور ژاپن می‌باشد، مشمول قانون تعیین تکلیف فرزندان ناشی از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی و امتیازات در نظر گرفته شده برای فرزندان ناشی از مادران ایرانی که با مردان خارجی ازدواج کرده‌اند را نداشت.

۲-۱-۷) پرونده شماره ۲

در پرونده کلاسه ۸۵-۲۵۳-۷۹ دادگاه خانواده تهران خانم «فرحناز» تبعه و مقیم ایران دادخواستی به طرفیت آقای «ولفگانگ» (ولی قهری دخترش) تبعه و مقیم آلمان به خواسته تنفیذ عقدنامه تنظیمی در آلمان که به تأیید سفارت جمهوری اسلامی ایران رسیده است تقدیم می‌نماید. وکیل خانم فرحناز در دادخواست تقدیمی اشاره نمود که موکله وی در سال ۱۹۶۴م. مطابق با ۱۳۴۴ ش با آقای «راینر» دارای تابعیت آلمان ازدواج دائم نموده است، حاصل این ازدواج یک فرزند دختر به نام آیدا می‌باشد، اما همسر موکله بر اثر حادثه رانندگی در سال ۲۰۰۲م. در شهر هامبورگ وفات می‌یابد و از آنجایی که ولادت طفل در شناسنامه ایرانی موکله ثبت نگردیده است و این امر در مشروعیت نسب طفل به وی موثر خواهد بود، دادخواستی به طرفیت ولی قهری طفل یعنی پدر همسر موکله‌اش، آقای «ولفگانگ» تقدیم نموده است. البته در پرونده یاد شده به تابعیت طفل اشاره‌ای نشده است. به نظر می‌رسد هدف خواهان از طرح دعوی ابتداءً اثبات رابطه زوجیت خود با آقای راینر و سپس اثبات رابطه مادری خود با طفل و نهایتاً امکان کسب حضانت طفل از محکمه ایرانی بوده است. دادگاه با بررسی محتویات پرونده چنین انشای رای نمود: «... با عنایت به مدارک ارائه شده از سوی وکیل خواهان و با توجه به اینکه آقای ولفگانگ ... بر طبق لایحه ش ۵۶۹-۸۵/۷/۱۱ خواسته خواهان را عیناً تأیید نموده است، دادگاه ضمن احراز رابطه زوجیت فی مابین خانم فرحناز... و آقای راینر ... حکم به تنفیذ عقدنامه ش ۱ مورخه ۱۹۶۴/۱/۱۷ صادر می‌نماید و در اجرای ماده ۳۲ قانون ثبت احوال، زوجه می‌تواند به یکی از دفاتر ثبت ازدواج مراجعه و مراتب را به ثبت برساند. حکم صادر به استناد تبصره یک ماده ۳۳۱ ق.ا.د.م حضوری و قطعی است» (پرونده کلاسه ۸۵-۲۵۳-۷۹، شعبه

۲۵۳ دادگاه خانواده تهران).

۱-۲-۷) نقد رأی

- در این پرونده دادگاه در قسمت صدور حکم به تنفیذ عقدنامه تنظیم شده در آلمان بدون استناد به مواد قانونی حاکم بر دعوی مطروحه از طرف محکمه، مبادرت به صدور رأی نمود، اگرچه اجرای رأی را مستند به ماده ۳۲ قانون ثبت احوال و حضوری و قطعی بودن آن را مستند به ماده ۳۳۱ ق.ا.د.م. نموده است. البته شاید قانون حاکم بر اصل دعوی متفاوت از قانون حاکم بر اجرای آن باشد. - از آنجا که پدر طفل تابعیت آلمان را دارد، دلیلی بر تابعیت ایرانی طفل در دست نیست و طفل قاعدتاً باید تبعه آلمان محسوب می‌شد، هر چند در ایران به دنیا آمده باشد.

- چون درخواست تنفیذ عقدنامه تنظیم شده در کشور آلمان بوده، لذا طبق ماده ۹۶۹ ق.م. باید قانون محل تنظیم سند باشد. طبق این ماده «اسناد از حیث طرز تنظیم تابع قانون محل تنظیم خود می‌باشند». اما دادگاه نه تنها به ماده فوق بلکه اصولاً رأی را در قسمت تنفیذ عقدنامه تنظیمی در کشور آلمان بدون مستند قانونی انشاء نموده است.

- در دادنامه اشاره‌ای به مذهب زوجین و اینکه مذهب آنان تأثیری بر تعیین قانون حاکم بر قضیه داشته یا خیر، نشده است؛ اما با فرض این که هر دو مسلمان باشند، صحت تنظیم عقدنامه باید طبق قانون آلمان سنجیده می‌شد و در صورت مطابقت با قانون آلمان، دادگاه می‌توانست حکم بر تنفیذ عقدنامه تنظیم شده در آن کشور را بدهد.

- از استناد رأی دادگاه به مواد قانون ثبت احوال و قانون آ.د.م. معلوم می‌شود محکمه به حاکمیت قانون ایران بر دعوی مطروحه معتقد بوده است.

- دادگاه در رأی خود رابطه زوجیت بین زوجین، خانم فرحناز ... و آقای راینر ... را احراز نموده است و بر اساس آن حکم به تنفیذ عقدنامه و ثبت در دفاتر را صادر کرده و چون خواننده یعنی جد پدری طفل، اظهارات خواهان مبنی بر اینکه آیدا طفل متولد شده از این رابطه زوجیت است را به موجب لایحه ش ۵۶۹- ۸۵/۷/۱۱ تأیید نموده، رابطه مادر و فرزند بین خواهان و طفل را احراز نمود.

- با توجه به پرونده، ولادت طفل در ایران محرز نیست؛ لذا مادر ایرانی سهمی در تعیین تابعیت طفل نداشته است و طفل تبعه آلمان محسوب می‌گردد. در این صورت بهره‌مندی طفل مذکور از حقوق مدنی و سایر حقوق در حد بهره‌مندی اتباع خارجه خواهد بود.

خلاءهای قانونی

اعطای تابعیت اصلی از نوع تابعیت ارضی حداقل برای فرزندان متولد شده در ایران، از مادر

ایرانی می‌تواند تا حدودی مشکلات مربوط به تابعیت این‌گونه فرزندان را برطرف سازد. اگر چه ماده ۹۷۶ ق.م. تابعیت اصلی را فقط از راه نسب پدری پذیرفته و نسب مادری را به هیچ وجه منظور نداشته است. این در حالی است که قانونگذار در بند ۴ ماده ۹۷۶ ق.م. نسب مادری برای طفل متولد شده از مادر خارجی که در ایران متولد شده را تحت شرایطی پذیرفته است. این اختلاف دیدگاه از ناحیه قانونگذار ایرانی، به این صورت که نسب مادری مادر خارجی را در تابعیت طفل متولد شده در ایران پذیرفته و نسب مادری مادر ایرانی را در تابعیت طفل متولد شده در ایران نپذیرفته است، قابل تأمل می‌باشد. مطابق بند ۴ ماده ۹۷۶ ق.م. کسانی که در ایران از پدر و مادر خارجی که یکی از آنها در ایران متولد شده، به وجود آمده باشند ایرانی محسوب می‌گردند. برابر این ماده دو شرط برای ایرانی بودن این‌گونه اطفال لازم است:

اول؛ طفل در ایران بدنیا آمده باشد؛ دوم پدر یا مادر خارجی باشد یا یکی از آنها در ایران بدنیا آمده باشد. در این حال طفل دارای تابعیت اصلی ایرانی می‌شود. این ماده راجع به اطفالی که از پدر خارجی و مادر ایرانی در ایران بدنیا آمده باشند، سخنی به میان نیاورده است، خواه این که پدر یا مادر در ایران یا در خارج متولد شده باشند. در حالی است که وضعیت این‌گونه افراد، با وضع ماده واحده قانون تعیین تکلیف تابعیت فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی روشن می‌باشد. به موجب این ماده، اطفال حاصل از این‌گونه ازدواج‌ها، تبعه خارج بوده و ایرانی نیستند، هر چند که این‌گونه افراد در ایران بدنیا آمده یا یکی از والدین آنها در ایران متولد شده باشند. یعنی در فرضی که شخصی در ایران از پدر خارجی و مادر ایرانی که یکی از آنها در ایران متولد شده باشند، به دنیا بیاید باز هم ایرانی نبوده و خارجی محسوب می‌گردد.

ممکن است این مسئله تلاش قانونگذار ایرانی برای جلوگیری از افزایش ازدواج زنان ایرانی با اتباع خارجی باشد، در حالی که آثار منفی این نادیده انگاری قانونی، بر وضعیت اطفال متولد شده از مادران ایرانی، در ایران، انعکاس خواهد یافت. قانونگذار با وضع ماده واحده مذکور، مشکل فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با اتباع خارجه که در ایران بدنیا آمده‌اند را مرتفع نکرده، در حالی که مناسب است این‌گونه فرزندان نیز تبعه ایران شناخته شوند، این نتیجه منطقی تبعیت از سیستم خاک و بکارگیری تابعیت ارضی در کشور است.

۳-۴. انتقال تابعیت از مادر به فرزند و مبانی حقوق بشری نظام حقوقی ایران

در سال‌های گذشته از طرف سازمان ملل و سازمان یونسکو و سازمان حقوق بشر تلاش‌های بسیاری در حمایت از کودکان به عمل آمده‌است و این سازمان‌ها سعی دارند که تعریف جهانی از کودک به عمل آورده و کلیه کودکان زیر ۱۸ سال را مورد حمایت سازمان‌های جهانی از کودکان قرار دهند

در این مبحث با تعریف کودک و اسناد حقوق بشر در حمایت از تابعیت کودکان آشنا خواهیم شد.

۳-۴-۱. تعریف کودکان

ماده ۱ کنوانسیون حقوق کودک مصوب ۱۹۸۹ در تعریف کودک مقرر می‌دارد: «کودک یعنی هر انسان زیر هجده سال، مگر اینکه بر طبق قانون مربوط به کودک، سن بلوغ کمتر باشد».

کنوانسیون در تعریف کودک، تنها معیار و ملاک تمایز وی از بزرگان را معیار سن قرار داده است و مقولات دیگر از قبیل رشد و عقل را مورد توجه قرار نداده است. اشاره تدوین کنندگان کنوانسیون به زیر هجده سال بودن، بیانگر این است که کودکی، طیف گسترده‌ی سنی از لحظه تولد تا رسیدن به این سن است و بدیهی است که در سنین مختلف این طیف نیازها، توانایی‌ها و قابلیت‌های فرد متفاوت است، حداقل سن برای کار، حداقل سن برای حق رای، حداقل سن مشارکت در مخاصمات مسلحانه و غیره.^۱

در حقیقت هجده سالگی مرز کودکی و بزرگسالی است. این سن، همان سن رشد و رسیدن به مرحله‌ای از زندگی است که فرد توانایی و درک لازم برای خروج از دوران کودکی، ورود به عرصه‌ی بزرگسالی و استقلال در اعمال حقوقی خود پیدا می‌کند. تدوین کنندگان کنوانسیون به این هم توجه کرده‌اند که معیار سن به تناسب موقعیت اجتماعی، فرهنگی، مذهبی و جغرافیایی کشورها متفاوت است. بنابراین از آنجا که هدف، پذیرش نهایی کنوانسیون است، دولتها^۲ را در زمینه‌ی تعیین سن بازگذارده و اجازه داده است که دولت‌ها سن کودک را بر اساس قوانین داخلی خود تعیین نمایند. لذا در ادامه ماده ۱ چنین مقرر می‌دارد: «مگر اینکه بر طبق قانون مربوط به کودک، سن بلوغ کمتر باشد»

۳-۴-۲. ایران و کنوانسیون حقوق کودک

ایران و کنوانسیون حقوق کودک از منظر قانون مدنی جمهوری اسلامی ایران، کودک یا صغیر به کسی گفته می‌شود که به رشد و نمو جسمی و روحی برای زندگی اجتماعی نرسیده است. ولی طبق همین قانون یعنی تبصره ۱ ماده ۱۲۱۰ سن بلوغ در پسر ۱۵ سال تمام قمری و در دختر ۹ سال تمام قمری است البته در ادارات و بانکها و حتی دادگاه‌ها سن ۱۸ سالگی را سن رشد محسوب می‌شود. قانون مدنی برای صغیر اقسامی قائل نشده است اما در قوانین کیفری و سوابق فقهی صغیر در رابطه با

۱- مصفا، نسرین، کنوانسیون حقوق کودک و بهره‌وری از آن در حقوق داخلی ایران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۲، ص ۱۲۰

۲- طبق تبصره ۱ ماده ۱۲۱۰ قانون مدنی جمهوری اسلامی ایران سن بلوغ در پسر پانزده سال تمام قمری و در دختر نه سال تمام قمری است.

دخالت در امور خود ام از مالی و غیر مالی به دو دسته تقسیم می‌شود:

دسته اول: صغیر غیر ممیز

صغیر غیر ممیز، فرد نابالغی است که اهلیت استفای هیچ حقی از حقوق خود را ندارد زیرا از هیچ جهت دارای قوه‌ی تمیز نیست و نمی‌تواند مفهوم حق را درک و شیوه‌ی اعمال آن را تشخیص دهد. قانون مدنی ایران از صغیر غیر ممیز تعریفی ارائه نکرده است و سن خاصی را در این خصوص در نظر نگرفته است بنابراین تشخیص امر در این خصوص به عهده‌ی قاضی دادگاه می‌باشد.^۱

دسته‌ی دوم: صغیر ممیز

صغیر ممیز، در مقابل صغیر غیر ممیز بوده و دارای قوه‌ی درک و تمیز نسبی است ولی به سن بلوغ نرسیده است.^۲ مسئولیت مدنی صغیر غیر ممیز باید اذعان نمود که با توجه به ماده ۱۲۱۶ قانون مدنی، چنانچه صغیر اعم از ممیز و غیرممیز، زبانی به دیگری وارد کند، مسؤول است. بنابراین زیان وارده از اموال او توسط ولی یا قیم او جبران خواهد شد. این در صورتی است که اولاً زیان دیده خود مالش را به تصرف صغیر غیرممیز نداده باشد، ثانیاً سرپرست قهری یا قراردادی او تقصیری در نگهداری و مواظبت از او مرتکب نشده باشد.

با توجه به این که صغیر غیر ممیز در حجر کامل می‌باشد، طبق ماده ۱۲۱۵ قانون مدنی، هرگاه کسی مالی را به تصرف صغیر غیر ممیز و یا مجنون بدهد، صغیر یا مجنون، مسؤول ناقص یا تلف شدن آن مال نخواهند بود. دلیل این عدم مسئولیت این است که کسی که مالی را به تصرف صغیر غیر ممیز یا مجنون می‌دهد، در واقع به ضرر خود اقدام کرده و سبب تلف یا ناقص شدن مالش شده است و چون در این جا^۳ سبب اقوی از مباشر می‌باشد، شخص مذکور مسؤول جبران خسارات وارده خواهد بود

ماده ۷ قانون مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹ در مورد مسئولیت مدنی صغیر و سرپرست او چنین مقرر داشته است: «کسی که نگهداری یا مواظبت مجنون یا صغیر، قانوناً یا بر حسب قرارداد، به عهده او باشد، در صورت تقصیر در نگهداری یا مواظبت، مسؤول جبران زیان وارده از ناحیه مجنون یا صغیر می‌باشد و در صورتی که استطاعت جبران تمام یا قسمتی از زیان وارده را نداشته باشد، از مال مجنون یا صغیر جبران خواهد شد و در هر صورت جبران زیان باید به نحوی صورت گیرد که موجب عسرت و تنگدستی جبران کننده زیان نباشد.» این ماده در راه حمایت از زیان دیده، نوعی

۱- باریک لو، علیرضا، حقوق مدنی ۱، اشخاص و حمایت های آنان، ص ۱۶۸

۲- صفایی، سید حسین و قاسم زاده، سید مرتضی، حقوق مدنی اشخاص و محجورین، ص ۲۰۴

۳- همان، ص ۲۳۶

فصل سوم: تابعیت در قوانین داخلی، معاهدات و کنوانسیون‌های بین‌المللی ۹۳

مسئولیت تضامنی پیش‌بینی کرده و جبران زیان وارده به وسیله صغیر یا مجنون را در درجه اول به عهده سرپرست محجور به شرط تقصیر در نگهداری یا مواظبت، و در صورت عدم استطاعت به عهده خود محجور گذارده است.^۱ این ماده منافاتی با مفاد ماده ۱۲۱۶ ق.م. ندارد. همان‌طور که اشاره شد زیان‌دیده می‌تواند از هر دو ضامن برای جبران خسارت خود استفاده کند.^۲

مسئولیت جزایی صغار

ماده ۴۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰، در مورد مسئولیت کیفری صغار چنین اشعار می‌دارد: «اطفال در صورت ارتکاب جرم مبری از مسئولیت کیفری هستند و تربیت آنان با نظر دادگاه به عهده سرپرست اطفال و عندالاجتضاء قانون اصلاح و تربیت اطفال می‌باشد.» در تبصره همین ماده منظور از طفل کسی عنوان شده است که به حد بلوغ شرعی نرسیده باشد.^۳

پیرامون مسئولیت پرداخت دیه ناشی از قتل و یا ضرب و جرح توسط صغار، ماده ۵۰ قانون مجازات اسلامی، عاقله را ضامن دانسته است: «... چنان‌چه غیربالغ مرتکب قتل و ضرب و جرح شود، عاقله ضامن است، لکن در مورد اتلاف مال شخص، خود طفل ضامن بوده اداء آن از مال طفل به عهده ولی او می‌باشد.»

لذا با بررسی مفاد کنوانسیون و تطبیق آن با مقررات جمهوری اسلامی ایران که در صدر بیان شد، این نتایج زیر حاصل می‌شود.

اولاً) کنوانسیون کودک را فرد زیر هجده سال می‌داند ولی قانون مدنی سن بلوغ را در پسر ۱۵ سال تمام و در دختر ۹ سال می‌داند ولی شایان ذکر است که سن رشد در ایران ۱۸ سال است.

ثانیاً) در کنوانسیون کودک اعم از دختر و پسر بدون تفکیک جنسیتی است. ولی در قانون ایران بین سن دختر و پسر تفاوت ۶ ساله وجود دارد

ثالثاً) اصل بر اختیار دولت‌ها در تعیین سن بلوغ است. مگر در مواردی که مصلحت کودک در حفظ بالاترین منفعت وی ایجاب نماید، که در این صورت سن مورد نظر کنوانسیون اعمال می‌شود. با توجه به این‌که ایران به این کنوانسیون پیوسته است لذا می‌تواند قوانین خود را در خصوص سن کودک با کنوانسیون منطبق نماید.

رابعاً) در کنوانسیون استثنائاتی که ممکن است وجود داشته باشد مطرح نشده و مورد حکم نبوده اند مانند کودک مجنون یا افرادی که در سنین پایین‌تر از هیجده سالگی به مرحله بزرگسالی

۱- همان، ص ۲۳۸.

۲- کاتوزیان، ناصر، *قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی*، ص ۷۳۰.

۳- ارشدی، علی یار، *شرح حقوق مدنی ایران، حقوق اشخاص*، ص ۲۴۶.

می‌رسند.^۱

البته در ایران اگر رشد فردی بعد از بلوغ و قبل از ۱۸ سالگی توسط دادگاه اثبات شود رشد محسوب می‌شود.

در قانون مدنی ایران کودک از حقوق اولیه بهره‌مند است البته فقط زمانی می‌تواند آن را اجرا کند که اهلیت قانونی برای اجرای آن داشته باشد. ماده ۹۵۶ قانون مدنی ایران مقرر می‌دارد: در اهلیت برای دارا بودن حقوق بازنده متولد شدن انسان شروع و با مرگ او تمام می‌شود. بدین مفهوم کودک قبل از اینکه متولد شود، یعنی در حالیکه جنین است هم دارای حیات است و بدین جهت شایسته است که مورد حمایت مقنن قرار گیرد تاحقی از کودکی که در آینده متولد خواهد شد تضییع نگردد.

۳-۴-۳. اسناد حقوق بشر و تابعیت کودکان

از اولین اعلامیه‌های جهانی حقوق بشر که امضا شد به ویژه با تشکیل ملل متحد و سازمان ملل متحد حمایت از حقوق زنان و کودکان مورد توجه قرار گرفت. اعلامیه‌ها و معاهدات حقوق بشری زیادی در عرصه‌ی بین‌المللی وجود دارد که هدف آن‌ها رسیدن به حقوق متساوی میان انسان‌هاست.

حقوق بشر اساسی‌ترین و ابتدایی‌ترین حقوقی است که هر فرد بطور ذاتی و فطری و به صرف انسان بودن از آن بهره‌مند می‌شود. از این و به تمامی افراد در هر جایی از جهان که زندگی می‌کنند تعلق دارد و هیچ کس را نمی‌توان از حقوق بشر محروم کرد، ضمن اینکه همه‌ی افراد فارغ از عواملی چون نژاد، ملیت، جنسیت، مذهب و سایر موارد در برخورداری از این حقوق باهم برابرند.

ماده ۱۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر بیان گر حق تابعیت است. این ماده، تابعیت را به عنوان یک حق بشری در نظر گرفته است؛ بشر حق دارا شدن آن را دارد و نمی‌توان احدی را از این حق به نحو خود سرانه محروم کرد و تابعیت کودکان نیز زیر مجموعه همین حق می‌باشد.^۲

۳-۴-۳. ۱. کنوانسیون جهانی حمایت از کودکان و زنان

همان طور که بیان نمودیم بعد از تشکیل سازمان ملل فعالین حقوق بشر بر اساس اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر اقدام به تدوین منشور و میثاق‌های از حمایت کودکان و زنان نمودند. که می‌توان به میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و کنوانسیون حقوق کودک و کنوانسیون منع تبعیض علیه زنان نام برد حال به ترتیب راجع به تمامی این‌ها بحث خواهیم کرد.

۱- مصفا، نسرین، *کنوانسیون حقوق کودک و بهره‌وری از آن در حقوق داخلی ایران*، ص ۱۲۱

۲- فرخی، رحمت الله، *مقاله حق بر تابعیت در پرتو ماهیت حقوق بشر و اسناد بین‌المللی*، نخستین کنگره بین‌المللی حقوق

ایران، ۱۳۹۴، ص ۱۲

۳-۴-۱-۱-۳-۱. کنوانسیون حقوق کودک

مجمع عمومی سازمان ملل متحد، در اجلاس بیستم نوامبر ۱۹۵۹ میلادی طی قطعنامه‌ی شماره ۱۳۸۶ (xiv) اعلامیه‌ی جهانی حقوق کودک را در یک مقدمه و ده ماده به تصویب رسانید.^۱ در سال ۱۹۸۵ یعنی سی سال پس از تصویب اعلامیه جهانی حقوق کودک مجمع تشکیل شد و اعلامیه جهانی حقوق کودک را تکمیل و یا در نظر گرفتن حقوق و امتیازات بیشتر برای کودکان کنوانسیون حقوق کودک را تصویب کرد.

در مقدمه اعلامیه جهانی حقوق کودک چنین آمده بود:

«این اعلامیه حقوق کودک را با این هدف که ایام کودک توام با خوشبختی بوده و کودک از حقوق و آزادی‌های که در پی خواهد داشت، به خاطر خود و جامعه‌اش بهرمنند شود رسماً به آگاهی عموم می‌رساند.»

کنوانسیون حقوق کودک یک کنوانسیون بین‌المللی است که حقوق مدنی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کودک را بیان می‌کند. تاکنون ۱۹۳ کشور یعنی تمام اعظا ملل متحد به جزایالات متحده آمریکا و کشور آفریقایی سومالی این سند را امضا کرده‌اند و دولت‌هایی که این معاهده را تصویب کرده‌اند موظف به اجرای آن هستند و باید گزارش اقداماتی را در جهت اجرای کنوانسیون به عمل آورده‌اند به کمیته‌ی حقوق کودک ملل متحد تسلیم کنند.^۲

اما آمریکا بزرگترین کشوری که داعیه حقوق بشر می‌باشد هنوز به این کنوانسیون نپیوسته است.

در صورتی که کشور جمهوری اسلامی ایران این کنوانسیون را امضا کرده است.

اکنون به تحلیل و بررسی مفاد چهار اصل بنیادین این کنوانسیون می‌پردازیم.

این کنوانسیون شامل ۵۴ ماده و ۲ پروتکتل اختیاری است که چهار اصل بنیادین به شرح زیر است.

- ۱- هیچ کودکی نباید از تبعیض رنج ببرد.
- ۲- زمانی که در مورد کودکان تصمیم‌گیری می‌شود باید منافع عالیه‌ی آنان راس قرار گیرد.
- ۳- کودکان حق حیات دارند و باید رشد کنند.
- ۴- کودکان حق دارند آزادانه عقاید و نظرات خود را ابراز کنند و این نظرات در تمامی اموری که به آن‌ها مربوط می‌شود باید مورد توجه قرار گیرد.^۳

1 - <http://www.unic-ir.org/hr/convention-child.htm>

۲- علی محمد چارلی، نورارش، بررسی وضعیت فرزندان متولد از مادر ایرانی و پدر خارجی و انطباق مقررات مربوط به

اسناد حقوق بشر، دانشگاه تهران پایان‌نامه اخذ کارشناسی ارشد سال ۱۳۹۰، ص ۶۷

۳- پایگاه اینترنتی دفتر یونسف در ایران، قابل دسترس در:

کودک بر اساس ماده ۱ این کنوانسیون به هر انسان کمتر از ۱۸ سال گفته می‌شود مگر آنکه قانون اعمال در مورد حقوق کودک سن کمتری را تعیین کرده باشد.^۱

در کنوانسیون حقوق کودک هم مثل اعلامیه‌ی جهانی کودک معیار سن می‌باشد و سن ۱۸ سالگی را به عنوان پایان یافتن دوره‌ی کودکی و آغاز دوره بزرگسالی در نظر گرفته شده است. که این معیار پایان کودکی است.

حال مفاد کنوانسیون را بررسی می‌کنیم.

دولت جمهوری اسلامی ایران در پایان سال ۱۳۷۲ به موجب ماده واحده‌ای که توسط مجلس شورای اسلامی جمهوری ایران به تصویب رسید به کنوانسیون حقوق کودک پیوست. البته الحاق به این کنوانسیون به شکل مشروط می‌باشد با این شرط که اگر مفاد کنوانسیون در هر مورد که در تعارض با قوانین داخلی و موازین اسلام باشد و با این قوانین در تعارض قرار گیرد از طرف دولت جمهوری اسلامی ایران لازم الرعایه نمی‌باشد، بنابراین دولت ایران در مورد الحاق به کنوانسیون حقوق کودک از حق شرط کرده است.^۲

در ماده ۷ کنوانسیون حقوق کودک، ثبت تولد، داشتن نام، کسب تابعیت و در صورت امکان مشخص شدن والدین و تحت سرپرستی قرار گرفتن کودکان توسط والدین و قیم منتخب یا قانونی از حقوق کودک شناخته شده است و طبق بند ۲ همین ماده ۲، لازم الاجرا بودن مواد مذکور، به ویژه درباره کودکان در معرض آوارگی توسط کشورهای قطعی است، بدین تریب بند ۲ ماده ۷ اشاره می‌دارد: «کشورهای طرف کنوانسیون این حقوق را مطابق با قوانین ملی و تعهدات خود طبق اسناد بین‌المللی مربوط در این زمینه خصوصاً در مواردی که کودک در صورت عدم اجرای آن‌ها آواره محسوب گردد، لازم الاجرا تلقی خواهند کرد».

البته باید ذکر کرد که ماده ۷ به کسب تابعیت توسط کودک اشاره کرده است. اما در این جا سوالی که مطرح می‌شود این است که مثلاً یک کودک ۱۰ ساله چگونه می‌تواند بطور مستقل و بدون والدین یا قیم در خواست تابعیت کشوری را بکند. و آیا استقلال کودک در کسب تابعیت جهت حمایت از کودک می‌باشد؟ کودکی که به سن ۱۸ سالگی نرسیده است. چگونه می‌تواند در مورد این مسئله پر اهمیت و سرنوشت ساز مستقلاً تصمیم بگیرد و اقدام نماید؟

چنین استقلالی اصلاً به نفع کودکان نه تنها نیست بلکه با مصالح و منافع کودکان نیز به شدت مغایرت فاحشی دارد. این استقلال با قوانین داخلی و نظم عمومی جمهوری اسلامی ایران در تضاد

۱- کنوانسیون حقوق کودک قابل دسترسی در:

Tafatton.ir/plugins/content/conteny326.php.

۲- مجموعه قوانین سال ۱۳۷۲، چاپ روزنامه رسمی کشور، ص ۸۴۷

فصل سوم: تابعیت در قوانین داخلی، معاهدات و کنوانسیون‌های بین‌المللی ۹۷/

روشنی قرار دارد. چرا که طبق موازین داخلی جمهوری اسلامی ایران استقلال در کسب تابعیت را در سن بعد از ۱۸ سالگی موکول می‌کند. حتی ایران در اعطای تابعیت به بیگانگان نیز هم شرط سن ۱۸ سالگی را مدنظر قرار داده است.

ماده ۹۷۷ مدنی در این مورد اشعار میدارد. «الف- هرگاه اشخاص مذکور در بند ۴ ماده ۹۷۶ پس از رسیدن به سن ۱۸ سال تمام بخواهند تابعیت پدر خود را قبول کنند باید ظرف یک سال درخواست کتبی به ضمیمه تصدیق دولت متبوع پدرشان دایر به اینکه آن‌ها را تبعه خود خواهد شناخت به وزارت امور خارجه تسلیم نمایند. ب- هرگاه اشخاص مذکور در بند ۵ ماده ۹۷۶ پس از رسیدن به سن ۱۸ سال تمام بخواهند به تابعیت پدر خود باقی بمانند باید ظرف یک سال درخواست مبتنی به ضمیمه تصدیق دولت متبوع پدرشان دایر به اینکه آن‌ها را تبعه‌ی خود خواهد شناخت به وزارت امور خارجه تسلیم نمایند»^۱.

شایان ذکر است که بند ۴ ماده ۹۷۶ اشاره به اطفال بیگانه‌ای دارند که متولد ایران هستند به شرطی که یکی از والدین آن‌ها هم متولد ایران باشند و بند ۵ ماده ۹۷۶ هم به اطفالی اشاره دارد که در ایران از پدر خارجی بدنیا آمده‌اند، دارد. اما این موضوع را باید در نظر گرفت که رعایت و احترام به حقوق کودکان وظیفه و مسئولیتی بسیار مهم است که بر عهده دولت و نهادهای قانونگذاری و اجرایی کشورها نهاده شده است. به طوری که ۱۳ ماده از ۵۴ ماده کنوانسیون حقوق کودک به صورت مستقیم به وظایف و مسئولیت‌های دولت‌ها در قبال کودکان پرداخته است و می‌توان گفت کودکان برای اینکه توانایی برای محافظت و مراقبت از خود را ندارند باید گفت که بیش از پیش باید تحت حمایت و پوشش دولت قرار گرفت خصوصاً کودکانی که از مادر ایرانی الاصل و در خاک ایران از پدر خارجی متولد گشته‌اند زیازمند داشتن هویت که یکی از ارکان آن تابعیت می‌باشد را دارا هستند.

۳-۴-۳-۲. میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی

میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی یکی از اسناد بسیار مهم می‌باشد که توسط سازمان متحد و اعضای آن امضا شده است. این میثاق هم مثل کنوانسیون جهانی کودک بر مبنا و اساس اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر و برای حمایت از حقوق سیاسی و مدنی ملت‌ها توسط مجمع عمومی سازمان ملل به تصویب رسیده است. این میثاق در ۱۶ دسامبر سال ۱۹۶۶ میلادی به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل رسید و در ۲۳ مارس ۱۹۷۶ برابر با ۳ فروردین ۱۳۵۵ شمسی لازم الاجرا شد.

در تاریخ ۱۳۴۷/۱/۱۵ جمهوری اسلامی ایران به این میثاق محلق شده است. این میثاق مواد بسیار مهمی در حمایت از حقوق سیاسی و مدنی افراد دارد. به دلیل اینکه موضوع بحث مورد نظر ما

۱- اصلاحی مصوب ۱۳۴۸/۱۱/۲۷

حمایت از حق تابعیت کودکان است به بررسی چند بند مهم آن می‌پردازیم. براساس حقوق مدنی و سیاسی، هر کودک حق تحصیل تابعیت را دارد. البته این موضوع در کنوانسیون حقوق کودک هم در ماده ۷ مورد تایید قرار گرفته است. در ماده ۲۴ بند ۳ هم به این موضوع به صراحت اشاره شده است «هر کودکی حق تحصیل تابعیتی را دارد». در ماده ۲۶ همین قانون هم برابری اشخاص در برابر قانون مساوی و یکسان است و بدون هیچگونه تبعیضی استحقاق حمایت بالسویه قانون را دارند»

کشور جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۴۷ به این میثاق پیوسته است. و یکی از مواد این میثاق صراحتاً به عدم بی‌تابعیتی اطفال اشاره دارد یک سوال بسیار مهم در اینجا مطرح می‌شود که چطور ممکن است که نزدیک به یک میلیون کودک بی‌تابعیت در ایران زندگی می‌کنند و از داشتن ابتدایی‌ترین حقوق مدنی مثل به ثبت رسیدن تولد، داشتن شناسنامه، حق تحصیل محروم هستند با این توجه به لایحه‌ی ماده واحده اعطای تابعیت مادر به فرزندان مادران ایرانی که با اتباع بیگانه ازدواج کرده چندین بار به مجلس رفته ولی به شکست منجر شده است. آیا این وظیفه قانونگذار ایران نیست که ضمن اندیشیدن تدابیری در رویه‌ی قانونگذاری داخلی، به این مهم نیز دست یابد که هیچ کودکی در حکومت جمهوری اسلامی ایران مورد تبعیض قرار نگیرد. این کودکان هم حق دارند که به محض تولد تاریخ تولدشان در شناسنامه‌شان ثبت شود و حق تحصیل داشته باشند و از حق داشتن تابعیت برخوردار باشند. در خصوص ثبت ولایت کودکان و علی‌الخصوص کودکان متولد مادر ایرانی و پدر خارجی نیز تذکر داد که چون ولادت از احوال شخصیه است و مطابق ماده ۷ قانون مدنی احوال شخصیه بیگانگان تابع دولت متبوع آنان می‌باشد در چنین مورد به دلیل اینکه بین ابویین و اولاد تابع قانون دولت متبوع پدر می‌باشد.

۳-۴-۳-۱. کنوانسیون رفع هر گونه تبعیض علیه زنان در تابعیت

گروهی از فعالان حقوق مدنی به ویژه فعالان حقوق زنان در سطح جهانی توانستند کنوانسیون جهانی مبارزه برای رفع هرگونه تبعیض علیه زنان را در ۱۸ دسامبر ۱۹۷۹ میلادی به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل متحد برسانند و این کنوانسیون در تاریخ ۳ سپتامبر ۱۹۸۱ میلادی (۳۰ روز پس از تودیع بستمین سند تصویب یا الحاق) به اجرا درآمد.^۱

کنوانسیون رفع تبعیض تابعیت را یکی از حقوق زنان دانسته و به دولت‌های عضو توصیه می‌کند که در این مورد به زنان حقوق مساوی با مردان عطا کنند. ماده ۹ کنوانسیون که دارای دو بند می‌باشد به بیان این حق اختصاص دارد و به مطالبی چون: کسب تابعیت، حفظ تابعیت، عدم تاثیر ازدواج بر

۱- مجله مبلغان، خرداد ۱۳۸۱، شماره ۲۹، نقدی بر کنوانسیون منع تبعیض علیه زنان

تابعیت (اعم از بی‌تابعیت شدن زن یا تحمیل تابعیت شوهر بر آن) و تابعیت فرزندان اشاره دارد.

۱- کسب تابعیت:

همان‌طور که در فصل اول اشاره شد تحصیل تابعیت به دو گونه اصلی (ذاتی) و اکتسابی تقسیم می‌شود که در در مورد کسب تابعیت اکتسابی بنا بر بند ۱ کنوانسیون خواهان این است که که دولت‌های عضو در مورد کسب تابعیت زنان همان حقی را قائل شوند که برای مردان قائلند. (تساوی حقوق)

۲- تغییر یا حفظ تابعیت

اصولاً قوانین کشورها به اشخاص حق تغییر تابعیت را می‌دهند که این تغییر به روش‌های مختلف صورت می‌گیرد، کنوانسیون رفع تبعیض در این مورد هم از دولت‌ها می‌خواهد که زنان از حق تغییر یا حفظ تابعیت همچون مردان برخوردار باشند (بند ۱ ماده ۹).

۳- تاثیر ازدواج بر تابعیت

همان‌طور که در فصل اول به تابعیت در کشورهای مختلف اشاره شد که مقررات کشورها در خصوص تاثیر ازدواج بر تابعیت به ۳ گونه است: ۳۴ کشور قائل به تحمیل تابعیت می‌باشند که ۳۳ کشور می‌گویند زن تبعه کشور متبوع شوهر می‌شود اما ایرلند جنوبی قائل است مرد تبعه کشور متبوع زن خواهد شد. ۱۰۰ کشور قائل‌اند ازدواج باعث تغییر تابعیت می‌شود یعنی مرد یا زن می‌توانند درخواست تابعیت کشور متبوع زن یا شوهر بنمایند و چند کشور هم می‌گویند ازدواج تاثیر بر تابعیت ندارد که به طور مفصل بحث شد حال کنوانسیون رفع تبعیض خواستار این است که ازدواج با فرد خارجی یا اصولاً تغییر تابعیت هیچگونه تاثیری بر تابعیت زن نداشته لذا از دولت‌ها می‌خواهد که تضمین کند ازدواج با فرد خارجی یا تغییر تابعیت شوهر در طی دوران ازدواج خودبه خود باعث تغییر تابعیت زن، بی‌وطن شدن یا تحمیل تابعیت شوهر به وی نگردد. (ذیل بند ۱ ماده)

۴- تابعیت فرزندان

بر اساس مقررات برخی از کشورها فرزندان تبعه کشوری خواهند بود که پدر تبعه آن کشور است.^۱ لذا به نظر کنوانسیون این نوع تبعیض در حق زنان محسوب می‌شود. در نتیجه خواستار این است که دولت‌های عضو به زنان حقوق مساوی با مردان در مورد تابعیت فرزندان‌شان اعطاء کنند. (بند ۲ ماده ۹)

۱- به عنوان مثال بر اساس بند ۲ ماده ۹۷۶ قانون مدنی ایران کسانی که پدر آن‌ها ایرانی است (اعم از اینکه در ایران یا در خارج متولد شده باشند) ایرانی محسوب می‌شوند بر اساس ماده ۹۸۴ همان قانون اولاد صغیر کسانی که تحصیل تابعیت ایرانی می‌نمایند تبعه ایران شناخته می‌شود.

اکثرا کشورهای جهان این کنوانسیون را امضا کرده‌اند که تعداد امضا کنندگان آن به ۱۸۴ کشور رسیده است. و در بسیاری از این کشورها به هیچ عنوان حقوق زنان رعایت نمی‌شود ولی آن‌ها با امضای این کنوانسیون جلوی بهونه جویی‌های سازمان حقوق بشری را گرفته‌اند. اما جمهوری اسلامی ایران به دلیل وجود موانع شرعی و قانونی هنوز به کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض علیه زنان ملحق نشده است. مهمترین موارد تعارض کنوانسیون با قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران را می‌توان در این موارد خلاصه نمود:

۱- تعارض و اختلاف در تفسیر مفاهیم اساسی چون تبعیض، رفع تبعیض، برابری حقوق زن و مرد و جایگاه و نقش زن .

۲- تعارض کنوانسیون با قانون اساسی در زمینه‌های فرصت‌های شغلی و مشارکت‌های سیاسی و اجتماعی زنان که عبارت اند از:

الف) ممنوعیت تصدی مسئولیت رهبری جامعه‌ی اسلامی توسط زنان.

ب) ممنوعیت تصدی پست ریاست جمهوری برای زنان.

ج) ممنوعیت اشغال زنان به قضاوت .

د) تعارض کنوانسیون با بند ۵ از اصل ۲۱ قانون اساسی.^۱

ماده ۹ کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض علیه زنان پرداخته است و گوید: «دولت‌های عضو باید به زنان حقوق مساوی در زمینه‌ی تابعیت اعطا نمایند و نیز ازدواج با یک مرد خارجی در طی دوران ازدواج در تابعیت زن تاثیر نداشته باشد.»

و بند ۲ این ماده نیز اشاره دارد که «در دول عضو به زنان و مردان در مورد تابعیت فرزندان‌شان حقوق مساوی اعطا خواند کرد».

لذا با توجه به ماده ۹ این کنوانسیون به نظر می‌رسد که مواد ۹۸۴ و ۹۷۶ و ۹۸۷ قانون مدنی و تبصره ۱ و ۲ ماده‌ی ۹۸۷ قانون مدنی در زمینه‌ی تابعیت و اختیار در تعیین تابعیت و عدم تبعیت از تابعیت همسر در مغایرت با ماده ۹ کنوانسیون است. این کنوانسیون که یکی از کنوانسیون مهم حمایت از کودکان و زنان است و به اهمیت تساوی زن و مرد و علی‌الخصوص در رابطه با کودکان و تاثیر تابعیت والدین در تابعیت فرزندان‌شان شده است و زنان را در مورد کسب تابعیت در ردیف مردان قرار داده است و می‌توان گفت که در زمینه اعطای تابعیت مادری این کنوانسیون می‌تواند الگویی برای کشورها باشد.

۲- حسینی، احمدرضا، *چالش‌های کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض علیه زنان با قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران*، مجله

رواق اندیشه، شماره ۴، ۱۳۸۷، ص ۲۶

۳-۴-۴. زن و حق تابعیت

همان طور که بیان شد یکی از عوامل تغییر تابعیت ازدواج است. یعنی ازدواج ممکن است باعث تغییر تابعیت زن یا شوهر شود که به همین طریق تاثیر مستقیم بر فرزندان حاصله از این ازدواج خواهد داشت.

کشورها را بر دسته تقسیم می‌شوند:

- ۱- کشورهای که قائل به تحمیل تابعیت می‌باشند (زن تبعه کشور متبوع شوهر شود یا بالعکس)
- ۲- کشورهای که می‌گویند که مخیر هستند هر کدام از زوجه که تابعیت کشور متبوع زن یا شوهر را تحصیل نمایند.

۳- ازدواج هیچ اثری بر تابعیت ندارد.

ایران از جمله کشورهایی است که قوانین آن تابعیت شوهر را بر زن تحمیل می‌کند برای تاثیر ازدواج بر قوانین ایران به دو صورت را می‌توان مطرح کرد:

۱- ازدواج مرد ایرانی با زن خارجی

برای این صورت چند فرض وجود دارد:

الف) احتمال تابعیت مضاعف زن بند ۶ از ماده ۹۷۶ هر زن خارجی که شوهر ایرانی اختیار کند را تبعه ایران می‌داند. علاوه بر آنکه احتمال دار به تابعیت سابق خود باقی مانده باشد (تابعیت مضاعف)

ب) بقاء زن بر تابعیت ایرانی حتی پس از طلاق یا فوت شوهر (ماده ۹۸۶ قانون مدنی)

ج) بقاء زن بر تابعیت ایرانی حتی پس از خروج شوهر از تابعیت ایران (ماده ۹۸۸ قانون مدنی)

۲- ازدواج زن ایرانی با مرد خارجی

این سه فرض دارد:

الف) ازدواج با مرد خارجی که قانون ملی مرد تحمیل تابعیت نمی‌کند.

ب) ازدواج با مرد خارجی که قانون ملی مرد تحمیل تابعیت می‌کند.

ج) ازدواج با مرد خارجی که قانون ملی مرد در خصوص تابعیت زن را مخیر دانسته است.^۱

در مورد هر سه فرض ذکر شده ماده ۹۷۸ قانون مدنی اشعار می‌دارد: «زن ایرانی که با تبعه خارج مزاجت می‌نماید به تابعیت ایرانی خود باقی می‌ماند مگر اینکه طبق قانون مملکت زوج، تابعیت شوهر بواسطه وقوع عقد ازدواج به زوجه تحمیل می‌شود ولی در هر صورت تبصره ۱- هرگاه قانون تابعیت مملکت زوج، زن را بین حفظ تابعیت اصلی و تابعیت زوج مخیر بگذارد، در این مورد زن

۱- چگینی علی‌آبادی، ایران، بررسی تطبیقی کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان با قوانین داخلی و فقه اسلامی، دانشگاه آزاد

اسلامی تهران شمال، پاییز ۱۳۸۳

ایرانی اگر بخواهد تابعیت مملکت زوج را دارا شود و علل موجهی برای تقاضای خود در دست داشته باشد به شرط تقدیم تقاضای کتبی به وزارت امور خارجه ممکن است باتقاضای او موافقت گردد.

منافات تحمیل تابعیت شوهر با استقلال زن

باتوجه به مطالبی که بیان شد این سوال مطرح می‌گردد که براساس قوانین جمهوری اسلامی ایران ازدواج باعث تحمیل تابعیت به شوهر می‌گردد لذا استقلال زن در این جهت از بین می‌رود و نوعی نابرابری حقوقی مشاهده می‌گردد. اساس این تبعیض در حق کدام است؟ در پاسخ به این سوال جواب‌های مختلفی مطرح گردیده‌است از جمله:

۱- علمای حقوق بین الملل در قرن نوزدهم معتقد بودند که در تعارض قوانین مربوط به ازدواج قانون ملی زن و شوهر باید اعمال شود، یعنی آثار ازدواج طبق قانون مملکت متبوعه زن و شوهر حکومت کند، سپس ناگزیر بایستی وحدت تابعیت در کانون خانواده حکمفرما باشد از طرفی هم مشکل به نظر می‌رسد که مرد را تابع قانون متبوعه زن بدانیم. لذا زن تابعیت شوهر را می‌پذیرد.^۱

۲- موضوع تابعیت یک رابطه ذاتا سیاسی است و نبایستی آن را با موضوع آثار مدنی ازدواج مخلوط کرد ولو اینکه از نظر حقوق خصوصی تساوی زن و مرد لازم است، انعکاس مساله روی تابعیت مورد ندارد. وحدت تابعیت در کانون خانوادگی از یک تفکر قانونی سرچشمه می‌گیرد به اراده طرفین قانون‌گذار که وحدت تابعیت را در درون خانواده تهسیل یا تحمیل کند، وظیفه خود را تحکیم اساسی اجتماعی است انجام می‌دهد و به هیچ وجه نظر تحقیری به هیچ یک از همسران ندارد.^۲

گرچه این که تابعیت را صرفا یک رابطه سیاسی بدانیم مورد قبول نیست ولی جواب مذکور تا اندازه‌ای قابل قبول است.

۳- شکی نیست که نهاد خانواده باید مستحکم ترین نهادهای جامعه باشد و تمام قوانین باید در جهت استحکام این نهاد وضع شوند لذا امروزه اکثر قوانین پذیرفته‌اند که به خاطر حفظ وحدت خانواده، زن و شوهر دارای یک تابعیت باشند.^۳

البته با توجه به اینکه مساله تابعیت یک امر قرار دادی است و سابقه‌ی شرعی ندارد می‌توان قوانین را به گونه‌ای تنظیم کرد که هیچ‌گونه شائبه تبعیض در آن نرود. و به گونه‌ای قوانین در

۱- محمد، نصیری، حقوق بین الملل خصوصی، ج ۲، ص ۵۱

۲- به نقل از:

y.p niboyct: Intrnational Int. Prive Francats T.I.P.3

۳- بهشید، ارفع نیا، حقوق بین الملل خصوصی، ج ۱، ص ۹۳

خصوص تابعیت را اصلاح کرد که در هیچ مورد تابعیت شوهر بر زن تحمیل نگردد و نه تنها فرزندان مردان ایرانی تابعیت ایرانی داشته باشند بلکه فرزندان مادران ایرانی نیز بتوانند تابعیت ایرانی کسب نمایند.

۳-۵. بایسته‌های تقنین در زمینه انتقال تابعیت از مادر به فرزند

همان طور که در فصل‌های قبلی اشاره کردیم و مورد بحث واقع شد اعطای تابعیت مادر به فرزند متولد از پدران خارجی چند سالی است که دغدغه خاطر حقوق‌دانان و کارکنان وزارت خارجه و نمایندگان مجلس بوده است و حتی طرح تعیین تکلیف چنین اطفالی در سال ۱۳۸۵ در مجلس تصویب شده و شواری نگهبان هم مورد تایید و قبول قرار داده است ولی متأسفانه بعد از چند سال اجرای این ماده واحده نقایص آن آشکار شد که موجب شد در سال ۱۳۹۰ مجدداً طرح اصلاح این ماده واحد در مجلس مطرح شود و در سال ۱۳۹۱ به تصویب برسد ولی با ایراد مغایرات آن با قانون اساسی در شواری نگهبان مواجه شد و متأسفانه از همان موقع نزدیک به چند سال است که این طرح در مجلس مسکوت مانده است و روز به روز مشکلات فرزندان متولد ایران از مادر ایرانی و پدر خارجی افزوده می‌شود چرا که این مادران ایرانی معمولاً از خانواده‌هایی هستند که نه سواد کافی و نه اطلاع کافی از قوانین حاکم بر مملکت و عموماً خانواده‌هایی بوده‌اند که در دهات یا شهرهای بسیار کوچک و همین طور لب مرزی زندگی می‌کنند و تعداد فرزندان در حدی است که به محض مراجعه شخصی بعنوان خواستگار برای دختر آن‌ها، بدون هیچ بررسی و مطالعه‌ای و فقط به خاطر اینکه یک نفر نان خور از افراد کم شود، به عقد ازدواج دخترشان مبادرت کرده‌اند، لذا اغلب بدون اطلاع از اینکه می‌بایست اجازه‌ای از دولت کسب کنند این قبیل ازدواج‌ها صورت گرفته و اکنون به نظر می‌رسد دولت راهکاری برای این‌گونه زنان ایرانی باید اتخاذ کنند تا مبادا این زنان نیز به سرنوشت همسرشان دچار شوند. در این خصوص باتوجه به اینکه تاکنون بند ۴ ماده‌ی ۹۷۶ حتی به صورت فعلی شامل حال فرزندان این گونه زنان می‌شده باید به فرزندان متولد در ایران از این زنان البته به شرطی که خود زن نیز متولد در ایران باشد (که البته حدود ۹۹٪ این وضعیت را دارند.) شناسنامه ایرانی داده شود. در این مبحث سعی خواهم کرد که ابتدا طرح ماده واحد در مجلس و سوابق آن را مورد بررسی قرار دهم که در این میان دلایل مخالفین و موافقین را نیز مطرح خواهم کرد و نهایتاً بایسته‌هایی که نظریات دکترین حقوق خصوصی بیان کردن و همین طور بایسته‌هایی که می‌باید در قانون قرار گیرد که رفع تبعیض بین زن ایرانی و زن خارجی شود و در آخر نیز به نتیجه گیری پرداخته و ارائه چند پیشنهاد می‌نمایم.

۳-۵-۱. سوابق بحث هدف نمایندگان از طرح موضوع

در این گفتار که از سه بخش تشکیل شده است به هدف نمایندگان از طرح ماده واحده و اصلاحیه آن و دلایل مخالفین ماده واحده و دلایل موافقین طرح خواهیم پرداخت بعد انقلاب اسلامی و مشکلاتی که بین دو کشور همسایه افغانستان و عراق پیش آمده مهاجرت از این دو کشور به ایران بسیار شد و به ویژه مردان که از جنگ و شرایط جنگی و نابسامان کشورشان به سطوح آمده بودند به ایران پناه آوردند. و متأسفانه پیدا کردن کار و رافت دولت جمهوری اسلامی ایران هم باعث شد که روز به روز بر تعداد این مهاجرین افزوده شود. که البته این مهاجرت‌ها پیامدهای اقتصادی و اجتماعی و سیاسی بسیاری به دنبال داشت که یکی از آنها ازدواج تعداد زیادی از زن ایرانی با شوهر خارجی است که تعداد زیادی فرزند بی هویت و بی تابعیت حاصل این ازدواج‌ها بوده است. ما در کل از مهاجرت اتباع بیگانه به ایران که خود نیروی کار به اندازه کافی داریم، مخالف هستیم ولی این دلیل نمی‌شود که با عدم حمایت از مادران ایرانی و فرزندان آنها که متأسفانه در اکثر موارد همسران آنها یا فوت کرده یا آنها را رها کرده و به کشور خود باز گشته اند را بلا تکلیف رها کنیم. بنابراین در این گفتار به سابقه‌ی طرح اعطای تابعیت ایرانی به فرزند متولد از تبعه خارجی می‌پردازیم و سپس در بخش‌های بعدی به دلایل موافقین و مخالفین این طرح پرداخته و در آخر به دلایل مخالفت شورای نگهبان با طرح اصلاح ماده واحده می‌پردازیم.

۳-۵-۱-۱. سوابق طرح ماده واحده

اولین نظریه‌ی اداره‌ی حقوقی وزارت دادگستری در نظریه شماره ۵۶۸۷ چنین بیان شده است: «چنانچه مادر ایرانی بوده ولی در ایران متولد نشده باشد در این صورت نیز با توجه به وحدت ملاک و تلفیق اصل خاک و خون که مورد نظر قانون مدنی می‌باشد طفل مزبور ایرانی شناخته می‌شود.» این اداره‌ی حقوقی وزارت دادگستری طی نظریه ۳۸۰۷ در مورخه ۱۳۵۲/۶/۶ نظریه فوق را بدین شرح تصحیح نمود: «عبارت (اشخاص ذیل تبعه‌ی ایران محسوب می‌شوند) در مقدمه‌ی ماده‌ی ۹۷۶ ق. م می‌رساند که تابعیت ایرانی منحصر به افرادی است که در این ماده تصریح شده است. طفل متولد در ایران از پدر خارجی و مادر ایرانی متولد در خارج مشمول هیچ کدام از شقوق ماده‌ی مزبور نیست و چنین طفلی تبعه‌ی ایران محسوب نمی‌شود. ولی در موردی که مادر ایرانی در ایران متولد شده باشد از این جهت که علت و مناط بیان حکم بند ۴ ماده‌ی ۹۷۶ تولد یکی از ابوین در ایران است طفل نیز تبعه‌ی ایران محسوب می‌شود. زیرا قید خارجی بودن ابوین در بند ۴ خصوصیتی ندارد و طفل از جهت تولد یکی از ابوین در ایران تبعه‌ی ایران است نه خارجی بودن آنها بنابراین مادر ایرانی متولد در ایران بر وجود مناط حکم، تابعیت ایرانی دارد و بنابر قیاس اولویت و تنقیح مناط

فصل سوم: تابعیت در قوانین داخلی، معاهدات و کنوانسیون‌های بین‌المللی ۱۰۵/

حکم بند ۴ طفل متولد از او ایرانی است. اما درباره‌ی طفلی که مادر ایرانی او در خارج متولد شده مناط مذکور در ماده‌ی ۹۷۶ صادق نیست و چون وضع طفل با سایر حقوق ماده‌ی ۹۷۶ نیز تطبیق نمی‌کند تبعه‌ی ایران به شمار نمی‌رود.»

بعد از انقلاب اسلامی نیز نظریه مشورتی دادگستری در شماره ۷/۵۰۲۵ مورخ ۱۳۶۱/۱۰/۱۳ مشابه نظریه فوق می‌باشد و فقط در صورتی که مادر ایرانی نیز در ایران متولد شده باشد طفل متولد در ایران را از چنین مادری ایرانی می‌داند: طفل متولد در ایران از پدر خارجی و مادر ایرانی متولد در خارج تابع ایران محسوب نمی‌شود.^۱

اما هیات عمومی دیوان عالی کشور در رای وحدت رویه در مورخه ۱۳۷۶/۴/۳ چنین اطفالی را (اطفال متولد در ایران از مادر ایرانی و پدر خارجی) را ایرانی دانست.

۳-۱-۵. هدف نمایندگان از طرح ماده واحده

در سال ۱۳۸۵ به سبب وجود تفاسیر گوناگون راجع به بندهای (۴ و ۵) ماده‌ی ۹۷۶ قانون مدنی در مورد تعیین تکلیف فرزندان که ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی در ایران متولد شده‌اند ماده واحده در قانون «تعیین تکلیف تابعیت فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی» در مجلس شورای اسلامی مطرح شد. با توجه به این‌که از ماده‌ی ۹۷۶ به ویژه بند ۴ و ۵ آن تفاسیر مختلف و گاهی بسیار متناقض انجام گرفته است و اداره‌ی حقوقی وزارت دادگستری و قضات محترم دادگستری نظرات متفاوتی درباره‌ی بند ۴ و ۵ این ماده‌ی قانونی ارائه کرده بودند. لذا نمایندگان مجلس شورای اسلامی طرح «تعیین تکلیف تابعیت فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی» را مطرح کردند که با بررسی آن در کمیسیون حقوقی و قضایی مجلس طرح به صحن علنی رسید که متأسفانه این ماده واحده با نواقصی همراه بود و نه تنها مشکلات این قشر از جامعه را حل نکرد بلکه با الزامی نمودن ثبت این ازدواج بر طبق ماده ۱۰۶۰ مشکلاتی را هم بوجود آورد. و همین نقصان ماده واحده بود که پس از گذشت ۵ سال نمایندگان را بر آن داشت تا طرح اصلاح ماده واحده را به مجلس ببرند که این طرح هم بعد از چند ماه معطلی در کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس سرانجام در اردیبهشت سال ۱۳۹۱ به تصویب نمایندگان مجلس رسید اما شورای محترم نگهبان به علت مغایرت آن با اصل ۷۵ قانون اساسی آن را رد کرد و بعد از آن همین طور این طرح در مجلس مسکوت مانده است و باز در تاریخ ۱۳۹۶/۴/۲۰ روز سه شنبه مجدداً بررسی و تصویب طرح «اصلاح قانون تعیین تکلیف تابعیت فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی» شکل گرفته بود و کمیسیون فرهنگی مجلس خبر داده و گفته است بر اساس این مصوبه‌ی کمیسیون فرهنگی، «فرزندان

۱- ارفع نیا، بهشید، حقوق بین الملل خصوصی، ج ۱، ص ۷۷.

حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی، برای کسب تابعیت ایرانی، دیگر نیاز به سلب تابعیت پیشین خود از طریق پدر را ندارند». و همچنین تصویب صدور کارت هویت برای کودکان زنان ایرانی دارای همسر خارجی در کمیسیون لوایح دولت نیز شکل گرفت. ولی با این حال توقف بخشی از این لایحه که مربوط به افراد ۱۸ سال می‌باشد به همین شکل سکوت مانده است در حالی که روز به روز تعداد افرادی که بدون تابعیت در ایران بوجود آمده و زندگی می‌کنند افزوده می‌شود که در این تحقیق به تفصیل در مورد آن مشکلات سخن به میان آمده است.

۳-۵-۲. دلایل مخالفین طرح

زمانی که این طرح در صحن علنی مجلس مطرح شده است چند نماینده بعنوان مخالف صحبت کرده‌اند. اولین نماینده^۱ مخالف دلایل خود را این چنین بیان می‌کند «ما برای حل مشکل کسانی که از مادر ایرانی و پدر غیر ایرانی متولد شده‌اند یک مشکل گسترده دیگری را فراهم نکنیم: عنایت داشته باشید که افرادی از منطقه شرق کشور ما با اهداف سیاسی و اهداف غیر منقح اقدام می‌کنند و فرزندان زیادی را در این کشور بوجود می‌آورند.

ایشان در ادامه گفت: این اطفال را که در ایران به دنیا آمده‌اند به مهاجرینی که از سایر کشورها در بزرگسالی به اروپا می‌روند مقایسه کرده و پیشنهاد داد اقامت به آن‌ها می‌دهد و اصلاً به ایرانی بودن مادر این کودکان توجه نکرده و استدلال می‌کند که کودکان تحت تاثیر پدرشان بوده و امکان دارد که ضد حکومت کاری انجام دهند».

لازم به ذکر است که تکلیف مخالفین با خودشان معین نیست چون اولین مخالف هم طوری صحبت کرد که رئیس مجلس برداشت موافقت کرد و یک نفر از مخالفین را حذف کرد.

سومین یا در واقع دومین نماینده مخالف هم یک خانم نماینده می‌باشد هم تکلیفیش با خودش مشخص نیست و فقط با سن ۱۸ سال مخالفت کرده است که البته حذف سن ۱۸ سال به نفع اصل این طرح می‌باشد و ایشان هم پیشنهاد حذف شرط سن ۱۸ سال را دارد.^۲

در پایان یک نفر هم باز مخالفت خود را ابراز می‌کند و دلایل ایشان عدم شفاف سازی درباره طرح و اینکه این قانون می‌تواند آثار و عوارض سنگین امنیتی، اجتماعی، حقوقی و حتی اقتصادی سیاسی در پی داشته باشد لذا با این طرح مخالف می‌باشد. و نمایندگان را به دقت بیشتر و شفاف سازی دعوت می‌کند.

نماینده‌ی دیگری هم پیشنهاد حذف واژه سوء پیشینه امنیتی از تبصره این ماده واحده می‌کند با

۱- عباسعلی اختری، نماینده مخالف طرح

۲- خانم رفعت بیات نماینده زنجان و طارم

این استدلال ممکن است موجب سوا برداشت و سلیقه‌ای عمل کردن دستگاه‌های و ذیربط شود. در جمع بندی باید ذکر کرد که نمایندگان مخالف طرح یک استدلال حقوقی و محکمه پسندی ارائه نداده‌اند. شاید همین باعث شده است که طرح بالا تصویب شد.

۳-۵-۲-۱. دلایل موافقان طرح

از جمله دلایل موافقان طرح رفع ابهام و شفاف سازی بند ۴ ماده‌ی ۹۷۶ می‌باشد که این ابهام باعث صدور آرا متناقض از دادگاه‌های مختلف شده‌است یکی از دلایل موافقین همان‌طور که از اسم طرح پیداست تعیین تکلیف حدود ۱۲۰ هزار کودک بی‌تابعیت و بی‌هویت که در ایران وجود دارد. یکی از دلایل موافقان طرح جلوگیری از بزه‌کار و مجرم شدن این افراد به علت نداشتن هویت می‌باشد.

مخبر کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس هم به شرح زیر از طرح دفاع می‌کند. ایشان می‌گویند که حدود شش نفر روی طرح کار کارشناسی شده‌است. و طرح از پختگی لازم برخوردار است و این گونه استدلال می‌کند که چوم ما شرط عدم سوءپیشینه و عدم داشتن جرم امنیتی را آوریم لذا با بررسی آن ضمانت لازم را داریم. در ضمن ایشان از سیستم خون انتقاد نموده و می‌گویند چرا یک فردی که پدرش یا پدربزرگش ایرانی بوده و اصلاً ایران را ندیده و فارسی بلد نیست و کلاً در امریکا و یا اروپا به دنیا آمده‌اند در ایران زندگی می‌کنند و یقیناً در ایران خواهند مرد تابعیت ایرانی را نداشته باشند؟

و این گونه پاسخ انتقاد یکی از نمایندگان مخالف را در مورد حذف شرط ۱۸ سال دفاع می‌کنند که چگونه کودک دو ساله تقاضای تابعیت ایران را بکند و ضمناً بلوغ را برای درخواست تابعیت لازم می‌داند. در ضمن مخبر کمیسیون یکی از دلایل طرح این ماده واحده را قانونی کردن ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی می‌داند و معتقد است که با تصویب این ماده واحده در جامعه شفاف سازی می‌شود و از این به بعد دختران ایرانی با کسب مجوز (موضوع ماده‌ی ۱۰۶۰ قانون مدنی با خارجیان ازدواج خواهند کرد).

مجداد در ۱۵ آبان ماه سال جاری موضوع تعیین تکلیف تابعیت فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی مطرح می‌شود؛

یکی دیگر از نمایندگان مجلس که به عنوان موافق سخنرانی می‌کند ندادن تابعیت ایران به این کودکان را از مصادیق «عقاب بلا بیان» می‌داند. و معتقد است که با تصویب این طرح مشکل بیش از ۳۰ هزار خانوار ایرانی که در گیر بی‌تابعیتی فرزندان خود هستند حل خواهد شد.^۱ در نهایت محمد شریعتمداری، وزیر تعاون کار و رفاه اجتماعی ۱۳ آبان ماه از تصویب پیش نویس لایحه قانونی

۱- میرتاج الدین، نماینده مردم تبریز

«تعیین تکلیف تابعیت فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی» خبر داد. براساس این لایحه که در هیئت دولت تصویب شده، فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی می‌توانند به تقاضای مادر ایرانی خود به تابعیت ایرانی درآیند.

به گفته شریعتمداری، تصویب این لایحه اقدامی با اهمیت برای برخورداری این کودکان از حقوق اجتماعی، حق اقامت پایدار آنها، رفع تبعیض بین این کودکان و سایرین، افزایش علقه این افراد و سرزمین مادری است. این کودکان معمولاً در شرایط فقر بسر می‌برند، دارای مشکلات معیشتی هستند و در معرض انواع آسیب‌های اجتماعی قرار دارند. تصویب این لایحه زمینه‌ای مناسب را فراهم خواهد کرد که با همکاری و انسجام دستگاه‌های مسئول و همراهی فعالین مدنی و سازمان‌های مردم‌نهاد، وضعیت این گروه از کودکان سرزمین ما بهتر شود.

در نهایت ملک‌شاهی رئیس کمیسیون حقوقی و قضایی مجلس نیز روز یکشنبه از بررسی اولویت‌دار لایحه اعطای تابعیت به فرزندان زنان ایرانی و مردان خارجی خبر داد. به گفته ملک‌شاهی از آنجا که کمیسیون یک بار چنین طرحی را بررسی و تهیه کرده است، در دستور کار خود به صورت اولویت‌دار قرار می‌دهد.

باید افزود که این مصوبه به صورت لایحه جهت اصلاح قانون فعلی به مجلس می‌رود و پس از تصویب نمایندگان مجلس و تایید شورای نگهبان می‌تواند به صورت قانون اجرا شود.^۱

۳-۵-۲. طرح اصلاح برخی از قوانین مربوط به تابعیت در سال ۱۳۹۷

طرح اصلاح برخی از قوانین مربوط به تابعیت در مجلس دهم اعلام وصول گردید و متعاقب آن، بررسی این طرح به کمیسیون مشترکی مرکب از اعضای منتخب کمیسیون‌های امنیت ملی و سیاست خارجی، برنامه و بودجه، شوراها و امور داخلی، قضایی و حقوقی ارجاع شد که با توجه به عدم تشکیل کمیسیون مشترک مذکور، بررسی طرح به کمیسیون قضایی و حقوقی ارجاع گردید که این کمیسیون، کلیات این طرح را رد کرد و بررسی گزارش کمیسیون مبنی بر رد کلیات طرح در دستور صحن علنی قرار دارد.

موضوع تابعیت و مسائل مربوط به آن از اهمیت بالایی برخوردار است و هم اکنون نیز مشکلات بسیاری برای افرادی که با این مسئله درگیر هستند مانند افرادی که مشمول قانون تعیین تکلیف فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی و مردان خارجی هستند یا مشمولین ماده (۴۵) قانون ثبت احوال وجود دارد با این وجود تلاش مجلس برای تسری تابعیت از طرف مادر قابل تامل است :

۱- خبرگزاری دانشجویان ایران، ۱۵ آبان ماه ۱۳۹۷

نماینده موافق این طرح

نماینده مردم تهران، ری، شمیرانات، اسلام‌شهر و پردیس در مجلس با بیان این‌که نگاه به تابعیت نباید نگاه جنسیتی باشد، آقای محمد جواد فتحی تصریح کرد ورود جدی مجلس به موضوع افراد فاقد شناسنامه در کشور تاکید کرد: مجلس باید با نهایت دقت در ابعاد مختلف موضوع هرچه سریع نسبت به رفع این مشکل اقدام کند.

بر این اساس هیئت وزیران در جلسه ۱۳ آبان ۱۳۹۷ لایحه اصلاح قانون تعیین تکلیف تابعیت فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی مصوب ۱۳۸۵ و به منظور اعطای تابعیت به فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی، برای مادران ایرانی و فرزندان آن‌ها این حق شناخته شد تا تحت شرایطی به فرزند مزبور (متولد از مادر ایرانی) تابعیت ایرانی داده شود.

طرح یک فوریت «اعطای تابعیت به فرزندان مادر ایرانی» که چندی پیش از سوی نمایندگان مجلس شورای اسلامی مطرح شد، در نهایت در نشست علنی ۱۰ شهریور ماه یک فوریت آن با ۱۲۰ رای موافق، ۳۶ رای مخالف و ۸ رای ممتنع از ۲۲۱ نماینده حاضر در صحن علنی مجلس تصویب شد. به گفته طرحان این طرح با توجه به تعداد بالای افراد فاقد تابعیت حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی و مشکلات و تبعات ناشی از ازدواج‌ها تدوین شده که در صورت تصویب نهایی آن تکلیف تابعیت فرزندان حاصل از مادر ایرانی و پدر غیرایرانی مشخص می‌شود.

ایمنی فرد: لزوم تصویب هرچه سریع‌تر طرح یک فوریتی تعیین تکلیف کودکان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با پدران غیرایرانی

محمد نعیم امینی فرد که جز موافقان این طرح می‌باشد نماینده مردم ایرانشهر با انتقاد از اینکه هزاران نفر در سیستان و بلوچستان شناسنامه ندارند، تصریح کرد: اکثر این افراد از لحاظ آموزشی و بهداشتی و درمانی در مضیقه هستند^۱

۳-۵-۲-۱. عدم توجه به نقش مادر در هر دو سیستم خاک و خون

ماده ۹۷۶ قانون مدنی ایران، روش خون یا نسبی را پذیرفته است زیرا می‌گوید: «کسانی که پدر آن‌ها ایرانی است اعم از این که در ایران یا در خارجه متولد شده باشند تبعه‌ی ایران محسوب می‌شوند» بنابراین طبق این بند کافی است پدر ایرانی باشد تا فرزند او نیز ایرانی باشد خواه در ایران متولد شده باشد خواه در خارج از ایران.

این بند مطلقاً به تابعیت مادر اشاره‌ای نشده است. لذا ناچار حقوق‌دانان با استناد به بند ۴ ماده‌ی

۱- معاونت پژوهش‌های سیاسی - حقوقی، دفتر مطالعات حقوقی، دوره دهم - سال سوم، شماره ثبت ۲۰۱، شماره چاپ ۱۱۵۹،

تاریخ چاپ ۱۳۹۷/۸/۵

۹۷۶ و اعمال سیستم خاک می‌خواهند که در صورتی که طفل پدر خارجی باشد و مادر ایرانی و مادر و کودک هر دو در ایران متولد شده باشد تابعیت ایرانی به کودک متولد از مادر ایرانی داده شود چرا که در بند ۴ ماده ۹۷۶ به کودک متولد در ایران که یکی از والدینش در ایران متولد شده باشد تابعیت ایران داده می‌شود و اکثر حقوقدانان هم با استناد به این ماده‌ی قانونی، مادر ایرانی را به تبع اولی برتر از مادر خارجی است و خواستار تابعیت ایرانی فرزند او هستند اما با توجه به سکوت قانون مدنی برخی از استاتید و بزرگان محترم حقوق هم قضیه را با سکوت برگزار کرده و معترض قضیه نشده‌اند. بنابراین ما تبعیض بین زن ایرانی و زن خارجی و دکتترین حقوق خصوصی را بررسی می‌کنیم.

۳-۵-۳. دلایل مخالفت شورای نگهبان با اصلاحیه ماده واحده

شورای نگهبان ایراد را متوجه تبصره «۳» الحاقی دانسته است. براین مبنا ایراد مذکور دارای بار مالی برای دولت بوده و طریق جبران هزینه‌های آن نیز در طرح مشخص نشده‌است در نتیجه مصوبه مغایر اصل هفتاد و پنجم قانون اساسی است.

اصل هفتاد و پنجم قانون اساسی

مصوبه حاضر در ابتدا به منظور اعطای تابعیت به فرزندان موضوع این قانون مورد بررسی قرار گرفت. لکن با بررسی‌های همه جانبه موضوع و بالحاظ جمیع مسائل فرهنگی، اجتماعی، امنیتی، تصمیم کمیسیون محترم به ایجاد تسهیلات و حقوق شهروندی لازم برای این قشر تعلق گرفت.

از جمله این حقوق و تسهیلات که مورد ایراد شورای محترم نگهبان قرار گرفته است. حق بهره‌مندی از یارانه و معافیت از پرداخت تعرفه اقامت تا سن نوزده سالگی است که در ذیل هر یک به طور مبسوط و جدا مورد تحلیل و بررسی قرار می‌گیرد.

الف) دریافت یارانه

علی رغم آنکه آمار رسمی از تعداد مشمولان این طرح در دسترس نیست لکن آمارهای غیر رسمی از شمول بیش از یک میلیون نفر حکایت می‌کند که با این احتساب جهت پرداخت یارانه به این افراد دولت مکلف است ماهیانه حدود ۴۵ میلیارد تومان به حساب‌هایشان واریز نماید که در سال مبلغی بر ۵۴۰ میلیارد تومان خواهد شد. پر واضح است که هزینه‌ی بسیار گزافی بر دوش دولت می‌گذارد و مغایر اصل هفتاد و پنج قانون اساسی است. پیش‌بینی طریقه جبران چنین هزینه گزافی نیز در حدود اعتبارات مصوب در بودجه هر سال، امری بسیار دشوار و ناممکن است. به دلیل اینکه در بودجه سنواتی تمامی درآمدهای دولت مشخص شده و مصارف آن‌ها نیز معین می‌شود. براساس این

رویه شورای محترم نگهبان هم تحمیل هزینه‌های اضافی بر ردیف‌های مصوب بودجه سالیانه نیز مغایر قانون اساسی است.

ب) معافیت از پرداخت تعرفه اقامت تا سن نوزده سالگی

اخذ تعرفه اقامت از این افراد ابتدا در قانون راجع به ورود و اقامت اتباع خارجه در ایران مصوب ۱۳۱۰ پیش‌بینی شد. پس از آن که به موجب ماده ۵۴ قانون وصول برخی از درآمدهای مصوب ۱۳۷۲ هیئت وزیران تعیین نرخ تعرفه گردیده است و طریق مصرف آن نیز در ماده پیش‌بینی گردیده است. با توجه به اطلاع حاصل از مقامات مشمول در خصوص آخرین تغییرات نرخ تعرفه، در حال حاضر مبلغ یک میلیون ریال به صورت سالیانه از این افراد جهت صدور یا تمدید پروانه اقامت دریافت می‌گردد. مسلم است حذف این مبلغ موجب کاهش درآمدهای دولت و مغایر اصل هفتاد و پنجم قانون اساسی است. علاوه بر این با توجه به اینکه نرخ مذکور بسیار پایین می‌باشد و ضرورت اخذ این مبلغ به عنوان عوارض در برابر خدماتی که دولت به این قشر ارائه می‌کند، لزومی به حذف تعرفه مذکور وجود ندارد.

لذا در پایان بحث باید گفت که شورای نگهبان به علت تولید هزینه اضافی برای دولت و برای جلوگیری از کسری بودجه دولت و مشخصاً مغایرت تبصره ۳ اصلاح ماده واحده با این طرح مخالفت کرد. و طرح را به کمیسیون حقوقی مجلس برگشت داد و متأسفانه کمیسیون هم از اردیبهشت سال ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۶ به بررسی مجدد این طرح مسکوت گذاشته بود و سال ۱۳۹۶ در تیر ماه باز دوباره یک سری از لایحه‌های این طرح رد شد.^۱

۳-۵-۴. دکترین حقوق بین الملل خصوصی در زمینه اعطای تابعیت مادر به فرزندان

«قابل توجه این است که بر طبق بند ۴ ماده‌ی ۹۷۶ اگر طفلی از پدر و مادر خارجی که یکی از آنها در ایران متولد شده باشد ایرانی است و اگر مادرش ایرانی باشد لکن در ایران متولد نشده باشد طفل تابعیت ایران را نخواهد داشت. به نظر می‌رسد هنگامی که پدر طفل خارجی است و تولد مادر خارجی در ایران باعث تابعیت ایرانی طفل می‌شود به طریق اولی وقتی مادر ایرانی است طفلش باید ایرانی محسوب شود.» (ولو اینکه در ایران متولد نشده باشد).^۲

درجایی دیگر نیز این طور به عملکرد کشورهای غربی و به ویژه فرانسه اشاره نموده و می‌فرمایند^۳ «برخلاف نظری که قانونگذار ایران در مورد تابعیت والدین است و مادر را هم در این

۱- روزنامه اعتماد، شماره ۲۷۷۳، تاریخ ۱۳۹۲/۶/۱۹ ص ۱۰ ص حقوق.

۲- مدنی، جلال‌الدین، حقوق بین الملل خصوصی، ص ۹۷

۳- همان، ص ۹۳

مجموعه قرارمی دهد البته در این مقایسه بین قوانین ایران که تابعیت را پذیرفته با قوانین غرب مطرح است و ارتباطی با موازین اسلام ندارد. یعنی سیستم خون یا تابعیت پدر و مادر طفل می شناسد. تابعیت والدین هنگام تولد طفل و مشکلی که گاهی با آن روبه رو می شوند این است که اگر پدر و مادر دارای دو تابعیت باشند طفل هم از بدو تولد دارای تابعیت مضاعف می شود. اجرای سیستم خون در فرانسه به همین نحو است. طفلی که مادرش فرانسوی باشد تابعیت فرانسه را به نفع تابعیت پدر یا مادر خارجی ترک کند و هرگاه قبل از آن که به سن بلوغ برسد آن پدر یا مادری که خارجی است به تابعیت فرانسه درآید اختیار مزبور از وی سلب می شود»

نمونه ای دیگر از حقوقدانان که در زمینه حقوق بین الملل خصوصی دارای تالیفاتی می باشد و از مدافعین اصلی اعطای تابعیت مادر ایرانی به فرزند متولد از پدر خارجی در ایران می باشد ایشان بارها مقالاتی در دفاع از این حق مادران نوشته اند در کتاب خود نیز این چنین بیان می کند که «همان طور که مشاهده می شود، در بند ۴ ماده ۹۷۶ ق. م بدون تفاوت بین پدر و مادر، تولد یکی از آن ها در ایران شرط تحقق روش خاک در مورد طفل متولد از آن ها در ایران قرار داده شده است. همچنین اگر مادر خارجی در ایران متولد شده باشد و طفل نیز در ایران متولد شود و در این صورت نیز طفل ایرانی محسوب می شود. این مورد اشکالی در بردارد. زیرا در مقایسه با سایر بندهای ماده ۹۷۶ و حتی کلیه مواد مربوط به تابعیت موردی را بدست نمی آوریم که طفل از یک پدر خارجی و مادر ایرانی (ولی متولد در خارج از ایران) را ایرانی بداند. در واقع ما طفلی را که از مادر ایرانی، در ایران به دنیا آمده است ایرانی نمی دانیم.

درحالی که طفلی را که از مادری خارجی، در ایران به دنیا آمده است ایرانی می دانیم. این مطلب بسیار غیرمنطقی به نظر می رسد و لازم است نسبت به بند ۴ ماده ی ۹۷۶ ق.م تجدید نظر شود بدین ترتیب که یا مثل کلیه ی موارد دیگر مذکور در ماده ی ۹۷۶ در بند ۴ این ماده نیز تفاوت بین پدر و مادر گذارده شود و مورد منحصر به تولد پدر در ایران شود، نه هریک از پدر و مادر یا تفاوت موجود در سایر موارد از بین برود، تا چنین ناهماهنگی به چشم نخورد.»^۱

یکی دیگر از اساتید بسیار زبده در حقوق بین الملل خصوصی که ایشان نیز در کتاب خود پس از توضیح چگونگی کسب تابعیت بوسیله سیستم خاک و بند ۴ ماده ی ۹۷۶ در پایان بحث این گونه موافقت خویش را راجع به اعطای تابعیت مادر ایرانی به فرزند متولد در ایران از پدر خارجی بیان می نمایند. «ممکن است مادر چنین کسی (متولد در ایران) ایرانی و متولد ایران باشد در این حالت نیز

۱- ارفع نیا، بهشید، *حقوق بین الملل خصوصی*، ج ۱، ص ۷۴.

تابعیت ایرانی او را می‌توان از نوع تابعیت‌های پیش‌بینی شده در این بند دانست»^۱

پس از بررسی نظریات صاحب فن و علم در این عرصه باید گفت که اکثر حقوقدانان که در این زمینه (حقوق بین الملل خصوصی) کتب و مقالاتی را به رشته تحریر درآورده‌اند با اعطای تابعیت مادر ایرانی به فرزند متولد از پدر خارجی موافق هستند و عدم اعطای آن را با توجه به بند ۴ ماده‌ی ۹۷۶ نوعی تبعیض بین زن ایرانی و زن خارجی می‌دانند.

۳-۵-۵. تبعیض بین زن ایرانی و زن خارجی

در زمان‌های بسیار قدیم که تازه تمدن‌ها آغاز شده بود و دولت شهر بوجود آمده بودند در یونان باستان مردم اصلی دولت شهرها، شهروند درجه یک محسوب شده و امتیازاتی نسبت به سایر افرادی که از شهرهای دیگر می‌آمدند داشتند در روم باستان هم رومیان نسبت به سایر افراد امتیازات ویژه‌ای داشتند در ایران باستان از دوره هخامنشیان ایرانیان نسبت به افرادی که بیگانه بودند متمایز بودند و بیگانگان از یکسری حقوق محروم بودند. در ایران امروز هم اتباع نسبت به بیگانگان امتیازات ویژه‌ای دارند حتی کسانی که تابعیت ایران را کسب می‌کنند یکسری محدودیت‌های سیاسی و اجتماعی و اقتصادی به آن‌ها اعمال می‌شود. ماده‌ی ۹۸۲ صراحتاً این محرومیت‌ها را بیان می‌نماید. ولی با کمال تعجب نزدیک به ۸۰ سال پیش در ایران ماده‌ی قانونی به تصویب رسیده‌است که برعکس این رویه عمل کرده است و زن خارجی را به زن ایرانی ترجیح داده است انگار قانونگذار تسلیم قوانین داخلی خارجیان شده و با توجه به اینکه آن‌ها در کشورشان از حقوق مساوی بین مرد و زن برخوردار می‌باشند قانونگذار ما هم البته فقط نسبت به آن‌ها چنین حقی را به رسمیت شناخته است و در بند ۴ ماده‌ی ۹۷۶ زن و مرد را در ردیف هم آورده است. در حالی که در قوانین ما در مورد تابعیت، مادر و ایرانی بودن مادر هیچ نقشی ایفا نمی‌کند. این بدان معنی است که ایرانی بودن مادر نه تنها از نظر نسبی (خون) تأثیری در تابعیت فرزند ندارد بلکه حتی از نظر محل تولد (خاک) نیز ابدا تأثیری در تابعیت فرزند ندارد. گویا فرزند فقط از پدر متولد می‌شود و مادر وجود خارجی ندارد. به موجب بند ۲ ماده‌ی ۹۷۶ قانون مدنی فرزند متولد از پدر ایرانی، صرف نظر از اینکه در کجا به دنیا بیاید ایرانی است.^۲

جمله صدر ماده‌ی ۹۷۶ بیان می‌کند: «اشخاص ذیل تبعه ایران محسوب می‌شوند» و پس از ذکر بند ۱ که در حال حاضر بسیار مناسبت و حتی خطرناک است و در بند ۲ می‌گوید کسانی که پدر آن‌ها

۱- سلجوقی، محمود، *حقوق بین الملل خصوصی*، ج ۱، ص ۹۳.

۲- ارفع نیا، بهشید، *مقاله اطفال متولد در ایران از مادر ایرانی*، منتشره در مجله کانون وکلا، شماره ۱۹۲ و ۱۹۳ بهار و تابستان ۱۳۸۵ ص ۹۰ به بعد.

ایرانی است اعم از اینکه در ایران یا در خارج متولد شده باشند.

در این بند نیز قانونگذار سیستم خون را به طور کامل و مطلق بدون هیچ شرطی) اعمال کرده و اصلاً نامی از مادر نبرده است. در هیچ کدام از بندهای دیگر ماده فوق الذکر و ۱۵ ماده بعدی نیز که همگی مربوط به تابعیت می باشد نامی از مادر به چشم نمی خورد گویا قانون گذار ایران روش خونی (نسبی) را به طور مطلق از طریق پدر اعمال می کند یعنی تنها فرزندی از طریق سیستم خون دارای تبعیت ایرانی است که پدرش ایرانی باشد.

قانونگذار ایرانی در همین ماده ۹۷۶ مواردی را نیز از اعمال روش خاک بیان کرده که فعلاً جهت جلوگیری از خلط مبحث تنها به بند ۴ مادهی قانون مدنی ملاحظه می گردد: کسانی که در ایران از پدر و مادر خارجی که یکی از آنها در ایران متولد شده به وجود آمده اند، با توجه به جمله در صدر ماده مشخص می گردد قانونگذار ایرانی کسانی را که از پدر و مادر خارجی در ایران بدنیا آمده اند به شرطی که یکی از پدر یا مادر خارجی نیز در ایران متولد شده باشد ایرانی می داند.

به نظر می رسد که قانونگذار در این بند علقه خاصی را بین این خانواده و کشور ایران احساس کرده زیرا محل تولد دو نسل در ایران بوده است از یک سو پدر یا مادری که خارجی است بنا به فرض در ایران بدنیا آمده اما از آنجا که سیستم خاک در ایران هیچ گاه روش اصلی برای اعطای تابعیت نبوده و به صرف تولد کسی در ایران، تابعیت ایرانی به وی داده نمی شود پس این شخص که چندین سال پیش در ایران به دنیا آمده و امروز خود، پدر یا مادر است به صرف تولد در ایران، ایرانی نشده اما اگر امروز فرزند وی (نسل بعدی) در ایران به دنیا بیاید وجود چنین علقه ای که باعث شده دو نسل متوالی در ایران متولد شوند از نظر قانونگذار ایرانی کافی بوده برای اینکه از طریق اجرای سیستم خاک (محل تولد) چنین فرزندی (نسل دوم متولد شده در ایران) تابعیت ایرانی بدیم.

در بند ۴ مادهی ۹۷۶ تولد پدر خارجی یا مادر خارجی در ایران (نسل اول) مورد نظر بوده و از این جهت به عکس سایر مواد هیچ تفاوتی بین پدر و مادر گذارده نشده است زیرا در هیچ یک از تمام ۱۶ ماده مربوط به تابعیت (از مادهی ۹۷۶ تا ۹۹۱ قانون مدنی) اصلاً هیچ اشاره ای کوچکی به مادر نشده است و تنها در بند ۴ مادهی ۹۷۶ نام مادر ذکر شده و در همین بند هم بازم استثنائاً پدر و مادر خارجی را در یک ردیف قرار داده است.

اکنون با توجه به اینکه از طریق روش خون، قانون گذار حتی اشاره ای به مادر و ایرانی بودن وی نکرده تا بخواهد تاثیری در تابعیت فرزندش داشته باشد و در عین حال با کنکاش در کل ۱۶ مادهی بوجود آمده در قانون مدنی راجع به تابعیت نیز غیر از بند ۴ مادهی ۹۷۶ مورد ملاحظه نمی گردد که به مادر اشاره ای شده باشد. لازم به ذکر است که مقایسه ای را میان فرزند متولد در ایران از مادر ایرانی

و فرزند متولد در ایران را از پدر و مادر خارجی انجام دهیم.

بنابر آنچه که در بند ۴ بیان شد دو حالت قابل تصور است:

۱- فرزند متولد شده در خاک ایران از پدر خارجی متولد در ایران، که در این صورت با توجه به

بند ۴ ماده‌ی ۹۷۶ و به اعمال روش خاک، چنین فرزندی که علاوه بر اینکه خود در ایران متولد شده پدر خارجی‌اش نیز در ایران متولد شده است ایرانی است.

۲- فرزند متولد شده در ایران از مادر خارجی متولد در ایران در این صورت باز هم با توجه به

بند ۴ ماده‌ی ۹۷۶ و با اعمال روش خاک چنین فرزندی که علاوه بر اینکه خود در ایران متولد شده مادر خارجی‌اش نیز در ایران متولد شده است ایرانی است.

حال اگر فرزندی در ایران متولد شده که مادر او ایرانی است، در قانون ما چنین موردی متأسفانه

پیش‌بینی نشده است یعنی فرزند متولد در ایران از مادر ایرانی، ایرانی نیست، در حالی که فرزند متولد در ایران از مادر خارجی فقط به شرطی که آن مادر متولد در ایران باشد ایرانی است.

قانونگذار به هیچ وجه از ۸۰ سال پیش به موضوع مادر توجه نکرده بود که وقتی از تولد نسل قبلی (پدر یا مادر خارجی) در ایران به اضافه تولد نسل فعلی (فرزند) در ایران وجود علقه‌ای به این آب و خاک احراز شده که باعث اعطای تابعیت ایرانی به چنین فرزندی شده‌است چطور ممکن است علقه‌ای بسیار عمیق‌تر را در مورد فرزندی که در ایران متولد شده و مادرش ایرانی است احراز نکنیم.

موضوع اعطای تابعیت ایرانی و دادن شناسنامه به فرزندان متولد در ایران از زنان ایرانی، سالیان سال مشکل ساز و مورد بحث بوده است ولی به دلایل غیر منطقی مدام به کناره گذاشته شده است این مطلب بسیار مهم، به هر جهت به کرات از دوره حقوقی وزارت دادگستری سوال شده که در مقابل چنین تبعیض و اجحاف فاحشی که در واقع نسبت به زن ایرانی به عنوان مادر شده چه باید کرد که هم قبل از انقلاب و هم بعد از انقلاب همان طور که در مباحث گذشته ذکر شد) چنین اطفالی را بواسطه ایرانی بودن مادر، ایرانی دانسته شود. حتی در شناسنامه‌ی چنین اطفالی هم با ذکر این جمله که در اجرای بند ۴ ماده‌ی ۹۷۶ قانون مدنی و به فرزندان متولد در ایران از مادران ایرانی شناسنامه ایرانی داده شده است.

ولی متأسفانه با همه‌ی این اوصاف می‌بینیم که زن خارجی که حتی تابعیت اکتسابی ایران را ندارد

فقط و فقط به صرف اینکه برحسب اتفاق یا هر مورد دیگری که در ایران متولد شده‌است به فرزندی را در ایران به دنیا آورده است به زن ایرانی ارجحیت داده شده‌است. و کاملاً تبعیض بین زن بیگانه و زن ایرانی مشخص و فاحش و مبرهن است چرا که در بند ۴ ماده‌ی ۹۷۶ زن و مرد خارجی از حقوق

مساوی برخوردار شده‌اند ولی در قوانین داخلی ما هیچ گاه زن و مرد ایرانی در یک ردیف قرار نگرفته‌اند و متأسفانه به طور آشکار نسبت به مادر ایرانی اجحاف آشکاری شده است و جای بسی تأسف است که پس از گذشت ۸۰ سال قانونگذار ما برای این بی‌عدالتی نسبت به زن ایرانی نه تنها قدمی برنداشته بلکه بر این موضوع نیز اصرار ورزیده و درصدد رفع مشکل نیست البته بنده متوجه این نکته هستم که با توجه به پوشش جمعیتی ایران ما نیازی به آمدن اتباع بیگانه در ایران نداریم ولی باید بدانیم که با دادن تابعیت بر اطفال مادران ایرانی به هیچ وجه زمینه تشویق بیگانگان به ایران را فراهم نمی‌آوریم چرا که بروز جنگ و سایر عوامل اقتصادی و اجتماعی در کشورهای همسایه (به ویژه افغانستان و عراق) اتباع این کشورها را به سوی ایران رهسپار کرده است هر چه قدر هم شرایط در ایران بر آن‌ها سخت باشد ولی بهتر از ناامنی و جنگ در کشور خودشان بوده و آن‌ها را به کشور ما می‌کشاند ولی در کل ما باید بیش از پیش به فکر زنان ایرانی که عمدتاً از قشر بیمار و پایین و بی‌سواد و روستایی و مرزنشین این کشور می‌باشند، باشیم و چاره‌ای اساسی و عملی را برای حل مشکل فرزندان آن‌ها بنماییم.

خلاصه‌ی فصل سوم

در زمان تصویب ماده‌ی ۹۷۶ قانون مدنی شاید تعداد زنانی که با اتباع خارجی ازدواج می‌کردند بسیار محدود و قلیل بوده باشد. شاید همین مسئله سبب شده که به اعطای تابعیت از طریق مادر توجه‌ی نشود و فقط به مادر خارجی در اعمال سیستم خاک اشاره شده‌است.

اما با آغاز جنگ و نابسامانی‌های داخلی در کشورهای همسایه (عراق و افغانستان) ورود تعداد کثیری از اتباع خارجی به ویژه مردان فزونی یافت. که این مسئله تبعات اجتماعی فراوانی را به دنبال داشت و به وجود آمدن هزاران کودک بی‌تابعیت یکی از آنهاست. متأسفانه قانون ایران درباره‌ی انتقال تابعیت از طریق مادر ساکت است.

سکوت قانون موجب بوجود آمدن هزاران کودک بدون تابعیت شده‌است لذا همان طور که از بند ۴ ماده‌ی ۹۷۶ برداشت‌های متفاوت و گاهی متناقض انجام می‌شد و اداره‌ی حقوقی دادگستری هم نظرات مختلفی در این مورد بیان کرده است.

تا اینکه در سال ۱۳۸۵ طرح «تعیین تکلیف تابعیت کودکان حاصل ازدواج ایرانی و پدران خارجی» در مجلس شورای اسلامی به تصویب رسید.

این ماده واحده ازدواج‌های بدون مجوز قبلی را تنفیذ کرد. ولی ازدواج‌های بعدی را منوط به رعایت ماده‌ی ۱۰۶۰ قانون مدنی کرد. اما مشکل اصلی کماکان لاینحل ماند و رفته رفته نواقص آن آشکار شد.

لذا پس از ۵ سال از تصویب ماده واحده طرح اصلاح آن در مجلس مطرح و در سال ۱۳۹۱ از تصویب نمایندگان گذشت.

این طرح به علت عدم پیش‌بینی منابع مالی اجرای آن از طرف شورای نگهبان مغایر با قانون اساسی تشخیص داده شده و به کمیسیون حقوقی و قضایی مجلس برگردانده شد و نزدیک به ۵ سال که در سکوت مانده بود که مجدداً در تیرماه سال ۹۶ راهی مجلس شد و این بار نیز با یک سری از لایحه‌های آن موافقت نشد؛ در حالی که افراد با مشکلات عدیده‌ای دست به گریبان هستند.

در این مبحث به تابعیت کودکان در ایران و اسناد بین‌المللی اشاره شد. در سال‌های اخیراً فعالیت سازمان‌های حمایت از زنان و کودکان گسترش بسیاری یافته‌است.

کنوانسیون حقوق کودکان انسان زیر ۱۸ سال را کودک دانسته و این افراد را تحت حمایت خود قرار داده‌است. که به نظر می‌رسد سن زیر ۱۸ سال معیار خوبی برای تشخیص کودک از بزرگسال تشخیص حداقل سن برای کار، حداقل سن برای حق رای و غیره باشد.

اما در ایران شرایط فرق می‌کند چرا که سن بلوغ در ایران طبق قانون مدنی برای دختر ۹ سال قمری و برای پسر پانزده سال قمری می‌باشد که کاملاً با مقررات این کنوانسیون حقوق کودک

مغایرت دارد.

با اینکه ایران به این کنوانسیون هم ملحق شده است ولی بسیاری از مقررات آن را رعایت نمی‌کند. به نظر می‌رسد تطبیق شرایط کشور با این کنوانسیون هم از لحاظ سیاسی و هم حقوقی به مصلحت کشور می‌باشد.

کنوانسیون دیگر که اعلامیه جهانی حقوق کودک می‌باشد یک کنوانسیون بین‌المللی می‌باشد که داشتن تابعیت را حق هر کودک می‌داند، ایران این سند را هم قبول و به آن ملحق شده است.

میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی هم یکی از اسناد بسیار مهم است که توسط سازمان ملل متحد به تصویب اکثر کشورها رسیده است و ایران هم به آن پیوسته است. این میثاق هم بندهایی در حمایت کودکان و داشتن تابعیت آنها دارد.

یکی دیگر از اسناد بین‌المللی، کنوانسیون رفع هر گونه تبعیض نسبت به زنان است. این کنوانسیون هم از داشتن حق تابعیت زنان حمایت می‌کند. ایران به این کنوانسیون ملحق نشده است و عدم الحاقش به این کنوانسیون سبب قرار گرفتن هجمه بسیاری از افکار در سازمان بین‌الملل و مورد نکوهش و بازخواست این نهادها حقوق بشری قرار گرفته است.

باید این نکته را متذکر شد با اینکه در کشور ما حقوق زنان و کودکان به مراتب بهتر و بیشتر از کشورهای منطقه رعایت می‌شود الحاق به کنوانسیون‌های بین‌المللی می‌تواند زمینه‌ی خوبی و فرصت مناسبی برای نشان دادن تقویت چهره انسانی دولت جمهوری اسلامی ایران در افکار عمومی جهانی شود. به نقد و بررسی دلایل مخالفین و موافقین طرح ماده واحده و دلایل رد اصلاح آن توسط شورای نگهبان پرداختیم سپس در از آن نظرات دکتربین الملل در مورد اعطای تابعیت مادر ایرانی به فرزند را بیان کردیم و بعد نیز در مورد تبیض فاحش و برهن بین زن خارجی و زن ایرانی بحث شد و نهایتاً بایسته‌هایی که لازم به قرار گیری در قانون مدنی می‌باشد را عنوان کردیم .

در این جا شایان ذکر است که اکثر زنانی که به ازدواج با یک مرد بیگانه تن داده‌اند و از آنان صاحب فرزندان شده‌اند اکثراً از خانواده‌های قشر پایین از نظر اجتماعی و تحصیلات و فرهنگی که در سطح نامطلوبی به سر می‌برند می‌باشند و اینجا جای سوال مهمی هست که قانونگذار ایران چرا تبعه‌ی خارجی را فقط به خاطر تولد در ایران بر او ترجیح داده و اگر فرزندی از همسر خارجی‌اش در ایران بدنیا آورد و تنها به خاطر تولد (هم مادر و کودک در ایران) تابعیت ایرانی بدست می‌آورد ولی مادر ایرانی که خود تبعه ایران است (نه فقط متولد ایران) با استناد به ایرانی بودن مادر و نسب مادری او و تولد فرزندش در خاک ایران نمی‌تواند تابعیت ایران را برای فرزندش بدست آورد. البته در بررسی‌های دکتربین دیدیم که اکثر حقوق دانان حقوق بین‌الملل این قانون را عین ظلم بر زنان شمرده‌اند و حق مسلم مادر و کودک می‌دانند که تابعیت ایرانی داشته باشند و در کل بر این قانون خرده گرفته‌اند و سعی در اصلاح این قانون از طریق مسئولین ذیربط را خواستار شدند.

فصل چهارم:

نتیجه گیری و پیشنهادات

نتیجه گیری

از گذشته‌های بسیار دور کودک انسان نیازمند حمایت پدر و مادر خود بوده است و با ایجاد کشورها و گسترش ممالک و دولت‌ها افراد نیازمند حمایت از دولت‌های خویش نیز پیدا کردند. تابعیت هم از مواردی است که توسط دولت به افراد داده می‌شود که بر اساس دو سیستم خاک و خون اعمال می‌شود. قانون مدنی نظام جمهوری اسلامی ایران در ۱۶ ماده قوانین تابعیت ایران را بیان کرده است و اصلی ترین ماده و اساسی ترین آن ماده ۹۷۶ قانون مدنی است که اتباع ایران را در هفت بند و یک تبصره مشخص می‌کند.

در بند دوم این قانون افرادی را که پدر آن‌ها ایرانی است در هرکجای دنیا به دنیا بیایند ایرانی محسوب می‌کند. در بند چهارم ماده ۹۷۶ فرد متولد در ایران را به شرط اینکه پدر و یا مادرش متولد ایران باشد با وجود خارجی بودن والدین ایرانی می‌داند.

این ماده قانونی و سایر مواد قانونی در مورد فرزند مادر ایرانی و پدر بیگانه سکوت است. بنابراین همین سکوت، موجب بوجود آمدن کودکان بی‌تابعیت زیادی شده است.

لذا طبق قانون مدنی ایران به کودک متولد از مادر ایرانی و پدر خارجی در ایران با استناد به هیچ ماده‌ی قانونی نمی‌شود تابعیت ایران را داد به همین علت مجلس شورای اسلامی در مورخه‌ی ۱۳۸۵/۷/۲ طرح «تعیین تابعیت فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی» را به تصویب رساند. که به این کودکان بعد از رسیدن به سن ۱۸ سال در صورت نداشتن سوء پیشینه‌ی کیفری یا امنیتی و اعلام رد تابعیت غیرایرانی به تابعیت ایران پذیرفته می‌شود که البته متأسفانه این ماده واحده احتمالاً

این ماده قانونی و سایر مواد قانون مدنی در مورد فرزند مادر ایرانی و پدر بیگانه سکوت کرده است. به علت همین سکوت قانون سبب بوجود آمدن کودکان بی‌تابعیت زیادی شده است.

برای مواجهه موثرتر با پیامدهای مربوط به تابعیت فرزندان زنانی که با اتباع خارجی وصلت می‌کنند باید به تسریع در تصویب لایحه مصوب دولت در مجلس و توجیه نمایندگان به تبعات امنیتی عده‌ای که در صورت حل نشدن این موضوع ممکن است دامن گیر کشور شود.

پس طبق قانون مدنی ایران به کودک متولد از مادر ایرانی و پدر خارجی در ایران با استناد به هیچ قانونی نمی‌توان تابعیت ایران را داد به همین خاطر مجلس شورای اسلامی در مورخه‌ی ۱۳۸۵/۷/۲

طرح «تعیین تابعیت فرزندان حاصل از ازدواج ایرانی با مردان خارجی» را به تصویب رساند، که به این کودکان بعد از رسیدن به سن قانونی (۱۸ سال) در صورت نداشتن سوء پیشینه‌ی کیفری یا امنیتی و اعلام رد تابعیت غیر ایرانی به تابعیت ایران پذیرفته می‌شود که البته متأسفانه این ماده واحده احتمالاً بدون کار کارشناسی انجام شده بود و نظر دکتربین حقوق بین الملل خصوصی و وزارت خارجه لحاظ نشده بود زیرا این کودکان تعیین تکلیف نشده‌اند و تابعیت ایران را بدست نیاورده‌اند بلکه ابتدا باید اقدام به رد تابعیت غیر ایرانی (در صورت داشتن چنین تابعیتی می‌کردند) و در ضمن فرصت یک سال برای تابعیت به نظر کافی نمی‌رسد.

به هرجهت این ماده واحده به چنین کودکانی تابعیت ایران را بعد از ۱۸ سالگی می‌دهد آن هم نه تابعیت به هنگام تولد بلکه تابعیت اکتسابی که تمام محدودیت‌های تابعیت اکتسابی شامل آن‌ها می‌شود.

تنها شرط اقامت مقرر در بند دو ماده‌ی ۹۷۹ را از آنها سلب کرد.

بدین جهت همه این نواقص سبب شد که نمایندگان مجلس پس از پنج سال از تصویب ماده واحده به فکر اصلاح آن بیفتند که البته این طرح در سال ۱۳۹۱ تصویب شد اما با ایراد رد شورای نگهبان روبه رو شد و رد شد و مجدداً در سال ۱۳۹۶ مورد تجدید نظر واقع شد و این بار نیز با یک سری از لایحه‌های آن توافق نشد.

همان طور که می‌دانید قوانین تابعیت ایران بیش از ۸۰ سال پیش به تصویب رسیده است و با توجه به معادلات جهانی و منطقه‌ای ضرورت دارد نسبت به این قوانین بازنگری صورت بگیرد و نواقص آن از جمله بند یک و چهار ماده‌ی ۹۷۶ هرچه زودتر اصلاح شود.

البته ذکر این نکته لازم است که در طرح اصلاح ماده واحده مخصوصاً تبصره‌ی سه آن علاوه بر معافیت از پرداخت حق اقامت، حق تحصیل و بهداشت و درمان رایگان، تعلق یارانه نقدی پیش‌بینی شده است که به نظر می‌رسد این افراط باعث ایراد شورای نگهبان شد. چرا که نه تنها بار مالی آن پیش‌بینی نشده بود بلکه موجب فشار مالی بسیار زیاد به دولت می‌شد. بنابراین همان معافیت از پرداخت حق اقامت و تحصیل و بهداشت و درمان کافی به نظر می‌رسید، و نیازی به گرفتن یارانه نبود زیرا که اکثریت این مادران به دنبال گرفتن تابعیت ایران و شناسنامه ایرانی هستند و برخورداری از یارانه نقدی در اولویت‌های بعدی قرار دارد.

بند ۴ ماده‌ی ۹۷۶ سبب برداشت‌های آزاد و متفاوت از آن شده و وجود این بند روحیه‌ی زنان ایرانی را جریحه‌دار می‌کند چرا که در آن به طور آشکار زن بیگانه به زن ایرانی الاصل ترجیح داده شده است و دکتربین حقوق بین الملل نیز مخالف این قضیه هستند و اعطای تابعیت مادر ایرانی به

فصل چهارم: نتیجه گیری و پیشنهادات / ۱۲۳

فرزند متولد از پدر خارجی از طرف اکثر علمای حقوق بین الملل خصوصی مورد حمایت قرار می گیرد. با توجه به این که اصلاح برخی از احکام مربوط به تابعیت وجود دارد که تصویب آن ها برای برون رفت از برخی مشکلات موجود در این حوزه ضروری به نظر می رسد، و همچنین نظر به اینکه لایحه ای از سوی دولت با موضوع اصلاح قانون تعیین تکلیف تابعیت فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی و مردان خارجی در جلسه هیئت وزیران تصویب شده و در حال ارسال به مجلس بوده و در دستور کار کمیسیون قضایی و حقوقی می باشد. و همچنین با توجه به موضوعیت تابعیت ایرانی برای اتباع خارجی ضرورت دارد با تهیه برنامه های تلویزیونی و نیز آگاه سازی در سطح مدارس دخترانه، نگاه ابزاری اتباع خارجی به زنان ایرانی برای کسب تابعیت ایرانی، بازتاب روشنی در جامعه پیدا کند و همین طور بخشی از راه حل موضوع تابعیت زنان ایرانی دارای همسر خارجی به همکاری بین دولتی با کشورهای همسایه مربوط می شود. از این رو ضرورت دارد وزارت امور خارجه در سطح روابط دوجانبه با این کشورها برای کنترل عوارض این مسئله توافقاتی صورت دهد.

پیشنهادهات

۱- لزوم اصلاح قوانین تابعیتی ایران خصوصاً ماده‌ی ۹۷۶ قانون مدنی و بویژه بند چهارم این ماده. به دلیل اینکه در بند ماده‌ی ۹۷۶ به طور بی قید و شرط و بی‌مهابا به هرکس که ساکن ایران به جز اشخاصی که تبعیت خارجی آن‌ها مسلم باشد تابعیت ایرانی داده می‌شود (سیستم خاک) و در بند چهارم هم به فرزندی که متولد در ایران از پدر و یا مادر خارجی که یکی از آن‌ها در ایران متولد شده باشد تابعیت ایران داده می‌شود ولی به فرزندان مادران ایرانی از پدر خارجی این تابعیت داده نمی‌شود که لازم بر اصلاح می‌باشد.

۲- باید در جایی که به فرزندی از پدر یا مادر خارجی متولد ایران در ایران به دنیا می‌آید تابعیت ایرانی داده می‌شود به تبع اولی به فرزند مادر ایرانی از زمان تولد نه از ۱۸ سالگی اعطا شود

۳- با توجه به اینکه افرادی که تن به چنین ازدواج‌هایی می‌دهند از لحاظ فرهنگی و اقتصادی در سطح بسیار پایین اجتماع بوده و اکثراً مرزنشین هستند چه ازدواج آن‌ها با رعایت ماده‌ی ۱۰۶۰ انجام شده یا نشده باشد به فرزند آن‌ها تابعیت ایران داده‌شود.

۴- لازم است طرح اصلاح ماده واحده هرچه زودتر در مجلس مورد بازنگری قرار گرفته و رفع ایرادات شورای نگهبان و با استفاده از نظر دکترین حقوق بین‌الملل و قضات محترم و همچنین تمامی مسئولین در راس کار وزارت خارجه و ثبت احوال قرار گیرد که مجدد در مجلس تصویب و مورد تایید شورای نگهبان قرار بگیرد تا در حدود بیش از صد هزار کودک از بلاتکلیفی و وضعیت نابسامان و بحرینج نجات یافته و از صدمات اجتماعی جبران‌ناپذیری که هم به خود و هم به کشور پیشگیری و جلوگیری گردد.

۵- در مورد کنوانسیون‌های بین‌الملل نیز لازم می‌باشد همه‌ی کشورها از جمله ایران به کنوانسیون‌های منعده مربوط به حقوق کودکان و حقوق زنان ملحق شود، حقوق زنان از آن جهت که حقوق کودکان با حقوق زنان مرتبط است و هرگونه عدم رعایت حقوق زنان خصوصاً در تابعیت کودکان بی‌تاثیر نیست. در ارزیابی کنوانسیون حقوق کودک ۱۹۸۹ باید گفت اصول ذکر شده در این کنوانسیون مبین نیازمندی‌های اساسی بنیادی کودکان است و از لحاظ تدوین، مقرراتی جامع درباره‌ی کودکان دارد، لذا باید دولت در جهت حمایت از حقوق زنان و الحاق به کنوانسیون‌های مرتبط با حقوق زنان اقدام کرده و گام‌های موثری را نیز بردارد.

۶- پیشنهاد می‌شود که سازمان غیر دولتی تاسیس شود تا مسئولیت تهیه بانک اطلاعاتی از مشخصات زنان ایرانی دارای همسر خارجی و فرزندان آن‌ها را برعهده بگیرد. این سازمان همچنین می‌تواند مسئول پیگیری امور حقوقی و قانونی مربوط به کسب تابعیت و ثبت ازدواج این شهروندان باشد.

ضمائم

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

۲ مهر ماه ۱۳۸۵ هجری شمسی
۳۰ شعبان المعظم ۱۴۲۷ هجری قمری

جلسه دویست و پنجاه و پنجم
(۲۵۵)

شماره ارسال به صحافی
۷۸۹۶

عنوان نشریه: شرح مذاکرات مجلس شورای اسلامی

شماره: ۲۵۵-۲۷۵
۱۳۸۵
ان اداره

مشروح مذاکرات مجلس شورای اسلامی



دوره هفتم - اجلاس سوم
۱۳۸۵ - ۱۳۸۶

صورت مشروح مذاکرات جلسه علنی روز یکشنبه دوم مهر ماه ۱۳۸۵

فهرست مندرجات:

- ۱ - اعلام رسمیت و دستور جلسه.
- ۲ - تلاوت آیاتی از کلام الله مجید.
- ۳ - ناطقین قبل از دستور آقایان: احمد بزرگیان، طاهر آقا بزرگرتیکمه‌دش، مرتضی تمدن و حسینعلی شیریاری.
- ۴ - بیانات نایب رئیس محترم مجلس شورای اسلامی بمناسبت حلول ماه مبارک رمضان، هفته دفاع مقدس، آغاز سال تحصیلی، سخنان اخیر یاب، سفر رئیس جمهور به نیویورک و نیز سفر ریاست محترم مجلس به کشورهای تاجیکستان، ارمنستان و قرقیزستان.
- ۵ - تذکرات نمایندگان مردم در مجلس شورای اسلامی به مسؤولان اجرایی کشور.
- ۶ - تذکر آیین‌نامه‌ای و اخطار قانون اساسی آقایان: ایرج ندیمی، بایرام گلدی برمک و حمید زنگنه نمایندگان محترم
- لاهیجان، مینودشت و اهواز.
- ۷ - تصویب طرح یک فوریتی تعیین تکلیف تابعیت فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی.
- ۸ - رد تقاضای عده‌ای از نمایندگان محترم مجلس شورای اسلامی در خصوص تحقیق و تفتیش از عملکرد شهرداری تهران.
- ۹ - طرح سؤال آقای بیژن شهبازخانی نماینده محترم ملایر از وزیر محترم علوم، تحقیقات و فناوری و ارجاع آن به کمیسیون مربوطه.
- ۱۰ - استرداد یک فقره طرح و (۲) فقره سؤال.
- ۱۱ - اعلام وصول (۶) فقره سؤال.
- ۱۲ - قرائت اسامی غائبین و تأخیر کنندگان.
- ۱۳ - اعلام ختم جلسه و تاریخ تشکیل جلسه آینده.

«جلسه ساعت هشت و هجده دقیقه به ریاست آقای محمدرضا باهنر «نایب رئیس» رسمیت یافت»

اداره تدوین مذاکرات مجلس شورای اسلامی

که خودشان باشند اعمال نظر شخصی نکنند. بحث این است که بعضی از نماینده‌ها معتقد هستند که یک ترک اولی شده شاید اگر مثلاً مجمع، انتخاب می‌کرد یا مجمع استانی انتخاب می‌کرد بهتر انجام می‌شد. این جزء اختیارات هیأت مرکزی نظارت بر انتخابات بوده، از این اختیارات خودش استفاده کرده.

۷ - تصویب طرح یک فوریتی تعیین تکلیف تابعیت فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی

نایب رئیس - جناب آقای حاجی بابایی دستور اول جلسه را مطرح بفرمایید.

منشی (حاجی بابایی) - اولین دستور گزارش کمیسیون قضایی و حقوقی در مورد طرح یک فوریتی اصلاح بندهای (۴)، (۵) و (۶) ماده (۹۷۶) قانون مدنی و الحاق یک تبصره به آن است. مخیر محترم کمیسیون قضایی و حقوقی برادر سلیمانی بفرمایید.

نایب رئیس - من دو نکته را عرض کنم، یک اینکه آقای جلالی (شاهرود) می‌فرمایند بگویند که آقای جلالی رسیدی نماینده کرج است و ایشان نیستند. آقای جلالی (شاهرود) عضو مرکزی هیأت نظارت بر انتخابات نیستند، این نکته اول.

نکته دوم هم من خدمت عزیزان عرض می‌کنم، عزیزی که اعتراض دارند اعتراضات خودشان را به هیأت رئیسه مراجعه کنند، ما بررسی می‌کنیم و از اعضای هیأت مرکزی نظارت بر انتخابات هم دعوت می‌کنیم، اعتراضات را بررسی می‌کنیم، امیدواریم که ان شاء الله با همدلی، همکاری و همفکری مسأله حل بشود و مشکل جدی بوجود نیآورد. عزیزان مراجعه کنند. آقای قربانی! اگر عزیزی اعتراض داشتند جناب آقای قربانی مأمور هستند (البته بعد از جلسه علنی) حرف معترضین را بشنوند و ان شاء الله سعی بکنند که مشکل را به سمت حل شدن جلو ببرند. جناب آقای سلیمانی بفرمایید.

حسن سلیمانی (مخیر کمیسیون قضایی و حقوقی) -

بسم الله الرحمن الرحيم

گزارش کمیسیون قضایی و حقوقی به مجلس شورای اسلامی طرح اصلاح بندهای (۴)، (۵) و (۶) ماده (۹۷۶) قانون مدنی و الحاق یک تبصره به آن به شماره چاپ (۱۳۴۸) که با قید یک فوریت به این کمیسیون بعنوان کمیسیون اصلی ارجاع شده بود در جلسات متعدد و با حضور کارشناسان ذی ربط مطرح گردید و پس از بحث و تبادل نظر نهایتاً در جلسه مورخ ۸۵/۶/۱۲ با اصلاحاتی در عنوان و متن بشرح زیر مورد تصویب قرار گرفت. اینک گزارش آن تقدیم مجلس محترم شورای اسلامی می‌گردد.

نایب رئیس کمیسیون قضایی و حقوقی - محمدحسین فرهنگی (ضمناً گزارش کمیسیون فرعی «امنیت ملی و سیاست خارجی» تا این تاریخ واصل نگردیده است).

نفر حق حرف زدن دارند. آقای باهنر اینطور که نمی‌شود، ما نمی‌دانیم واقعاً مشکلمان را به چه کسی بگوییم؟ (نایب رئیس - عرض کردم که به من بگویند) بنده به شما مراجعه کردم، می‌گویید به آقای جلالی مراجعه کن، آقای جلالی را پیدا نمی‌کنم به آقای فلاحت پیشه مراجعه می‌کنم. ظاهراً هیچکس در این مجلس نباید جوابگو باشد؟

نایب رئیس - حالا جناب آقای زنگنه ببینید! اجازه بدهید... بحث تمام شد؟ (زنگنه - خیر، تمام نشده آقا!) بحث شما وارد نیست، میکروفون را قطع کنید...

زنگنه - شما حق ندارید میکروفون من را قطع کنید.

نایب رئیس - جناب آقای زنگنه من که عرض کردم... ببینید! من اینجا که جلسه علنی را آغاز کردم جناب آقای زنگنه مراجعه فرمودند که آقا! من به نسبت انتخاب نظار استان خوزستان اعتراض دارم. عرض کردم به هیأت مرکزی نظارت تشریف ببرید، بفرمایید بنشینید صحبت کنید. دستور جلسه را آغاز بفرمایید.

علیخانی - ما همینجا حق داریم، ما اعتراض داریم... (همهمه نمایندگان)

زنگنه - این درست نیست، اجازه ندارید میکروفون را قطع کنید.

نایب رئیس - اجازه بفرمایید من خدمت عزیزان عرض می‌کنم. برداران بزرگوار و خواهران محترم ببینید! در رابطه با مسأله‌ای که... چون حالا دو، سه نفر از نمایندگان واقعاً اعتراض دارند من یک توضیح مختصری خدمتتان عرض کنم...

علیخانی - همه اعتراض دارند... (همهمه نمایندگان)

زنگنه - آقای باهنر! تریبون را باز کنید ما حق داریم... شما دارید خلاف آیین‌نامه عمل می‌کنید.

نایب رئیس - ببینید! من خلاف آیین‌نامه نمی‌توانم اجازه بدهم که حالا مشکلی بوجود آمده از تریبون بحثی را مطرح کنید. تعدادی از عزیزان مسأله هیأت مرکزی نظارت بر انتخابات را که شما انتخاب کردید و رأی دادید، اینها طبق قانون، نظار استانی را انتخاب کرده‌اند، بر این انتخابات بعضی از اعضای استانیها اعتراض دارند، اعتراض هم به انتخاب همکارانشان است. مثلاً می‌گویند من را چرا انتخاب نکردی فلائی را انتخاب کردی؟ درحالیکه اگر این انتخاب انجام شده بود... (ندیمی - نه آقا اینطوری نیست) عرض می‌کنم، ببینید! بعضی از عزیزان معترضند می‌گویند این انتخابات کاش توسط مجمع عمومی انجام شده بود، کاش به توسط... اینها جزء اختیارات قانونی هیأت نظارت است. هیأت نظارت بر انتخابات حق داشته بصورت قانونی خودش از هر استان انتخاب بکند و قاعداً هم... (علیخانی - کجا مجلس این اختیار را به اینها داده؟ حالا شروع کرده‌اند که... کسی حق اعمال نظر شخصی در نظارت بر انتخابات شوراها را ندارد، عزیزی که انتخاب شده‌اند حتماً میرا هستند از اینکه اعمال نظر شخصی بکنند و عزیزی هم که اعتراض دارند قطعاً این قصد را ندارند

خارجی ندارد و اگر ازدواج کرد ازدواج مورد پذیرش و مورد حمایت و مورد صیانت نظام نیست. شرط حمایت و صیانت و رسمیت اعطای اجازه به زن ایرانی برای ازدواج با تابعیت خارجی است.

حالا می‌خواهیم آنهایی که ازدواج کرده‌اند و این شرایط را رعایت نکرده‌اند تنفیذ کنیم، بیایم بگوییم آقا! آنهایی که انجام داده‌اید قبول کردیم، به رسمیت می‌شناسیم، بچه‌های حاصل از ازدواج را به رسمیت می‌شناسیم، با تقاضا و با شرایط مقرر این قانون بعد از رسیدن به سن (۱۸) سال اگر دوست دارند ایرانی بشوند به آنها تابعیت ایرانی می‌دهیم و برای بعد از این تاریخ هم و در تبصره (۲) که در حقیقت تعارضی با ماده (۹۷۹) از نظر اقامت بوده، در مقام حل بوده، گفته اگر کسی از این تاریخ بعد هم می‌خواهد با زن ایرانی ازدواج کند الزام دارد ماده (۱۰۶۰) را رعایت کند، حتماً اجازه بگیرد، حتماً بعد از اینکه به سن (۱۸) سال رسید یعنی بالغ شرعی و قانونی شد و بعد توانست خودش را اداره کند و اهلیت استیفاء پیدا کرد آنموقع با موافقت ماده (۹۷۹) یعنی آن پنجسال اقامت ضرورت ندارد او بیاید تقاضای تابعیت کند و ازدواج او هم رسمی شده باشد و به ثبت هم رسیده باشد برای این تاریخ ببعد.

یعنی در حقیقت در دو مرحله این طرح دارد عرف می‌زند، یکی از ازدواجهایی که از تاریخ قبل از انقلاب تا الان انجام گرفته و رعایت مقررات قانونی در ثبت و اجازه آن نبوده بچه‌ای حاصل شده آن بچه گرفتار است الان می‌خواهیم از تاریخ تصویب این طرف یکسال تعیین تکلیف کنیم و بعد نسبت به ازدواجهایی که از این تاریخ بعد می‌خواهد انجام بگیرد و بچه‌هایی که از آنها حاصل می‌شوند الزاماتی را مقرر می‌کند آن الزامات باید رعایت بشود تا اینکه بچه‌های حاصل از آن ازدواجها بتوانند بعنوان ایرانی تقاضای تابعیت ایرانی بکنند. اگر دوستان و عزیزان محبت کنند به شور اول رأی بدهند با توجه به اینکه فوریت طرح قبلاً تصویب شده باید وارد شور دوم بشویم، خواهش می‌کنم که دوستان لطف کنند و با رأی بالایی به کلیات آن رأی بدهند که اگر ایرادات و پیشنهاداتی داشتند بعنوان شور دومی بلافاصله شروع می‌شود نظرات خدمت شما عرض می‌شود و ان شاء الله رفع ایرادات آن هم بعمل خواهد آمد. والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

نایب رئیس - اولین مخالف را دعوت می‌فرمایید.

منشی (محمدصادقی) - اولین مخالف آقای کامران هستند، می‌فرمایند.

حسن کامران دستجردی - بسم الله الرحمن الرحيم

خدمت شما در رابطه با افغانه... (بله، حاج خانم! فیاض بخش می‌خواهید و قتم را به شما بدهم؟)

یک بحثی که راجع به افغانه است (بقول خانم فیاض بخش می‌فرمایند تابعیت) من هم عقیده شما هستم، منتها این واقعاً اگر رأی بیاورد اشکال ندارد آن را کمیسیون اصلاح کند.

در رابطه با اصلاح پندهای (۴)، (۵) و (۶) ماده (۹۷۶) قانون مدنی کلاً عنوان طرح به طرح تعیین تکلیف... (جناب آقای باهنر! کسی گوش نمی‌دهد که من صحبت کنم؟) عنوان طرح به طرح تعیین تکلیف تابعیت فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی تبدیل شد. یعنی اینکه... (چه کسی گوش می‌دهد؟ برای چه بحث می‌کنم؟) زنانی از ایران با توجه به شرایط انقلاب با مردان خارجی ازدواج کرده‌اند و از این ازدواج فرزندان حاصل شده و این فرزندان... (همه‌همه نمایندگان) آقای باهنر! بگوید گوش کنند، کسی گوش نمی‌دهد. از همکاران عزیزم خواهش می‌کنم این بحث مهمی است ما حدود (۱۲۰) هزار نفر را می‌خواهیم وارد تابعیت ایران کنیم لاقفل گوش بدهید من بحث کنم، اگر گوش نمی‌دهید من بروم بنشینم و حرف نزنم.

نایب رئیس - آقای سلیمانی شما چند لحظه تحمل بفرمایید!... می‌فرمایند.

سلیمانی - همکاران عزیزم عنایت بفرمایند در طرح تعیین تکلیف تابعیت فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی اجازه داده می‌شود از تاریخ تصویب این طرح که یک فوریت آن هم تصویب شده بعد از تصویب کلیات ان شاء الله وارد شور دوم در همین مجلس خواهیم شد اگر زنان ایرانی با مردان خارجی ازدواج کردند و تا تاریخ تصویب این قانون و یکسال بعد از تصویب این قانون فرزندان از این ازدواج حاصل شده و یا می‌شود این فرزندان به تابعیت ایرانی پذیرفته شوند یعنی اعطای تابعیت ایران بشوند، به شرط اینکه سابقه کیفری مؤثر یا سابقه امنیتی نداشته باشند.

بنابراین تا تصویب این طرح فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با افغانه و یا سایر ملیتهایی که بنا به ضرورت جنگ و انقلاب وارد این مملکت شده‌اند و ازدواج کرده‌اند روشن خواهد شد و نیاز به طی تشریفات که الان در قانون مدنی برای اعطای تابعیت هست، نیست. علت اساسی این طرح این است، نه اینکه الان ما قانون نداشته باشیم یا قانون ما سکوت یا اجمال داشته باشد. تشریفات دارد که طی آن تشریفات و انجام آن تشریفات مانعیت اعطای تابعیت است. این طرح اعطای تابعیت را تسهیل می‌کند و اجازه می‌دهد افراد حاصل از این ازدواج با رعایت شرایط مذکور در این ماده و تبصره آن به تابعیت ایرانی پذیرفته بشوند.

بعد گفته شده که «وزارت کشور نسبت به احراز ولادت طفل در ایران و صدور پروانه اقامت ازدواج موضوع ماده (۱۰۶۰) قانون مدنی اقدام می‌کند». بنابراین مأمور اجرای این قانون هم وزارت کشور می‌شود، احراز ولادت می‌کند، اجازه ماده (۱۰۶۰) قانون مدنی می‌دهد، ماده (۱۰۶۰) قانون مدنی یعنی اینکه زن ایرانی اگر بخواهد با تبعه خارجی ازدواج کند باید از دولت جمهوری اسلامی ایران اجازه بگیرد تا آن ازدواج رسمیت داشته باشد والا حق ازدواج با تبعه

نایب رئیس - آقای اختری بفرمایید.

عباسعلی اختری - بسم الله الرحمن الرحيم

همکاران گرامی، برادران و خواهران محترم عنایت بفرمایند! ما برای حل مشکل کسانی که از مادر ایرانی و پدر غیرایرانی متولد شده‌اند یک مشکل گسترده دیگری را فراهم نکنیم. عنایت داشته باشید که افرادی از منطقه شرق کشور ما با اهداف سیاسی و اهداف غیرمنقح اقدام می‌کنند و فرزندان زیادی را در این کشور بوجود می‌آورند.

توجه داشته باشیم که تابعیت دادن به کسانی که هیچگونه اشرافی بر خطشان، بر فکرشان، بر عقایدشان و بر رفتار و ارتباطشان با خارج از کشور نداریم چه پیامدهایی خواهد داشت؟ بدون تردید فرزندان تحت تأثیر افکار و عقاید پدران قرار می‌گیرند، گرچه مسلمان هستند و لکن در خیلی از چیزها مبانی حکومتی و مبانی عقیدتی ما را قبول ندارند اینها موجب می‌شود ما به قشر زیادی از افراد جامعه تابعیت بدهیم با اینکه خیلی از مبانی حکومتی ما را قبول ندارند.

خوب، این مسأله را کشورهای دیگر هم دارند چه ضرورتی دارد که ما تابعیت بدهیم و بعد بر اثر تابعیت یکسری از لوازم آن را هم تحمل کنیم؟ نمایندگان محترم عنایت بفرمایند ما که نمی‌توانیم همه مسائل را از تریبون مجلس بیان کنیم، اما به واقعیتها توجه داشته باشیم.

نکته دیگری که من می‌خواهم عرض کنم این است شما بجای تابعیت بیاورید به اینها مجوز اقامت بدهید. مگر بسیاری از کشورهای اروپایی در رابطه با مردم ایران و افرادی که از اینجا می‌روند همینطور رفتار نمی‌کنند؟ شما با تصویب این قانون به کسانی تابعیت می‌دهید که نمی‌دانید چه می‌کنند و چه حرکت‌های سیاسی انجام می‌دهند. گاهی در موقع مخالفت با کلیات حتماً مخبر محترم کمیسیون می‌فرمایند طبق معمول که شما به کلیات رأی بدهید جزئیات در شور دوم ملحوظ می‌شود، پیشنهادات مطرح می‌شود. باتوجه به اینکه این طرح یک فوریتی است بعد از تصویب کلیات بلافاصله باید به جزئیات هم عزیزان رأی بدهند و من فکر نمی‌کنم رأی دادن به چنین طرحی و تصویب تابعیت برای افرادی که در این ماده واحده نام برده شده به صلاح کشور و به صلاح نظام اسلامی و جامعه باشد. نباید برای رفع یک مشکل (۱۰) مشکل دیگر بعد از آن طبق قانون برای خودمان درست کنیم.

بنابراین من با کلیات این طرح مخالف هستم و از محضر محترم نمایندگان عزیز تقاضای منم عنایت کنند و با یک آینده‌نگری و دوراندیشی این طرح را مورد تصویب قرار ندهند.

والسلام علیکم و رحمه الله

نایب رئیس - موافق را دعوت بفرمایید.

منشی (محمدصادقی) - موافق آقای ندیمی هستند.

ندیمی - آقای دهقان صحبت می‌کنند.

در ایران بعضی از افغانه زن گرفته‌اند و در همه شهرها هم این هست و دارای اولاد شده‌اند. حالا اینها را می‌خواهید چکار کنید؟ حالا یک وقتی است که او می‌خواهد بیاید در ایران کار بکند و قاچاقی هم می‌آید، خلاف هم می‌آید خوب، جلو آن را بگیرد. اینهمه امکانات دست وزارت کشور، دست مبادی قانونی ذی ربط است، ولی ما آثاری هم ندیدیم، فقط همه آن مصاحبه است در این تاریخ ما اینها را بیرون می‌کنیم و می‌روند و بعد هم می‌بینیم «کالاول» یعنی شما دیده‌اید در واحدهای تولیدی و در جاهای دیگر... منتها این بحث مربوط به انتهایی است که در ایران زن گرفته‌اند. یعنی شما آمده‌اید با اختیار در مراسم، در عقدشان، در عروسی‌شان شرکت کرده‌اید، بهر حال در محله به آنها کار داده‌اید و اینها مسلمان هم هستند و گاهی هم مثلاً می‌خواهد ثبت نام کند با مشکل مواجه می‌شود.

یاد کنم از حضرت آیت الله طباطبایی نژاد امام جمعه معز زمان که یک روز افتتاح حوزه در اصفهان برای خارجیها بود. ایشان حرف بحقی فرمودند، گفتند حالا اگر یک نفری که در این اصفهان برادر ماست و در حوزه درس می‌خواند و بچه هم دارد و اینجا هم ازدواج کرده خوب، چه گناهی دارد؟ بهر حال مگر می‌شود ما اینها را... یعنی در شهری که زندگی می‌کنیم و می‌گوییم «کلکم راع و کلکم مسئول عن رعیت» ما دو نگاه داشته باشیم. این است حالا شما اسم را می‌خواهید تابعیت بگذارید یا این تابعیت را بردارید تا مشکل قانونی اینها حل بشود.

این است که من به این دلیل اینجا موافق هستم که این کار انجام بشود البته بعنوان تابعیت... (نایب رئیس - جناب آقای کامران شما مخالفید یا موافق؟) عرض من بر این است که در تابعیت مخالف نیستیم... (نایب رئیس - شما از نوبت مخالفین استفاده کردید حالا بالاخره مخالفید یا موافق؟) بنده موافق هستم که کار اینها حل شود... حالا اگر مخالف هم اعلام کردند بنده درواقع... (نایب رئیس - شما آقای کامران معمولاً دقیقتر صحبت می‌کردید) نه، شاید هم من آنجا اشتباهی نوشته باشم، نمی‌دانم ولی عرض من این است که اینها باید سروسامان بگیرند.

نایب رئیس - بسیار خوب، آقای محمدصادقی! اگر مخالفی وجود دارد اعلام بفرمایید.

منشی (محمدصادقی) - آقای کامران البته به امضای خودشان اینجا نوشته‌اند.

کامران دستجردی - حالا شاید اشتباه شده باشد. منظور من این است که وضع اینها روشن بشود.

نایب رئیس - یک نوبت موافق را پای شما حساب می‌کنیم.

کامران دستجردی - اشکالی ندارد.

نایب رئیس - اگر مخالفی هست دعوت بفرمایید.

منشی (محمدصادقی) - آقای اختری مخالف هستند.

نایب رئیس - آقای دهقان بفرمایید.

محمد دهقانی نقندر - بسم الله الرحمن الرحيم

همکاران عزیز به این موضوعی که مطرح و بحث بسیار مهمی است عنایت کنند. تابعیت از موارد حاکمیتی کشور است و معمولاً نباید به قواعد مربوط به تابعیت دست زد مگر در موارد ضروری و بویژه تابعیت جمهوری اسلامی ایران هم یک تابعیت طلایی است و با همه این موارد و با لحاظ همه ظرایفی که به ذهن دوستان می‌رسد که حاج آقا اختاری هم فرمودند آن ظرایف را اشاره کردند و ما کاملاً آن ظرایف را قبول داریم و دقت کرده‌ایم. با همه آن ظرایف ما به این طرح رسیدیم. ششماه است که در قالب یک طرح دیگری بود، در کمیسیون و در کمیته بحث کردیم. بعد از مدتی آن مطرح شد، بخاطر اینکه لایحه آمد، گفتیم لایحه را در دستور کار قرار می‌دهیم، لایحه استرداد شد دوباره طرح فوریتی نوشتیم، یعنی حداقل ما ششماه روی این طرح کار کردیم. همه ظرایفی که به ذهن دوستان برسد توسط کارشناسان محترم وزارت کشور، وزارت اطلاعات، وزارت خارجه و نیروی انتظامی، تمام این ظرایف و مسائل و آن اشکالاتی که در ذهنشان است حتی نمی‌توانند دوستان بگویند همه اینها را در کمیته تخصصی بررسی کردیم و شما اگر دقت کنید این طرح یک نوسانات زیادی هم داشته، یعنی از یک موضوعی که بالاخره تابعیت ذاتی را اعطاء می‌کرد به تابعیت اکتسابی رسیده و با توجه به این، الان این طرح در دستور کار آمده و یک کار پخته همه‌جانبه روی آن انجام شده، این مقدمه بحث.

متن بحث این است که بهرحال ما در این طرح دو مطلب داریم، یکی راجع به آینده که قانون ما دارای اشکالاتی است و بخاطر ابهاماتی که در قانون ما تا الان بوده در مورد فرزندان متولد از مادران ایرانی و پدران خارجی، برخی از دادگاهها بنوعی رأی دادند، برخی دادگاهها بنوع دیگری رأی دادند. در بند (۴) ماده (۹۷۶) قانون مدنی یک اختلاف نظر حقوقی است. یک موضوع هم راجع به گذشته است، راجع به گذشته بهرحال این کشور بخاطر اینکه کشورهای همسایه دارای بحران بودند تعدادی از مردان کشورهای همسایه در این کشور آمدند و بهردلیلی با زنان ایرانی ازدواج کردند. تعدادی از آنها بچه‌هایی در این کشور متولد کردند، دارای بچه‌هایی هستند و بعضی از آنها فوت کردند، بعضی از آنها به کشورشان برگشتند، اما زنان ایرانی با بچه‌هایشان در ایران مانده‌اند و تا الان هیچ سرنوشت معلومی هم نداشتند. مردان رفتند یا فوت کردند یا اینکه اصلاً مردانشان هستند ولی بچه‌ها در داخل کشور فاقد هویت هستند، هر چند بعضی ممکن است بگویند اینها هویت خارجی دارند، بعضیها ممکن است بگویند نه، چونکه در ایران هستند از مادر ایرانی متولد شدند اینها دارای هویت ایرانی هستند. اما بهرحال وضعیت اینها از لحاظ قانونی باید روشن شود.

می‌دانید که بی‌هویتی در یک کشور و عدم تعلق به یک سرزمینی که فرد دارد در آن زندگی می‌کند، این بزرگترین خطر است. بیشترین بزهکاری و جرم‌زایی را باید از کسانی انتظار داشت که هویت ندارند. ما برای مصلحت جامعه و برای مصلحت افراد باید این مشکل را به یک نوعی ظریف و دقیق با همه ظرایف حل می‌کردیم و ما الان اینکار را کرده‌ایم. آمدیم در مورد گذشتگان، گفتیم کسانی که تا الان در ایران متولد شده‌اند، یعنی درواقع ما موضوع را دو بخش کردیم، کسانی که تا الان در ایران متولد شده‌اند و به سن (۱۸) سال رسیده‌اند، بالاخره اینها هم متعلق به پدر خارجی هستند، هم متعلق به مادر ایرانی. ما گفتیم که اینها خودشان در (۱۸) سالگی یعنی به سن رشد که رسیدند تعیین تکلیف کنند، یا تابعیت پدرشان را اعلام رد کنند و بعد بیايند تقاضای تابعیت ایرانی بکنند و شرایط را اگر داشتند به تابعیت ایران پذیرفته شوند و قبل از آنکه به (۱۸) سال هم برسند از امکانات اقامت استفاده کنند، مجاز به اقامت در ایران باشند، یعنی کارت اقامت بگیرند و اگر کارت اقامت گرفتند طبیعتاً از امکانات آموزشی و اینگونه مسایل هم برخوردار باشند. کسانی در ایران زندگی کنند، مشکل آموزشی داشته باشند، مشکل معیشتی داشته باشند و هویت هم نداشته باشند، تجربه هم نایب کرده که اینها بهیچوجه به کشور پدر برنمی‌گردند. تا الان هم بیش از (۹۶)، (۹۷) درصد طبق آماری که کارشناسان محترم دادند اینها در داخل ایران مانده‌اند.

حتی بعضاً اگر اینها با شوهران و بچه‌هایشان به خارج رفتند، مدت بسیار کوتاهی اینها با هزار بدبختی باز به ایران برگشتند. یعنی اینها بهرحال در ایران هستند، در ایران متولد شدند، تا الان در ایران زندگی کرده‌اند و تا آخر هم در ایران زندگی می‌کنند و در ایران خواهند مرد. لذا باید تکلیف اینها بعنوان افرادی که در ایران زندگی کردند مشخص باشد. چطور ما اگر یک پدری که دو نسل گذشته رفته آمریکا، رفته اروپا زندگی کرده، بچه‌هایش اصلاً رنگ ایران را ندیدند، اصلاً شاید نتوانند ایرانی صحبت کنند، ما آنها را می‌گوییم شما ایرانی هستید. چونکه پدر ایرانی بوده، سه نسل هم رفته در کشورهای خارجی زندگی کرده، تعلق خاطر آنچنانی به ایران ندارد. البته براساس قاعده خون، ما این را پذیرفتیم و قاعده درستی است هرچند که در بعضی از موارد در آن مورد قاعده خون ما افراط کرده‌ایم اما درعین حال این قاعده پذیرفته شده حقوق ماست و ما پذیرفتیم.

اما در اینجا قواعد حقوق مدنی ما این امکان را هم فراهم کرده که ما از قاعده خاک هم استفاده کنیم. کسانی که در ایران متولد شده‌اند و (۱۸) سال ماندند و خواهند ماند اینها را هم می‌توانیم طبق قواعد حقوقی، تکلیفشان را روشن کنیم و مصلحت کشور هم همین را اقتضاء می‌کند. مصلحت افراد، بالاخره ما مسلمان هستیم، ما نمی‌توانیم نسبت به افرادی که در این کشور متولد شده‌اند، دارای مشکل هستند و الان دارند زندگی می‌کنند، ما نسبت به اینها که

همه کارشناسان این چند وزارتخانه در کمیسیون بودند، دقت شده البته ممکن است بعضی پیشنهادات هم در شور دوم هست، بنظر من دوستان عنایت کنند، همه به کلیاتش رأی بدهند. اگر واقعاً موارد خاصی باشد، ایرادی وجود داشته باشد می‌توانند پیشنهاد حذف یا پیشنهاداتی که الان مکتوب داریم و چاپ شده است مطرح شود و این مشکل حل شود.

لذا من خواهش می‌کنم با توجه به اینکه حداقل ششماه، حداقل من عرض می‌کنم، ششماه روی این طرح کار کارشناسی شده، نه فقط مجلس بلکه کارشناسان مختلف چند وزارتخانه‌ای که عرض کردم و همچنین مرکز پژوهشها و تقریباً یک طرح پخته دقیقی الان ارائه شده که من خواهش می‌کنم عزیزان دقت کنند ما بین گذشته و آینده تفکیک کردیم و برای هر کدام حکم خاصی قائل شدیم که ان شاءالله عنایت کنند به کلیات این رأی بدهند تا شور دوم، والسلام

نایب رئیس - متشکر، مخالف بعدی را دعوت بفرمایید.

منشی (محمدصادقی) - مخالف بعدی سرکار خانم بیات هستند، بفرمایید.

رفعت بیات - بسم الله الرحمن الرحيم

با عرض خسته‌نباشید به همکاران گرامی، چون بحث بعد از (۱۸) سالگی در این متن آمده، هم در ماده واحده و هم در تبصره (۲) موجود در این بحث، همانطور که آقای دکتر دهقان گفتند تابعیت یک امر بسیار بسیار با اهمیت و حیاتی است و درعین حال من می‌خواهم این را عرض کنم که این بحث فعلی فقط منوط به یک کشور همسایه نیست، این مسأله بسیار کلی و بنظر می‌رسد کلان و دراز مدت است و در تاریخ یک کشور می‌تواند مؤثر باشد.

اما یک سؤال اینجا هست که من از همکاران گرامی کمیسیون سؤال می‌کنم، اینجا چرا به سن (۱۸) سالگی آوردیم؟ تا (۱۸) سالگی وضع چه می‌شود؟ یعنی همان می‌شود که الان در کشور حساسیت ایجاد شده، لذا شاید من مخالف آن عبارت وجود سن (۱۸) سالگی در اینمورد هستم پیشنهاد می‌کنم که این ماده واحده رأی نیاورد، همان متن اصلی که نوشته «می‌توانند تابعیت ایرانی اخذ کنند و این افراد در صورت نداشتن» و شرایط اصلی که در قانون مدنی است، به همین دلیل من مخالف هستم چون تا (۱۸) سالگی وضعیت فرزندان بدنیا آمده از مادر ایرانی و پدر خارجی کاملاً نامشخص است. لذا من پیشنهاد می‌کنم که این ماده واحده رأی نیاورد که برگردیم ان شاءالله به ماده اصلی رأی بدهیم. بخاطر اینکه موقعیت فعلی فرزندان بدنیا آمده از مادر ایرانی و پدر خارجی همین خواهد بود که الان هست، آینده هم همین گرفتاری را خواهیم داشت. تا (۱۸) سالگی وضعیت چه می‌شود؟ این (۱۸) سالگی که ما آوردیم یک مشکلات سیاسی، فرهنگی، آموزشی و نوعی بی‌هویتی که خود آقای دکتر دهقان فرمودند ایجاد خواهد کرد که الان هم هست. ما بدلیل اینکه

نمی‌توانیم بی‌تفاوت باشیم، تعدادشان هم زیاد نیست، ما حدود (۳۰) هزار ازدواج ثبت شده بعد از آنکه وزارت کشور اعلام کرد زنانیکه با مردان خارجی ازدواج کردند بیایند ما ازدواجشان را به ثبت برسانیم، (۳۰) هزار ازدواج ثبت شده داریم که درواقع دارای این شرایط هستند. طبق نظر کارشناسان محترم، حدود (۱۰۰) الی (۱۲۰) هزار نفر، طبق آنچه که شناسایی شدند، کسانی هستند که درواقع مشمول این متن می‌شوند که این (۱۲۰) هزار نفر بهر حال اگر از حالا بعد تکلیفشان روشن شود و اگر ایرادی نداشته باشند، به تابعیت ایران پذیرفته شوند، هم مشکل آنها حل می‌شود، هم مشکل جامعه حل می‌شود.

نسبت به آینده من باید حتماً این موضوع را عرض کنم، ببینید نسبت به آینده عرض کردم بند (۴) ماده (۹۷۶) قانون مدنی ما دارای ابهام است. حتی در اول مجلس هفتم، دوستان وزارت اطلاعات یک لایحه استفساریه آوردند در مجلس، بخاطر اینکه کمیسیون آن استفسار را در راستای همین متن این طرحی که الان داده شده تصویب کرد، از طرف دولت استرداد شد، لایحه همه استرداد شد و از آن متن بند (۴) ماده (۹۷۶) قانون مدنی، استنتاجها و برداشتهای مختلف می‌شود و بعضیها می‌روند از دادگاه رأی می‌گیرند و شناسنامه می‌گیرند، بعضیها نمی‌توانند، چونکه در روستاها زندگی می‌کنند، مشکلات خاص دارند، اصلاً پول وکیل ندارند، اصلاً بلد نیستند، آنها همینطور ماندند.

لذا ما برای آینده هم اینجا وضع را شفاف کردیم. برای آینده گفتیم چه؟ این خیلی مهم است که همه ملت ایران باید این را بدانند، بویژه دختران ایرانی از حالا بعد بدانند که این بسیار مهم است که اگر ان شاءالله مورد عنایت نمایندگان محترم قرار بگیرد، از حالا بعد این تصویبنامه و این قانون به این شکل می‌شود مردان خارجی که می‌خواهند با زنان ایرانی ازدواج کنند از حالا حتماً باید اول مجوز دولت را بگیرند، ماده (۱۰۶۰) قانون مدنی باید رعایت شود. تا الان بدون مجوز ازدواج می‌کردند، بجهایی را در کشور بجا می‌گذاشتند و می‌رفتند. از الان هم درواقع باید یکنوع فرهنگ‌سازی شود، هم قانون باید شفاف شود. قانون آمده گفته از حالا اگر یک مرد خارجی می‌خواهد با یک زن ایرانی ازدواج کند این متنی که ما اینجا در کمیسیون تصویب کردیم، اینجا باید حتماً بروند از ابتداء، یعنی قبل از ازدواج مجوز دولت و مجوز ماده (۱۰۶۰) قانون مدنی را بگیرند. اگر آن مجوز را گرفتند و بعد بجه (۱۸) سال در ایران زندگی کرد و بعد از (۱۸) سالگی تقاضای تابعیت ایرانی داشت، آنها دیگر به تابعیت ایران پذیرفته شوند. لذا نسبت به آینده هم وضعیت را کاملاً شفاف کردیم که این هرج و مرجی که متأسفانه الان در مورد تابعیت وجود دارد بخاطر آن ابهام قانونی، این هرج و مرج برطرف شود. نسبت به گذشته هم مصالح جامعه را دیدیم، مسائل امنیتی را دقت کردیم، ببینید!

ندارد، بی‌هویت است. تعداد زیادی از بچه‌ها را که حالا گفتند (۳۰) هزار نفر، مادر ایرانی که ازدواجشان اینچنینی و ثبت شده است، تعداد فرزندان اینها را شما در نظر بگیرید. آیا قبول می‌کنیم که اینها در کشور بدون هویت بمانند؟

نکته دوم این است که در گذشته، بخصوص بعد از انقلاب این قضیه خیلی روشن نبوده، قانونی هم نبوده و زنان ایرانی با مردان خارجی ازدواج کرده‌اند، گناه این بچه‌ها چیست؟ یک «عقاب بلا بیان» ما برایشان صادر می‌کنیم، بچه‌هایی که با این شرایط خاص در ایران بزرگ شده‌اند و در این قانون هم دقیقاً مشخص کرده‌اند به سن (۱۸) سالگی برسند، خودشان با آگاهی بایند تابعیت ایران را بپذیرند، بعد پیشینه کیفری هم نداشته باشد، تابعیت دیگر هم نداشته باشد، یعنی کاملاً یک امر شفاف و مشخصی را در این قانون تعیین کرده‌اند. اگر ما این مقدار هم به اینها این اجازه را ندهیم درواقع این تعداد فرزندان را به امری محکوم کرده‌ایم که خودشان به هیچ وجهی در تحقق آن شرایط مؤثر نبوده‌اند. درواقع عقاب بلا بیان درباره آنها انجام شده است.

دوستان نگرانیها و دغدغه‌هایی نسبت به بعضی از کشورهای همسایه دارند که در آینده باز این قضیه ادامه داشته باشد و مشکلات بافت جمعیتی برای کشور ما و امثال اینها بیاورند. دقیقاً عزیزان در کمیسیون قضایی این مشکل را هم حل کرده‌اند، هم خبر کمیسیون این را توضیح دادند هم جناب آقای دهقان این را خوب توضیح دادند، ببینید! یک قضیه نسبت به گذشته است، یک موضوع نسبت به آینده است. نسبت به گذشته تا تصویب این قانون از این تاریخ قضیه را حل کرده‌اند که سن (۱۸) سالگی با آن شرایط برسند، نسبت به آینده دیگر این قانون به این شکل شامل نیست، نسبت به آینده هم از اول قضیه را مقید کرده‌اند. گفتند زنان ایرانی، دختران ایرانی اگر بخواهند با مردان خارجی ازدواج کنند حتماً باید قبلاً در وزارت کشور بایند اطلاع بدهند، مجوز آنها را بگیرند و وزارت کشور هم اگر مشکلاتی در این مسأله ایجاد شود و تغییر بافت جمعیتی و مواردی دیگر اینها را در آینده رعایت می‌کند، اجازه نمی‌دهد، راهنمایی می‌کند، تبیین می‌کند، آگاه می‌کند. بنابراین هم اینها مشکل گذشته را که برای (۳۰) هزار خانواده است این را حل کرده‌اند، ما نمی‌توانیم قضیه را همینطور رها کنیم و همینطور نگه داریم، قانون این است که مشکل موجود را حل کند. اگر شما به این مسأله رأی ندادید درواقع این مشکل همچنان باقی خواهد ماند.

بنابراین مشکل گذشته حل شده، برای آینده هم پیش‌بینی‌های خوبی شده و تمهیدات خوبی آوردند تا مشکلات جدیدی ایجاد نشود. درخواست من این است که با توجه به شرطهایی هم که در خود قانون آمده و در کمیسیون قضایی بحث شده و وزارتخانه‌های ذی‌ربط، (وزارت کشور، وزارت اطلاعات) هم نظر خودشان را دادند، نظر موافق

بی‌هویتی فرزندان بدینا آمده از مادر ایرانی و پدر خارجی را اذیت می‌کند، داریم این طرح را می‌آوریم ولی دوباره کلمه‌ای آوردیم (تا سن ۱۸ سالگی) که هیچ مشکلی را حل نخواهد کرد.

لذا ماده قبلی که در قانون مدنی هست بدون در نظر گرفتن سن، یعنی فرزندی که از مادر ایرانی بدینا آمده و پدر خارجی هست، ایرانی فرض می‌شود، تابعیت دارد مگر اینکه از (۱۸) سالگی بعد خودش این تابعیت را حذف کند، تابعیت خارجی را بگیرد. لذا ما در قانون داریم اگر این را رأی بدهیم متأسفانه همان گرفتاری فعلی را خواهیم داشت، تا (۱۸) سالگی فرزندان این عزیزان بی‌تکلیف خواهند بود. هر چند کارت زندگی و آموزشی و بیمه و اینها را هم داشته باشند.

نایب‌رئیس - موافق بعدی را دعوت کنید.

منشی (محمدصادقی) - جناب آقای میرتاج‌الدینی بفرمایید.

سیدمحمدرضا میرتاج‌الدینی - عزیزان عنایت کنند این قانون با توجه به اینکه یک فوریت آنهم در مجلس رأی آورده بود، بعد در کمیسیون، ابعاد گوناگون آن با حضور کارشناسان از وزارت کشور و وزارت اطلاعات بحث شده و به این شکلی که الان مطرح است یکی از مسائل بسیار مهم است و موافقین و مخالفین هم بحثهای مهمی را مطرح کردند. در هر دو طرف هم نکته‌های حساس و قابل توجهی وجود دارد یعنی اگر از یک جهت نگاه کنیم بین دو محظوظ قرار گرفته‌ایم، در بین المحظوظین هستیم. حالا باید نگاه کنیم ببینیم که مزایا و امتیاز کدامیک بیشتر است و به آنطرف رأی بدهیم و من با مقایسه مجموعه این بحثها در گذشته هم بوده، امتیازهای جنبه موافقت را بیشتر می‌دانم حالا خدمتان عرض می‌کنم.

اولاً الان ما یک مشکلی را در جامعه داریم بسیاری از بچه‌هایی که از مادر ایرانی متولد شده‌اند و پدران آنها خارجی هستند، حالا پدرانشان هم در ایران اقامت دارند یا بعضی از آنها به خارج رفتند ولی مادران و بچه‌ها در ایران ماندند. اینها در این آب و خاک و در این سرزمین و با این فرهنگ بزرگ شده‌اند و دوست دارند که در همینجا تابعیت بگیرند و هیچ تابعیت کشور دیگری را قبول نکنند. ما این معضل و مشکل را چکار کنیم؟ همین چند روز قبل دانشجویی به من مراجعه کرده بود، کلی هم نامه نوشته بود که من الان به سن تکلیف رسیده‌ام، گذشته‌ام، دانشگاه آمده‌ام ولی این تابعیت من را نمی‌پذیرند، همین شرایط را داشت، با چه مشکلاتی روبرو شده‌ام و دنبال این بود که این قانون که در مجلس مطرح شده است یک امیدی در اینها ایجاد کرده است بلکه مشکلش حل شود.

تابعیت ندادن به این تعداد از کودکان و بچه‌هایی که بزرگ شده‌اند، اولین مشکلش این است که اینها بدون هویت می‌مانند. اینها شناسنامه ندارند چون در کشور دیگری هم نبودند که تابعیت داشته باشند بلکه در ایران هستند، پدرشان تابعیت دارد ولی خودش در ایران است، مادرش در ایران تابعیت دارد ولی خود بچه هیچ چیز

به این طرح بدهند، ممنون هستم.

نایب رئیس - خیلی ممنون، مخالف بعدی را دعوت بفرمایید.

منشی (محمدصادقی) - مخالف جناب آقای پایی هستند، بفرمایید.

نایب رئیس - آقای پایی مخالف هستند، پس کفایت مذاکرات را بحث کنید.

منشی (حاجی بابایی) - آقای زمانی بفرمایید.

پایی - من مخالف هستم.

نایب رئیس - ببینید! اگر دو مخالف، دو موافق صحبت کنند، ما می‌توانیم کفایت مذاکرات را به رأی بگذاریم. دوستان فکر می‌کردند دیگر مخالف ندارد، گفتند کفایت مذاکرات را به رأی نمی‌گذاریم، الان اگر شما بخواهید صحبت کنید پس ما مجبوریم اول کفایت مذاکرات را به رأی بگذاریم، اگر رأی نیاورد آنوقت شما صحبت کنید. اگر هم صرفنظر کنید که دیگر منتفی می‌شود. آقای زمانی پیشنهاد کفایت مذاکرات دارند، بفرمایید.

حسن زمانی - بسم الله الرحمن الرحيم

با عرض قبولی طاعات برای همه همکاران گرامی خودم. با توجه به توضیح مفصلی که مخبر کمیسیون دادند و دو نفر موافق و دو نفر مخالفی که در رابطه با موضوع کلی توضیحات لازم را دادند من فکر می‌کنم مجلس آماده دادن رأی است و نیاز به توضیح بیشتر نیست. من خواهشی که از همه همکارانم دارم این است که با رأی خود به کفایت مذاکرات اجازه بدهند مجلس روند بعدی کار خودش را داشته باشد. والسلام

نایب رئیس - بسیار خوب، مخالف آقای طلایی نیک هستند، بفرمایید.

رضا طلایی نیک - بسم الله الرحمن الرحيم

همکاران گرامی خواهش می‌کنم عنایت داشته باشند با این دو دلیلی که عرض می‌کنم فکر می‌کنم ابهامات زیادی در مورد این طرح وجود دارد و اجازه بدهیم حداقل یکی، دو نفر دیگر صحبت کنند و این ابهامات برای تصمیم‌گیری مشخص شود. این موضوعی است که سالهاست دلیل همین ابهامات هنوز در قانونگذاری شفاف نشده و متأسفانه در این طرح هم یک زمینه‌ای دارد فراهم می‌شود که یک تصمیم کلی برای همه اتباع خارجی گرفته شود، فقط بحث اتباع افغانی نیست، یعنی اگر فقط اتباع افغانی بود و یک الگوی خاصی برای این اتباع در اینجا می‌آمد، باز قابل اغماض بود اما ما داریم اینجا یک حکمی... به یک قانونگذاری می‌خواهیم دست بزنیم برای همه اتباع خارجی استفاده خواهد شد و این می‌تواند آثار و عوارض سنگین امنیتی، اجتماعی، حقوقی و حتی اقتصادی و سیاسی در پی داشته باشد. لذا با توجه به اینکه این ابهاماتی که در سخنان مخالفین محترم بود، در سخنان موافقین بصورت کامل پاسخ داده نشد و موکول به

آینده شد و ابهام، شفاف‌سازی نشد.

از طرف دیگر ما در این قانون به مجوزی می‌خواهیم بپردازیم که خود آن یک ابهامات جدیدی در پی دارد که در سخنان بعدی ممکن است اینها مطرح شود و یک قانونی است که بسیار می‌تواند آثار و عوارض دائمی داشته باشد، فقط مخصوص یک پدیده خاصی که الان در کشور ما در استانهای همجوار ما هست، نیست، چون حکم جاری و کلی و ثابتی را برای همه اتباع خارجی در آینده می‌تواند در پی داشته باشد و عوارض زیادی در پی داشته باشد اجازه بدهید مخالفین و موافقین بعدی هم، حداقل یک یا دو نفر صحبت کنند، متشکرم.

نایب رئیس - متشکر، حضار ۲۰۶ نفر، پیشنهاد کفایت مذاکرات مطرح است، نمایندگان رأی خودشان را در رابطه با کفایت مذاکرات اعلام بفرمایند. عزیزان محبت کنند در رأی‌گیری شرکت کنند. پایان رأی‌گیری را اعلام می‌کنیم، تصویب شد. دولت موافق، کمیسیون خیلی کوتاه بفرمایید.

حسن سلیمانی (مخبر کمیسیون قضایی و حقوقی) -

بسم الله الرحمن الرحيم

با تشکر از رأی که همکاران عزیزم درخصوص کفایت مذاکرات دادند، من چون دو بحث از طرف مخالفین محترم مطرح شد، یکی در رابطه با اینکه این نه تنها مشکلی را حل نمی‌کند بلکه مشکلی به مشکلات اضافه می‌کند، می‌خواهم عرض کنم نه، ما هم مشکلات را می‌شناسیم و هم این ماده را واقعاً برای حل مشکلات آوردیم، به این دلایلی که عرض می‌کنم.

در اینجا مطلق اجازه داده نشده هر بجای که از زن ایرانی آنهم در ایران متولد می‌شود به تابعیت ایران پذیرفته شود، بلکه با شرایطی اینجا داده شده. اول باید رد تابعیت ایرانی کند، سوءپیشینه کیفری یا امنیتی نداشته باشد. بنابراین مقامات ذی‌صلاحی که باید این مسائل را احراز و اعلام کنند، تشخیص می‌دهند آن آدمی که پدرش با هر شرایط و با هر نیتی در ایران ازدواج کرده است الان بعنوان یک فرزند در ایران مانده، از نظر امنیتی مصلحت هست که تابعیت پذیرفته شود یا نه، بعداً این تابعیت به او اعطاء خواهد شد و از نظر سوءپیشینه کیفری هم به همین صورت. بنابراین شرایط مشخصی برای آن در متن ماده در نظر گرفته شده و گفتند که رد تابعیت غیرایرانی، باید تقاضای رد کند و اصل هم تابعیت خارجیش است، بعد از (۱۸) سال، سرکار خانم بیات! به این خاطر گفتیم که (۱۸) سال اماره قانونی اهلیت است. برای اینکه اهلیت باید داشته باشد، باید صاحب صلاحیت شود، باید بتواند این حرف را بزند و این (۱۸) سال اماره قانونی این اهلیت قانونی است که اگر کمتر از (۱۸) سال باشد فرض قانونگذار همان باقی ماندن به تابعیت پدر هست و بر مبنای این شرایطی که عرض کردم مستحضرید که دنیا بر مبنای تابعیت خون یا خاک یا مختلط عمل می‌کند و اساس ما در اینجا تابعیت خون است.

بحث این است همکاران گرامی که تا (۱۸) سالگی را آوردند پاسخ بدهند فرزندان بدنیا آمده از مادر ایرانی و پدر خارجی تا (۱۸) سالگی در کشور ایران باشند یا نباشند و تأکید این است که باشند، چه شرایط فرهنگی، آموزشی و حقوقی باید داشته باشند؟ این یک سؤال بسیار بسیار مهم قانونگذاری است و الان برای این یک پاسخ شفافی داشته باشیم که تا همین مشکلی که الان فرزندان از مادر ایرانی از پدر افغانی همین است که الان دارند، نمی‌دانند باید با آن چکار کنند، تا (۱۸) سالگی اگر اتفاقی برای آنها بیفتد، حالا مثبت یا منفی، یا بزهکاری یا مثبت یا فرض کنید مسائل دیگر، همین که فرزندان ما، همه چه نوع زندگی دارند، ما چه نوع زندگی داریم؟ مشکلاتی که برای آنها پیش می‌آید، مسائل آموزشی آنها، الان آقای تاج‌الدینی فرمودند که فرزندی از اینها کنکور قبول شده، نمی‌داند باید با آن چکار کند.

همکاران گرامی این عبارت تا (۱۸) سالگی وضعیت کشور ما را، وضعیت کسانی که فرزند ایرانی هستند و نمی‌دانند باید تا (۱۸) سالگی چکار کنند بدتر از وضع فعلی خواهد کرد. اینکه یک فرد در ایران باشد، ایران بدنیا بیاید، ایران زندگی کند، در ایران بمیرد، اینها بنظر من یک مسائل فرعی است. کسی که تابع ایران باشد، حالا در هواپیمایی فوت کند، عربستان و آمریکا و هر کجا که برود فوت کند، یعنی می‌گوییم چون بیرون فوت کرده شرایط تابعیت بر او حاکم نیست. اینها بنظر من یک مسائل فرعی است که دارد اضافه می‌شود. اصل قضیه این است: فرزندی که از مادر ایرانی (که در رگ او خون ایرانی است) و از پدر خارجی بدنیا آمده... اصلاً بنظر من هر جای دنیا باشد، ما باید شرایط تابعیت مرد را، اقامت همسر خارجی را سخت کنیم، مثل کشورهای خارجی. مگر آمریکا وقتی که یک خانم آمریکایی با یک مرد ایرانی ازدواج می‌کند همین لحظه به او تابعیت می‌دهند، خیلی طولانی است. الان اقامت در کانادا ببینید با چه شرایطی... (۱۰) سال بعد دوباره باید، دو سال دو سال چه‌ها ثابت شود، بزه نداشته باشند، کیفری نباشند و، و... و...

ما قانون نیروی انتظامی، قانون تابعیت و ورود و خروج خود را محکم کنیم، اما این فرزند ایرانی که واقعاً ایرانی است و مادر او هم ایرانی است چه گناهی دارد که ما لب مرزهای خود، مسائل اطلاعات و ضد اطلاعات و همه اینها را تقویت نکنیم و بعد بگوییم فرد از (۱۸) سالگی به بعد باید تابع ایرانی باشد.

من خیلی وقت را نمی‌گیرم، از همکاران گرامی خواهش می‌کنم به حذف این عبارت رأی بدهید که قانون اینطوری شود: «فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی که از تاریخ ۵۸/۱/۱ تا یکسال پس از تصویب این قانون در ایران متولد شده یا می‌شوند تابعیت ایرانی را خواهند داشت». من پیشنهاد می‌کنم به سن (۱۸) سالگی حذف شود. همین پیشنهاد را برای تبصره ذیل (۶) دارم که در

می‌خواهیم تابعیت خاک را نسبت به اینها اعمال کنیم، با این شرایط اعطای تابعیت کنیم، نه ذاتاً ایرانی باشند یا ذاتاً ایرانی شناخته شوند و از همه حقوق یک ایرانی و ایرانی بودن از آن حاصل می‌شود برخوردار باشند، مشمول محرومیت‌های اجتماعی ناشی از اکتساب تابعیت هم هستند. یعنی به مقامات، اینها نمی‌توانند دست پیدا کنند، رئیس‌جمهور نمی‌شوند، نماینده نمی‌شوند، انتخاباتی که باشد نمی‌توانند بعنوان منتخب مجلس یا شوراهای شرکت کنند و سایر مقاماتی که در قانون مدنی احصاء کردیم و گفتیم اینها جزء محرومیت‌های تابعیت اکتسابی است و همه دنیا همین محرومیت‌ها را دارد، بلکه از یکسری حقوق شهروندی برخوردار می‌شوند. در این فاصله بین تولد تا (۱۸) سال چه می‌شود، بلاتکلیفند؟ نه، بلاتکلیف نیستند. قسمت دوم ماده واحده است، گفتیم به آنها پروانه اقامت بدهند و این افراد هم مانعیت تحصیل ندارند، مجاز به اقامت در ایران هستند، بین پروانه اقامت و اجازه اقامت تا تابعیت فاصله است، آنها ایرانی می‌شوند و برخوردار از حقوق ایرانی، غیر از آن محرومیت‌هایی که تابعیت می‌دهد ولی اینها اقامت می‌گیرند، تحصیل می‌کنند، کوبن دارند، همه مسائلشان حل می‌شود و در اینجا آن تعیین تکلیف شده. پس تعیین تکلیف شده است، برای کسانی که زیر (۱۸) سال هستند تعیین تکلیف شده است، برای کسانی که بالای (۱۸) سال هستند، اگر (۱۸) سال شدند می‌توانند ایرانی بشوند، اگر نیستند به آنصورت حمایت شوند، آنهم برای کسانی که فقط در این فاصله و آن شرایط و با آن اضطرها بنحوی متولد شده‌اند. والسلام‌علیکم ورحمه‌الله و برکاته

نایب‌رئیس - حضار ۲۰۸ نفر، عزیزان دقت بفرمایند طرح بسیار مهمی است، خواهش می‌کنم همه عزیزان در رأی‌گیری شرکت کنند و رأی خودشان را اعمال بفرمایند. عنوان طرح را قرائت بفرمایید.

منشی (حاجی‌بابایی) - کلیات طرح تعیین تکلیف تابعیت فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی مطرح است.

نایب‌رئیس - بسیار خوب، اصل طرح مطرح است، نمایندگان محبت کنند در رأی‌گیری شرکت کنند. نمایندگان محترم خواهش می‌کنم همه در رأی‌گیری شرکت بفرمایند. پایان رأی‌گیری را اعلام می‌کنم، تصویب شد. پیشنهادات را مطرح بفرمایید.

منشی (حاجی‌بابایی) - خانم بیات در سطر سوم، پیشنهاد حذف (۱۸) سال تمام را دارند، بفرمایید.

رفعت بیات - بسم الله الرحمن الرحيم

بیرو عرایض قبلی که تقدیم حضور مجلس کردم عرض می‌کنم، بحث تابعیت یک مسأله بسیار بسیار مهم است و کسی که با شرایط تابع یک کشوری می‌شود، باید همه‌گونه شرایط زندگی را از زمان تولد تا زمانی که خودش می‌خواهد تابع آن کشور باشد داشته باشد، هیچ فرقی با دیگرانی که اساساً تابع ایرانی هستند نباید داشته باشد، مگر قانون برای او تفاوتی اعلام کرده باشد.

رفعت بیات - آقای مهندس! همکار ما مطلبی که من گفتم طور دیگری به مجلس تفسیر کردند...

نایب رئیس - شما آن (۳) کلمه‌ای که گفتید حذف شود مجدداً بفرمایید.

بیات - آقای مهندس! من یک توضیح بدهم.

نایب رئیس - نه، همه توضیحات را دادید دیگر، ما فقط می‌خواهیم ببینیم آن متن چه می‌ماند.

بیات - آخر ببینید! ایشان گفتند فرزند یکساله برود تابعیت اعلام کند. پیشنهاد این است که این تابع ایرانی است، از (۱۸) سالگی بگوید من نیستم. آخر این مشکل ایشان ذهن را یکمقدار تشکیک می‌کند.

نایب رئیس - سرکار خانم بیات! یک لحظه گوش می‌دهید؟ من میکروفون شما را باز کردم که شما توضیح بدهید کدام (۳) کلمه حذف شود، اصلاً قرار نیست شما پاسخ آقای سلیمانی را بدهید.

بیات - بله، می‌خوانم. آخر ایشان یکسال گفتند، ذهن همه را...

نایب رئیس - آخر شما که حق ندارید اینکار را بکنید، بفرمایید.

بیات - فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی که در ایران متولد شده یا حداکثر تا یکسال پس از تصویب این قانون در ایران متولد می‌شوند، در صورت نداشتن سوء پیشینه کیفری یا امنیتی و اعلام رد تابعیت غیر ایرانی به تابعیت ایرانی پذیرفته می‌شوند. کلمه من که حذف می‌شود «می‌توانند» تا «این افراد».

نایب رئیس - متشکر. حضار ۲۱۴ نفر، کسانی که به این پیشنهاد حذف موافق هستند اعلام رأی بفرمایند. عزیزان اعم از مخالف، موافق و ممتنع در رأی‌گیری شرکت کنید. پایان رأی‌گیری را اعلام می‌کنم، تصویب نشد. پیشنهاد بعدی را اعلام بفرمایید.

منشی (حاجی‌بابایی) - آقای مهندس! سرکار خانم فیاض‌بخش آن پیشنهادی که شما مطرح کردید، مکتوب است، اگر می‌خواهید مطرح کنید این می‌شود جایگزین ماده واحد، نوشته‌اید متن زیر جایگزین بند (۴) گردد، جایگزین ماده واحد می‌خواهید مطرح کنید؟

فیاض‌بخش - بله.

نایب رئیس - خانم فیاض‌بخش بفرمایید.

نقیسه فیاض‌بخش - بسم الله الرحمن الرحيم

همکاران محترم طرح بسیار مهمی که همه عزیزان در جریان هستند بخاطر مشکل خدای که کشور با آن مواجه بود با فوریت آن موافقت فرموده بودید و الان به دلیل پیچیدگی‌هایی که داشت کمیسیون کار کارشناسی خیلی عمیقی انجام داد، اما متأسفانه بطور شفاف وضعیت این بچه‌ها، زیر (۱۸) سال متأسفانه مشخص نشده.

در پیشنهادی که اینجانب و جناب آقای دکتر دهقان آنهم پس از کار کارشناسی زیاد و صحت‌هایی که با مسئولین کشوری و کارشناسان مطرح شد، مورد طرح قرار می‌گیرد به اینصورت است که فرزندان موضوع این ماده قبل از تحصیل تابعیت و اخذ شناسنامه نیز

موقع خودش دفاع خواهم کرد. والسلام علیکم و رحمہ‌الله و برکاته

نایب رئیس - بسیار خوب، کسی مخالف صحبت می‌کند.

منشی (محمدصادقی) - مخالف آقای میرتاج‌الدینی هستند.

نایب رئیس - آقای تاج‌الدینی صحبت می‌کنید؟ اگر صرف‌نظر کنید رأی‌گیری کنیم.

منشی (محمدصادقی) - البته آقای مهندس افراد دیگری هم هستند.

نایب رئیس - افراد دیگر هم می‌خواهند صحبت کنند؟ اگر صرف‌نظر می‌کنید که رأی‌گیری کنیم دیگر مسأله را... بسیار خوب. کمیسیون توضیح بدهید، البته اگر آن جمله هم حذف شود، چند نکته‌ای که گفتم بفرمایید.

حسن سلیمانی (مخبر کمیسیون قضایی و حقوقی) -

بسم الله الرحمن الرحيم

ببینید بحث پیشنهاد حذفی که سرکار خانم بیات مطرح فرمودند باید نسبت به مصوبه باشد، مصوبه‌ای که الان مجلس رأی داد این است که من خدمت عزیزان می‌خوانم: «فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی که در ایران متولد شده یا حداکثر تا یکسال پس از تصویب این قانون در ایران متولد می‌شوند، می‌توانند بعد از رسیدن به سن (۱۸) سال تمام تقاضای تابعیت ایرانی نمایند». اگر رسیدن به سن (۱۸) سال تمام را حذف کنیم با این متن مصوبه که خدمت شما قرائت کردم این می‌شود «می‌توانند تقاضای تابعیت ایرانی نمایند». این بچه‌هایی که در بالا خوانده شد، یعنی بچه یکساله و دو ساله تقاضای تابعیت کنند؟ مگر نباید متقاضی، اهلیت قانونی داشته باشد، یعنی اگر ما سن را حذف کنیم اهلیت حذف می‌شود دیگر نمی‌ماند، پیشنهادی که مطرح کردند، وقتی قرائت کردند نسبت به اصل طرح است، اصل طرح که الان دیگر اینجا مطرح نیست. مصوبه کمیسیون که تغییرات کلی در متن، در عنوان بود، الان مطرح شد و رأی‌گیری شد و رأی آورد بعنوان گزارش مصوبه کمیسیون در صحن. بنابراین هر تغییری و هر اصلاحی مگر جایگزین... و حالا جایگزین اگر پیشنهاد داده نشد، حذف نسبت به این مطلب باید انجام بگیرد و اگر این قسمت حذف شود جواب همان سؤال اولشان بود که من در کلیات عرض کردم، سنی باقی نمی‌ماند و افراد باید در سن قانونی دارای اهلیت شوند، عمل قانونی اهلیت هم (۱۸) سالگی است و کمتر از این اگر باشد هیچ قانونی به رسمیت نمی‌شناسد، حتی شرع ما، بالاخره باید اول به بلوغ برسد، یعنی بچه‌ای که به بلوغ نرسیده چه پسر و چه دختر می‌تواند استیفاء کند؟ بنابراین از اینجهت ما مخالف هستیم.

بیات - تذکر آیین‌نامه‌ای دارم.

نایب رئیس - بله، متشکر، مسأله روشن است. خانم بیات می‌خواهید تذکر آیین‌نامه‌ای بدهید؟ چه آیین‌نامه‌ای؟ بفرمایید.

من فکر می‌کنم نظر سرکار خانم فیاض‌بخش در حدی که مورد انتظار ایشان است اینجا تأمین شده، چون گفته شده اینجا می‌توانند مجوز اقامت داشته باشند تا قبل از تحصیل تابعیت. وقتی ما می‌گوییم مجوز اقامت یعنی هر کسی که اجازه اقامت در ایران دارد، قبل از تحصیل تابعیت اجازه استفاده از امکانات عمومی را هم دارد. مواردی را که فرمودید استفاده از وسائط نقلیه عمومی و امکانات عمومی و

اكتساب تابعیت است، نه ایرانی و ذاتاً ایرانی بودن. بقیه مسائل آن حل شده، در آنجا آمده، روشن است، گفتیم وزارت کشور نسبت به احراز ولادت طفل در ایران و صدور پروانه ازدواج موضوع ماده (۱۰۶۰) قانون مدنی اقدام می‌نماید و نیروی انتظامی نیز با اعلام وزارت کشور پروانه اقامت برای پدر خارجی مذکور در این ماده صادر، فرزندان موضوع این ماده قبل از تحصیل تابعیت نیز مجاز به اقامت در ایران می‌باشند و در تبصره (۱) هم آوردیم ظرف مدت یکسال تقاضای تابعیت کنند، هیچ مانعیت تحصیلی هم ندارند، هیچ مطلبی ندارند، به آنها اجازه تابعیت و اقامت هم داده می‌شود، از همه حقوقات هم برخوردار می‌شوند، ولی ایرانی نیستند، تحصیل تابعیت ایرانی می‌کنند. شما می‌خواهید اینها را ایرانی بدانید و ما با این اساس مخالف هستیم، بقیه مسائل آن مشترک است و خواهش می‌کنم عزیزان رأی ندهند.

نایب رئیس - بسیار خوب، برای رأی‌گیری قرائت بفرمایید.

منشی (حاجی‌بابایی) - پیشنهاد این است در این قسمتی که پیشنهاد چاپ شده، پاراگراف دوم که قرائت می‌کنم: وزارت کشور نسبت به احراز ولادت طفل در ایران و صدور پروانه ازدواج موضوع ماده...

بیات - مخالف هستم و می‌خواهم طبق آیین‌نامه صحبت کنم.

دهقانی‌نقندر - تذکر دارم.

نایب رئیس - مخالف و موافق صحبت کردند، بحث تمام شد. ببینید! ما اعلام کردیم مخالف، موافق نبود، دولت و بعد کمیسیون صحبت کردند، الان داریم... آقای دهقان شما تذکر دارید؟ مخالف که وقتش گذشت، دیگر نمی‌شود صحبت کنید. آقای دهقان تذکر دارند، بفرمایید.

محمد دهقانی‌نقندر - آقای مهندس ببینید! بحثی که الان مطرح شد آنچه که الان آقای حاجی‌بابایی دارد مطرح می‌کند با آنچیزی که مخبر محترم آقای سلیمانی توضیح دادند، متفاوت است. ما بخش اول آن را تأمین شده و درواقع انجام شده دانستیم، بخش دوم را سرکار خانم فیاض‌بخش مطرح فرمودند، همه تغییری که در این پیشنهاد جدید با آنچیزی که در کمیسیون تصویب شده هست در این است که در آنجا گفته فرزندان حاصل از این ازدواج مجاز به اقامت هستند، در اینجا طبق پاراگراف دوم گفته فرزندان موضوع این ماده قبل از تحصیل تابعیت و اخذ شناسنامه نیز از کلیه امکانات اقامتی، معیشتی، آموزشی و درمانی برخوردار می‌باشند، همانطور که خانم فیاض‌بخش تصریح کردند، موضوع شفاف شدن است، یعنی آن بحث اولی که آقای سلیمانی فرمودند اصلاً منتفی است.

نایب رئیس - پیشنهاد را برای رأی‌گیری قرائت بفرمایید.

منشی (حاجی‌بابایی) - پیشنهاد آقای دهقان و سرکار خانم فیاض‌بخش این است: «وزارت کشور نسبت به احراز ولادت طفل در

چکار کنیم؟ درواقع با این وضعیت مشکلات ما دو چندان شده، ضمن اینکه دست کمیسیون درد نکند همین مجوز را هم آورده، ولی کارساز نیست. پیشنهادی را هم که خانم دادند چیزی نیست که آن را خنثی کند یا آن را کمرنگ کند یا آنرا منتفی کند، ایشان پیشنهادی که دادند تقویت‌کننده آن است و لذا تقاضاست که خواهران و برادران به این پیشنهاد رأی بدهند، قطعاً هم بعداً دوباره مجری گیر پیدا نمی‌کند. چون اگر مجری بیاید و بگوید که خیر ببخشید اینها در قانون نبوده، کالاول دوباره نمی‌شود طرح داد یا دولت لایحه بیاورد، وقت مجلس و وقت خودشان گرفته شود. پس خوب است ما قانونهایی که تصویب می‌کنیم متقن، محکم، غیرقابل تفسیر از سلیقه‌های مختلف و خیلی شفاف باشد. خواهش من از خواهران و برادران این است که به این پیشنهاد رأی بدهید، جای چیزی را هم کم نمی‌کند، می‌گویند کار از محکم‌کاری بهتر نیست و لذا این پیشنهاد می‌تواند خیلی از مشکلات موجود را برطرف کند که دل یک مسلمان را هم ما خوشحال کردیم. بعضی‌ها هم وضع مالیشان خوب نیست، یا بالاخره مقنی هستند یا کارگر هستند، بالاخره ایرانیها هم تفاهم کردند به اینها زن دادند دیگر. ان‌شاءالله که امیدوار هستم رأی بدهید، خیلی ممنون.

نایب رئیس - بسیار خوب، دولت با پیشنهاد مخالف است، کمیسیون بفرمایید.

حسن سلیمانی (مخبر کمیسیون قضایی و حقوقی) -

بسم الله الرحمن الرحيم

من از همکاران عزیزم خواهش می‌کنم توجه بفرمایند که چه پیشنهادی مطرح شد و آثار پیشنهاد چیست و قبلاً شما به چه رأی دادید، این یک دوم، خواهش می‌کنم از عزیزان همکار که در موافقت و مخالفت صحبت می‌کنند لافل متن را هم موردتوجه قرار بدهند که الان بحث راجع به چه هست و بحثهایی که مطرح می‌کنند، چون بدون توجه به متنی است که پیشنهاد شده یا متنی است که تصویب شده، اظهاراتی می‌شود که شبهات متعدد ذهنی ایجاد می‌کند.

اتفاقی که با این مصوبه اگر این جایگزینی تصویب شود خواهد افتاد که تحت عنوان متن ذیل جایگزین تبصره ماده واحده می‌گردد که باید جایگزین ماده (۱) شود که در حقیقت خود ماده هم هست و قسمت زیر آن می‌گوید: پس درصورت رسیدن به سن (۱۸) سال تمام با اعلام رد تابعیت غیر ایرانی و ارائه تقاضا، ایرانی محسوب و به آنها شناسنامه داده می‌شود. کل اساس طرح همینجاست، ما نمی‌خواهیم اینها ایرانی باشند، ما می‌خواهیم به اینها تابعیت ایرانی بدهیم. آقای کامران! درد اینجاست، می‌شوند «بچه غول برره»، فردا همه اینها (۱۲۰) هزار نفر ایرانی هستند، رئیس‌جمهور می‌شوند، رئیس مجلس شما می‌شوند، ایرانی محسوب... نمی‌خواهیم اینطور باشد، می‌خواهیم به اینها تابعیت بدهیم که آن محرومیتها را داشته باشد، بنابراین بحث

منشی (حاجی بابایی) - آقای سبحانی پیشنهاد دیگری که مطرح نمی‌فرمایید؟ آن «و» را... رفع ابهام نیست. در تبصره‌ها آقای سبحانی حذف تبصره (۲) را پیشنهاد دارند، بفرمایید.

حسن سبحانی - بسم الله الرحمن الرحيم

در تبصره (۲) گفته است کسانی که رعایت ماده (۱۰۶۰) قانون مدنی را کرده‌اند، یعنی مادر ایرانی با کسب مجوز از دولت یا مرد خارجی ازدواج کرده است، فرزندان پس از رسیدن به سن هجده سالگی، ظرف یکسال به تابعیت پذیرفته می‌شوند. پیشنهاد حذف از آن جهت است که اصولاً تبصره (۲) ارتباطی به ماده واحده ندارد، چون ماده واحده بطور ویژه درخصوص کسانی است که در بیست و چند سال گذشته در ایران با زنان ایرانی ازدواج کرده‌اند و مراحل قانونی مندرج در قانون مدنی را نگذرانده‌اند. حالا اگر کسی رعایت ماده (۱۰۶۰) قانون مدنی را کرده باشد، قانون فعلی راه تحصیل تابعیت را برای او هموار کرده است. بنابراین هیچ لزومی ندارد که تبصره (۲) بیاید، منتها اگر در ذهن بعضی از دوستان این باشد که تبصره (۲) درواقع تکرار قوانین موجود است و لذا ضرری ندارد، عرض می‌کنم که فراتر از تکرار قوانین موجود است. برای اینکه متأسفانه در تبصره (۲) برخلاف آنچه که در قانون مدنی هست هجده سال تمام اقامت در ایران ذکر نشده است، البته این مشکل درخصوص اصل ماده واحده هم وجود دارد ولی آنجا مجلس پذیرفت. به عبارت دیگر اگر فردی، یک زن ایرانی با اجازه قانون یا مرد خارجی ازدواج کرده باشد و فرزند او در ایران متولد شده باشد و بعد این فرزند از ایران خارج شده باشد، هجده سال در خارج از کشور باشد، برگردد، مطابق تبصره (۲) که در اینجا گفته شده باید به او تابعیت داد، یعنی اقامت هجده‌ساله در ایران حذف شده است.

آن نکته‌ای هم که دوستان گفته‌اند «حداکثر ظرف مدت یکسال به تابعیت ایران پذیرفته می‌شود» استدلال می‌کنند که منظور ما این است که بعد از هجده‌سال اگر نبود یکسال بیاید اینجا بماند، درحالی‌که از این لفظ این اراده بیرون نمی‌آید، گفته ظرف مدت یکسال به تابعیت ایران پذیرفته می‌شوند، یعنی طول مدت پذیرفته شدن تابعیت یکسال است، نگفته است که یکسال در ایران بماند.

اگر تبصره (۲) تصویب بشود باید این فرض را ما بپذیریم که کسی در ایران از پدر ایرانی متولد شده، بلافاصله از ایران خارج شده و هیچ سالی در ایران نبوده، بعد از اینکه به هجده‌سالگی رسیده وارد ایران شده، تقاضا کرده، بعداً هم بدون اینکه اقامتی بکند خارج می‌شود و ما مطابق تبصره (۲) باید به او تابعیت بدهیم، درحالی‌که این ناسازگار است با روح قانون مدنی در این زمینه، ضرورتی هم ندارد که وجود داشته باشد. مسأله این طرح تعیین تکلیف تابعیت فرزندان بود که موضوع ماده واحده هستند. تبصره (۲) یک مقوله اصلاح قانون مدنی به شیوه دیگری است که اقامت را دارد لغو می‌کند. لذا پیشنهاد حذف

ایران و صدور پروانه ازدواج موضوع ماده (۱۰۶۰) قانون مدنی اقدام می‌نماید و نیروی انتظامی نیز با اعلام وزارت کشور پروانه اقامت برای پدر خارجی مذکور در این ماده صادر می‌کند. فرزندان موضوع این ماده قبل از تحصیل تابعیت و اخذ شناسنامه نیز از کلیه امکانات اقامتی، معیشتی، آموزشی و درمانی برخوردار می‌باشند». این قسمت جایگزین پاراگراف دوم ماده واحده می‌شود.

نایب رئیس - حضار ۲۱۰ نفر، عزیزان رأی خود را در رابطه با این پیشنهاد جایگزین اعلام بفرمایند. نمایندگان محبت کنند در رأی‌گیری شرکت بفرمایند، پایان رأی‌گیری را اعلام می‌کنم، تصویب نشد. پیشنهاد دیگری هست؟

منشی (حاجی بابایی) - آقای سبحانی پیشنهاد دارند.

نایب رئیس - آقای سبحانی بفرمایید.

حسن سبحانی - بسم الله الرحمن الرحيم

همکاران ارجمند! در سطر چهارم ماده واحده گفته است که این افراد در صورت نداشتن سوء پیشینه کیفری یا امنیتی و اعلام رد تابعیت غیر ایرانی به تابعیت ایران پذیرفته می‌شوند.

سوء پیشینه کیفری بلحاظ قانون قابل احصاء و تعریف شده است، اما سوء پیشینه امنیتی تعریف شده نیست و چون قرار است به کسانی که مشمول این ضوابط می‌شوند و تقاضای تابعیت می‌کنند، اگر تقاضای آنها پذیرفته شد، تابعیت ایرانی داده شود، قاعداً قانون باید از واژه‌ها و الفاظ غیر قابل تفسیر و روشنی برخوردار باشد تا در اجراء با مشکل مواجه نشود. از این گذشته اگر کسی دارای سوء پیشینه امنیتی بود فرض بر این است که این سوء پیشینه در دادگاه بررسی شده و فرد کیفر می‌بیند. یعنی اگر سوء پیشینه کیفری بماند و امنیتی حذف شود، هم یک واژه تعریف نشده را حذف کردیم، هم هیچ چیز را از دست ندادیم. چون کسانی که مسأله امنیتی مؤثری داشته باشند و دادگاه آن را وارد تشخیص داده باشد، قاعداً آنها را کیفر می‌کند.

بنابراین بخاطر اینکه این مقوله در عمل با مشکل مواجه نشود و با سلاقی مختلف کسانی تحت این عنوان که سوء پیشینه امنیتی دارند، دچار مشکل نشوند، پیشنهاد من حذف کلمه «امنیتی» است که می‌شود «در صورت نداشتن سوء پیشینه کیفری». البته حذف «امنیتی» به معنای بی‌اثر کردن آن نیست، اگر مؤثر بوده باشد خودش را در کیفری قاعداً نشان داده است.

نایب رئیس - متشکر، مخالف کسی ثبت‌نام نکرده. دولت مخالف است، کمیسیون هم نظر ندارد. پس برای رأی‌گیری اعلام بفرمایید.

منشی (حاجی بابایی) - در سطر چهارم در ماده واحده کلمه «امنیتی» حذف شود.

نایب رئیس - حضار ۲۱۰ نفر، عزیزان رأی خود را اعلام بفرمایند. پایان رأی‌گیری را اعلام می‌کنم، تصویب نشد. پیشنهاد دیگری هست؟

آنرا دارم.

نایب رئیس - متشکر، مخالف و موافق دارد؟

منشی (محمدصادقی) - مخالف آقای تمدن هستند، صحبت می‌فرمایید؟

نایب رئیس - آقای تمدن صحبت نمی‌کنند، بسیار خوب، می‌ماند دولت و کمیسیون که نظرشان را داشته باشیم. از جناب آقای ابوترابی هم خواهش می‌کنیم برای اداره جلسه تشریف بیاورند.

دولت نظر ندارد، کمیسیون بفرماید یک توضیحی بدهید.

توکلی - من صحبت می‌کنم.

منشی (محمدصادقی) - آقای مهندس باهنر آقای توکلی صحبت می‌کنند.

نایب رئیس - دیگر عبور کردیم، مخالف هستید؟ (توکلی - موافق هستم) مخالف کسی صحبت نکرده است که شما صحبت کنید. آقای سلیمانی بفرماید.

حسن سلیمانی - دچار یک عارضه هستم در اینجا، برای اینکه من خودم مخالف نیستم، من موافق نظر ایشان هستم، ولی باید نظر کمیسیون را بگویم.

نایب رئیس - حالا دیگر هرطور که مصلحت می‌دانید، نمی‌خواهید دفاع کنید بدهید شخص دیگری از کمیسیون صحبت کند یا اصلاً می‌توانید صحبت نکنید، چون ما اصرار نداریم صحبت کنید.

سلیمانی - ایشان حرفشان درست است، منتها چه بگویم؟!

نایب رئیس - نه، ببینید! از نظر کمیسیون شما باید دفاع کنید، اگر زبان دفاع ندارید دفاع نکنید، ولی خلاف آنرا نمی‌توانید صحبت کنید، متشکر. رأی‌گیری می‌کنیم. حضار ۲۱۴ نفر، پیشنهاد آقای سبحانی را قرائت بفرمایید.

منشی (حاجی‌بابایی) - تبصره (۲) - از تاریخ تصویب این قانون کسانی که در اثر ازدواج زن ایرانی و مرد خارجی در ایران متولد شوند و ازدواج والدین آنان از ابتداء با رعایت ماده (۱۰۶۰) قانون مدنی به ثبت رسیده باشد پس از رسیدن به سن هجده سال تمام و حداکثر ظرف مدت یکسال بدون رعایت شرط سکونت مندرج در ماده (۹۷۹) قانون مدنی به تابعیت ایران پذیرفته می‌شوند. پیشنهاد حذف این تبصره است.

نایب رئیس - حضار ۲۱۳ نفر، نمایندگان رأی خودشان را در رابطه با حذف این تبصره‌ای که قرائت شد اعلام بفرمایند. عزیزان محبت کنند در رأی‌گیری شرکت بفرمایند، بسیار خوب، پایان رأی‌گیری را اعلام می‌کنم، تصویب نشد.

(در این هنگام آقای سیدمحمدحسن ابوترابی فرد ریاست جلسه را بعهده گرفتند)

منشی (حاجی‌بابایی) - ماده واحده را با تبصره‌ها برای رأی‌گیری

قرائت می‌کنم.

طرح تعیین تکلیف تابعیت فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی

ماده واحده - فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی که در ایران متولد شده یا حداکثر تا یکسال پس از تصویب این قانون در ایران متولد می‌شوند می‌توانند بعد از رسیدن به سن هجده سال تمام تقاضای تابعیت ایرانی نمایند. این افراد در صورت نداشتن سوء پیشینه کیفری یا امنیتی و اعلام رد تابعیت غیر ایرانی به تابعیت ایران پذیرفته می‌شوند.

وزارت کشور نسبت به احراز ولادت طفل در ایران و صدور پروانه ازدواج موضوع ماده (۱۰۶۰) قانون مدنی اقدام می‌نماید و نیروی انتظامی نیز با اعلام وزارت کشور پروانه اقامت برای پدر خارجی مذکور در این ماده صادر می‌کند. فرزندان موضوع این ماده قبل از تحصیل تابعیت نیز مجاز به اقامت در ایران می‌باشند.

تبصره ۱ - چنانچه سن مشمولین این ماده در زمان تصویب بیش از هجده سال تمام باشد بایستی حداکثر ظرف یکسال اقدام به تقاضای تابعیت ایرانی نمایند.

تبصره ۲ - از تاریخ تصویب این قانون کسانی که در اثر ازدواج زن ایرانی و مرد خارجی در ایران متولد شوند و ازدواج والدین آنان از ابتداء با رعایت ماده (۱۰۶۰) قانون مدنی به ثبت رسیده باشد، پس از رسیدن به سن هجده سال تمام و حداکثر ظرف مدت یکسال بدون رعایت شرط سکونت مندرج در ماده (۹۷۹) قانون مدنی به تابعیت ایران پذیرفته می‌شوند.

ماده واحده و عنوان همه را با هم رأی‌گیری بفرمایید، اصل ماده واحده است.

نایب رئیس - حضار ۲۱۴ نفر، اصل ماده واحده است، همکاران محترم اعلام رأی بفرمایید، پایان رأی‌گیری را اعلام می‌کنم، تصویب شد.

۸- رد تقاضای عده‌ای از نمایندگان محترم مجلس شورای اسلامی در خصوص تحقیق و تفحص از عملکرد شهرداری تهران

نایب رئیس - دستور بعدی را مطرح بفرمایید.

منشی (حاجی‌بابایی) - دستور بعدی گزارش کمیسیون عمران مبنی بر تصویب تقاضای تحقیق و تفحص عده‌ای از نمایندگان محترم مجلس شورای اسلامی از عملکرد شهرداری تهران است.

مخبر محترم کمیسیون عمران جناب آقای مؤیدی بفرماید.

علی مؤیدی (مخبر کمیسیون عمران) - بسم الله الرحمن الرحیم با عرض ادب و احترام و تبریک حلول ماه رمضان به محضر شریف همکاران عزیز، نامه‌ای از کمیسیون عمران خطاب به هیأت رئیسه مجلس در ارتباط با بحث تحقیق و تفحص از شهرداری تهران است.

باسمه تعالی

طرح اصلاح قانون تعیین تکلیف تابعیت فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی

ماده واحده- طرح اصلاح قانون تعیین تکلیف تابعیت فرزندان حاصل از

ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی مصوب ۱۳۸۵ به شرح زیر اصلاح می گردد:

الف- عبارت «فرزندان موضوع این ماده قبل از تحصیل تابعیت نیز مجاز به اقامت در ایران می باشند» از متن ماده واحده حذف و متن زیر به عنوان تبصره (۱) به آن الحاق می گردد:

تبصره ۳- فرزندان موضوع این ماده واحده و تبصره (۲) آن، علاوه بر حق اقامت دائم در ایران همانند شهروندان ایرانی از حق تحصیل و بهداشت و درمان رایگان، تأمین اجتماعی و یارانه برخوردار می باشند. این افراد تا سن نوزده سالگی از پرداخت تعرفه اقامت نیز معاف هستند.

ب- در تبصره (۱) عبارت «تا سال ۱۳۸۵» جایگزین عبارت «ظرف یک سال» می گردد.

دایره چاپ و توزیع

باسمه تعالی

ریاست محترم مجلس شورای اسلامی

در سال ۱۳۸۵ به سبب وجود تفاسیر گوناگون راجع به بندهای (۴) و (۵) ماده (۹۷۶) قانون مدنی در مورد تعیین تکلیف تابعیت فرزندان که از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی در ایران متولد شده‌اند، ماده واحده «قانون تعیین تکلیف تابعیت فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی مصوب ۱۳۸۵/۷/۲» به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید. ماده (۹۷۶) در (۷) بند اختصاصی که تبعه ایران محسوب می‌شوند را ذکر می‌کند. بند (۴) این ماده شامل کسانی است که در ایران از پدر و مادر خارجی که یکی از آنها در ایران متولد شده به وجود آمده‌اند و بند (۵) شامل کسانی است که در ایران از پدری که تبعه خارجی است به وجود آمده و بلافاصله پس از رسیدن به سن هجده سال تمام لااقل یک سال دیگر در ایران اقامت کرده باشند و الا قبول شدن آنها به تابعیت ایران بر طبق مقرراتی خواهد بود که مطابق قانون برای تحصیل تابعیت ایران مقرر است. بنا بر تفسیر دستگاههای اجرایی در خصوص بند (۴) ماده (۹۷۶) اگر زنی تابعیت خارجی داشته باشد ولی متولد ایران باشد در صورتی که از شوهر خارجی خود فرزندی داشته باشد که در ایران متولد شده از ابتدای تولد فرزندش تابعیت ایرانی خواهد داشت. حال سئوال اینجاست که چطور فرزند صادر ایرانی که در ایران متولد شده نمی‌تواند تابعیت ایران را داشته باشد؟ و آیا زن تبعه خارجی

متولد ایران بر زن ایرانی اولویت دارد؟ علی‌ای‌حال ماده واحده فوق‌الذکر که جهت رفع اختلاف در تفاسیر و آراء محاکم تصویب گردید از یک‌سو در صدر خود تنها فرزندی که در ایران متولد شده یا حداکثر تا یک‌سال پس از تصویب این قانون در ایران متولد می‌شوند را مجاز به تقاضای تابعیت می‌داند و از سوی دیگر در تبصره (۱) فرصت قانونی برای تقاضای تابعیت کسانی که در زمان تصویب قانون سن بالای هجده سال تمام دارند را تنها یک‌سال مقرر داشته، بنابر این قانون تعیین تکلیف تابعیت، با مقرر نمودن این‌گونه مهلت‌ها مشکلات عدیده‌ای را در مقام اجراء، ایجاد نموده است چرا که اکثر این ازدواج‌ها یا بدون مجوز قانونی صورت گرفته‌اند و یک‌سال برای طی مراحل قانونی نیست، کافی نبوده است و یا غالباً فرصت یک‌سال برای اطلاع بسیاری از این افراد از وجود چنین قانونی کافی نبوده است. لذا جهت رفع این‌گونه تبعیضات و مراجعات و شکایات متعدد که حاکی از عدم حل مشکل با وجود قانون حاضر است و به جهت احقاق حق مادر ایرانی که قطعاً بر زن خارجی متولد ایران اولویت دارد پیشنهاد اصلاح «قانون تعیین تکلیف تابعیت فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی مصوب ۱۳۸۵/۷/۲» تقدیم مجلس محترم می‌گردد.

الهیان - آفاتهرانی - کمبی - فاطمه رهبر - اخوان بیطرف - غضنفرآبادی - آلیا - صفایی - نکونام - آرین منش - عزت‌الله دهقان - بابااحمدی - بادامچیان -

سیدحسین حسینی - مطهری شبستر - بروجردی - کوثری - محمدرضا شعبانی -
نقوی - نجفی - محمد مهدی شهریار - لطفی - غفوری فرد - ناصری نژاد -
تابش - فلاح پشته - بت کلیا - نصیری قیداری - سنایی - حسینی بحرینی -
شبانپور - علیخانی - اکرمی - ابراهیمی - آوایی - جلالی - زمانی - دوگانی -
مرندی - موسوی مبارکه - محمدتقی رهبر - مره صدق - موحد - علی کریمی -
ذاکر - نادران - حسن پور - نوروزی - نجابت - قادری - صدر - عبدالجبار کرمی -
سروری - دهدشتی - کزاکیان - سبحانی - نجیبی - کمالی -
حسینی شهریار - مصباحی مقدم - مرادنیا - شاهرخی - عثمانی - جندگال -
بروغنی - فرهنگی - ساعدی - قاضی زاده

شرح اصلاح قانون تعیین تکلیف

تابعیت فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی

مصوب ۱۳۸۵

ماده واحده- فرزندان متولد از مادر ایرانی و پدر خارجی که مطابق
ماده (۱۰۶۰) قانون مدنی با اخذ مجوز ازدواج نموده‌اند، ایرانی محسوب می‌شوند.
تبصره ۱- فرزندان که پیش از تصویب این قانون از مادر ایرانی و پدر
خارجی متولد شده باشند به تابعیت ایران پذیرفته می‌شوند.

در این موارد وزارت کشور پس از اخذ مدارک مثبت و وقوع عقد شرعی نسبت به صدور پروانه ازدواج موضوع ماده (۱۰۶۰) اقدام می‌نماید.

تبصره ۲- نحوه اشتغال به مشاغل حاکمیتی و دولتی اشخاصی که طبق این قانون به تابعیت جمهوری اسلامی ایران پذیرفته می‌شوند طی آیین‌نامه‌ای ظرف شش ماه از تاریخ تصویب این قانون توسط وزارت کشور و با همکاری وزارت امور خارجه، وزارت اطلاعات و قوه قضائیه تدوین می‌شود و به تصویب دیات وزیران می‌رسد.

سوابق

قانون تعیین تکلیف تابعیت فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی

ماده واحد- فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی که در ایران متولد شده یا حداکثر تا یک سال پس از تصویب این قانون در ایران متولد می‌شوند می‌توانند بعد از رسیدن به سن هجده سال تمام تقاضای تابعیت ایرانی نمایند. این افراد در صورت نداشتن سوء پیشینه کیفری یا امنیتی و اعلام رد تابعیت غیرایرانی به تابعیت ایران پذیرفته می‌شوند. وزارت کشور نسبت به احراز ولادت طفل در ایران و صدور پروانه ازدواج موضوع ماده (۱۰۶۰) قانون مدنی اقدام می‌نماید و نیروی انتظامی نیز با اعلام وزارت کشور پروانه اقامت برای پدر خارجی مذکور در این ماده صادر می‌کند. فرزندان موضوع این ماده قبل از تحصیل تابعیت نیز مجاز به اقامت در ایران می‌باشند.

تبصره ۱- چنانچه سن اشمولین این ماده در زمان تصویب بیش از هجده سال تمام باشد باید

حداکثر ظرف یکسال اقدام به تقاضای تابعیت ایرانی نمایند.

تبصره ۲- از تاریخ تصویب این قانون کسانی که در اثر ازدواج زن ایرانی و مرد خارجی در ایران متولد شوند و ازدواج والدین آنان از ابتدا با رعایت ماده (۱۰۶۰) قانون مدنی به ثبت رسیده باشد، پس از رسیدن به سن مجده سال تمام و حداکثر ظرف مدت یکسال، بدون رعایت شرط سکونت مندرج در ماده (۹۷۹) قانون مدنی به تابعیت ایران پذیرفته می‌شوند. قانون فوق مشتمل بر ماده واحده و دو تبصره در جلسه علنی روز یکشنبه درم مهرماه یکهزار و سیصد و هشتاد و پنج مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۱۳۸۵/۷/۱۲ به تأیید شورای محترم نگهبان رسید.

قانون مدنی (مصوب ۱۳۱۴/۱/۲۰)

ماده ۹۷۶ - اشخاص ذیل تبعه ایران محسوب میشوند:

- ۱- کلیه ساکنین ایران به استثنای اشخاصی که تبعیت خارجی آنها مسلم باشد. تبعیت خارجی کسانی مسلم است که مدارک تابعیت آنها مورد اعتراض دولت ایران نباشد.
- ۲- کسانی که پدر آنها ایرانی است اعم از این که در ایران یا در خارجه متولد شده باشند.
- ۳- کسانی که در ایران متولد شده و پدر و مادر آنان غیر معلوم باشد.
- ۴- کسانی که در ایران از پدر و مادر خارجی که یکی از آنها در ایران متولد شده به وجود آمده‌اند.
- ۵- کسانی که در ایران از پدری که تبعه خارجه است به وجود آمده و بلافاصله پس از رسیدن به سن هیجده سال تمام لااقل یک سال دیگر در ایران اقامت کرده باشند و الا قبول شدن آنها به تابعیت ایران بر طبق مقرراتی خواهد بود که مطابق قانون برای تحصیل تابعیت ایران مقرر است.
- ۶- در زن تبعه خارجی که شوهر ایرانی اختیار کند.
- ۷- در تبعه خارجی که تابعیت ایران را تحصیل کرده باشد.

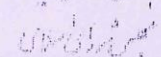
تبصره - اطفال متولد از نمایندگان سیاسی و قسولی خارجه مشمول فقره ۴ و ۵ نخواهند بود.

قانون مدنی (مصوب ۱۳۱۴/۱/۲۰)

ماده ۱۰۶۰ - ازدواج زن ایرانی با تبعه خارجه در مواردی هم که مانع قانونی ندارد موقوف به اجازه مخصوص از طرف دولت است.

شماره چاپ ۱۵۷۲	شماره ثبت ۵۷۵	 جمهوری اسلامی ایران مجلس شورای اسلامی	دوره هشتم - سال چهارم تاریخ چاپ ۱۳۹۰/۵/۱۵
یک فوریتی			
طرح اصلاح قانون تعیین تکلیف			
تابعیت فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی			
مصوب ۱۳۸۵			
یک فوریت این طرح در جلسه علنی روز سه شنبه			
مورخ ۱۳۹۰/۵/۱۱ به تصویب رسید.			
کمیسیونهای ارجاعی			
اصلی: قضائی و حقوقی			
فرعی: امنیت ملی و سیاست خارجی - شوراها و امور داخلی کشور			
معاونت قوانین			

شماره چاپ ۱۹۲۹	شماره چاپ سابقه ۱۵۷۲ - ۱۶۱۱	شماره ثبت ۵۷۵	جمهوری اسلامی ایران مجلس شورای اسلامی	دوره هشتم - سال چهارم تاریخ چاپ ۱۳۹۱/۲/۱۶
گزارش یک فوریتی				
شماره ۱۵۷۲ - ک ق تاریخ ۱۳۹۱/۲/۳				
گزارش کمیسیون قضائی و حقوقی				
طرح اصلاح قانون تعیین تکلیف تابعیت فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی به شماره جناب ۱۵۷۲ که جهت رسیدگی به این کمیسیون به عنوان کمیسیون اصلی ارجاع شده بود در جلسات متعدد با حضور کارشناسان مربوطه مورد بحث و بررسی قرار گرفت و نهایتاً در جلسه مورخ ۱۳۹۱/۱/۲۹ با اصلاحاتی به شرح زیر به تصویب رسید.				
اینک گزارش آن تقدیم مجلس شورای اسلامی می‌گردد.				
رئیس کمیسیون قضائی و حقوقی علی شاهرخ				
ضمناً گزارش کمیسیونهای فرعی امنیت ملی و سیاست خارجی و شوراها و امور داخلی کشور تا این تاریخ واصل نگردید.				
معاونت قوانین				



1994-1995: 100% (100%)

$$1.5 \times 10^{-3} \text{ mol/l} \times 100 \text{ ml} = 0.15 \text{ mmol}$$
$$\frac{1}{2} \left(\frac{1}{2} + \frac{1}{2} \right) = \frac{1}{2}$$

351397

179. 179. 179.

[Faint handwritten notes at the bottom of the page]

0

Figure 1. Schematic representation of the experimental design. The subjects were divided into two groups: the control group and the experimental group. The control group received a standard diet, while the experimental group received a diet supplemented with 10% of the total energy from fat. The subjects were then divided into two subgroups: the control subgroup and the experimental subgroup. The control subgroup received a standard diet, while the experimental subgroup received a diet supplemented with 10% of the total energy from fat. The subjects were then divided into two subgroups: the control subgroup and the experimental subgroup. The control subgroup received a standard diet, while the experimental subgroup received a diet supplemented with 10% of the total energy from fat.

1. *Chlorophyll a* (Chl a) 2. *Chlorophyll b* (Chl b) 3. *Carotenoids* (Car) 4. *Phaeophytin a* (Phe a) 5. *Phaeophytin b* (Phe b) 6. *Phaeophytin c* (Phe c) 7. *Phaeophytin d* (Phe d) 8. *Phaeophytin e* (Phe e) 9. *Phaeophytin f* (Phe f) 10. *Phaeophytin g* (Phe g) 11. *Phaeophytin h* (Phe h) 12. *Phaeophytin i* (Phe i) 13. *Phaeophytin j* (Phe j) 14. *Phaeophytin k* (Phe k) 15. *Phaeophytin l* (Phe l) 16. *Phaeophytin m* (Phe m) 17. *Phaeophytin n* (Phe n) 18. *Phaeophytin o* (Phe o) 19. *Phaeophytin p* (Phe p) 20. *Phaeophytin q* (Phe q) 21. *Phaeophytin r* (Phe r) 22. *Phaeophytin s* (Phe s) 23. *Phaeophytin t* (Phe t) 24. *Phaeophytin u* (Phe u) 25. *Phaeophytin v* (Phe v) 26. *Phaeophytin w* (Phe w) 27. *Phaeophytin x* (Phe x) 28. *Phaeophytin y* (Phe y) 29. *Phaeophytin z* (Phe z) 30. *Phaeophytin aa* (Phe aa) 31. *Phaeophytin ab* (Phe ab) 32. *Phaeophytin ac* (Phe ac) 33. *Phaeophytin ad* (Phe ad) 34. *Phaeophytin ae* (Phe ae) 35. *Phaeophytin af* (Phe af) 36. *Phaeophytin ag* (Phe ag) 37. *Phaeophytin ah* (Phe ah) 38. *Phaeophytin ai* (Phe ai) 39. *Phaeophytin aj* (Phe aj) 40. *Phaeophytin ak* (Phe ak) 41. *Phaeophytin al* (Phe al) 42. *Phaeophytin am* (Phe am) 43. *Phaeophytin an* (Phe an) 44. *Phaeophytin ao* (Phe ao) 45. *Phaeophytin ap* (Phe ap) 46. *Phaeophytin aq* (Phe aq) 47. *Phaeophytin ar* (Phe ar) 48. *Phaeophytin as* (Phe as) 49. *Phaeophytin at* (Phe at) 50. *Phaeophytin au* (Phe au) 51. *Phaeophytin av* (Phe av) 52. *Phaeophytin aw* (Phe aw) 53. *Phaeophytin ax* (Phe ax) 54. *Phaeophytin ay* (Phe ay) 55. *Phaeophytin az* (Phe az) 56. *Phaeophytin ba* (Phe ba) 57. *Phaeophytin bb* (Phe bb) 58. *Phaeophytin bc* (Phe bc) 59. *Phaeophytin bd* (Phe bd) 60. *Phaeophytin be* (Phe be) 61. *Phaeophytin bf* (Phe bf) 62. *Phaeophytin bg* (Phe bg) 63. *Phaeophytin bh* (Phe bh) 64. *Phaeophytin bi* (Phe bi) 65. *Phaeophytin bj* (Phe bj) 66. *Phaeophytin bk* (Phe bk) 67. *Phaeophytin bl* (Phe bl) 68. *Phaeophytin bm* (Phe bm) 69. *Phaeophytin bn* (Phe bn) 70. *Phaeophytin bo* (Phe bo) 71. *Phaeophytin bp* (Phe bp) 72. *Phaeophytin bq* (Phe bq) 73. *Phaeophytin br* (Phe br) 74. *Phaeophytin bs* (Phe bs) 75. *Phaeophytin bt* (Phe bt) 76. *Phaeophytin bu* (Phe bu) 77. *Phaeophytin bv* (Phe bv) 78. *Phaeophytin bw* (Phe bw) 79. *Phaeophytin bx* (Phe bx) 80. *Phaeophytin by* (Phe by) 81. *Phaeophytin bz* (Phe bz) 82. *Phaeophytin ca* (Phe ca) 83. *Phaeophytin cb* (Phe cb) 84. *Phaeophytin cc* (Phe cc) 85. *Phaeophytin cd* (Phe cd) 86. *Phaeophytin ce* (Phe ce) 87. *Phaeophytin cf* (Phe cf) 88. *Phaeophytin cg* (Phe cg) 89. *Phaeophytin ch* (Phe ch) 90. *Phaeophytin ci* (Phe ci) 91. *Phaeophytin cj* (Phe cj) 92. *Phaeophytin ck* (Phe ck) 93. *Phaeophytin cl* (Phe cl) 94. *Phaeophytin cm* (Phe cm) 95. *Phaeophytin cn* (Phe cn) 96. *Phaeophytin co* (Phe co) 97. *Phaeophytin cp* (Phe cp) 98. *Phaeophytin cq* (Phe cq) 99. *Phaeophytin cr* (Phe cr) 100. *Phaeophytin cs* (Phe cs) 101. *Phaeophytin ct* (Phe ct) 102. *Phaeophytin cu* (Phe cu) 103. *Phaeophytin cv* (Phe cv) 104. *Phaeophytin cw* (Phe cw) 105. *Phaeophytin cx* (Phe cx) 106. *Phaeophytin cy* (Phe cy) 107. *Phaeophytin cz* (Phe cz) 108. *Phaeophytin da* (Phe da) 109. *Phaeophytin db* (Phe db) 110. *Phaeophytin dc* (Phe dc) 111. *Phaeophytin dd* (Phe dd) 112. *Phaeophytin de* (Phe de) 113. *Phaeophytin df* (Phe df) 114. *Phaeophytin dg* (Phe dg) 115. *Phaeophytin dh* (Phe dh) 116. *Phaeophytin di* (Phe di) 117. *Phaeophytin dj* (Phe dj) 118. *Phaeophytin dk* (Phe dk) 119. *Phaeophytin dl* (Phe dl) 120. *Phaeophytin dm* (Phe dm) 121. *Phaeophytin dn* (Phe dn) 122. *Phaeophytin do* (Phe do) 123. *Phaeophytin dp* (Phe dp) 124. *Phaeophytin dq* (Phe dq) 125. *Phaeophytin dr* (Phe dr) 126. *Phaeophytin ds* (Phe ds) 127. *Phaeophytin dt* (Phe dt) 128. *Phaeophytin du* (Phe du) 129. *Phaeophytin dv* (Phe dv) 130. *Phaeophytin dw* (Phe dw) 131. *Phaeophytin dx* (Phe dx) 132. *Phaeophytin dy* (Phe dy) 133. *Phaeophytin dz* (Phe dz) 134. *Phaeophytin ea* (Phe ea) 135. *Phaeophytin eb* (Phe eb) 136. *Phaeophytin ec* (Phe ec) 137. *Phaeophytin ed* (Phe ed) 138. *Phaeophytin ee* (Phe ee) 139. *Phaeophytin ef* (Phe ef) 140. *Phaeophytin eg* (Phe eg) 141. *Phaeophytin eh* (Phe eh) 142. *Phaeophytin ei* (Phe ei) 143. *Phaeophytin ej* (Phe ej) 144. *Phaeophytin ek* (Phe ek) 145. *Phaeophytin el* (Phe el) 146. *Phaeophytin em* (Phe em) 147. *Phaeophytin en* (Phe en) 148. *Phaeophytin eo* (Phe eo) 149. *Phaeophytin ep* (Phe ep) 150. *Phaeophytin eq* (Phe eq) 151. *Phaeophytin er* (Phe er) 152. *Phaeophytin es* (Phe es) 153. *Phaeophytin et* (Phe et) 154. *Phaeophytin eu* (Phe eu) 155. *Phaeophytin ev* (Phe ev) 156. *Phaeophytin ew* (Phe ew) 157. *Phaeophytin ex* (Phe ex) 158. *Phaeophytin ey* (Phe ey) 159. *Phaeophytin ez* (Phe ez) 160. *Phaeophytin fa* (Phe fa) 161. *Phaeophytin fb* (Phe fb) 162. *Phaeophytin fc* (Phe fc) 163. *Phaeophytin fd* (Phe fd) 164. *Phaeophytin fe* (Phe fe) 165. *Phaeophytin ff* (Phe ff) 166. *Phaeophytin fg* (Phe fg) 167. *Phaeophytin fh* (Phe fh) 168. *Phaeophytin fi* (Phe fi) 169. *Phaeophytin fj* (Phe fj) 170. *Phaeophytin fk* (Phe fk) 171. *Phaeophytin fl* (Phe fl) 172. *Phaeophytin fm* (Phe fm) 173. *Phaeophytin fn* (Phe fn) 174. *Phaeophytin fo* (Phe fo) 175. *Phaeophytin fp* (Phe fp) 176. *Phaeophytin fq* (Phe fq) 177. *Phaeophytin fr* (Phe fr) 178. *Phaeophytin fs* (Phe fs) 179. *Phaeophytin ft* (Phe ft) 180. *Phaeophytin fu* (Phe fu) 181. *Phaeophytin fv* (Phe fv) 182. *Phaeophytin fw* (Phe fw) 183. *Phaeophytin fx* (Phe fx) 184. *Phaeophytin fy* (Phe fy) 185. *Phaeophytin fz* (Phe fz) 186. *Phaeophytin ga* (Phe ga) 187. *Phaeophytin gb* (Phe gb) 188. *Phaeophytin gc* (Phe gc) 189. *Phaeophytin gd* (Phe gd) 190. *Phaeophytin ge* (Phe ge) 191. *Phaeophytin gf* (Phe gf) 192. <

... ..

حضرت نواز مس کیمسوقہاوی فرعی انجمنہ علمی و سیاسیہ نواز مس

و کتب و اشعار و امور داخلی کشور تا این تاریخ داخل شد

مقامات و اعیان

فهرست منابع

۱. قرآن کریم
۲. ابراهیمی، نصرالله؛ *حقوق بین الملل خصوصی*، نشر سمت، چاپ دوم، تهران ۱۳۸۶ ش.
۳. ارفع نیا، بهشید؛ *حقوق بین الملل خصوصی*، جلد اول، نشر به تاب، چاپ دوم، تهران بهار ۱۳۸۸ ش.
۴. امامی، اسدالله؛ *مطالعه تطبیقی نسب در حقوق ایران و فرانسه*، چاپ اول، تهران، ۱۳۴۹ ش.
۵. امامی، سید حسن؛ *حقوق مدنی*، جلد پنجم، چاپ پانزدهم، قم، انتشارات اسلامی، ۱۳۷۴ ش.
۶. انوری، حسن؛ *فرهنگ بزرگ سخن*، جلد اول، نشر سخن، تهران ۱۳۸۱ ش.
۷. بالازاده، زهره؛ *حقوق بین الملل خصوصی ومقررات ایران در زمینه تابعیت، اقامتگاه و وضعیت بیگانگان*، چاپ اول، تهران، نشر مردم سالاری، ۱۳۸۳ ش.
۸. تحسین بدری، معجم مفردات اصول الفقه المقارن.
۹. سبحانی تبریزی، جعفر، *ارشاد العقول الی مباحث الاصول*، ج ۱.
۱۰. جعفری لنگرودی، ترمینولوژی حقوق.
۱۱. ——— محمد جعفر، *حقوق خانواده*، تهران، کتابخانه‌ی گنج دانش، جلد دوم، ۱۳۷۶ ش.
۱۲. جمعی از پژوهشگران زیر نظر سید محمود شاهرودی، فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت علیهم السلام، ج ۲.
۱۳. جهانگیر، منصور؛ *مجموعه تنقیح شده قوانین و مقررات حقوقی*، جلد اول، نشر دیدار، ۱۳۸۴ ش.
۱۴. دادمرزی، سیدمهدی؛ *"ترجمه تحریرالروضة فی شرح المعه"*، قم، ناشر کتاب طه، ۱۳۸۰ ش.
۱۵. دانش پژوه، مصطفی؛ *اسلام و حقوق بین الملل خصوصی*، جلد اول، قم، مرکز چاپ و انتشارات صحیفه وزارت امور خارجه و پژوهشکده حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۰ ش.
۱۶. دهخدا، علی اکبر؛ *لغت نامه دهخدا*، جلد ۲۸، نشر دانشگاه تهران، چاپ اول تهران آذر ۱۳۴۹ ش.
۱۷. روح الله خمینی، تنفیح الاصول، ج ۱.
۱۸. سلجوقی محمود، حقوق بین الملل خصوصی، جلد اول، نشر میزان، چاپ ششم، تهران ۱۳۸۷ ش.
۱۹. ——— بایسته‌های حقوق بین الملل خصوصی، جلد اول، چاپ چهارم، تهران، نشر میزان ۱۳۸۵ ش.
۲۰. صمدی اهری، م حمدهاشم؛ *نسب ناشی از لقاح مصنوعی در حقوق ایران و اسلام*، تهران، چاپ اول، کتابخانه گنج دانش، ۱۳۸۲ ش
۲۱. طباطبایی یزدی، *حاشیه بر مکاسب*، ص ۱ (قسمت خیارات).
۲۲. طباطبائی، منوچهر؛ *حقوق اساسی*، چاپ نهم، تهران، نشر میزان، ۱۳۸۶ ش
۲۳. عبد النبى عراقى نجفى، التقريرات المسمى بالمحاكمات بین الاعلام، ص ۴.
۲۴. عبده بروجردی، محمد؛ *کلیات حقوق اسلامی*، چاپ دوم، تهران، ۱۳۳۹ ش.
۲۵. علی بن حسین موسوی شریف مرتضوی، رسائل الشریف المرتضی، ج ۲.
۲۶. علی مشکینی، اصطلاحات الصول و معظم اباحتها.
۲۷. ———، *مصطلحات الفقه*.

۲۸. عمید، حسن؛ *فرهنگ فارسی عمید*، جلد اول، نشر امیرکبیر، تهران ۱۳۶۴ ش
۲۹. کاتوزیان، ناصر، دوره مقدماتی حقوق مدنی (حقوق خانواده) نشر میزان، تهران، چاپ هفتم ۱۳۸۹، ش.
۳۰. _____، مقدمه علم حقوق، انتشار، ۱۳۸۸ ش.
۳۱. مجلسی، محمدباقر؛ تنظیم و تصحیح جواد ذهنی تهرانی، *رساله حقوق حدود، قصاص، دیات*، چاپ اول، قم، ناشر پیام حق، ۱۳۷۸ ش.
۳۲. محمد حسینی، الدلیل الفقہی تطبیقات فقهیه لمصطلحات علم الاصول
۳۳. محمد مهدی کجوری شیرازی، الاجتهاد و التقليد، ۱۳۸۰ ش،
۳۴. مدنی، جلال‌الدین، حقوق بین الملل خصوصی، نشر جنگل، چاپ پنجم، تهران ۱۳۸۴ ش.
۳۵. مصفا، نسرین؛ کنوانسیون حقوق کودک و بهره‌وری از آن در حقوق داخلی ایران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۲ ش.
۳۶. مکی عاملی، محمد؛ *لمعه، دمشقیه*، ترجمه دکتر علی شیروانی، جلد دوم، چاپ سی ام، ناشر انتشارات دارالفکر، قم، ۱۳۸۵ ش.
۳۷. میرخلیلی، محمد، *ارث، طلاق، حضانت*؛ کتاب نقد، شماره ۳، سال سوم،
۳۸. ناصری، فرج‌الله؛ بررسی ماده پنجم اعلامیه جهانی رفع تبعیض از زن و مقایسه آن با مقررات قانونی ایران (تاثیر زناشویی در تابعیت زنان و آثار آن در حقوق ایران)، انتشارات سازمان زنان ایران، ۱۳۵۴.
۳۹. نصیری، محمد؛ *حقوق بین الملل خصوصی*، جلد اول و دوم، انتشارات آگاه، چاپ هفدهم، تهران، ۱۳۸۷ ش.
۴۰. نوربها، رضا، زمینه حقوق جزای عمومی، چاپ سی و چهارم، تهران: نشر گنج دانش، ۱۳۹۱.

منابع عربی

۴۱. ابو الحسین احمد بن فارس بن زکریا، معجم مقانیس اللغة، ج ۴.
۴۲. اسماعیل بن حماد جوهری، الصحاح - تاج اللغة و صحاح العربیه، ج ۶.
۴۳. خوئی، سید ابوالقاسم؛ *مستحدثات المسائل*، قم، دارالهادی، ۱۳۹۶ ه ق.
۴۴. الرازی (محمد بن ابی بکر بن عبد القادر) عبدالقادر، مختار الصحاح، تحقیق: شمس الدین، احمد، بیروت - لبنان، ناشر: المطبعة دار الکتب العلمیه، الطبعة الاول، ۱۴۱۵ ه و ۱۴۹۴ م.
۴۵. عبد النبی عراقی نجفی، التقارير المسمی بالمحاكمات بین الاعلام.
۴۶. قیم عبد النبی، *فرهنگ معاصر عربی به فارسی*.
۴۷. مبارک بن محمد ابن اثیر، جزری، النهایه فی غریب الحدیث و الاثر.

پایان نامه

۴۸. تاراسی، زینب؛ اعطای تابعیت مادر به فرزند، پایان نامه برای اخذ درجه کارشناسی ارشد (M.A)، رشته حقوق خصوصی، دانشگاه آزاد اسلامی علوم و تحقیقات زنجان (۱۳۹۲)
۴۹. ذاکری حدادان، عادل، تابعیت طفل متولد از مادر ایرانی و پدر خارجی و آثار آن با مطالعه تطبیقی در حقوق

افغانستان، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علوم و تحقیقات تهران، تابستان ۱۳۹۲ش
۵۰. علی محمد چارلی، نورارش، بررسی وضعیت فرزندان متولد از مادر ایرانی و پدر خارجی و انطباق مقررات
مربوط به اسناد حقوق بشر، دانشگاه تهران پایان نامه اخذ کارشناسی ارشد سال ۱۳۹۰ش

قوانین و مقررات

- ۵۱. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران
- ۵۲. قانون مدنی جمهوری اسلامی ایران
- ۵۳. قانون ازدواج مصوب ۱۳۱۰
- ۵۴. مجموعه قوانین ۱۳۱۷ و ۱۳۴۵ و ۱۳۷۲
- ۵۵. مجموعه نظرات مشورتی اداره‌ی حقوقی وزارت دادگستری

مقاله و سایت و نشریات

- ۵۶. ارفع نیا، بهشید؛ مقاله اطفال متولد در ایران از مادر ایرانی، منتشره در مجله کانون وکلا، شماره ۱۹۲ و ۱۹۳ بهار و تابستان ۱۳۸۵ش
- ۵۷. ارفع نیا، بهشید؛ *ازدواج و تابعیت، حقوق زنان*، ش ۲، ۱۳۷۷ش
- ۵۸. امین، سیدحسن (۱۳۵۰). ازدواج با غیر مسلم. کانون، دوره اول، شماره ۱۱.
- ۵۹. بداغی، فاطمه؛ *ازدواج و تابعیت زن ایرانی*، سایت موسسه عدل فردوسی
- ۶۰. پایگاه اینترنتی دفتر یونیسف در ایران، قابل دسترسی در:

Available at: <http://www.unisef.org/iran/media>

- ۶۱. روزنامه اعتماد، شماره ۲۷۷۳، تاریخ ۱۳۹۲/۶/۱۹
- ۶۲. عابدین، میرحسین، (۱۳۷۸)، ابعاد حقوقی ازدواج با خارجی، نشریه مجلس و پژوهش، شماره ۲۸
- ۶۳. فدوی، سلیمان، نقدی بر قانون واحده تعیین تکلیف فرزندان حاصل از ازدواج زنان و مردان خارجی، نشریه کانون وکلا، زمستان ۱۳۸۵، شماره ۱۹۵
- ۶۴. کنوانسیون حقوق کودک قابل دسترسی در:

Tafatton.ir/plugins/content/conteny326.php.

- ۶۵. مجموعه قوانین سال ۱۳۷۲، چاپ روزنامه رسمی کشور
- ۶۶. مجموعه نظرهای مشورتی قبل از انقلاب.
- ۶۷. نائینی، احمد رضا، (۱۳۸۹). فلسفه تابعیت، مجله ماه و تاریخ و جغرافیا، دوره جدید، شماره ۱۴۷
- 68. united states office of personnel management investigations service, citizenship laws of the world, 2008,p;12
- 69. jbid,pp;20-21
- 70. http://en.wikipedia.org/wiki/E_mirates.
- 71. <http://www.upr.bh/hrbc/nationality.pdf.online>
- 72. <http://en.wikipedia.org/wiki/Pakistani-nationality-law>
- 73. united states office of personnel management investigations service , citizenship laws of the world , 2008, pp:50-51

74. Richard W. Flourony , Manley Ottmer Hudson, A Collection of nationality laws of various countries ,New York: Oxford University Press , 1989 ,p:384
75. <http://www.ces.fas.harvard.edu/publications/docs/pdfs/Boes.pdf>.online
76. Andrew sharp, Defining BritishCitizenship: Empire, Commonwealth and Modern Britin, Good win Gil, 2002, pp:84-89.
77. United States Office of Personnel Management Investigations Service, Citizenship Laws of the World, 2008, p:101.
78. http://www.worldhngo.com/ma/enwiki/en/Swiss_Nationality_law.online
79. David Cesarani and Mary Fulbrook, citizenship, Nationality and Migratinon in Europe, London: Routledge, 2003, pp:146-153.
80. http://en.Wikipedia.org/Wiki/Dutch_nationality_law.

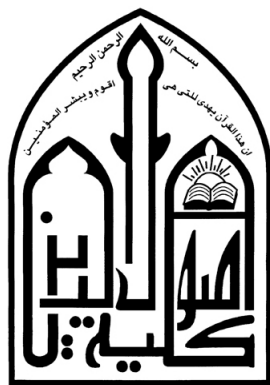
۸۱. دانش پژوه، مصطفی/بنیاد دایره المعارف اسلامی برگرفته از سایت :

<http://www.encyclopaediaislamica.com/madkhal2.php?sid=2999>

Abstract

Currently, many of foreign people were immigrated to Iran because of their bad political, security and social conditions and then married with Iranian women. Because of the weak rules of the nationality of their children, and also their mother was Iranian and were born in Iran, but they are not Iranian and this made a lot problem for their children. But in 2007, the lawmakers rectified the laws of immigration to resolve their problems, also they approved an article with two notes, but there are many problems in their lives. The failed tries of The Islamic Consultative Assembly in 2012 for approving 2007 article were rejected by The Council of guardians because of the lack of financial, but in the rectify of 2016, one urgency of the nationality rules that one of its notes were about the children of Iranian mother and foreign father. Based on it, their mother can request for the Iranian nationality, under 18 and after that, the children itself can request it. But until now, no joint commission were selected. It seems that ratifying this article is an essential work to be synchronize with the current needs of Iranian and international community. Based on it, in this work with description-analytic method and library method with Islamic and law references, the issue of the children from Iranian women and foreign men were studied.

Keywords: nationality, mother, foreign father, child, Iranian law system



Usul al-Din College-Qom
Department of Jurisprudence and Islamic Law
MA Thesis

Title
**Comparative Study Of The Transfer Of The Mother-
Child`S Right Of Motherhood To Imami
Jurisprudence And The Legal System Of The Islamic
Republic Of Iran**

Supervisor
S. M. A.Tohidi. Ph.D.

Prepared By
Maedeh Jahed

Winter 2019